

سیاست کارکن

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۹۱

سیاست کارکن

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۹۱

سیاست کارکن
فصلنامه کمیسیون مشترک
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۹۱

ضرورت سیاست گذاری و مطالبات رهبری

گزیده بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با تولید ملی

تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع

- تحلیل وضعیت تولید ملی: چالش ها، سیاست های ابلاغی و قوانین موجود
- موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد ایران
- بررسی موانع و معضلات بخش تولید از دیدگاه تولیدکنندگان

سیاست های پیشنهادی

- گزارش توجیهی سیاست های کلی نظام در زمینه تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی
- ارزیابی پیش نویس سیاست های "تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی"
- سیاست های کلی پیشنهادی حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی و اقتصاد مقاومتی
- جهاد اقتصادی در بخش های امور زیربنایی و تولیدی

گزارش

- معرفی، نقد و ارزیابی کتاب "رویارویی سوم و جهاد اقتصادی"



دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

کمیسیون مشترک

فصلنامه سیاست کلان

صاحب امتیاز: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول: علی احمدی

سر دبیر: نوراله قیصری

مدیر اجرایی: عبدالعلی کریمی

چاپ و نشر: معاونت اطلاع رسانی و پژوهش - اداره کل اطلاع رسانی

طراحی جلد و صفحه آرایی: محمود خستو

ویراستار: رضا نظرپور

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

• مطالب مندرج در فصلنامه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آنها به معنی تأیید همه یا بخشی از آن نیست.

• نقل قول مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

• فصلنامه در پذیرش، رد و ویرایش مقالات آزاد است.

نشانی: تهران، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۶۵، طبقه چهارم

شماره تماس: ۲۶۴۰۵۹۳۱ - ۲۶۴۰۵۹۳۲، دورنگار: ۲۶۴۰۵۹۳۱ - ۲۶۴۰۵۹۳۲

همکاران این شماره:

- کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و امور اداری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- کمیسیون مشترک دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- اداره اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران

دعوت به همکاری علمی

از صاحب نظران و پژوهشگران علاقه مند به سیاست‌های کلی نظام و سایر مباحث مرتبط و مشابه دعوت می‌شود، آثار پژوهشی: مقاله، نقد و بررسی آثار خود را برای انتشار به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

شیوه نامه نگارش مقاله

از نویسندگان محترم، تقاضا می شود آثار پژوهشی را مطابق با شیوه نامه مصوب مطابق شیوه نامه فصلنامه تدوین و ارائه فرمایند.

۱. مقاله در کاغذ A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه ها و میان سطرها، در محیط (word ۲۰۰۷)، متن مقاله با قلم B Lotus ۱۳ (لاتین ۱۰ Times new roman) و یادداشت ها و کتابنامه B Lotus ۱۲ (لاتین ۱۰ Times New Roman) حروفچینی شود.

۲. در ابتدای مقاله چکیده فارسی و انگلیسی (حداکثر ۱۸۰ کلمه) آورده شود، که شامل خلاصه موضوع مقاله، روش تحقیق و مهمترین نتیجه گیری همراه با واژگان کلیدی باشد.

۳. پس از چکیده؛ ارائه بخش های مقدمه، چارچوب نظری، روش تحقیق، یافته های تحقیق، نتیجه گیری و فهرست منابع ضروری است.

۴. نثر مقاله و شیوایی نگارش از جمله معیارهای مهم داوری مقاله است.

۵. معادل لاتین اسامی و مفاهیم مهم در پاورقی هر صفحه آورده شود.

۶. برای ارجاع به منابع در داخل متن به صورت (نام مولف، سال انتشار: شماره صفحه) عمل شود. مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۳)

۷. چنانچه از نویسنده ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

۸. در پایان مقاله فهرست الفبایی منابع در مورد استفاده انگلیسی و فارسی به طور جداگانه به شکل زیر ارائه شود.

o کتاب: نام خانوادگی، نام: (سال انتشار کتاب) عنوان کتاب، نام شهر: نام ناشر.

o مقاله، نام خانوادگی، نام، (سال انتشار) "عنوان مقاله"، نام مجله یا کتاب، دوره (شماره): شماره صفحات مقاله، مثلا صص ۴۵-۶۵.

o پایان نامه: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار) عنوان پایان نامه، مقطع تحصیلی، دانشکده، دانشگاه.

o گزارش: نام سازمان (سال انتشار) عنوان گزارش.

o منابع اینترنتی: نام خانوادگی، نام. (تاریخ مطلب): نشانی کامل سایت: تاریخ کامل اخذ مطلب.

o فرهنگ لغت یا دایره المعارف: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار) عنوان فرهنگ لغت یا دایره المعارف (شماره: صص)، محل نشر: نام ناشر.

o مقاله ارائه شده در همایش: نام خانوادگی، نام. (سال برگزاری همایش) «عنوان مقاله» ، نام همایش یا مجموعه مقالات همایش محل برگزاری همایش، تاریخ کامل همایش. (صص)

o کتاب (ترجمه): نام خانوادگی، نام. (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر: نام ناشر.

۹. حجم مقاله، از ۶۰۰۰ کلمه کمتر و از ۸۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

۱۰. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.

۱۱. مقاله ارسالی نباید همزمان به سایر مجلات فرستاده شده باشد.

۱۲. فصلنامه «سیاست کلان»، در اصلاح و ویرایش آثار ارسالی آزاد است.

۱۳. کلیه حقوق مادی و معنوی برای فصلنامه سیاست کلان محفوظ است، و آن دسته از نویسندگان محترمی که درصدد انتشار مقاله خود در فصلنامه سیاست کلان، در مجموعه مقالات، یا بخشی از یک کتاب هستند، لازم است با ارائه درخواست کتبی، موافقت فصلنامه را اخذ نمایند.

فهرست مطالب

- ۹ • گزیده بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با تولید ملی / عبدالعلی کریمی
- ۲۷ • تحلیل وضعیت تولید ملی: چالشها، سیاست های ابلاغی و قوانین موجود /
برگرفته از جلسات کارشناسی در کمیسیون مشترک
- ۷۱ • موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد ایران / برگرفته از گزارش بانک مرکزی
جمهوری اسلامی ایران
- ۸۹ • بررسی موانع و معضلات بخش تولید از دیدگاه تولیدکنندگان / برگرفته از
جلسات کارشناسی در کمیسیون مشترک
- ۹۳ • گزارش توجیهی سیاست های کلی نظام در زمینه تولید ملی و حمایت از کار
و سرمایه‌ی ایرانی / کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و امور اداری
- ۱۷۳ • ارزیابی پیش نویس سیاست های "تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه
ایرانی" / مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
- ۱۸۱ • سیاست های کلی پیشنهادی حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی و
اقتصاد مقاومتی / کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی
- ۱۹۵ • جهاد اقتصادی در بخش های امور زیربنایی و تولیدی / کمیسیون امور
زیربنایی و تولیدی
- ۲۲۹ • معرفی، نقد و ارزیابی کتاب "رویاری سوم و جهاد اقتصادی" دکتر محسن
رضایی / وحید شقاقی

پیشگفتار

نگاه به تولید از آن جهت حائز اهمیت است که توسعه اقتصادی بدون رشد مستمر "تولید ناخالص داخلی" و تغییرات ساختاری سهم بخشهای عمده اقتصادی در تولید ملی، تحقق نمی یابد. بنابراین می توان تولید را اولین گام برای اعمال تغییرات و دگرگونیهای ساختاری در اقتصاد کشور و در چارچوب نظام ارزشهای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و نیز پیش زمینه توسعه اقتصادی دانست. از جمله نتایج پیمودن این فرایند عبارتند از: ارتقای سطح زندگی مردم، رشد عزت نفس جامعه، استقرار نظام ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و گسترش حدود متغیرهای انتخاب مردم.

هریک از بخش های این فصل نامه، به بررسی تفصیلی جنبه خاصی از موضوع پرداخته است و برخی نتیجه گیری ها را که در جریان بررسی نقشی اصلی داشته اند به خواننده القاء می کند. با مطالعه این مباحث یک رشته ملاحظات کلی قابل استنتاج بوده و در این زمینه برخی تجربه های مرتبط برای تشریح موضوع آورده شده است. به هیچ وجه قصد متقاعد کردن خواننده برای قبول این برداشت ها و ملاحظات را نداشته و هدف از آن ترغیب خواننده به پی گیری موضوع است.

در سیر بررسی موضوع می توان چندین مرحله متمایز را مشاهده کرد. در بحث انتخاب عنوان پیش از طرح عنوان تولید ملی، مقام معظم رهبری پیرامون نام گذاری دهه چهارم انقلاب (دهه پیشرفت و عدالت) هر یک از سالهای اولیه این دهه را نام گذاری کردند (همت مضاعف و کار مضاعف، اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی، ...، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی). با نام گذاری سال ۱۳۹۱ به عنوان سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، دو دیدگاه مطرح شد. یکی اینکه شعار سال موقتی و مختص به یک سال بوده و نیاز به سیاست گذاری ندارد؛ مهم آن است که جهت گیری فعالیت ها معطوف به آن شعار باشد. لذا نمی توان برای یک امر موقت یک سلسله سیاست میان مدت نوشت. دیدگاه دوم بر این مبنا بود که این عنوان هرچند شعار یک سال است اما نکته ای کلیدی است و نیازمند سیاست های کلی حداقل میان مدت است. اما در این میان معتقدین به این دیدگاه خود دو دسته بودند.

یک دسته استدلال می کردند که در سیاست های کلی که قبلاً ابلاغ شده است، مولفه های مربوط به تولید ملی و رفع موانع تولید در آنها لحاظ شده و نیازمند سیاست گذاری جدید نیست. باید از دستگاه مرتبط اجرای همان سیاست های قبلی خواسته شده و بر آن تأکید گردد. دسته دوم استدلال می کردند که اولاً سیاست های قبلی در یک فضا و شرایط دیگری تهیه شده است و حال آنکه الان شرایط متفاوت است. بعلاوه دانش سیاست گذاری قابل انباشت است و الان تجربه جدیدی

در سیاست گذاری وجود دارد. مهمتر آنکه اگرچه بندهای سیاستی در مورد تولید ملی قبلاً تهیه و ابلاغ شده است، اما این بندهای سیاستی جامع و مانع نیستند و لازم است با محوریت تولید ملی، آن مجموعه سیاست ها منسجم شوند و برخی خلاء های سیاست گذاری مرتفع گردد.

پس از این استدلال، سیاست گذاری کلان برای تولید ملی (با توجه به فرایندی که مقام معظم رهبری برای تبیین عناوین سیاست گذاری ابلاغ فرمودند) مورد پذیرش واقع شد. معظم له فرمودند که برای تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی سیاست های کلان نوشته شود. لذا بحث تولید ملی در مسیر تدوین سیاست های کلی قرار گرفت و در این زمینه مجموعه ای از بررسی ها ارائه گردید.

در همین راستا کمیسیون مشترک بررسی الزامات، چالشها و راهکارهای اجرای سیاست های مزبور را در اولویت پژوهشی و سیاست گذاری خود قرار داده و با اتکا به مطالعات و پژوهشهای انجام شده در کشور، مجموعه حاضر را تهیه و برای استفاده در اختیار مسئولان، برنامه ریزان، سیاستگذاران و سایر علاقمندان قرار داده است. در این شماره از فصلنامه سیاست کلان، برخی مسائل مربوط به حوزه تولید ملی در ابعاد مختلف آورده شده است. در بخش اول گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با تولید ملی آورده شده است. در بحث بعدی با کمک گرفتن از سه مقاله و گزارش به تحلیل وضعیت موجود تولید ملی، آسیب شناسی و بررسی موانع پرداخته و سپس موضوع سیاستگذاری در ارتباط با تولید ملی را با ارائه چهار مقاله مرتبط، به بحث گذاشته ایم. در پایان نیز یک کتاب مفید و مرتبط با موضوع تولید ملی، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

از نقطه نظرهای فرهیختگان، اساتید و پژوهشگران محترم در نقد مقالات استقبال می کنیم؛ به امید آنکه این اقدام، پیش درآمدی باشد برای هم راستایی اهداف و تلاشهایی که به منظور توسعه و گسترش تولید ملی در کشور انجام می شود.

مدیر مسئول

گزیده بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با تولید ملی

تدوین: عبدالعلی کریمی^۱

چکیده

نامگذاری سال ۱۳۹۱ با عنوان سال «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، از سوی مقام معظم رهبری، حاکی از اهمیت راهبردی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی در شرایط کنونی برای کشور، نظام و مردم است. به دلیل اهمیت این موضوع و در راستای آشنایی بیشتر مسئولان، برنامه ریزان، سیاستگذاران، کارآفرینان و سرمایه گذاران کشور با دیدگاه‌های معظم له، در این نوشتار تلاش شده است؛ اهمیت، ضرور، ابعاد و چگونگی تحقق هدف راهبردی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، در بیانات ایشان استخراج و تدوین گردد.

واژگان کلیدی:

تولید ملی، تولید داخلی، خودکفایی، استقلال کشور، امنیت شغلی، تجارت جهانی، سرمایه ایرانی.

۱ - کارشناس ارشد برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی و کارشناس پژوهش کمیسیون مشترک

مقدمه

گرچه دغدغه‌های فرهنگی و ارتقای معنویت در جامعه همیشه و همچنان در زمره اساسی‌ترین تاکیدات رهبری است؛ اما بی تردید در سالهای اخیر مسائل اقتصادی اهمیتی دوچندان یافته‌اند. انتخاب مجدد یک عنوان اقتصادی، یعنی «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، برای سال ۱۳۹۱ مؤید این موضوع است. نامگذاری سال ۱۳۹۱ با عنوان سال «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، از سوی مقام معظم رهبری، حاکی از اهمیت راهبردی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی در شرایط کنونی برای کشور، نظام و مردم است. تحقق فرمایش مقام معظم رهبری نیازمند حرکتی جهادی، تلاشی مضاعف، و اصلاح در رویه‌ها از سوی همه دستگاه‌های تولیدی، اجرایی، عمرانی و اقتصادی کشور می‌باشد. در این میان، دستگاه‌های اجرایی کشور می‌بایست در جهت تحقق این هدف والای ملی گام بردارند و با توجه به ظرفیت‌های عظیم ملی، خدمت‌رسانی بهینه را به مردم داشته‌باشند. بدون شک با تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، میتوان حرکت کشور را در طی پروسه ترقی و پیشرفت، تسهیل و استوار نمود؛ و با تقویت اقتدار ملی، تحریم‌های اقتصادی و ترندهای فرهنگی دشمن را خنثی نمود.

به دلیل اهمیت این موضوع و در راستای آشنایی بیشتر مسئولان، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران کشور با دیدگاه‌های معظم له، در این نوشتار تلاش شده است؛ اهمیت، ضرورت، ابعاد و چگونگی تحقق هدف راهبردی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، در بیانات ایشان استخراج و در چند موضوع مهم طبقه‌بندی گردد.

موضوعات داخلی و اصلاح فرهنگ و رفتار مصرف و خرید

ما باید فرهنگ کشور خودمان را به سمت ترویج تولید داخلی تسبیق و تنظیم کنیم، و پیش ببریم. این خیلی چیز مهمی است.^۱

۱-بیانات در دیدار جمعی از معلمان پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۰۲/۰۹

سالها در این کشور این گونه تبلیغ می شد که ایرانی توانایی ساخت کالای خوب و با کیفیت را ندارد؛ و متأسفانه بقایای آن فرهنگ هنوز باقی است. اما کارگران با بالا بردن تواناییهای خود و ارتقای کیفیت تولیدات، می توانند زمینه ساز حفظ عزت و اعتبار عمومی کشور در خصوص صنایع و تولیدات داخلی باشند.^۱

در گذشته، سالهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته‌های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته میشد این جنس خارجی است؛ این یک استدلال تام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب‌تر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود.^۲

یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه ی آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته ی به تولیدات بیگانه باشند. یک وقت تولید داخلی نداشتیم؛ یک وقت تولید داخلی، تولید غیر قابل مصرفی بود؛ امروز اینجوری نیست؛ امروز تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوب است. در عین حال یک عده ای خوششان می آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباسشان هست یا روی وسیله ی خوراکی شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد. این کار، توجه نکردن به این است که ما در این مملکت داریم زندگی میکنیم و از نعمتهای الهی در این کشور داریم برخوردار میشویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می آوریم، می ریزیم توی جیب یک کارگر خارجی، به زیان یک کارگر داخلی. این معنایش این است که ما به نیاز داخل، به کارگر داخل که دارد زحمت میکشد و جنس تولید میکند، بی اعتنائی میکنیم، میرویم سراغ کارگر خارجی. این خیلی عادت بدی است.^۳

من با سوغاتی خریدن مخالف نیستم، اما با این بازارگردی ها چرا؛ خیلی بد است. یک عده ای عطش بازارگردی دارند؛ اینها ملت شما را، مردم شما را سبک

۱ - دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۰/۰۲/۱۳۸۶

۲ - بیانات در دیدار جمعی از معلمان پرستاران و کارگران ۰۹/۰۲/۱۳۸۸

۳ - بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۰۷/۰۲/۱۳۹۰

میکنند؛ حیف است. میروند یک جنسهایی را میخرند، غالباً هم جنسهایی بی کیفیت از کشورهای دوردستِ سودجو، که با همان کمپانی‌های داخل آن کشور میزبان، بندوبست دارند. برای حجاج جنس بدلی و بی کیفیت درست میکنند می آورند توی این بازارها میریزند، شما هم میروید این ارز خودتان را و عرض خودتان را میریزید؛ برای اینکه این کالاهای بی کیفیت را خریداری کنید^۱.

بعضی‌ها قبل از اینکه سفر مکه بروند، سوغاتی‌های سفر را در اینجا میخرند - کار خوبی است - نگه میدارند؛ بعد که برگشتند، همانهایی را که در بازار شهر خودشان تهیه کرده اند، به عنوان سوغاتی میدهند. هدیه ی سفر است دیگر، خوب است. این کار، خیلی کار خوبی است.^۲

رواج قاچاق، رباخواری، مصرف‌گرایی افراطی و گرایش به تفاخر در استفاده از مصنوعات خارجی، در مقابل نمونه‌های داخلی آن، معنایش این است که کارگر ایرانی را به نفع کارگر خارجی بیکار می‌کند. ... وقتی مناسبات غلط اقتصادی در جامعه حاکم باشد، وقتی رانت خواری رواج داشته باشد، وقتی سوءاستفاده‌ی از قدرت برای به دست آوردن ثروتهای بادآورده رواج داشته باشد، کسی که تولید کننده و زحمتکش واقعی است ناامید می‌شود. کشاورزی که زحمت می‌کشد، صنعتکاری که تولید می‌کند، سرمایه‌داری که سرمایه‌گذاری می‌کند، معدنکاری که عرق می‌ریزد، معلمی که در مدرسه درس می‌گوید، استادی که در دانشگاه تدریس می‌کند، قاضی‌بی که وقت و اعصاب خود را به کار صحیح صرف می‌کند؛ وقتی ببینند راه برای مناسبات غلط اقتصادی در جامعه باز است و با آن برخورد نمی‌شود، مأیوس می‌شوند.^۳

در گذشته، سالهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته‌های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته میشد این جنس خارجی است؛ این یک استدلال تام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب‌تر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود.^۴

۱ - بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۰/۰۷/۱۱

۲ - بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۰/۰۷/۱۱

۳ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

۴ - بیانات در دیدار جمعی از معلمان پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۰۹/۰۲

البته کیفیت تولید داخل در این مؤثر است. تبلیغ نکردن بیجا و بی‌رویه‌ی تولیدات خارجی در این مؤثر است، تشویق کارآفرین داخلی در این مؤثر است، وجدان کاری در کننده‌ی کار، چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس، در این مؤثر است. دولت نقش دارد، مسئولین نقش دارند، خود کارگر نقش دارد، کارآفرین نقش دارد، تاجر وارد کننده‌ی کالای خارجی نقش دارد، همه باید دست به دست هم بدهند؛ تا تولید داخل رجحان پیدا کند، ارزش پیدا کند و فرهنگی بر جامعه‌ی ما و بر ذهنهای ما حاکم شود، که مصرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم.^۱

استقلال عامل ابتکار و شکوفایی علمی و فن آوری

آن روز ساده‌ترین چیزها را هم باید دیگران می‌آوردند و می‌ساختند. پول ما را می‌گرفتند ما را تحقیر می‌کردند؛ اما برای ما نوع نازش را تهیه می‌کردند. امروز جوانهای ما پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین فناوری‌ها را آورده‌اند در میدان دید عمومی قرار داده‌اند؛ که نمونه‌هایش را شنیده‌اید و می‌دانید. آنچه در معرض افکار عمومی و دید عمومی است بمراتب کمتر از واقعیت است. آن روز اگر می‌خواستند روی یک رودخانه سدی ببندند باید می‌رفتند از چهار تا کشور التماس می‌کردند و پولهای کلان به اینها می‌دادند تا بیایند سدی درست کنند؛ آن هم در مواردی نامطمئن. امروز جوانهای خود ما، لاقلاً ده‌ها برابر آن روز و یقیناً بیشتر به دست خودشان این چیزها را می‌سازند. کشور رشد کرده، علم کشور رشد کرده، رشد اقتصادی کشور بمراتب از آن روز بهتر است. توسعه‌یافتگی کشور از آن روز بیشتر است. معنویت و اخلاق کشور قابل مقایسه‌ی با آن روز نیست. اعتماد به نفس ملی امروز صد برابر آن روز است؛ و بالاتر از همه این که امروز کشور مستقل است. همه‌ی این جنجالها و بداخلاقی‌های جهانی هم که می‌بینید به‌خاطر این استقلال است، این استقلال را مجاهدت مردم برای این کشور به ارمغان آورد این راه برگشت‌یافتنی نیست.^۲

آن‌ها ایران را عقب انداختند. آن‌ها به روح ابتکار و شوق کار در کشور

۱- بیانات در دیدار جمعی از معلمان پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۰۲/۰۹

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

لطمه زدند. انقلاب آمد وضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده ترین کارها را دارند انجام میدهند. این همه زیرساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ، این همه کارهای پیچیده ی فنی با ذهن و ابتکار جوان ایرانی دارد انجام می گیرد.^۱

واردات، روش نامطلوب ارتقای کیفیت مصنوعات داخلی

فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهم تر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است. این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسئولین - مسئولین گوناگون در بخشهای مختلف دولتی - گفتم: اگر فلسفه ی شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته های صنعتی این است که می گوئید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاستهایی وجود دارد که می شود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده ی داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالا ببریم.^۲

ما امروز تولیدات داخلی زیادی داریم، هم در زمینه ی صنعت، هم در زمینه ی کشاورزی. باید به کیفیت اینها اهمیت بدهیم، کیفیت اینها را بالا ببریم ، باید جوری باشد که مصرف کننده احساس کند آنچه که در کشورش تولید می شود؛ به دست کارگر ایرانی تولید میشود؛ از لحاظ کیفیت یا بهتر از نوع خارجی است؛ یا لاقل همسطح آن است.^۳

به نظر من یکی از قلمهای مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند

۱-بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ۱۳۹۱/۰۱/۱۲

۲-بازدید از نمایشگاه توانمندی های صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۰۱/۰۹

۳-بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۰۱/۰۱

سراغ کالای ساخت داخل؛ آنرا بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.^۱

لازمه‌ی افزایش کیفیت تولیدات داخلی و بالا بردن بهره‌وری ارتقای آموزشهای فنی و حرفه‌ای و ایجاد زمینه برای ابتکارات کارگران است.^۲

برخی محصولات داخلی دارای قدرت رقابت، و برخی دیگر به مراتب بهتر از کالاهای مشابه خارجی اند که باید این ویژگی را به همه کالاها و مواد تولیدی خوراکی پوشاکی و وسائل زندگی تعمیم داد.^۳

قاچاق عامل فساد و حرام شرعی است

پدیده قاچاق و قاچاق‌فروشی ضربه به اقتصاد و هویت ملی کشور و همه برنامه‌ریزی‌بهاست. این از لحاظ شرعی یک عمل ممنوع و حرام قطعی است. چون موجب افساد است. ...جنس قاچاق تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج، و اشتغال سالم را محدود می‌کند.^۴

جای مقابله با فساد قاچاق فقط مرزها نیست. جنس قاچاق را باید دنبال کرد تا آنجایی که در معرض فروش قرار داده می‌شود. جنس قاچاق تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج، و اشتغال سالم را محدود می‌کند. بخش بازرگانی و بخش تولید و صنعت می‌توانند به هم کمک کنند. بازرگانی کشور می‌تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد.^۵

ارتقای کیفیت پیش شرط ترجیح مصنوعات داخلی

۱ - بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۰۷

۲ - دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۸۶/۰۲/۱۰

۳ - دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۰۷

۴ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۰۴/۱۰

۵ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۰۴/۱۰

شما امروز ببینید در دنیا کمپانی‌هایی هستند؛ صد سال است اینها دارند کار میکنند، صد و پنجاه سال است دارند کار میکنند و محصولاتشان در دنیا فروش می‌رود. اسم اینها کافی است که جنس را تو بازار رایج کنی؛ به خاطر اینکه درست کار کردند، خوب کار کردند، مشتری مطمئن است به اینها. شما می‌گوئید که ما سفارش کنیم به مردم که تولیدات داخلی را مصرف کنند. من که خب چند سال است دارم سفارش میکنم؛ بنده که بارها گفته‌ام، منتها این با شعار درست نمی‌شود. خب، بله یک مقداری مردم حالا یک اعتمادی بکنند، یک اعتنائی بکنند به حرف ما؛ به خاطری که مثلاً ما گفتیم، بروند یک مقداری چه کنند؛ این یک بخشی از قضیه است. یک بخش دیگر هم مربوط به کیفیت است. خب کیفیت را باید بالا برد؛ کیفیت‌ها را باید بالا برد.^۱

غلبه بر دشمن

اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند، و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالش‌هایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه‌ی کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین مسئله‌ی تولید ملی، مسئله‌ی مهمی است. اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله‌ی تورم حل خواهد شد؛ مسئله‌ی اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده‌ی این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه‌ی دشمن، کینه دشمن هم تمام خواهد شد.^۲

اراده سیاسی، تلاش و جدیت ضامن استقلال ملت

آمریکا قادر نیست سرنوشت ملتی را که دارای عزم و اراده سیاسی است و کار، تلاش و جدیت را مبنای حرکت خود قرار داده است به دست بگیرد، چنین

۱ - بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

۲ - پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱

ملتی در مقابل زیاده خواهانی مانند آمریکا می‌ایستد و بر سینه او دست رد می‌زند، اما مردمی که اهل کار و ابتکار و تلاش نباشند و خود را به اداره امور کشور و تولید نیازهای خود موظف ندانند؛ شرایطی را پدید می‌آورند که موجب تسلط آمریکا بر کشورشان می‌شود.^۱

محاصره اقتصادی و شکوفایی استعداد های داخلی

محاصره اقتصادی موجب می‌شود که نیروهای مؤمن و با اخلاص و پُراستعداد داخل کشور بیشتر به تحرک وادار شوند و تلاش کنند. کمالین که در دوران جنگ تحمیلی که ما را محاصره کردند و ملت ما به ابزارهای جنگی احتیاج داشت، جوانان و مغزهای متفکر ما دنبال ساخت ابزارهای جنگی رفتند؛ و چیزی را که آن روز لازم داشتند؛ تولید کردند. در بخشهای گوناگونِ دیگر هم همین‌طور است. وقتی ملتی را محاصره کنند آن ملت بیشتر به خود و درون خود متوجه می‌شود و سعی می‌کند از استعداد درونی خود استفاده نماید.^۲

امروز متخصصین ما در ارتش و سپاه نیازهای دفاعی را در داخل کشور تولید و تأمین می‌کنند؛ اما مصالح ملی ایران ایجاب نمی‌کند که فهرست تولیدات دفاعی خود را منتشر و تبلیغ کنیم. جوانان ایران اسلامی با احساس تکلیف و شور و شوقی که دارند ابزار مورد نیاز را برای تأمین امنیت کشور تولید می‌کنند؛ که شکاری بمبافکن پیشرفته آذرخش یک نمونه محسوب می‌شود.^۳

امروز ثروتمندان زیادی در کشور ما هستند که برخوردار از ثروتند؛ این ثروت را می‌توانند در سرمایه گذاریهای سودمند و افتخارآفرین به کار بزنند؛ هم برای خودشان سود دارد، هم برای مردم سود دارد و هم مایه ی رضای خدا می‌شود؛ سرمایه گذاری ثروتمندان در کارهایی که به تولید کشور و به افزایش محصول

۱- دیدار جمع زیادی از کارگران استادان معلمان و فرهنگیان ۱۳/۰۲/۱۳۷۴

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور ۰۵/۰۵/۱۳۸۱

۳- حضور رهبر معظم انقلاب در مراسم اردوی رزمی ثارالله ۲۵/۰۷/۱۳۷۶

در درون کشور- با بهره‌دهی بالا منتهی می‌شود، یک عبادت و یک ثواب است. این راه باز است؛ می‌تواند سرمایه‌گذاری کند، تولید ثروت کند؛ مدیریت کشور هم مراقبت کند که همه‌ی طبقات برخوردار بشوند و طبقات ضعیف هم بتوانند از فرصتها استفاده کنند تا از ضعف خارج بشوند؛ همه توانایی پیدا بکنند.^۱

اعتقاد کارگر ایرانی

امروز کارگر و صنعتگر جمهوری اسلامی ایران کار را عبادت می‌داند؛ و بر این اساس جنس تولید می‌کند و مصنوعات کنونی ما در بسیاری موارد حتی بهتر از تولیدات خارجی است.^۲

تولید علم و وظیفه‌ای تاریخی است

تلاش جدی برای تولید علم و دانش وظیفه تاریخی نخبگان، عالمان و محققان کشور است و مسؤولان نیز در فراهم ساختن زمینه تحقق این هدف بسیار مهم، وظایف سنگینی بر عهده دارند.^۳

تولید ملی ضرورت استقلال اقتصادی

امروز آبروی اسلام در گرو آنست که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود؛ کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود زندگی مردم سروسامان یابد فقر و محرومیت ریشه‌کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد؛ و خلاصه دین در کنار معنویت زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.^۴

۱- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۱/۰۱/۰۸

۲- دیدار مسئولان نظام به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۳/۰۶/۰۹

۳- دیدار نخبگان علمی کشور در روز عید غدیر با رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۸۲/۱۱/۲۱

۴- پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۶۹/۳/۱۰

ما باید از لحاظ اقتصادی خودمان را به‌طور کامل از زیر نفوذ قدرتها خارج کنیم؛ یعنی ملت ما باید بتواند بنابر تشخیص و مصلحت خود، آن صنعت و کالا و متاعی را که احتیاج دارد در داخل کشور، و با استفاده از منابع و امکانات موجود تولید کند. البته امروز ما هنوز برای این کار مشکلاتی داریم و ملت به آن حد نرسیده است که بتواند تمام نیازهای خود را در داخل برآورده کند، زیرا در گذشته همه چیز این ملت به گونه‌ی بنا شده بود که به همان قدرتها وابسته باشد، صنعت دقیق ما که جای خود دارد؛ حتی کشاورزی ما را وابسته کردند، و بیگانگان و قدرتهای حاکم و رژیم منحط پهلوی و قبلیها کاری کردند که کشاورزی ما با پیشرفتهای علمی دنیا ناآشنا باشد. باید این ملت به تدریج با ابتکار و تلاش خود و با قوت مدیریتی که بر آن اعمال می‌شود و نیز با وحدتی که همه‌ی مردم در جهت آزادی و استقلال دارند؛ و همچنین با آشنایی آنها به توطئه و ترفندهای تبلیغاتی دشمن به طرف آزادی و استقلال کامل اقتصادی برود؛ البته مقدمه‌ی این استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی است. کشورهایی که از لحاظ سیاسی وابسته هستند؛ قادر نخواهند بود و اصلاً انگیزه ندارند که آزادی و استقلال اقتصادی را به دست آورند. بحمدالله در مملکت ما استقلال و آزادی سیاسی وجود دارد^۱

نمونه ای موفق از تولید داخلی

وقتی می‌خواستند ساختمان اجلاس بین‌المللی را بسازند- ساختمانی که امروز ما پُزش را می‌دهیم- مهندسان آن، اینجا آمدند. من به آن‌ها گفتم تصمیم قطعی بگیرید که در این ساختمان هیچ مصالح خارجی به کار نرود. فقط در آخر کار در بخشی از کارهای صوتی و الکترونیکی و استفاده از موکت نسوزی که در داخل نمی‌توانیم تولید کنیم، از تولیدات خارجی استفاده کردند. این ساختمان به آن عظمت، نود و چند درصد مصالحش از تولیدات داخلی است. بنده در قضیه ساخت آن ساختمان چند بار قاطع این موضوع را گفتم و ابلاغ کردم، که رفتند و دنبال کردند

۱- دیدار گروه‌های مختلف امت حزب الله در محل حسینیه جدیدالتأسیس امام خمینی قدس سره ۱۳۶۸/۹/۱

و شد. ما می توانیم؛ این همه تولید داخلی داریم؛ چینی، بلور و کارهای چوبی به این خوبی داریم، که باز آقایان و بخصوص این شرکتها از خارج می آورند!^۱

رقابت پذیری تولید و ضرورت تنظیم سیاست تعدیل بازرگانی

اگر اهمیت می‌دهیم به صنعت داخلی؛ حالا در زمینه‌ی خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه‌های دیگر، بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم، یعنی واردات بی‌رویه قطعاً ضرر خواهد زد، دستگاه‌های سیاستگذار کشور و کسانی که سیاستهای اجرائی را تنظیم میکنند به این نکته باید توجه کنند، فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهمتر و بهتر رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است؛ این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم، من بارها به مسئولین، مسئولین گوناگون در بخشهای مختلف دولتی گفتم اگر فلسفه‌ی شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که می‌گوئید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید، سیاست هائی وجود دارد که می شود وادار کرد، مجبور کرد، تولیدکننده‌ی داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم. این بدترین گزینه است.^۲

در هر شرایطی باید ملاحظه تولید داخلی از جمله محصولات کشاورزی را کرد. ضمن این که این توجیه که واردات به رقابت پذیری تولید داخلی کمک می کند دارای منطق قوی نیست.^۳

شتاب در خودکفایی

باید شتاب خودکفایی را افزونتر کرد، و با استفاده از همه امکانات موجود در

کشور نیازهای داخلی را تأمین نمود.^۴

۱- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵

۲- بازدید از نمایشگاه توانمندی‌های صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۰۱/۰۹

۳- دیدار با فعالان و برگزارندگان بخش‌های اقتصادی ۱۳۸۹/۰۱/۰۹

۴- بازدید یگانهای نمونه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۱/۰۸/۲۶

کسب علم و فن آوری و تحرک و شکوفایی استعداد سازندگی

معلم انقلاب که امام بزرگوار ما بود، به ما ملت تفهیم کردند که ما می‌توانیم خودمان کار کنیم، خودمان تلاش کنیم، خودمان بسازیم، خودمان قاعده‌ی سازندگی، و تولید و مصرف را که همان فرهنگ ماست، بنیانگذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم، ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمی‌کنیم، هر کسی هرچه دارد چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او، وقتی که ناگزیر باشیم، اگر بتوانیم همه‌ی آنها را در خدمت هدفهای خودمان قرار بدهیم؛ لحظه‌ی دریغ نخواهیم کرد. ما همه‌ی اینها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم.

ما تولیدات داخل خود را بر استفاده از مصنوعات خارجی ترجیح می‌دهیم، و در این مسیر باید نیروهای مستعد را در زمینه‌ی علم، تکنولوژی، مسائل فنی، خلاقیتها و نوآوریها پرورش دهیم. آن دسته از طرفهای خارجی که در طول سالهای متمادی، با طمع ورزی و پس از پیروزی انقلاب با کینه توزی و بغض به ما نگاه می‌کردند؛ کشور ما را آنچنان که با اهداف فرهنگ و خواسته‌های ما مطابقت داشته باشد، نخواهند ساخت؛ لذا بار سازندگی کشور بر دوش ماست و خودمان باید ایران اسلامی را بسازیم و آنرا آباد کنیم.^۱

امنیت شغلی کارگران

امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود. البته یک بخش مهم از این هم مربوط می‌شود به امنیت شغلی کارگران، که این هم بایستی همه به آن توجه داشته باشند؛ کارگر فارغ البال باشد؛ مطمئن باشد؛ امنیت شغلی داشته باشد. و کارفرما و کارگر، سرمایه گذار و کارگر،

۱- بیانات در دیدار وزیر، مسؤولان و کارشناسان وزارت نفت و دست‌اندرکاران اطفای حریق چاههای نفت
کویت ۱۳۷۰/۰۹/۱۲

مدیر کارگاه و کارگر دست به دست هم بدهند برادر وار، کارها را پیش ببرند.^۱

اهمیت به اصناف

بازرگانی کشور می تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد. ما بحمد الله در بخشهای مختلف اقتصادی و در اصناف مختلف، انسانهای مؤمن، خدوم، علاقه مند و دلسوز زیاد داریم؛ چرا باید به این انگیزه های پاک و مطهر بدبین بود؟ همین اصناف و بازار کسانی بودند که در دوران اختناق به این نهضت کمک کردند. امام فرمود، اصناف بازوی قدرتمند نهضتند. همین طور هم بود؛ این ها تلاش و مجاهدت کردند. تاجر و کاسب بازاری سرمایه ی خودش را در معرض تطاول مأموران بی انصاف رژیم سفاک گذشته قرار داد، برای اینکه به مرجع تقلید، و به دین خود و نهضت اسلامی کمک کند. این ها را نباید فراموش کرد. در ماه های قبل از پیروزی انقلاب، صنعتگران و کارگران کشور بزرگترین ضربه را بر پیکر رژیم پوسیده ی سفاک پهلوی وارد کردند. این ها را نباید فراموش کرد. در دوران جنگ، کارگران و بسیاری از صنعتگران ما، با فداکاری توانستند حرکت صنعتی را در کشور از توقف و رکود و مرگ نجات دهند. مردم؛ مؤمن و متعهدند. مسئولان باید با همان روحیه ی تعهد، علاقه مندی به مصالح مردم، توجه به مصالح عالییه ی انقلاب و پاک دامنی و پاک دستی، این حرکت عظیم را ادامه دهند.^۲

هضم شدن در اقتصاد جهانی سهم مهلک اقتصاد ملی

پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساختهای لازم را برای این کار داشته باشیم؛ که الان این را نداریم، الان برداشتن تعرفه ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی؛ یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت؛ یعنی کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده از دست دادن؛ و نابود

۱- بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ۱۳۹۱/۰۱/۱۲

۲- بیانات در دیدار مسئولان وزارت خانه های صنایع و بازرگانی ۱۳۸۰/۰۴/۱۰

کردن. بله، سازمان تجارت جهانی میدان گسترده‌ای برای فعالیت است، اما باید قدرت شنا داشته باشیم. آن روز من گفتم این کار مثل این است که ما یک تیم فوتبال را به مسابقات جام جهانی بفرستیم؛ در حالی که اعضای آن هیچ تمرینی نکرده باشند. نتیجه این کار این است که ما بیست تا گل می‌خوریم و برمی‌گردیم. ما باید آمادگی را فراهم کنیم؛ و عجله هم نداشته باشیم. پنج سال دیگر شد، ده سال دیگر شد، دیر نمی‌شود. اول باید زیرساختهای اقتصادی مستحکم شود و ما خاطر جمع شویم؛ بعد با خیال راحت و با میل، وارد صحنه شویم؛ الان توصیه هضم شدن در اقتصاد جهانی، برای اقتصاد ملی و مستقل ما، سم مهلکی خواهد بود. چیزهای دیگری هم در کنار برنامه وجود دارد، اعتماد به نفس ملی را از دست ندهیم.^۱

وظیفه دولت

البته من شنیدم که دستگاه‌ها و بانک‌ها، و این‌ها حمایتشان از تولیدات داخلی هم ضعیف است؛ یک جاهائی آن تولیدکننده‌ها به خاطر عدم حمایت، به ورشکستگی کشیده می‌شوند. با این مسئله هم بایستی حتماً در خود دولت مقابله بشود؛ یعنی دستور داده بشود. بله، یک نکته ای هم گفته شد، که اتفاقاً من هم همین را اینجا یادداشت کردم؛ که گاهی اوقات در معاملاتی که دستگاه دولتی با تولیدکننده‌ی داخلی میکنند، بدحسابی هست؛ در حالی که وقتی این معامله را با یک صنعتگر خارجی می‌کنند، پول را نقد میدهند؛ اما این را همین طور کش می‌دهند - یک سال، دو سال - طلب او را هم نمیپردازند؛ باید جلوی اینها گرفته شود.^۲

متأسفانه قیمت و حجم تولید نفت خام امروز بسته به سیاستهای بین‌المللی، کمپانی‌های بزرگ، غارتگران، جهانخواران و مستکبران جهان است؛ بنا بر این دولت ایران باید بگونه‌ای برنامه‌ریزی کند که هر زمان بخواهد، بتواند در چاههای نفت را ببندد، و به دنیا نیز اعلام کند که یک قطره نفت نیز صادر نخواهد کرد. ملت ایران

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

۲ - بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳

از ثروت منابع طبیعی و تولیدات داخلی فراوانی برخوردار است و در زمینه تولید ثروت نیز امکانات زیادی در کشور وجود دارد و دولت باید از آن در جهت پیشرفت روزافزون بهره برداری لازم را به عمل آورد.^۱

ضرورت آگاهی سازی مردم از دستاوردهای نظام

مثبت شدن تراز بازرگانی خارجی، افزایش ذخایر ارزی و کاهش واردات نسبت به گذشته از جمله شاخص های عمده در فعالیتهای اقتصادی است، که باید با زبان ساده برای مردم تبیین شود، مردم با مشاهده پیشرفتهای واقعی در کشور خوشحال، و به آینده امیدوار می شوند بنا بر این مطلع کردن مردم از این پیشرفتهای حق مردم است که باید ادا شود. مقام معظم رهبری با اشاره به اجرای طرحهای فراوان اقتصادی و تولیدی در کشور، فرمودند طرحهای زیادی که در طول سال گذشته و نیز در نیمه اول سال جاری به پایان رسیده، نشان داد که کشور به شکل تحسین برانگیزی به سمت سازندگی به پیش می رود، اجرای این طرحها مملکت را آباد می کند، تولید داخلی را افزایش می دهد، از هزینه زندگی مردم می کاهد، و فرصت کار و امکان زندگی شرافتمندانه را برای افراد بیکار فراهم می آورد.^۲

جمع بندی

با توجه به مباحث ذکر شده، مهم ترین معضلات و موانع بر سر راه تولید ملی از منظر رهبر معظم انقلاب عبارتند از:

مشکلات فرهنگی، فقدان خودباوری، افزایش بی رویه واردات، پدیده قاچاق، کیفیت پایین کالاهای داخلی و رواج فساد.

همچنین معظم له راهکارهایی را برای افزایش تولید ملی و کاهش وابستگی به کالاهای خارجی توصیه فرموده اند. اهم این توصیه ها را می توان اینگونه برشمرد:

۱- بیانات معظم له در جمع مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۱۳۷۵/۰۴/۰۱

۲- دیدار آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور به اتفاق اعضای هیأت دولت ۱۳۷۴/۰۶/۰۸

تحول فرهنگی مردم، تنظیم سیاست تعدیل بازرگانی، شتاب در خودکفایی، جایگزین کردن تولیدات داخل بجای واردات، افزایش کیفیت تولیدات داخلی، تبلیغ نکردن بیجا و بی‌رویه‌ی تولیدات خارجی، تشویق کارآفرین داخلی، افزایش وجدان کاری، مبارزه با قاچاق، توجه به آموزش، امنیت شغلی کارگران، اهمیت دادن به اصناف و آگاهی مردم از دستاوردهای نظام.

منابع:

کلیه مطالب برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری است.

khamenei.ir

تحلیل وضعیت تولید ملی

(چالشها، موانع، سیاستهای ابلاغی و قوانین موجود)

تدوین: برگرفته از جلسات کارشناسی در کمیسیون مشترک

چکیده

گزارش حاضر با هدف تحلیل وضعیت تولید ملی، در راستای تحقق شعار "تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی" تدوین، و سه بحث اساسی را مطرح نظر داشته است. ابتدا مهمترین چالشها و موانع موجود در راه تحقق شعار فوق، شناسایی؛ و سپس سیاست‌های کلی مدون در زمینه رفع موانع و نیز قوانین موجود، تشریح شده است.

واژگان کلیدی:

تولید ملی، موانع نهادی، نیروی کار، سیاست‌های کلی نظام، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، قانون برنامه پنجم، قانون مدیریت خدمات کشوری.

۱- مقدمه:

رهنمودهای رهبر معظم انقلاب که در ابتدای هر سال، با عنوانی خاص مشخص می‌شود، چراغ راهی ست برای همه مسوولان نظام، به ویژه مسوولان اجرایی و قانونگذاری؛ تا با استفاده از آن، سیاست‌های کشور را در ابعاد مختلف تدوین نمایند. مهمترین عامل در باب نامگذاری سال جاری توسط مقام معظم رهبری با عنوان تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، اهمیت حیاتی مسأله تولید و بهره‌وری ملی، با توجه به تحریم‌های اقتصادی کشور است.

نگاهی به عناوین اقتصادی سالهای گذشته (صرفه جویی، خدمت گذاری، نوآوری و شکوفائی، اصلاح الگوی مصرف، کار مضاعف و همت مضاعف، و جهاد اقتصادی)، همگی مبین رویکردهای مشابه میباشند؛ ضمن آنکه مجموعه برنامه‌های توسعه و بسته‌های سیاستی، و عناوین و محتوای سیاست‌های کلی ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در سالیان گذشته نیز حکایت از اتخاذ رویکرد اقتصادی نظام دارند.

موضوع تولید ملی، به عنوان یک گلوگاه مهم، و متغیر تعیین کننده در حل مشکلات اقتصادی کشور و تحقق اهداف توسعه اقتصادی، با موانع متعددی مواجه است. از این رو رهبر معظم انقلاب، شعار امسال را با محوریت تولید داخلی و حمایت از آن مطرح نمودند؛ تا با تقویت و توسعه ساختارهای اقتصادی کشور، تحریم‌ها و توطئه‌های دشمنان بی اثر گردد.

در این گزارش مهمترین چالشها و موانع موجود در راه تحقق شعار فوق شناسایی؛ و متناسب با هر چالش، سیاست‌های کلی مدون و قوانین مربوط به هر چالش، تشریح شده است.

۲- چالشها، موانع، سیاستهای ابلاغی و قوانین

۲-۱- چالش: ساختار دولت

۲-۱-۱- موانع موجود

- ضعف هماهنگی دولت- ملت و نهادهای عمومی در حوزه اقتصاد.
- شکاف اختیارات و مسئولیت در نظام مدیریتی کشور.
- شکاف برنامه-اجرا.
- شکاف قانون-عمل (قانون گریزی).
- عدم هماهنگی عملکرد قوا.
- شکاف مصارف بودجه با درآمد مالیاتی.

۲-۱-۲- سیاست های کلی

سیاست های کلی نظام اداری:

- نهادینه سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزشهای اسلامی و کرامت انسانی.
- عدالت محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی.
- دانش گرایی و شایسته سالاری مبتنی بر اخلاق اسلامی در نصب و ارتقای مدیران.
- ایجاد زمینه رشد معنوی، بهسازی و ارتقای سطح دانش، تخصص و مهارتهای منابع انسانی.

- چابک سازی، متناسب سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری.
- انعطاف پذیری و عدم تمرکز اداری و سازمانی.
- توجه به اثر بخشی و کارایی در فرآیندها و روش های اداری.
- عدالت محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم و تنقیح قوانین.
- کلی نگر، همسوسازی، هماهنگی و تعامل اثربخش دستگاه های اداری.
- توسعه نظام اداری الکترونیک و فراهم آوردن الزامات آن.
- دانش بنیان کردن نظام اداری.
- زمینه سازی مناسب جهت جذب و استفاده از ظرفیت های مردمی.
- حفظ حقوق مردم و جبران خسارت های وارده بر اشخاص حقیقی و حقوقی.
- کارآمدسازی و هماهنگی ساختارها و شیوه های نظارت و کنترل در نظام اداری، و یکپارچه سازی اطلاعات.
- ارتقای سلامت نظام اداری.
- حمایت از روحیه خلاقیت و ابتکار.

سیاست های کلی اصل ۴۴:

- بندهای (الف) و (ج): توسعه بخش های غیردولتی و جلوگیری از حجیم شدن بخش دولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی.
- بندهای (ب) و (ه): اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور

- سیاست گذاری، هدایت و نظارت.
- سیاست های کلی برنامه پنجم.
- اصلاح نظام اداری و قضایی.
- هماهنگی در سیاست گذاری، برنامه ریزی، ارزشیابی، نظارت و تخصیص منابع.
- ارتقاء سهم بهره وری.
- بهبود فضای کسب و کار.
- تقویت نظام استاندارد ملی.
- تغییر نگرش به نفت و گاز، و درآمدهای حاصل از آنها. (درآمد حاصل از این منابع بایستی در راستای ایجاد و تکمیل زیرساخت های توسعه هزینه گردد)
- قطع وابستگی هزینه های جاری دولت به درآمدهای نفتی.
- ایجاد صندوق توسعه ملی و ارائه تسهیلات آن به بخش غیردولتی.
- تبدیل نظام بودجه ریزی کشور به بودجه ریزی عملیاتی.
- برقراری ارتباط کمی و کیفی میان برنامه ۵ساله، بودجه و سند چشم انداز.

سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف:

- ترویج فرهنگ صرفه جویی و آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب.
- پیشگامی دولت، شرکت های دولتی و نهادهای عمومی در رعایت الگوی مصرف.
- بازنگری و تصویب قوانین و مقررات مربوط به عرضه و مصرف انرژی.

- اصلاح و تقویت ساختار حمل و نقل عمومی .
- سیاست های کلی امنیت اقتصادی.
- ثبات، شفافیت و هماهنگی قوانین و سیاست های اجرایی.

۲-۱-۳- قوانین موجود

قانون مدیریت خدمات کشوری:

- تعریف دقیق امور حاکمیتی، امور فرهنگی، اجتماعی، خدماتی، زیربنایی و اقتصادی.
- تبیین روش های انجام امور و مشارکت بخش غیر دولتی و تعاونی ها.
- استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول، جلوگیری از تمرکز تصمیم گیری ها و اعطای اختیارات لازم به مدیران.
- اصلاح و بازبینی روش های انجام کار و استفاده از فناوری اطلاعات.
- اطلاع رسانی نحوه ارائه خدمات به مردم.
- سازماندهی، طراحی و تنظیم تشکیلات دستگاه ها، متناسب با چارچوب الگوها، ضوابط و شاخص های مدون.
- استقرار نظام مدیریت عملکرد مشتمل بر ارزیابی عملکرد سازمان، مدیریت و کارمندان.
- توجه به توانمند سازی کارکنان (حقوق و مزایا، تکالیف، ارتقاء شغلی و ...)
- فراهم نمودن سازوکار مناسب برای جلب مشارکت کارکنان.

قانون برنامه پنجم:

- کاهش وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به کمک از محل بودجه عمومی دولت .
- فصل چهارم؛ نظام اداری و مدیریت.
- فناوری اطلاعات: بسط دولت الکترونیک، توسعه بخش فضا و استقرار سامانه بانکداری متمرکز.
- نظام اداری: استقرار نظام شایسته‌سالاری، کوچک‌سازی دولت و حذف موازی کاری.
- واگذاری وظایف تصدی‌گری دولت، رافع مسوولیت حاکمیتی دولت در مقابل شهروندان نیست.
- تسهیل صدور مجوزها
- ایجاد صندوق توسعه ملی با هدف تبدیل عواید نفت و گاز به ثروت‌های ماندگار، و حفظ سهم نسل‌های آینده.
- قطع کامل وابستگی اعتباری هزینه‌ای به نفت و گاز از طریق افزایش سهم درآمدهای عمومی.
- هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالی دولت.
- تمرکز زدایی و افزایش اختیارات در جهت توسعه و عمران استانها.
- تشکیل شورای آمایش سرزمین.

قانون هدفمندکردن یارانه ها

- اصلاح قیمت حامل های انرژی، حذف یارانه ها.
- پرداخت یارانه نقدی و غیر نقدی.
- مدیریت آثار نوسان قیمت های حامل های انرژی.
- تاسیس سازمان هدفمندسازی یارانه ها در چارچوب دریافت و پرداخت منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه ها.

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار:

- تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاهها به سیاست گذاری و نظارت.

۲-۲-۲ چالش: نقش مردم در اقتصاد

۱-۲-۲ موانع موجود

- ضعف هماهنگی دولت- ملت و نهادهای عمومی در حوزه اقتصاد
- شکاف رفاه و تلاش (فقدان کار و کوشش ملی به دلیل وابستگی به درآمد نفت و اقتصاد رانتی).
- شکاف بودجه و مالیات.
- موانع اداری و موانع نهادی.

۲-۲-۲- سیاست های کلی

سیاست های کلی اصل ۴۴:

- بند (الف): گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.
- بند (الف): افزایش سطح عمومی اشتغال.
- بند (ج): جهت گیری خصوصی سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت پذیری، و گسترش مالکیت عمومی.

سیاست های کلی برنامه پنجم:

- تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

سیاست های کلی منابع طبیعی:

- ایجاد عزم ملی بر احیای منابع طبیعی تجدید شونده.

سیاست های کلی بخش حمل و نقل:

- جلب مشارکت مردم در فعالیت های این بخش.

۲-۲-۳- قوانین موجود

قانون مدیریت خدمات کشوری:

- نقش مردم در امور حاکمیتی، فرهنگی، اجتماعی و ...
- تصدی امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی.
- تصدی امور زیربنایی توسط بخش غیر دولتی با مدیریت و نظارت دستگاه های دولتی.
- دریافت خدمات توسط دستگاههای اجرایی از شرکت ها و موسسات غیر دولتی.
- تبیین روش های انجام امور مختلف و مشارکت بخش غیردولتی و تعاونی ها.
- دستگاههای اجرایی موظفند مردم را با حقوق و تکالیف خود در تعامل با دستگاه های اجرایی آشنا نمایند.
- دستگاههای اجرایی موظف به آموزش، سازماندهی، ایجاد تسهیلات و کمک های مالی به منظور حمایت از بخش غیر دولتی می باشند.
- از تاریخ تصویب این قانون، طی هر برنامه، ۲۰ درصد از تصدی گری های دولت در امور، کاهش یابد.

قانون برنامه پنجم:

- صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید؛ جهت توسعه میدانهای نفت و گاز، و افزایش تولید صیانت محور

- فراهم آوردن زمینه‌های حضور و مشارکت مردم در پروژه‌های عمرانی، نفت، آموزش عالی و....
- حمایت دولت از فروشگاههای زنجیره ای مواد غذایی در راستای کاهش تصدی‌های دولت در عرضه مواد غذایی.
- گسترش فرهنگ مناسب حقوقی و قضایی، اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه سازی فرهنگ قانون مداری.
- سرمایه گذاری بخش‌های خصوصی و تعاونی، در طرح‌های تکمیل پالایشگاه‌های موجود.

۲-۳- چالش: نیروی کار

۲-۳-۱- موانع موجود

- شکاف عرضه و تقاضای کار.
- شکاف کارگر و کارفرما.
- شکاف نیروی کار- مهارت.

۲-۳-۲- سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی اشتغال:

- تقویت فرهنگ کار.
- آموزش نیروی انسانی.

- ایجاد فرصت های شغلی پایدار.
- ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار.
- بهبود محیط کسب و کار.
- هماهنگ سازی و پایداری سیاست های پولی، مالی، ارزی و تجاری، و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری.
- برقراری حمایت های مؤثر از بیکاران.
- رعایت تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره وری نیروی کار.

۲-۳-۳- قوانین موجود

قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی:

- اصلاح برخی مواد قانون کار

قانون برنامه پنجم:

- اصلاح قانون کار.
- انجام اقدامات ضروری جهت کاهش نرخ بیکاری به هفت درصد.
- گسترش کسب و کار خانگی و مشاغل از راه دور، و طرح های اشتغالزای بخش خصوصی و تعاونی.
- بستر سازی مناسب برای کسب حداقل یک شایستگی و مهارت برای هر فرد، با توجه به نیازهای بازار کار.
- اصلاح ترکیب هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها با تأکید بر شایسته سالاری.

- ایجاد فرصت های شغلی مناسب برای نخبگان و استعداد های برتر.
- زمینه سازی برای تربیت نیروی انسانی خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم افزاری.
- افزایش دانش و مهارت و ایجاد فرصت های شغلی و حرفه ای جدید برای جوانان و ارتقاء جایگاه آموزش های فنی و حرفه ای.
- اجرای سند راهبردی «ارتقاء سطح شاخص توسعه انسانی» به منظور رشد شاخص های اشتغال.
- بهره گیری بهینه از فرصت خدمت وظیفه عمومی برای ارتقاء دانش و مهارت افراد.

قانون مدیریت خدمات کشوری:

- واگذاری تصدیگری اقتصادی به بخش غیردولتی به منظور رفع بیکاری.
- توجه به توانمندسازی کارکنان (حقوق و مزایا، تکالیف، ارتقاء شغلی و ...)
- طراحی نظام آموزش کارکنان؛ متناسب با دانش، مهارت و جایگاه شغلی آنها.
- استخدام افراد، با توجه به احراز توانایی های آنان در مهارت های پایه و علوم فناوری اطلاعات.

۲-۴- چالش: فقر و فاصله طبقاتی

۲-۴-۱- موانع موجود

- سطح پایین رشد اقتصادی
- نوسانات اقتصاد کلان از جمله مساله تورم، ارز و ...
- شکاف درآمدی و توزیع ناعادلانه درآمد (ضریب جینی بالا).
- بیکاری.

۲-۴-۲- سیاست های کلی

سیاست های کلی اصل ۴۴:

• بند (الف): گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.

• بند (ب): ایجاد تعاونی ها برای بیکاران.

• بند (ج):

- تأسیس تعاونی های فراگیر ملی جهت تحت پوشش قراردادن سه دهک اول جامعه به منظور فقر زدایی.

- ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقر زدایی.

• بند (د): تخصیص وجوه حاصل از واگذاری برای خانواده های فقیر و محروم، توسعه تعاونی های فراگیر در جهت فقر زدایی، و ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته.

سیاست های کلی برنامه پنجم:

• بهبود فضای کسب و کار کشور.

• ارتقاء شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای توسعه یافته.

• تنظیم همه فعالیت های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی، بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمد طبقات جامعه.

• جبران نابرابری های غیر موجه درآمدی از طریق سیاست های مالیاتی، اعطای یارانه های هدفمند و سازوکار بیمه ای.

- تکمیل بانک اطلاعات مربوط به دو دهک پایین درآمدی.

- ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان.

- ضریب جینی حداکثر ۰/۳۵ در پایان برنامه.

- رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد.

- تأمین بیمه فراگیر و عمومی.

- حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار.

سیاست های کلی تشویق سرمایه گذاری:

- افزایش بهره وری اقتصاد کشور.

سیاست های کلی اشتغال:

- رعایت تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره وری نیروی کار.

سیاست های کلی مسکن:

- تأمین مسکن گروههای کم درآمد و نیازمند، و حمایت از ایجاد و تقویت

- موسسات خیریه و ابتکارهای مردمی برای تأمین مسکن اقشار محروم

سیاست های کلی نظام اداری:

- رعایت عدالت در نظام پرداخت و جبران خدمات

- زمینه سازی جذب و نگهداری نیروی های متخصص در استانهای کمتر

- توسعه یافته و مناطق محروم

۲-۴-۳- قوانین موجود

قانون برنامه پنجم:

- تهیه سند راهبردی «ارتقاء سطح شاخص توسعه انسانی»
- تهیه سند ملی کار شایسته
- برقراری و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی در جهت مساعدت های اجتماعی؛ شامل خدمات حمایتی و توانمندسازی
- اجرای سامانه «خدمات جامع و همگانی سلامت» با اولویت بهره مندی مناطق کمتر توسعه یافته به ویژه روستاها، حاشیه شهرها و مناطق عشایری
- تاسیس شهرک های دانش سلامت توسط بخش های خصوصی و تعاونی با هدف تخصیص عادلانه منابع عمومی سلامت
- ایجاد «سازمان بیمه سلامت ایران» به منظور توسعه کمی و کیفی بیمه های سلامت و دستیابی به پوشش فراگیر و عادلانه خدمات سلامت
- طراحی نظام سطح بندی خدمات حمایتی و توانمندسازی، تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی در طول برنامه، معافیت افراد تحت پوشش از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و هزینه های انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز برای کلیه واحدهای مسکونی، به منظور توانمندسازی افراد و گروههای نیازمند به ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند
- اختصاص حداقل یک درصد از محل وصول عوارض ورود و صدور کالاها و خدمات مناطق محروم، به محرومین و نیازمندان بومی به منظور زدودن فقر از چهره این مناطق

• افزایش سهم تعاونی‌ها به پانزده درصد، در بازار پولی کشور و افزایش سالانه سرمایه بانک توسعه تعاون، و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری، به منظور گسترش عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد.

• تخصیص ۲ درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی، به ترتیب؛ یک سوم به استان‌های نفت خیز و گاز خیز، و دو/ سوم به شهرستان‌ها و مناطق کمتر توسعه یافته.

• در راستای بسط عدالت و رفع تبعیض، و ارتقاء مناطق کمتر توسعه یافته، بایستی فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های محروم کمتر از سطح متوسط کشور، در پایان برنامه چهارم در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و امنیتی؛ در هر سال برنامه، حداقل ۱۰ درصد به سطح متوسط کشور، نزدیک شود.

• کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه، از طریق اتخاذ سیاست‌های اجرایی مناسب و نیز استقرار سیستم تأمین اجتماعی فراگیر، گسترش پایه مالیاتی و توزیع مجدد درآمدها به گونه‌ای که ضریب جینی در پایان برنامه به (۰/۳۵) برسد.

قانون مقررات صادرات و واردات:

• کالاهای قابل ورود خانوارهای مرزنشین یا شرکت‌های تعاونی آن‌ها برخوردار از معافیت حقوق گمرکی و سود بازرگانی می‌باشد.

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها:

• تأمین مسکن و سهولت دسترسی فاقدین مسکن؛ به ویژه گروه‌های کم درآمد.

• کلیه طرح‌های تولید مسکن، ویژه گروه‌های کم درآمد، مشمول تخفیف

حداقل ۵۰ درصد هزینه‌های عوارض ساخت و تراکم ساخت، و تقسیط بدون کارمزد باقیمانده می باشد.

• خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون جهت اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی صرف می شود.

۲-۵- چالش: تجارت خارجی

۲-۵-۱- موانع موجود

- عدم تعادل در تراز پرداخت
- عدم تعادل در تراز بازرگانی
- عدم تعادل در تراز خدمات
- عدم تعادل حساب سرمایه
- پایین بودن حجم تجارت خارجی
- نامناسب بودن ترکیب کالاها و خدمات تجاری کشور
- نامتعادل بودن ترکیب طرف های تجاری

۲-۵-۲- سیاست های کلی

سیاست های کلی اصل ۴۴:

- بند (الف): افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی
- بند (ج): آماده سازی بنگاههای داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد و مقررات تجارت جهانی، و توسعه و ارتقای استانداردهای ملی و انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین المللی
- بند (ه): جلوگیری از نفوذ و تسلط بیگانگان بر اقتصاد ملی

سیاست های کلی برنامه پنجم:

- توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری
- جذب منابع و سرمایه های خارجی
- تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی
- حفظ ذخایر راهبردی ارزی
- تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا
- گسترش همه جانبه همکاری با کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا در تجارت، سرمایه گذاری و فناوری
- گسترش فعالیت های اقتصادی در مناطق مرزی و سواحل جنوبی و جزایر با استفاده از ظرفیت های بازرگانی خارجی
- بهره گیری از روابط خارجی در جهت افزایش توان ملی
- ارتقاء نقش مدیریتی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری های پیشرفته، و کمک به استقرار نظام پولی، بانکی و بیمه ای مستقل با کمک کشورهای منطقه

سیاست های کلی اشتغال:

- حمایت از تأسیس و توسعه صندوق های شراکت در سرمایه

سیاست های کلی بخش معدن:

- گسترش همکاری های بین المللی (علمی، فنی و اقتصادی) جهت جذب دانش، منابع و امکانات داخلی و خارجی در بخش معدن
- سیاست های کلی انرژی، سیاست های کلی نفت و گاز:
- جایگزینی صادرات فرآورده های نفت و گاز، و پتروشیمی به جای صدور نفت و گاز طبیعی

سیاست های کلی بخش حمل و نقل:

• دستیابی به سهم بیشتر از بازار حمل و نقل بین المللی

سیاست های امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات

• تعامل موثر و سازنده منطقه ای و جهانی، و همکاری و سرمایه گذاری مشترک

۲-۵-۳- قوانین موجود

قانون برنامه پنجم:

• بازپرداخت های بدهی ها و تعهدات خارجی؛ اعم از میان مدت و کوتاه مدت، از ۳۰ درصد درآمدهای ارزی دولت در سال آخر برنامه پنجم تجاوز نکنند. در استفاده از تسهیلات بلندمدت، میزان تعهدات و بدهی های خارجی تضمین شده توسط دولت و بانک مرکزی در سال آخر برنامه بیش از ۵۰ میلیارد دلار نباشد.

• تمامی معاملات و قراردادهای خارجی بیش از یک میلیون دلار تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین المللی با درج آگهی انجام و منعقد می شود.

• ارائه لایحه ساماندهی واحدهای غیردولتی پخش کالا به منظور تنظیم مناسب بازار، افزایش سطح رقابت و ...

• واگذاری امور اجرایی تنظیم بازار به تشکل های صنفی تولیدی، توزیعی و خدماتی، اتحادیه ها و تعاونی ها و همچنین تشکل های مردمی حمایت از مصرف کننده.

• برقراری موانع غیر تعرفه ای و غیر فنی برای واردات در طول سالهای برنامه، به جزء در مواردی که رعایت موازین شرع اقتضای می کند، ممنوع است.

- پرداخت کمک و تسهیلات دولتی در حوزه صادرات غیر نفتی
- تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری
- تقویت و تجهیز سازمان «سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران»، و تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات در جهت جذب بیشتر سرمایه خارجی.
- ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، در راستای تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله نظام.
- برقراری خطوط پروازی، و جابجایی کالا و مسافر از طریق شرکت های داخلی و خارجی متناسب با میزان تقاضای حمل و نقل بین المللی از خارج کشور .
- تنظیم سطح روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای دارای دیدگاهها و مواضع غیر همسو با جمهوری اسلامی ایران؛ همکاری با کشورهای منطقه و اسلامی و نیز استفاده از سایر ظرفیت های اقتصادی و....، تقویت دیپلماسی اقتصادی از طریق حمایت جدی از فعالیت های اقتصادی، استفاده از ظرفیت های ایرانیان مقیم خارج از کشور به ویژه در امر سرمایه گذاری در جهت تأمین منافع ملی.

قانون مقررات صادرات و واردات:

- وارد کنندگان دولتی و غیر دولتی ملزم به اخذ مجوز و ثبت سفارش می باشند.
- کلیه کالاهای صادراتی (به استثنای نفت خام و فرآورده های پایین دستی) از هر گونه تعهد و پیمان سپاری ارزی معاف می باشند.
- دولت از وارد کنندگان بخش غیر دولتی، یک درصد اضافه، علاوه بر حقوق گمرکی و سود بازرگانی دریافت دارد.

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار:

• فرآیند تجارت خارجی بدون مراجعه حضوری ذی نفع، و به صورت الکترونیکی انجام شود.

• وزارت امور خارجه موظف است هر شش ماه یکبار، ظرفیت های روابط خارجی و نمایندگی های سیاسی کشور در خارج را، در خدمت تولید کنندگان داخلی و سرمایه گذاران در ایران و به ویژه صادرکنندگان کالاها و خدمات قرار دهد.

قانون حداکثر استفاده از توان فنی:

• ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی به مؤسسات و شرکت های داخلی، و شرکت های ایرانی - خارجی که حداقل سهم ارزشی کار طرف ایرانی ۵۱ درصد باشد. (تبصره: طرف ایرانی می تواند بخشی از کار را به صورت دست دوم واگذار نماید)

آیین نامه اجرایی قانون ارتقاء کیفی تولید خودرو:

• وزارت صنایع و معادن ملکف است از تولید یا ورود خودروها و قطعات خودرو غیر استاندارد جلوگیری نماید.

قانون هدفمند کردن یارانه ها:

• سرانه یارانه نان روستاییان و شهرهای زیر بیست هزار نفر جمعیت، و اقشار آسیب پذیر در سایر شهرها به تشخیص دولت، حداقل پنجاه درصد بیشتر از متوسط یارانه سرانه خواهد بود.

قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی:

• جبران بخشی از هزینه های صادراتی کالاهای مصرفی و سرمایه ای به صادر کنندگان.

۲-۶-چالش: سرمایه گذاری

۲-۶-۱- موانع موجود

• شکاف پس انداز- سرمایه گذاری.

• شکاف بازار پول- سرمایه.

۲-۶-۲- سیاست های کلی

سیاست های کلی اصل ۴۴

بند (الف):

• تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوار .

• توسعه بخش های غیردولتی.

• بند (د): توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی.

سیاست های کلی برنامه پنجم:

• توسعه سرمایه گذاری از طریق کاهش شکاف پس انداز- سرمایه گذاری و بهبود فضای کسب و کار کشور.

• تغییر نگرش به نفت و گاز، به عنوان منابع و سرمایه های زاینده اقتصادی.

• ارائه تسهیلات از منابع و سرمایه های زاینده اقتصادی.

• ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه گذاری.

• اصلاح ساختار نظام بانکی.

• ارتقاء کمی و کیفی بازارهای مالی (سرمایه، پول و بیمه)

سیاست های کلی تشویق سرمایه گذاری:

- تقویت و حمایت از توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعاونی.
- اصلاح نظام مالیاتی در جهت تقویت سرمایه گذاری.
- تجهیز پس انداز ملی، تقویت نظام پولی، و هدایت بازارهای پول و سرمایه در جهت حمایت از سرمایه گذاری.
- جذب سرمایه خارجی با اولویت سرمایه گذاری مستقیم بلند مدت .
- تنظیم فعالیت مجاز سرمایه گذاری خارجی در بورس اوراق بهادار.
- سازماندهی اقدامات تقنینی، اداری و قضایی در جهت حمایت از سرمایه گذاری و تولید.

سیاست های کلی امنیت اقتصادی:

- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه گذاری.

سیاست کلی اشتغال:

- بهبود فضای کسب و کار، و ارتقاء شاخص های آن.
- توجه بیشتر در پرداخت یارانه ها در جهت حمایت از سرمایه گذاری.

سیاست های کلی بخش معدن:

- ارتقاء سهم معدن و صنایع معدنی در تولید ناخالص ملی.

سیاست های کلی انرژی، سیاست های کلی نفت و گاز:

- تلاش در جهت سازماندهی قانونمند جذب منابع مالی مورد نیاز (داخلی و خارجی) در امور نفت و گاز.

سیاست های کلی مسکن:

- حمایت از تولید حرفه ای، انبوه و صنعتی مسکن.

سیاست کلی بخش حمل و نقل:

- فراهم کردن زمینه جذب سرمایه های داخلی و خارجی.

سیاست های کلی منابع طبیعی:

- شناسایی و حفاظت از منابع آب و خاک، و ذخایر ژنتیکی گیاهی و جانوری، و حمایت مؤثر از سرمایه گذاری در آن ها.

سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف:

- فراهم کردن تسهیلات بانکی برای اجرای طرح های بهینه سازی مصرف و عرضه انرژی.

سیاست های کلی بخش پدافند غیر عامل:

- حمایت از توسعه صنایع و فناوری مورد نیاز کشور در پدافند غیر عامل، با تأکید بر طراحی و تولید داخلی.

۲-۶-۳- قوانین موجود

قانون برنامه پنجم:

- حمایت از فعالیت های فرهنگی غیردولتی.
- پرداخت حداکثر پنجاه درصد هزینه تکمیل مراکز فرهنگی، هنری، دینی و قرآنی دارای پیشرفت فیزیکی حداقل پنجاه درصد، در بخش غیردولتی.
- پرداخت تسهیلات به متقاضیان بخش خصوصی و تعاونی به منظور توسعه ورزش همگانی، قهرمانی و توسعه زیرساخت های ورزشی.

- حمایت برای توسعه دانشگاه ها و موسسات آموزشی عالی غیر دولتی.
- حمایت مالی، و تسهیل تاسیس و توسعه شرکت های کوچک و متوسط خصوصی و تعاونی.
- اعطاء تسهیلات مالی با نرخ ترجیبهی و حضور فعال و مؤثر بخش غیر دولتی در توسعه آموزش های رسمی و غیر رسمی مهارتی، و علمی- کاربردی کشور.
- کمک از محل بودجه عمومی به صندوق های بازنشستگی در جهت تقویت فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری سودآور با اولویت سرمایه گذاری در بازار پول و سرمایه.
- بهبود فضای کسب و کار از طریق ضوابط و سیاست های تشویقی از جمله تسهیلات و کمک های مالی، برای استفاده از کالاها و خدمات با نام و نشان تجاری؛ و ایجاد فرآیند پنجره واحد برای تسهیل سرمایه گذاری.
- افشای اطلاعات بنگاه های قابل واگذاری در راستای شکل گیری بازارهای رقابتی.
- تشکیل شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی برای تسهیل فعالیت های اقتصادی.
- شناسایی و حذف قوانین، مقررات و بخشنامه های مخل تولید و سرمایه گذاری.
- دولت موظف است در جهت حمایت از تولیدات داخلی، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را با اولویت از تولید کنندگان داخلی خریداری نماید.
- حمایت از تبدیل فعالیت های غیر متشکل به واحدهای متشکل.

• به بانک مرکزی، شرکت های دولتی و شهرداری ها اجازه داده می شود نسبت به انتشار اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی در بازارهای بین المللی اقدام نمایند.

• ایجاد صندوق توسعه ملی برای اعطاء تسهیلات، جهت تولید و سرمایه گذاری به بخش های خصوصی، تعاونی، عمومی و غیر دولتی.

• تأسیس بانک مشترک ایرانی و خارجی.

• تکمیل سامانه جامع تبادل اطلاعات مشتریان توسط بانک مرکزی در جهت صحت و شفافیت اطلاعات.

• ایجاد صندوق ضمانت سپرده ها به منظور تضمین بازپرداخت وجوه متعلق به سپرده گذاران بانکها و سایر موسسات اعتباری.

• اقدام در جهت ارتقاء جایگاه بازار سرمایه و ساماندهی بازار متشکل اوراق بهادار.

• تأسیس دانشگاه های خصوصی در مناطق آزاد تجاری- صنعتی، و ویژه اقتصادی.

• مشارکت شرکت های بیمه خارجی با شرکت های بیمه تجاری داخلی، با اولویت بخش غیر دولتی به منظور جذب سرمایه خارجی.

• به منظور حمایت مالی از بخش های غیردولتی، به دستگاه های اجرایی و یا شرکت های دولتی اجازه داده می شود، اعتبار تملک دارایی های سرمایه ای و یا منابع سرمایه گذاری داخلی خود را در اختیار متقاضیان واجد شرایط بخش های غیر دولتی قرار دهند.

• ایجاد فضا و شرایط رقابتی در زمینه های صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید میدانهای نفت و گاز، و افزایش تولید صیانت شده.

- استفاده از منابع داخلی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، جهت سرمایه گذاری بخش های خصوصی و تعاونی در طرح های تکمیل پالایشگاه های موجود.
- پرداخت تسهیلات از محل فروش نیروگاه های موجود به بخش های غیر دولتی، برای تبدیل نیروگاه های گازی موجود، به سیکل ترکیبی و حمایت از احداث نیروگاه های کوچک توسط بخش های خصوصی و تعاونی.
- افزایش توان تولیدی برق تا بیست و پنج هزار (۲۵,۰۰۰) مگاوات که سهم بخش های خصوصی و تعاونی حداقل ده هزار (۱۰,۰۰۰) مگاوات است .
- استفاده از روش های مختلف سرمایه گذاری داخلی و خارجی برای احداث نیروگاه های هسته ای.
- حمایت از بخش های خصوصی و تعاونی به منظور ایجاد زیرساخت های تولید تجهیزات نیروگاه های بادی و خورشیدی، و توسعه کاربرد انرژی های پاک.
- سرمایه گذاری، مالکیت، مدیریت و بهره برداری از سدها و شبکه های آبرسانی با حفظ کلیه حقوق حقآبه بران، توسط بنگاه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش های تعاونی و خصوصی.
- حمایت هدفمند از استقرار و گسترش صنایع تبدیلی-تکمیلی و نگهداری محصولات اساسی کشاورزی توسط بخش غیردولتی.
- حمایت از تولید محصولات کشاورزی در قالب جبران بخشی از یارانه سود و کارمزد تسهیلات بانکی، کمک های بلاعوض، پرداخت یارانه و سایر مشوق ها.
- توسعه زنجیره ای ارزش پایین دستی صنایع واسطه ای (پتروشیمی،

فلزات اساسی، محصولات معدنی غیر فلزی) از طریق ترغیب گسترش سرمایه گذاری بخش های غیر دولتی.

• حمایت از سرمایه گذاری خطر پذیر در صنایع نوین.

• بسترسازی دولت برای ایجاد نظام مهندسی صنعت به شکل خود انتظام، فقط با استفاده از منابع بخش های غیر دولتی.

• کمک های لازم به شهرک ها و نواحی صنعتی دولتی و غیر دولتی در قالب بودجه های سنواتی.

• اعمال معافیت های مالیاتی با افزایش درصد، به منظور تسهیل و تشویق سرمایه گذاری صنعتی و معدنی.

• توسعه شبکه حمل و نقل ریلی و افزایش سهم حمل بار و مسافر توسط بخش های خصوصی و تعاونی.

• وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان تأمین زمین و مسکن) می تواند به منظور تأمین منابع مالی لازم جهت پرداخت معوض نصاب مالکانه، خرید اراضی را از طریق بخش های خصوصی و تعاونی انجام دهد.

• اجرای سیاست های تشویقی از جمله ارائه یارانه، سود و کارمزد تسهیلات بانکی به گونه ای که سرمایه گذاری های بخش های عمومی و غیر دولتی در راستای تحقق جهت گیری های آمایش سرزمین هدایت شوند.

• به منظور تسهیل امر سرمایه گذاری درج ضوابط و استانداردهای زیست محیطی دقیق، شفاف و ثابت در کتاب راهنمای سرمایه گذاری.

• سرمایه گذاری مشترک با بخش های غیردولتی تا سقف ۴۹ درصد در زمینه توسعه کشاورزی با فناوری نوین

• ایجاد زیرساخت‌ها و اتخاذ سازوکارهای مناسب جهت مشارکت هرچه گسترده‌تر دستگاه‌های دولتی و بخش غیر دولتی، در برنامه‌های دفاعی و شرایط بحران و جنگ.

• تشکیل شعب تخصصی دادسراها و دادگاههای کیفری و حقوقی.

• افزایش کارآمدی و اثر بخشی طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با استفاده از روش‌های اجرایی مناسب از قبیل «تأمین منابع مالی، ساخت، بهره برداری و واگذاری»، «تأمین منابع مالی، ساخت و بهره برداری»، «طرح و ساخت کلید در دست»، «مشارکت بخش عمومی- خصوصی» و یا «ساخت، بهره برداری و مالکیت».

• واگذاری طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای جدید، نیمه تمام و تکمیل شده، و آماده بهره برداری به بخش غیردولتی.

قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی:

• سهم سرمایه گذاری در هر بخش اقتصادی ۲۵ درصد و در هر رشته ۳۵ درصد.

• سرمایه گذاری سلب مالکیت؛ و ملی نخواهد شد؛ مگر با جبران غرامت.

• قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی: تأسیس و فعالیت صندوقهای سرمایه گذاری.

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار:

- اصلاح قوانین، در جهت بهبود محیط کسب و کار (ماده ۲) و استعلام نظر تشکل‌های اقتصادی برای تدوین یا اصلاح مقررات و بخشنامه‌ها
- وظایف شورای گفت و گو مطابق (ماده ۷۵) قانون پنجم توسعه.

- تشکل های اقتصادی سراسری می توانند در خواسته های خود را برای اصلاح قوانین، مقررات، بخش نامه ها، دستور العمل ها و رویه های اجرایی محل کسب و کار ارسال و پیگیری نمایند.

- پایگاه اطلاع رسانی جامع معاملات بخش عمومی به منظور ایجاد شفافیت و امکان رقابت همه ذی نفعان در انجام معامله با دستگاه های اجرایی.

- قوه قضاییه و دولت اقدامات قانونی لازم را جهت تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاههای تخصصی تجاری به عمل آورند.

قانون حمایت از تولید کنندگان داخلی الکترونیک، مخابرات و فناوری اطلاعات:

- سیاست های حمایت علمی، فنی و اطلاعاتی برای شرکت در مناقصات بین المللی و صادراتی.

قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور:

- بر طرف کردن مشکلات و عوامل بازدارنده نوسازی و پیشرفت صنعتی از طریق معافیت های گمرکی برای واردات ماشین آلات تولیدی، معافیت های گمرکی، بخشودگی بدهی های معوق تأمین اجتماعی و کاهش سود تسهیلات.

قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی:

- کاهش اختلاف متوسط سود و کارمزد تسهیلات بانکی با متوسط سود پرداختی، به حداکثر سه درصد.

- ۲۵ درصد از گاز تولیدی کشور صرف مواد اولیه صنایع پایین دستی داخلی گردد. تبعیض قیمت برای بنگاه ها در مناطق مختلف ممنوع است.

قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن:

• حمایت از سرمایه گذاری در امر مسکن با استفاده از فناوری های نوین و تولید صنعتی مسکن.

• کلیه سازمانهای دولتی موظف به واگذاری زمین های واقع در محدوده روستا به صورت رایگان - جهت ساخت مسکن - به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی هستند. دولت موظف به تامین تسهیلات ارزان قیمت جهت ساخت مسکن روستایی، توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است.

• وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری بانک مرکزی منابع مالی را از طریق بازار رهن ثانویه، انتشار اوراق مشارکت، راه اندازی شرکت های تأمین سرمایه گذاری در حوزه مسکن، جذب مشارکت سرمایه گذاران خارجی و منابع صندوق های سرمایه گذاری داخلی و خارجی، تأمین نمایند.

قانون هدفمند کردن یارانه ها:

• دولت موظف است سیاست های تشویقی و حمایتی لازم را برای ایجاد و گسترش واحدهای تولید نان صنعتی، و نیز کمک به جبران خسارت واحدهای تولید آرد و نان اتخاذ نماید.

• ۳۰ درصد از خالص وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها، برای حمایت از تولید کنندگان بخش های کشاورزی و صنعتی، نان صنعتی، توسعه صادرات غیر نفتی و توسعه خدمات الکترونیک اختصاص یابد.

قانون مدیریت خدمات کشوری:

• به دستگاه های اجرایی اجازه داده می شود از طریق مناقصه و با عقد قرارداد با شرکت ها و موسسات غیر دولتی، بخشی از خدمات مورد نیاز خود را تأمین نمایند.

• دستگاه‌های اجرایی موظفند به منظور تقویت و حمایت از بخش غیر دولتی؛ اقدامات لازم را برای آموزش، سازماندهی، ایجاد تسهیلات و کمک‌های مالی، رفع موانع اداری و خرید خدمات از بخش غیر دولتی به عمل آورند.

• کلیه دستگاه‌ها موظفند حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون، آن دسته از وظایفی که قابل واگذاری - به جز وظایف حاکمیتی - به بخش غیر دولتی است را احصاء و نسبت به واگذاری آنها اقدام نمایند.

۷-۲- چالش: بهره‌وری پایین

۱-۷-۲- موانع موجود

• شکاف سرمایه - تولید (بهره‌وری پایین تولید).

• شکاف بنگاه‌های بزرگ - کوچک.

• شکاف مدیریت - شایستگی.

• شکاف مدیریت - مالکیت.

• شکاف نیروی کار - مهارت.

• شکاف فناوری - علم.

• شکاف بخش‌های کشاورزی - صنعت و خدمات.

۲-۷-۲- سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی اصل ۴۴:

• بندهای (الف) و (ج): توسعه بخش‌های غیر دولتی و جلوگیری از حجیم شدن دولت از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی.

• بندهای (ب) و (ه) : اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاست گذاری، هدایت و نظارت.

بند (الف):

- ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی و بهره وری منابع مالی، انسانی و فناوری

- کاستن از بار مالی و نقش مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی

سیاست های کلی برنامه پنجم:

• بهبود فضای کسب و کار کشور.

• ارتقاء سهم بهره وری.

• افزایش بهره وری بنگاه های مشمول واگذاری، با جذب مدیران با تجربه، متخصص و کارآمد.

• آماده سازی بنگاه های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با مقررات و قواعد تجارت جهانی.

• تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش.

• دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن.

• توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.

• دستیابی به فناوری های پیشرفته مورد نیاز کشور.

سیاست های کلی تشویق سرمایه گذاری:

• افزایش بهره وری اقتصاد کشور با اصلاحات ساختاری و مدیریتی، و کاهش هزینه های مبادله، و رفع موانع موجود.

- توسعه اشتغال

- ارتقاء مدیریت و بهره‌وری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

سیاست‌های کلی اشتغال:

- آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار.
- ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش بنیان.
- بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن.

- جذب فناوری از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورها، سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و جهانی.

- هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری، و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید.

- رعایت تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره‌وری نیروی کار.

سیاست‌های کلی بخش معدن:

- تقویت خلاقیت و ابتکار دستیابی به فناوری‌های نوین و ارتقا سطح آموزش نیروی انسانی.

- سیاست‌های کلی انرژی.

- تلاش برای کسب فناوری و دانش فنی انرژی‌های نو.

سیاست‌های کلی بخش حمل و نقل:

- افزایش بهره‌وری تا رسیدن به سطح عالی

سیاست های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا):

- توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- ارتقا سطح دانش و ظرفیت های علمی، پژوهشی، آموزشی و صنعتی کشور برای تولید علم و فناوری.
- تکیه بر فناوری بومی و توانمندی های تخصصی داخلی در توسعه زیرساخت های علمی و فنی.

سیاست های کلی نظام اداری:

- ایجاد زمینه رشد تخصص و مهارت های منابع انسانی.

سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف:

- توسعه و ترویج فرهنگ بهره وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه .
- اولویت دادن به افزایش بهره وری در تولید، انتقال و مصرف انرژی.
- تدوین برنامه ملی بهره وری انرژی.
- ارتقاء بهره وری و نهادینه شدن مصرف بهینه آب.
- افزایش بهره وری با تأکید بر استقرار نظام تسهیم منافع حاصل از بهره وری .
- اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه های حمایتی.

۲-۷-۳- قوانین موجود

قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار:

- تدوین شاخص های ملی محیط کسب و کار.

- بهبود جایگاه ایران در رتبه بندی های جهانی کسب و کار.
- اصلاح، حذف یا وضع مقررات در جهت بهبود محیط کسب و کار.
- تشکیل «سازمان نظام مشاوره مدیریت بخش ها و بنگاه های اقتصادی کشور».

قانون برنامه پنجم:

- دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه، و تثبیت آن.
- استقرار نظام یکپارچه پایش و ارزیابی علم و فناوری کشور.
- برنامه ریزی برای تحقق شاخص های اصلی علم و فناوری.
- توسعه و انتشار فناوری، و حمایت از شرکت های دانش بنیان.
- حمایت مالی از ایجاد و توسعه بورس ایده و بازارهای فناوری به منظور استفاده از ظرفیت های علمی کشور.
- حمایت های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان، ونوآوران علمی و فناوری.
- بستر سازی مناسب برای کسب حداقل یک شایستگی و مهارت برای هر فرد با توجه به نیاز بازار کار.
- به کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در کلیه فرآیندها.
- افزایش بهره وری از طریق بهینه سازی در منابع انسانی و مالی.
- گسترش شایستگی شغلی و حرفه ای از طریق افزایش دانش و مهارت.
- تنظیم سند ملی کار شایسته.

- تهیه نقشه جامع دولت الکترونیک.
- بهبود فضای کسب و کار.
- ارتقاء بهره‌وری نظام اداری، افزایش رضایت عمومی و دسترسی آسان و سریع شهروندان به خدمات عمومی و دولتی.
- ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک سوم در پایان برنامه.
- ایجاد پیوند مناسب میان بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ؛ انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی-مهندسی-تخصصی؛ تحقیق، توسعه و بازاریابی در بنگاه‌های کوچک و متوسط، و مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها در راستای ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو.
- ارتقا جایگاه بازار سرمایه.
- تنظیم مناسب بازار، سطح رقابت، ارتقاء بهره‌وری شبکه توزیع، و شفاف سازی فرآیند توزیع کالا و خدمات.
- جلوگیری از ایجاد هرگونه انحصار یا امتیاز ویژه برای صندوق‌های بازنشستگی به منظور فراهم نمودن شرایط رقابتی و افزایش کارآمدی بیمه‌های اجتماعی.
- افزایش و ارتقاء توان علمی، فناوری و نوآوری در صنعت نفت.
- اصلاح تخصیص‌ها و پروانه‌های موجود آب، و تحویل حجمی آب به تشکل‌های آب بران به منظور افزایش بهره‌وری آب کشاورزی.
- ارتقاء شاخص بهره‌وری آب در بخش کشاورزی.
- افزایش تولید و ارتقاء بهره‌وری و بازده زمین‌های کشاورزی.

- احیاء بافتهای فرسوده و نامناسب به منظور افزایش بهره‌وری و استحصال زمین.

- ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت و ارتقاء بهره‌وری، و تقویت مدیریت کشور.

- تقویت و تجهیز سازمان «سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران» به منظور افزایش کارایی.

- افزایش کارآمدی و اثر بخشی طرح‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای.

قانون مدیریت خدمات کشوری:

- افزایش بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول (ستانده).

- پرداخت پاداش به منظور ایجاد انگیزه و افزایش کارایی به کارمندان دستگاه‌های اجرایی.

- تهیه و تبیین فرآیندهای عمل و روشهای انجام کار، در دستگاه‌های اجرایی با هدف افزایش بهره‌وری نیروی انسانی.

- لحاظ نمودن میزان بهره‌وری و کارآمدی فعالیت‌ها در ارزیابی عملکرد منابع انسانی.

- ایجاد زیرساخت اطلاعاتی و تمرکز امور مربوط به استفاده از فناوری اطلاعات در خدمات‌اداری.

- استخدام افراد در دستگاه‌های اجرایی در مشاغل تخصصی و کارشناسی و بالاتر منوط به احراز توانایی آنها در مهارت‌های پایه است.

- استقرار نظام شایستگی و ایجاد ثبات در خدمت مدیران.

- توانمندسازی کارمندان (حقوق و مزایا، تکالیف و ارتقاء شغلی..)

• استقرار نظام مدیریت عملکرد، و اجرای برنامه های سنجش و ارزیابی عملکرد و میزان بهره وری.

قانون هدفمند کردن یارانه ها:

• اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع.

قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه گذاری صنعتی:

• نظارت بر رعایت استانداردهای کالا و خدمات توسط شورای عالی استاندارد.

• ارتقاء کارایی و بهره وری از طریق برخی مواد قانون کار.

۲-۸- بی ثباتی اقتصاد کلان

۲-۸-۱- موانع موجود

• شکاف رشد پایین نسبت به اهداف.

• شکاف قیمت- تولید.

• شکاف نقدینگی- سرمایه گذاری

• تورم.

۲-۸-۲- سیاست های کلی

سیاست های کلی برنامه پنجم:

• تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی.

• بهبود فضای کسب و کار کشور.

سیاست های کلی تشویق سرمایه گذاری:

- تنظیم سیاست های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات.

سیاست های کلی امنیت اقتصادی:

- سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی قوانین، مقررات و سیاست های اجرایی .

سیاست های کلی اشتغال:

- هماهنگ سازی و پایداری سیاست های پولی، مالی، ارزی و تجاری، و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره وری عوامل تولید و افزایش تولید.

۲-۸-۳- قوانین موجود

قانون برنامه پنجم:

- امکان ارائه خدمات بیمه ای مربوط به نوسانات قیمت ها و نوسانات نرخ ارز.

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است در طول برنامه، فروش مبالغ ارزی مذکور در احکام و ردیفهای قوانین بودجه سنواتی را به گونه ای انجام دهد، که تا تاریخ تصویب ترازنامه سال بعد آن بانک، خالص دارایی های خارجی نسبت به پایان سال قبل، از این محل افزایش نیابد.

- رشد نرخ متوسط ۸ درصد سالیانه تولید ناخالص داخلی.

- کاهش شکاف پس انداز و سرمایه گذاری، از طریق ایجاد سازو کارهای تشویقی و انگیزش برای تبدیل پس انداز ملی به سرمایه گذاری ملی، و حفظ نسبت پس انداز به تولید ناخالص داخلی به میزان متوسط ۴۰ درصد.

قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی:

- نرخ ارز مورد عمل هنگام ورود و خروج سرمایه خارجی نرخ رسمی کشور؛ و در غیر این صورت نرخ آزاد، به تشخیص بانک مرکزی باشد.

قانون توسعه ابزارها و نهاد های مالی:

- دولت موظف است کالاهای پذیرفته شده در بورس را از قیمت گذاری خارج نماید.

قانون بهبود مستمر کسب و کار:

- دولت و دستگاه های اجرایی مکلفند به منظور ایجاد ثبات، و امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری، هرگونه تغییر در سیاستها، مقررات و رویه های اقتصادی را در زمان مقتضی قبل از اجرا، از طریق رسانه های گروهی به اطلاع عموم برسانند.

قانون هدفمند کردن یارانه ها:

- دولت مجاز است برای مدیریت آثار نوسان قیمت های حامل های انرژی از طریق اخذ مابه التفاوت و یا پرداخت یارانه، به تنظیم بازار حامل های انرژی اقدام نماید.

منابع و مأخذ :

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی.
- اسناد برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
- رضایی میرقائد، محسن و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۵)، ایران در افق چشم انداز، انتشارات اندیکا، تهران.
- سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد ایران

تدوین: برگرفته از گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

این مقاله خلاصه ای از گزارش ۷۲۸ صفحه ای است که توسط گروهی از کارشناسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، با عنوان موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد ایران، تهیه و تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی:

تولید، تولید ناخالص داخلی، نیروی انسانی، سرمایه گذاری، بازار کار، بهره وری، عوامل تولید، فضای کسب و کار، تامین مالی.

مقدمه

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه، یکی از جوان ترین جمعیت‌های جهان را دارا می‌باشد، اما علی رغم برخورداری از درآمد سرشار نفت و رشد مداوم سالانه اقتصادی، فرصت‌های شغلی موجود پاسخگوی نیاز روز افزون جمعیت جوان جویای کار نبوده، و معضل بیکاری به چالش عمده اقتصاد کشور تبدیل شده است. جهت رفع این معضلات هیچ راهکاری جز بهبود وضعیت تولید و سرمایه گذاری وجود ندارد. فرایند سرمایه‌گذاری در ایران، به دلایل مختلف با موانع و نوسانات شدید- به خصوص در سال‌های پس از انقلاب - روبرو بوده است. تداوم این روند موجب گردیده تا کشور به لحاظ شاخص‌های اندازه‌گیری ریسک سرمایه‌گذاری، شرایط مناسب و مطلوبی نداشته باشد. شکل‌گیری چنین وضعیتی، محصول وجود موانع متعدد، در مقابل فرایند سرمایه‌گذاری است.

به منظور رفع معضلات تولید و سرمایه‌گذاری، مطالعات متعددی صورت گرفته و راهکارهای مختلفی به اجرا درآمده است. در این راستا بانک مرکزی، برنامه‌ای مطالعاتی را به منظور شناخت موانع و معضلات فراروی بخش واقعی اقتصاد کشور- به عنوان موتور محرک رشد- در دستور کار خود قرار داده است. در اولین بخش این طرح تحقیقاتی؛ ابعاد مختلف فعالیت بخش‌های تولیدی اقتصاد، نظیر وضعیت نیروی کار و بهره‌وری عوامل تولید، فناوری، نحوه تامین مالی، ریسک‌های کلان و فضای کسب و کار، بررسی گردیده است. بر اساس نتایج این طرح پژوهشی، مهم ترین عواملی که موجب کندی یا عدم پیشرفت در هر بخش می‌شوند؛ شناسایی شده، و راهکارهای رفع معضلات موجود ازایه گردیده است. در این گزارش نتایج طرح مطالعاتی مذکور به صورت اجمال ارائه می‌گردد.

نظم‌های آماری بخش واقعی در اقتصاد ایران

بسیاری از موانع و معضلات بخش واقعی اقتصاد، به ساختار هزینه‌ای بنگاه‌های تولیدی، و عدم وجود کارایی و بهره‌وری در نیروی انسانی، سرمایه و تکنولوژی، و عدم تناسب فعالیت‌های تولیدی با بخش خدمات مرتبط است.

همچنین، عدم تعادل در حوزه‌های پولی، مالی و ارزی، و نیز، عدم وجود بازارهای سرمایه قوی که موجب هدایت پس اندازهای جامعه در جهت فعالیت‌های تولیدی و مولد شود، در بروز معضلات بخش واقعی مؤثر هستند. علاوه بر این، بسیاری از تنش‌های سیاسی در روابط خارجی و همچنین شوک‌های بین‌المللی نظیر نوسانات جهانی قیمت نفت، و تغییر قیمت کالاهای صادراتی و مواد اولیه، از عوامل تأثیرگذار بر فرآیند تولید در کشور می‌باشند؛ که می‌بایست در شناسایی معضلات بخش واقعی، مطرح نظر قرار گیرند. این گزارش با استفاده از اطلاعات سالانه ۸۵-۱۳۶۸ اداره حساب‌های اقتصادی، به بررسی متغیرهای کلان بخش واقعی، پرداخته است.

- ۱- بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی و مقایسه آن با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، مبین وضعیت نامطلوب اغلب شاخص‌ها، به ویژه رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و تورم در ایران می‌باشد.
- ۲- در سال‌های مورد بررسی، متوسط رشد اقتصادی ۵/۲ درصد بوده؛ که در مقایسه با متوسط رشد کشورهای منطقه در سطح پایین؛ و دچار نوسان و بی‌ثباتی شدید بوده است.
- ۳- معضلات ساختاری بخش واقعی و مولد، و عدم ارتقاء تکنولوژی و بهره‌وری در این بخش، عوامل اصلی در کندی فرایند رشد می‌باشند. در این میان، نوسانات بخش‌های پولی و ارزی، و بی‌انضباطی مالی دولت، که عمدتاً ناشی از درآمدهای سرشار و پرنوسان نفت می‌باشد نیز در بی‌ثباتی رشد اقتصادی مؤثر بوده است.
- ۴- عدم تناسب ظرفیت‌های تولید با زیرساخت‌ها، و ناهمگونی سرعت آزادسازی متغیرهای کلان با اصلاحات صورت گرفته در بخش قوانین و مقررات، و تحولات زیرساختی، و نیز فشار تقاضای ناشی از تزریق منابع مالی حاصل از درآمد نفت به اقتصاد، از دلایل بالاتر بودن تولید بالفعل از تولید بالقوه بوده است.
- ۵- افزایش ۲/۵ برابری سهم بخش نفت طی برنامه‌های توسعه، موجب کاهش

- سه‌م سایر بخش‌ها شده است. در این میان، کاهش سه‌م بخش‌های کشاورزی و صنایع و معادن (بخش‌های مولد و تولیدی) بیشتر بوده؛ که نشانگر وجود ساختارهای نامناسب در بخش تولید کشور می‌باشد.
- ۶- علی‌رغم حمایت‌های ارزی و ریالی صورت گرفته از بخش صنایع و معادن، و افزایش سه‌م آن از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کل، کاهش سه‌م این بخش از ارزش افزوده محل تامل بوده؛ و بیانگر مشکلات ساختاری در بخش مذکور می‌باشد.
- ۷- در بخش کشاورزی به دلیل خرد بودن زمین‌ها و عدم یکپارچه‌سازی آن، امکان مکانیزاسیون در سطح وسیع، و استفاده از سیستم‌های آبیاری نوین فراهم نبوده؛ لذا، تحول ساختاری و تکنولوژیکی در این بخش بوجود نیامده است؛ و نیز به دلیل بروز پدیده خشکسالی، رشد روند تولید محدود بوده است.
- ۸- سیکل تولید و هزینه ناخالص داخلی، و اغلب اجزای آن در سال‌های برنامه اول و تا حدودی برنامه دوم، بسیار پر نوسان بوده، اما در سایر دوره‌ها از نوسان و طول دوره سیکل‌ها کاسته شده است.
- ۹- در میان زیربخش‌ها، سیکل کشاورزی و خدمات از نظر روند کلی و دوران رونق و رکود، با سیکل تولید ناخالص مشابه بوده، اما سیکل صنایع و معادن، و نفت متفاوت بوده است.
- ۱۰- در بین اجزای تولید و هزینه ناخالص داخلی، میان بخش صنایع و معادن و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص؛ از نظر روند کلی، میزان نوسان و طول دوره رونق و رکود؛ تشابه و همسویی زیادی وجود دارد.
- ۱۱- مقایسه رشد شاخص ضمنی با تورم نشان می‌دهد که شاخص ضمنی از نوسان بیشتری برخوردار بوده؛ که عمدتاً ناشی از نوسانات قیمت نفت و شاخص قیمت واردات است. این امر مؤید آنست که در انجام برنامه ریزی‌های اقتصادی، در نظر گرفتن نرخ تورم مناسب‌تر می‌باشد.
- ۱۲- به دلیل کاهش سه‌م مصرف بخش خصوصی در طول برنامه‌ها، از سه‌م

هزینه‌های مصرفی کل کاسته شده است؛ لیکن سهم مصرف بخش دولتی همچنان بالا مانده است؛ که با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده جهت کاهش حجم دولت، بیانگر عدم موفقیت در واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی و کاهش هزینه‌های مربوطه بوده است.

۱۳- نرخ رشد پس انداز در سال‌های اخیر به طور کامل با رشد تولید و درآمد ملی کشور متناسب نبوده، و روندی کاهنده داشته است. علاوه بر آن، رفتار مصرفی جامعه از ثبات بیشتری نسبت به پس‌انداز ملی برخوردار بوده است. این امر بدین معنی است که مصرف جامعه به دلیل لختی و اینرسی فراوان، با هر تغییر موقت در درآمد ملی، به کندی تعدیل می‌شود.

۱۴- نامطلوب بودن وضعیت بورس اوراق بهادار کشور در سال‌های گذشته، از عوامل اصلی عدم تجهیز مناسب پس انداز و تشکیل سرمایه در جامعه محسوب می‌گردد. در حالی که بهبود بازارهای مالی، مطمئن‌ترین راه افزایش سطح پس انداز جامعه می‌باشد. در این میان، تورم، نرخ پایین رشد اقتصادی و درآمد سرانه نامطلوب هم از دیگر عوامل مؤثر بوده‌اند.

۱۵- در طول برنامه‌های توسعه، تشکیل سرمایه، روند رو به رشد داشته است، اما در ابتدا به دلیل بی‌ثباتی بوجود آمده در اقتصاد و بحران ارزی، و در سال‌های اخیر، عمدتاً "به جهت ریسک بالای سرمایه‌گذاری - ناشی از مسائل سیاسی و تحریم‌های اقتصادی - از روند رشد بلند مدت سرمایه‌گذاری کاسته شده است.

۱۶- با بهبود اوضاع اقتصادی، اصلاح قانون مالیات‌ها و ایجاد حساب ذخیره ارزی، و همچنین بهبود نسبی شرایط سیاسی کشور در سال‌های برنامه سوم توسعه، رشد متوسط تشکیل سرمایه در زیر بخش‌های صنایع و معادن، خدمات و کشاورزی بهبود یافته و با کاهش نوسانات آن، تشکیل سرمایه کل نیز تا حدودی روند باثباتی یافته است.

۱۷- نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص در ایران، در مقایسه با کشورهای منطقه نسبتاً "بالا بوده، و بیشتر از میانگین این نسبت در میان ۲۰ کشور

مورد بررسی در منطقه است. لیکن، مقایسه روند نسبت مزبور با ارقام رشد واقعی، بیانگر پایین بودن بهره وری سرمایه گذاری در ایران می باشد.

۱۸- در طول دوره مورد بررسی، نسبت تشکیل سرمایه به پس انداز ناخالص، حدود ۸۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر بخشی از پس انداز مازاد بر تشکیل سرمایه ناخالص که حاصل فعل و انفعال داخلی اقتصاد کشور با دنیای خارج می باشد، به شکل خروج سرمایه یا ورود کالا نمود یافته است.

۱۹- در میان زیر بخش های تولید ناخالص، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به بخش صنایع و معادن با بخش خدمات بوده، و کمترین ضریب مربوط به بخش صنایع و معادن با کشاورزی می باشد. پایین بودن این ضریب می تواند ناشی از استفاده از روش های سنتی در بخش کشاورزی، و عدم توسعه کشاورزی مکانیزه و صنعتی در کشور باشد. بخش نفت با همه بخش های اقتصادی از ضریب همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بوده است.

۲۰- همبستگی پسین و پیشین اجزای تولید نیز حاکی از آن است که میان بخش های صنایع و نفت، با خدمات؛ و بخش های صنایع و نفت، یک الگوی مشابه وجود داشته است. به گونه ای که نوسانات بخش نفت در دوره های قبل، بخشی از تغییرات در بخش های صنایع و خدمات را تبیین نموده، که در بخش صنایع عمدتاً می تواند در زیر بخش ساختمان می باشد.

۲۱- ضریب همبستگی رشد اقتصادی با رشد درآمدهای نفتی نیز بسیار بالا بوده؛ و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی از شاخصه های اصلی اقتصاد کشور است.

۲۲- به دلیل ارزان بودن قیمت انرژی، مصرف آن در کشور، در مقایسه با سایر کشورهای جهان بسیار بالا بوده، و در رتبه دوم قرار دارد در مجموع، سرانه مصرف انرژی برای تولید یک واحد از تولید ناخالص، روند افزایشی داشته است. با افزایش قیمت جهانی نفت، وضعیت مزبور وخیم تر شده و موجب

عدم کارایی و صرفه اقتصادی تولید در برخی صنایع کشور گردیده است. ۲۳- رشد اجزای واردات و صادرات از نوسان فراوانی برخوردار بوده و سهم صادرات غیر نفتی از GDP در طول دوره، از ۶ درصد فراتر نرفته است. روند کاهشی نسبت مزبور در طول برنامه‌ها بیانگر عدم موفقیت سیاست‌های اتخاذ شده، جهت تشویق و توسعه صادرات و رونق بخش‌های تولیدی می‌باشد.

۲۴- حمایت از بخش صنعت در افزایش ارزش صادرات کالاهای صنعتی موثر بوده است، لیکن رشد آن عمدتاً "به دلیل بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در حوزه نفت و محصولات پتروشیمی؛ و نیز افزایش قیمت جهانی فرآورده‌های نفتی و محصولات فولادی بوده است. ۲۵- کاهش سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای، و افزایش ورود مواد اولیه، در سال‌های اخیر، عمدتاً ناشی از اعمال تحریم‌های اقتصادی و تمایل تولیدکنندگان جهت نگهداری مقادیر بیشتر مواد اولیه، جهت تداوم تولید و تامین تقاضای داخلی بوده است. رشد پایین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و نسبت بالای تغییر در موجودی انبار به GDP در سال‌های اخیر، مؤید این روند می‌باشد.

۲۶- روند رو به کاهش ارزش واحد کالاهای صادراتی در مقابل کالاهای وارداتی، موجب کاهش رابطه مبادله به زیان ایران گردیده؛ در حالی که تقویت بنیان‌های تولید و بخش‌های مولد، مستلزم بهبود قدرت رقابت و رابطه مبادله می‌باشد.

۲۷- نسبت باز بودن اقتصاد (مجموع واردات و صادرات، به GDP) روندی پرنوسان داشته است. گرچه روند آن در سال‌های اخیر صعودی بوده، لیکن در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار پایین می‌باشد.

بخش های اقتصادی

الف) سازماندهی تولید

- ۱- در مقایسه با سایر کشورها، سهم شرکتی اقتصاد پایین است.
- ۲- عدم توجه به شرکت های بزرگ که توانایی ایجاد برندهای معتبر در سطح جهانی را دارا هستند.
- ۳- کاهش سطح اعتماد در جامعه، که مبین پایین بودن سرمایه اجتماعی در جامعه می باشد.
- ۴- تلاقی منافع، و معضلات حقوقی مربوط به شراکت، در بخش تولید و عرضه محصول.
- ۵- پایین بودن سهم شرکت های غیرمالی و مالی، در تولید ارزش افزوده بخش های تولیدی.
- ۶- عدم توجه به نام تجاری یا برند

ب) نیروی انسانی و بازار کار

- ۱- عدم توجه به آموزش و تربیت نیروی انسانی، متناسب با تحول ساختار جمعیتی کشور و نیازهای بازار کار.
- ۲- محدودیت های مربوط به قوانین و مقررات کار.
- ۳- پرداخت های قابل توجه کارفرمایان و تولید کنندگان به سازمان تامین اجتماعی، بابت سهم کارفرما از حق بیمه.

ج) بهره وری عوامل تولید

بررسی شاخص بهره وری کل عوامل تولید، حاکی از آن است که علی رغم سرمایه گذاری های جدید (سرمایه سرانه)؛ مدیریت منابع کارآمد و مفید نبوده؛ و رشد اقتصادی صرفاً "به نهادهای تولید متکی می باشد. (متوسط رشد سالانه بهره وری کل عوامل تولید، موجودی سرمایه و نیروی کار شاغل طی دوره مزبور (۸۵-۱۳۶۸) به ترتیب ۹-، ۳/۲ و ۳/۴ درصد است).

د) موانع فرهنگی تولید

مولفه های فرهنگی مانع رشد اقتصادی و توسعه صنعتی عبارتند از:

۱- ارجحیت منافع فردی در مقابل منافع ملی

۲- فقدان حساسیت نسبت به هزینه‌ها

۳- مصرف گرایی و اسراف

۴- فقدان همکاری و تعاون

۵- فقدان نظم و برنامه ریزی

۶- محافظه کاری

۷- عدم توجه به ارزش زمان

۸- فقدان شایسته سالاری

ذ) ریسک های کلان اقتصادی و کیفیت سرمایه گذاری

۱- علی رغم حجم بالای نقدینگی در اقتصاد ایران، جذاب تر بودن سود در عملیات سوداگرانه در بازارهای طلا، ارز، مسکن و ... مانع از آن شده که نقدینگی در بخش های مولد به کار گرفته شود.

۲- گرچه آمار تسهیلات اعطایی بانک ها، نشانگر تخصیص منابع مالی به بخش های تولیدی می باشد، لیکن شواهد عینی حکایت از خروج منابع از این بخش، به سوی سایر بخش ها دارد.

۳- سیاست های پولی مادامی که منجر به کاهش نقدینگی و تورم حاصل از آن نگردد، ریسک هایی که از این بابت متوجه اقتصاد کشور است را تخفیف نخواهد داد.

۴- پایداری تورم که از عدم تعادل های اقتصاد کلان نشات می گیرد:

الف- در بعد عرضه، ناشی از ساختار هزینه ای بنگاه ها، پایین بودن بهره‌وری کل اقتصاد، درجه وابستگی به واردات و ساختار نیروی کار می باشد.

ب- در بعد تقاضا نیز، تورم، حاصل فشار تقاضای ایجاد شده از ناحیه بخش های مختلف می باشد.

- ۵- تزییقات سیاسی و اقتصادی تحمیل شده از خارج بر اقتصاد کشور و بی ثباتی اقتصادی ناشی از آن.
- ۶- رشد بالای نقدینگی یکی از عوامل موثر بر میزان تورم در اقتصاد کشور بوده است.
- ۷- پایین بودن بهره‌وری کل عوامل تولید و به خصوص بهره‌وری سرمایه.
- ۸- بی ثباتی فضای کسب و کار و شرایط نامطلوب حاکم بر آن.
- ۹- ساختار نامناسب بازار کار.
- ۱۰- درجه بالای وابستگی به واردات.
- ۱۱- عدم توسعه مالی مناسب و شرایط رکود حاکم بر بازار سرمایه.
- ۱۲- ساختار هزینه‌ای نامناسب واحدهای تولیدی.
- ۱۳- عدم اطمینان و امنیت خاطر فعالان در بخش صادرات و واردات کالاها، و خدمات.

و) عمده‌ترین ریسک‌های سیاسی

- ۱- ریسک مصادره، ملی کردن و ضبط اموال.
- ۲- ریسک‌های مربوط به ارز (-ریسک محدودیت ورود و خروج ارز -ریسک نوسانات نرخ ارز).
- ۳- ریسک مالیات؛ اعم از مالیات بر درآمد، مالیات بر خرید مواد اولیه، مالیات بر سود، حقوق و عوارض گمرکی.
- ۴- ریسک نیروی کار (کمبود نیروی کار ماهر، محدودیت ورود نیروی کار خارجی، امکان ارتباط با اتحادیه‌های کارگری).
- ۵- ریسک محدودیت یا ممنوعیت صادرات، در پروژه‌هایی که با هدف صادرات اجرا می‌شوند.
- ۶- ریسک فقدان سیستم حقوقی و قانونی موثر در کشور برای اجرای قراردادهای، با توجه به اعمال نفوذ گروه‌ها و افراد ذینفع.

ر) موانع تأمین مالی بخش واقعی

۱) موانع تأمین مالی بخش نفت و گاز :

- ۱- محدودیت‌های مربوط به اصول ۴۴، ۸۱، ۸۲ و ۱۳۹ قانون اساسی
- ۲- ۱-ریسک بالا در کشور.
- ۳- ۱- تحریم‌ها (قانون داماتو و ...) و نیز تحریم‌های مرتبط با مساله هسته‌ای.
- ۴- ۱-قرار گرفتن ایران در منطقه‌ای پر تنش.
- ۵- ۱-فقدان حمایت قانونی، و عدم شفافیت و ثبات قوانین و مقررات.
- ۶- ۱-فقدان حقوق انحصاری و امتیازات مکفی برای سرمایه‌گذار خارجی مطابق بند (ب) ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۷- ۱-فقدان آمار و اطلاعات موثق در زمینه تجارت و صنایع کشور.
- ۸- ۱-انحصار دولتی و فضای نامساعد کسب و کار (رتبه ایران بین ۱۷۸ کشور ۱۳۵ بوده و سنگاپور رتبه نخست را دارد)

۲) موانع تأمین مالی در بخش کشاورزی:

- ۱-۲-فقدان امنیت سرمایه‌گذاری و بازدهی پایین سرمایه نسبت به سایر بخش‌ها.
- ۲-۲-فقدان توسعه زیرساخت‌های بخش کشاورزی و اقتصادی نبودن تولید در این بخش.
- ۳-۲-فقدان سیاست‌های تشویقی مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی.
- ۴-۲-محدودیت و عدم توسعه نهادها و بازارهای مالی؛ و در مقابل رشد بازارهای غیررسمی مالی.
- ۵-۲-سرمایه‌گذاری ناکافی دولت در بخش کشاورزی.

۶-۲-عدم دسترسی به سرمایه‌های خارجی به علت غیرشفاف بودن قوانین و ریسک بالای کشور.

۷-۲-فقدان مکانیزم تجهیز سرمایه‌های- هرچند اندک- فعالان این بخش.

۸-۲-فصلی بودن چرخه تجاری کشاورزی و وجود شوک‌های زیاد قیمتی و درآمدی.

۹-۲-غیرتجاری بودن فعالیت‌های کشاورزی.

۱۰-۲-موانع و معضلات نظام بانکی کشور در تامین منابع مالی بخش کشاورزی.

۱-۱۰-۲-بانک‌های تجاری: (نا آشنایی با محیط کشاورزی و نحوه فعالیت در آن، عدم گستردگی شعبات در روستاها و شهرستان‌های کوچک، فقدان بدنه کارشناسی لازم جهت ارزیابی طرح‌های کشاورزی، وجود ریسک بالا در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها، در اختیار نداشتن وثیقه قابل قبول در روستاها نسبت به شهرها)

۲-۱۰-۲-بانک کشاورزی: (تمرکز بر بخش کشاورزی (کاملاً تخصصی) و معضلات تجهیز منابع با جهت‌گیری توسعه‌ای (غیرتجاری بودن)، مالکیت دولت، مشکلات ناشی از حوادث طبیعی (زلزله، سیل، سرمازدگی، خشکسالی و...)، افزایش معوقه‌ها و فشار بر منابع بانکی، محدودیت‌های قانونی، ضعف رویه‌های اجرایی، دخالت دولت، محدودیت در گسترش شعب به دلیل پایین بودن بازدهی شعب روستایی)

۱۱-۲-بازدهی اندک سرمایه در بخش کشاورزی، و وجود مقررات و محدودیت‌های قانونی و دولتی که فرآیند تصمیم‌گیری بانک‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، و نیز افزایش بدهی‌ها و عدم پابندی دولت به تعهدات خود نسبت به بانک‌ها، و مشکل تامین اعتبار صندوق بیمه کشاورزی.

۳) موانع تأمین مالی در بخش صنعت و معدن:

- ۳-۱- بالا بودن مطالبات معوق نظام بانکی، از بخش صنعت و معدن.
- ۳-۲- سودآوری بیشتر سایر بخش‌های اقتصادی، و خروج منابع از بخش صنعت و معدن به سمت سایر بخش‌ها.
- ۳-۳- عدم توسعه بازار سرمایه و اتکای صرف به منابع بانکی، و محدودیت ابزارها و خدمات مالی.
- ۳-۴- ضعف دانش در مدیریت جریان نقدینگی واحدهای تولیدی.
- ۳-۵- نامساعد بودن فضای کسب و کار.
- ۳-۶- دسترسی شرکت‌های بزرگ صنعتی به ویژه شرکت‌های بخش عمومی به تسهیلات بانکی و منابع بودجه‌ای، و محروم ماندن سایر بنگاه‌ها، با توجه به محدودیت منابع بانکی.
- ۳-۷- سهم بالای بخش دولتی در اقتصاد، نفوذ مدیریت شرکت‌ها و صنایع بزرگ، تسهیلات تکلیفی، توانایی تودیع سپرده و وثیقه و حمایت‌های دولت از شرکت‌های وابسته.
- ۳-۸- فقدان انگیزه کافی بنگاه‌های صنعتی جهت تأمین منابع مالی از طریق بازار سرمایه، به دلیل پایین بودن نرخ تسهیلات بانکی و بالا بودن هزینه تأمین مالی از بازار مذکور.
- ۳-۹- مشکلات تأمین مالی از طریق منابع خارجی با توجه به تحریم‌های اقتصادی غرب.

۴) موانع تأمین مالی بخش خدمات:

- ۴-۱- نگرش منفی جامعه به بخش خدمات، به عنوان بخشی غیر تولیدی.
- ۴-۲- فقدان تعریف استانداردهای کیفیت در بخش خدمات، و معضلات ارزیابی طرح‌های بخش خدمات توسط بانک‌ها.
- ۴-۳- محدودیت حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این بخش، با توجه به ناپایداری قوانین و مقررات.

۴-۴- عدم توسعه صنعت توریسم و صنایع وابسته، و ریسک بالای سرمایه گذاری در این صنعت.

۴-۵- فقدان زیرساخت های لازم در زمینه صادرات و واردات خدمات.

۴-۶- مشکلات ناشی از تحریم ها؛ در خدمات مالی، بیمه و حمل و نقل - بویژه حمل و نقل هوایی.

۴-۷- عدم رعایت حقوق کپی رایت و به تبع آن بازدهی پایین سرمایه گذاری در این حوزه.

۴-۸- وجود انحصارات دولتی و فضای غیر رقابتی در اغلب زیر بخش های خدمات.

۴-۹- اتکا مالی بخش خدمات به دولت، و محدودیت های بودجه ای دولت. (این در حالی است که بخش خصوصی با رقابت سالم، و انعطاف بیشتر در تصمیم گیری و صرفه جویی در هزینه ها، و خلاقیت، قادر است نقش فعال تری در تامین مالی بخش خدمات، ایفا نماید)

۴-۱۰- حساب بخش خدمات، در حساب جاری موازنه پرداخت ها برای سال های متمادی منفی، و همچنان رو به کاهش است. این روند گویای عقب ماندگی های اساسی این بخش در حوزه های مختلف است. بدیهی ست در صورتی که زمینه مناسب جهت ورود بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی فراهم گردد؛ علاوه بر تامین مالی، در زمینه اشتغال و درآمدزایی نیز این بخش شاهد تغییرات اساسی خواهد بود.

موانع تأمین مالی بخش واقعی در سطح کلان

۱- نظام مالی ناکارآمد: در نظام مالی کشور تخصیص منابع با سرعت پائین، و هزینه معاملاتی بالا صورت می گیرد. ارائه خدمات مالی به متقاضیان تبعیض آمیز است، و ریسک های سیستماتیک سیاسی و حقوقی وجود دارد. همچنین اطلاعات مورد نیاز به صورت غیرشفاف و با هزینه بالا در دسترس قرار می گیرد. در نظام مالی ناکارآمد، قیمت وجوه به درستی تعیین نمی شود. علاوه بر این، خدمات مالی از تنوع و تعدد کافی برخوردار نمی باشد. لذا نظام مالی تحت این شرایط در تأمین هزینه های بخش واقعی ناتوان است.

- ۲- تسلط بازار پول بر بازار سرمایه، همراه با انحصاری و دولتی بودن بازار پول: این ویژگی سبب شده است که بخش عمده‌ای از پس‌اندازهای خصوصی نتواند از طریق بازارهای مالی رسمی در فرایند فعالیت‌های تولیدی جریان یابد.
- ۳- سطح پائین خدمات مالی و سیستم ناکارآمد حقوقی و قانونی، در اجرای قراردادهای مالی، و همچنین هزینه‌های معاملاتی بالا، موجب افزایش هزینه تأمین مالی بخش واقعی شده است.
- ۴- محدودیت برخی ابزارهای مالی و قراردادهای در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی.
- ۵- فقدان انگیزه بانک‌ها و موسسات مالی در تأمین منابع بلند مدت طرح‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های اقتصادی.
- ۶- محدودیت امکانات فنی و کارشناسی بانک‌ها برای اجرای عقود مشارکتی؛ (عقود مشارکتی مستلزم نظارت کافی و ارزیابی موثر طرح‌های اقتصادی است. این امر با توجه به گسترش و تنوع آن‌ها، نیازمند به‌کارگیری کارشناسان و متخصصان مختلف می‌باشد، که برای بانک‌ها در کوتاه مدت مقدور نیست؛ و در هر صورت هزینه نیروی انسانی بانک را افزایش می‌دهد).
- ۷- بالا بودن ریسک‌ها در عقود مشارکتی که عمدتاً برای تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، از دیگر محدودیت‌های تأمین مالی بخش واقعی است.
 - ریسک نکول یا عدم بازپرداخت، قابل تعریف نیست.
 - ریسک‌های سیستماتیک (سیاسی و حقوقی) در عملکرد عقود موثر بوده، و موجب افزایش بازده مورد تقاضای سرمایه‌گذاران و کاهش خالص ارزش کنونی طرح‌ها می‌گردد.
 - امکان اخذ وثیقه‌ها خارج از طرح وجود ندارد.
 - ریسک بالا در بخش صنعت و فعالیت‌های صنعتی.
 - ریسک سوء مدیریت دریافت کنندگان تسهیلات.
 - ریسک نرخ بهره / سود مورد انتظار.

۸- فقدان موسسات بیمه‌ی سپرده و اعتبار، جهت پوشش ریسک‌های مترتب بر سپرده‌ها و عدم بازپرداخت تسهیلات؛ که تسهیلات معوقه را به یک چالش عمده برای بانک‌ها تبدیل کرده و ادامه تامین مالی بخش واقعی را با محدودیت مواجه نموده است.

۹- فقدان موسسات رتبه‌بندی: این موسسات نقش اساسی در افزایش شفافیت، ارتقای پایگاه اطلاعات مالی و اقتصادی و نهایتاً "مدیریت ریسک دارا می‌باشند.

۱۰- فقدان بانک‌های سرمایه‌گذاری (شرکت تأمین سرمایه): این بانک‌ها به عنوان واسطه مالی میان شرکت‌های انتشار دهنده اوراق بهادار و سرمایه‌گذاران، و همچنین تضمین فروش اوراق بهاداری که برای نخستین بار توسط شرکت‌ها منتشر می‌شود، کمک شایانی به تأمین مالی ناشران، از سوی بازار سرمایه می‌کنند.

۱۱- عدم رعایت اصل تفکیک مسئولیت مدیران اجرایی (کسانی که ریسک‌ها را به وجود می‌آورند) از مسئولیت مدیران کنترل‌کننده ریسک (کسانی که ریسک را مدیریت می‌کنند) در سطوح مختلف. به عنوان مثال، مدیر عامل بانک، رئیس هیات مدیره است.

۱۲- در بازار پول و سرمایه ایران، دامنه‌ی متنوعی از ابزارها وجود ندارد، و همچنان شکل سنتی انواع سپرده‌ها در نظام بانکی، و نیز اوراق سهام در بازار سرمایه، ابزارهای اصلی را در نظام مالی کشور تشکیل می‌دهند. این محدودیت همراه با نارسایی‌های مختلف ساختاری در سیستم بانکی کشور، ناکارآمدی بخش مالی را موجب شده، و به تبع آن، بخش واقعی نیز در فرایند توسعه خود با موانعی مواجه گردیده است.

۱۳- عدم توسعه بازار سرمایه، و عدم شکل‌گیری دقیق بازار اولیه، تأمین مالی کارآفرینان را با مشکل مواجه نموده است. بورس اوراق بهادار تهران، نوعی بازار ثانویه می‌باشد؛ لذا سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی که قبل از سرمایه‌گذاری و انجام تولید باید نیازهای مالی خود را از این محل تأمین نمایند، با محدودیت مواجه هستند. این وضعیت مانعی جهت شکل‌گیری اختراعات و نوآوری‌ها، و افزایش سهم شرکت‌ها در اقتصاد ایران است.

۱۴- محدودیت در توسعه نهادهای مالی: نرخ‌های بهره بازار پول، نقش عمده‌ای در توسعه نهادها و ابزارهای بازار سرمایه، و همچنین حوزه‌های مالی دیگر از جمله بازارهای مشتقه آتی ایفا می‌کنند. نرخ بهره، نه تنها در توسعه بازار مالی و مالا^۱ تامین مالی بخش واقعی نقش اساسی دارد، بلکه در استراتژی‌های مدیریت ریسک نیز مهم است.

۱۵- انحصار دولتی و نامساعد بودن فضای کسب و کار. (Doing Business): بر اساس گزارش بانک جهانی، رتبه ایران در اخذ اعتبار بین ۱۷۸ کشور ۶۸ می‌باشد. این رتبه اگرچه نسبت به سایر مولفه‌های فضای کسب و کار نسبتاً بهتر می‌باشد، اما همچنان از موانع تأمین مالی بخش واقعی تلقی گردیده، و لازم است فرآیند اخذ اعتبار تسهیل شود.

محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی

همانگونه که پیشتر نیز اشاره گردید برخی موانع و تنگناها بر سر راه تامین سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد، که مجدداً به آن‌ها اشاره می‌گردد:

- ۱- ریسک بالای کشور و کاهش رتبه اعتباری ایران در جهان،
- ۲- محدودیت‌های اصول ۴۴، ۸۱، ۸۲ و ۱۳۹ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
- ۳- تحریم‌های مالی و بانکی و قطع ارتباط بانک‌ها با نظام مالی آمریکا،
- ۴- تحریم‌های مرتبط با قانون داماتو و مساله هسته‌ای،
- ۵- قرار گرفتن ایران در منطقه پر تنش خاورمیانه،

نتیجه گیری:

با توجه به بررسی های انجام شده موانع متعدد ساختاری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... بر سر راه تولید ملی قرار دارد که نوشتار فوق متکفل تبیین مهم ترین آن ها بوده است. چنانچه این موانع و معضلات بطور سیستماتیک و جدی مرتفع نشوند؛ ارتقاء سطح تولید ملی و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی در محدوده شعار و ایده باقی خواهد ماند.

منابع و مأخذ:

بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره حساب های اقتصادی، آمار حساب های ملی ایران. بهرامی، جاوید و اصلانی، پروانه، بررسی عوامل مؤثر بر پس انداز بخش خصوصی در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۳. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای پیرامونی، بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، ۱۳۸۶. رویکرد تبیین پویایی های تورم، بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی. 5-IRAN Growth Diagnostic Study Report, The World Bank, 2000

بررسی موانع و معضلات بخش تولید از دیدگاه تولیدکنندگان

تدوین: برگرفته از جلسات کارشناسی کمیسیون مشترک

چکیده

مقام معظم رهبری سال ۹۱ را سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری نموده اند. این امر نمایانگر دغدغه مسئولان نظام نسبت به شرایط اقتصادی کشور، خصوصاً مقوله تولید ملی است. تحقق اهداف شعار مطرح شده، مستلزم شناسایی موانع موجود بر سر راه تولید می باشد. در این راستا، کمیسیون مشترک دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، با برگزاری جلسات متعدد، با حضور مسئولین و تعدادی از اعضای سندیکای مخابرات، برق و الکترونیک؛ اقدام به بررسی وضعیت تولید ملی، و موانع موجود در این بخش نموده است. این گزارش حاصل تلخیص مباحث مطرح شده در این جلسات است.

واژگان کلیدی:

تولید ملی، موانع تولید، هزینه های تولید، تولید کنندگان داخلی، اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون کار.

مقدمه

مقام معظم رهبری سال ۹۱ را سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری نموده اند؛ که نمایانگر دغدغه مسئولان نظام نسبت به شرایط اقتصادی کشور، خصوصاً مقوله تولید ملی است. شعار حمایت از تولید ملی را می توان در راستای تحقق جهاد اقتصادی تعبیر نمود. هر ساختار اقتصادی در فرایند تولید، نیازمند عوامل و منابع بوده؛ و با دغدغه تخصیص بهینه آن منابع، جهت ارتقا کیفیت و سطح تولید ملی، مواجه می باشد. مهم ترین این عوامل نیروی کار و سرمایه است؛ در نتیجه، حمایت از تولید ملی، که مستلزم حمایت از نیروی کار و سرمایه است. در ادامه مهم ترین موانع در بخش تولید، از سوی فعالان این حوزه، احصاء شده اند، مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی در این زمینه ارائه می گردد.

موانع بخش تولید و راهکارهای مربوطه

۱. قانون گریزی: عدم اجرای قانون حداکثر استفاده از توان تولید داخلی، مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی؛ توسط دولت، نهادها و سازمان هایی که براساس اصل ۴۴؛ شرکت های دولتی به آن ها واگذار شده اند؛ همچنین خلاء قانونی در زمینه برخورد با سازمان ها و ارگان هایی که قانون مذکور را رعایت نمی نمایند.
- راهکار:** با تدوین قانون، مصوبه یا آیین نامه های لازم؛ نظارت بر حسن اجرای قانون حداکثر استفاده از توان تولید داخلی، به عهده ی تشکل های صنفی ذیربط - به لحاظ اشراف کاملی که بر فرایند تولید دارند- نهاده شود. همچنین نحوه برخورد جدی با متخلفین معین گردد.
۲. تاخیر در پرداخت مطالبات: تاخیر در پرداخت مطالبات تولید کنندگان و پیمانکاران توسط دستگاه های اجرایی، موجب تضییق آن ها، و افزایش هزینه های تولید، کاهش سرمایه گذاری و زیان آنان می گردد.
- راهکار:** الزام خریداران محصولات، به گشایش اعتبارات اسنادی (LC داخلی) در هنگام عقد قرارداد، از سقف یک میلیارد ریال به بالا، به نفع تولید کنندگان و

پیمانکاران، مطابق بند (الف) ماده (۱۱) قانون رفع موانع تولید.

۳. خریدهای خارجی: خریدهای خارجی به دو طریق مانع تولید داخلی می‌گردد؛ (الف) سازمان‌های دولتی و ارگان‌های اجرایی جهت انجام فعالیت‌های پیش‌بینی نشده در برنامه‌های سالانه خود، اقدام به خریدهای فوری و عجولانه از کشورهای خارجی می‌نمایند. (ب) همچنین نهادها و شرکت‌های مرتبط با اصل ۴۴، با توسل به عدم تولید برخی تجهیزات پیشرفته، توسط تولیدکنندگان داخلی؛ مبادرت به خرید تجهیزات خارجی بدون تامین خدمات مهندسی و پشتیبانی، می‌نمایند. این امر موجب عدم انتقال دانش فنی و سایر خدمات مهندسی به داخل کشور می‌گردد. تداوم این وضعیت مانع ایجاد زمینه مناسب جهت تولید این تجهیزات، توسط تولیدکنندگان داخلی می‌شود.

راهکارها: (الف) در راستای اجرای تبصره (۲) ماده (۲) قانون حداکثر استفاده از توان تولید داخلی، و به منظور ارائه فرصت کافی به متخصصین و مبتکرین داخلی جهت تأمین نیازهای تکنولوژیک نهاد‌های مختلف؛ سازمان‌های دولتی و سایر نهاد‌های اجرایی موظف گردند تجهیزات و اقلام مورد نیاز خود را حداقل ۶ ماه قبل از برگزاری مناقصه، به شکل‌های صنفی ذیربط اعلام نمایند. (ب) همچنین در صورت اجبار به خرید تجهیزات خارجی، پیشنهاد می‌گردد به منظور انتقال تکنولوژی و ایجاد زمینه مناسب جهت تولید داخلی، خرید از طریق تولیدکنندگان مرتبط با آن تجهیزات که دارای پروانه بهره‌برداری یا فعالیت از وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌باشند؛ صورت پذیرد. این تمهیدات به تدریج زمینه مناسب جهت تولید این تجهیزات توسط تولیدکنندگان داخلی را فراهم می‌نماید. بدیهی است که توسل به واسطه‌ها و دلالتان جهت وارد نمودن تجهیزات خارجی، مانع انتقال دانش فنی و رشد تولید داخلی می‌شود.

۴. بالا بودن هزینه‌های تولید: اخذ هزینه‌های متعدد قانونی و غیر قانونی، پرداخت‌های مضاعف؛ از جمله انواع مالیات، عوارض، بیمه‌های تأمین اجتماعی؛ و نیز بالا بودن نرخ تورم و بهره بانکی، موجب افزایش هزینه‌های تولید گردیده؛ تا آنجا که هزینه‌های تجمیع شده؛ اعم از مالیات و عوارض، بیمه

و هزینه های پرسنلی، ۶۰٪ هزینه تولید را تشکیل می دهد. این امر منجر به افزایش قیمت تمام شده محصولات داخلی، و کاهش توان رقابت با نمونه های خارجی گردیده؛ همچنین موجب کاهش انگیزه تولیدکنندگان و سرمایه گذاران می شود.

راهکارها:

الف) تمکین سازمان تأمین اجتماعی، به اجرای بند (ج) ماده (۱۱) قانون رفع موانع تولید و عدم دریافت حق بیمه مضاعف از تولید کنندگان و پیمانکاران.

۲) پرداخت قسمتی از حق بیمه ۲۳٪ سهم کارفرمای شرکت های تولیدی، توسط دولت، و یا کاهش سهم کارفرما از ۲۳٪ به ۱۴٪.

ج) تقبل پرداخت ۳٪ بیمه بیکاری توسط دولت؛ چرا که تولید کننده نقشی در بیکار شدن کارگر ندارد.

د) با اتخاذ تمهیدات قانونی بند (۲-۵) و (۳-۵) ماده (۸۰) که تاکنون در حل معضلات تولید، مفید فایده نبوده است؛ حذف گردد.

ز) کاهش مالیات تولید کنندگان و کارآفرینان.

۲۴) حذف جرایم مالیاتی و بیمه ای تولیدکنندگان و کارآفرینان.

ح) اختصاص منابع بانک صنعت و معدن، جهت تأمین منابع مالی برای تولیدکنندگان با بهره پایین، و تأمین منابع مالی برای بانک مذکور.

۵. قانون کار: مفاد قانون کار موجود، به زیان کارگر و کارفرما می باشد.

راهکار: قانون کار، با اقتباس از قانون کار چند کشور اسلامی و صنعتی دنیا اصلاح شود.

منابع:

- مشروح مذاکرات و جلسات کمیسیون مشترک با مسئولین و اعضای سندیکای مخابرات، برق و الکترونیک.

گزارش توجیهی سیاست‌های کلی نظام در زمینه تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی

تدوین: کمیسیون اقتصاد کلان^۱

چکیده

از مشکلات بنیانی که الگوسازی جهت تدوین نقشه‌ی راه سیاست‌های کلی کشور را دشوار ساخته، فقدان نگرش و الگوی رسمی حاکمیتی در این زمینه است. از این رو کارشناسان تدوین‌کننده‌ی سندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی حمایت از تولید، کوشیده‌اند بندهای سیاست‌های کلی را در چارچوبی که حکم حکومتی در مورد آن‌ها قابل اعمال باشد، ارائه نمایند. در این مقاله ضمن بیان مبانی نگرشی تدوین سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌های پیشنهادی در زمینه تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی ارائه شده است. این گزارش شامل بخش‌های مختلفی است که هر بخش عهده دار تبیین الزامات تدوین این نوع سیاست کلی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

تولید ملی، موانع نهادی، سرمایه‌گذاری، نیروی کار، سیاست‌های کلی نظام، اصلاح الگوی مصرف، اشتغال، بهره‌وری.

۱ - کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و امور اداری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (تلفن:

۲۲۲۵۸۸۹۹)

۱- مقدمه

جهت تدوین این گزارش بیش از سه هزار ساعت مطالعه و بحث کارشناسی و ۲۵۰ ساعت کار اداری در دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده است. علاوه بر آن طی هشت جلسه در بیت مقام معظم رهبری، مسئولان محترم حاضر در جلسات، نظرات تکمیلی خود را ارائه نموده اند

در جمع بندی نهایی، تلاش گردیده مجموعه ای منسجم تدوین شود؛ که چارچوب های سیاست کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی را در بر گیرد. نکته ی مهمی که بایستی به آن عنایت داشت آنست که برخی از بندهای سیاست های کلی پیشنهادی در بحث های پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام در چارچوب سیاست های کلی پیشنهادی برای جهادی اقتصادی مطرح شده ؛ اما از آنجا که مسیر تصویب سیاست های کلی تغییر نموده، این بحث ها کم و بیش ناتمام باقی مانده است. استفاده از نتایج بحث های مورد اشاره می تواند در ارزش گذاری بر جهت گیری بندهای مختلف سیاست های کلی پیشنهادی کنونی، اثر گذار باشد.

۲- الزامات تدوین گزارش سیاستهای کلی

گزارش حاضر مبین مبانی نگرشی تدوین سیاست های کلی نظام در زمینه تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی است. این گزارش از بخش های مختلفی تشکیل شده، که هر بخش مباحثی از الزامات تدوین این نوع سیاست کلی را بیان می نماید.

چنانکه در گزارش اشاره شده، فقدان نگرش و الگوی رسمی حاکمیتی در کشور، یکی از موانع اساسی است که الگوسازی در راستای تدوین نقشه ی راه سیاست های کلی را ناممکن می سازد. به نظر می رسد که ساماندهی به این موضوع از الزامات ضروری امر است، اما در غیاب نگرش رسمی، فقط می توان با روش های ارزیابی وضعیت، بدون تکیه بر الگوی رفتاری، اولویت ها را تشخیص داد. اقدامات انجام شده در این چارچوب در گزارش به دقت ترسیم شده است تا نقشه ی راه و چشم انداز تحقیق روشن و شفاف شود.

بدیهی است که تدوین مجموعه ای از سیاست های کلی که تمامی اهداف و معضلات را پوشش دهد، چنان گسترده می شود که لاجرم اجرای آن تعلیق به محال می گردد.. با در نظر داشتن چنین مشکلی، کارشناسان تدوین کننده ی سندهای پیش نویس، کوشیده اند تا مهم ترین موارد را مطمح نظر قرار داده و در کارآمدترین شکل، بندهای سیاست های کلی رادر چارچوبی که حکم حکومتی در مورد آن ها قابل اعمال باشد، ارائه نمایند.

۳- معضلات اساسی بخش‌های تولید، کار و سرمایه در کشور

معضلات اساسی بخش تولید، کار و سرمایه، با بهره‌گیری از یافته‌های مربوط به مطالعات صورت گرفته جهت تدوین سیاست‌های کلی در آن حوزه‌ها، استخراج و فهرست شده است. فقدان نگرش رسمی جهت برنامه‌ریزی‌های درازمدت و کلان‌تر از برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله، و فقدان نقشه‌ی راه در مورد سند چشم‌انداز، سبب شده است که نتوان با الگوسازی منسجم به نیازهای پایه‌ای پی برد. این نارسایی سبب می‌شود که نتوان به شکل مطلوب برنامه‌های حاکمیتی را مدون نموده، و در این زمینه فقط می‌توان با تکیه بر نظرات افراد اولویت‌ها را تنظیم نمود. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، کوشیده است تا با بهره‌گیری از آرای مسئولان، نخبگان و فعالان این بخش، فهرستی از موانع و معضلات اصلی بخش تولید، کار و سرمایه را، به شرح زیر، تدوین نماید. این معضلات به عنوان یکی از مبانی طراحی اهداف در بندهای مختلف سیاست‌های کلی نظام، در زمینه تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی مد نظر قرار گرفته است. فهرست ۴۴ مورد از موانع و معضلات در ذیل به صورت جداگانه آورده شده است.

۳-۱: معضلات بخش تولید:

۱. فقدان نگرش واحد و با ثبات جهت پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور،
۲. فقدان قدرت رقابت،
۳. کندی جریان تأمین مالی،
۴. طولانی بودن جریان سفارش از خارج و استفاده از محصولات خارجی،
۵. کوچک ماندن مقیاس،
۶. پایین بودن سطح دانش فنی تولید،
۷. محدودیت منابع جهت تحقیق، توسعه و نوسازی فعالیت‌های اقتصادی،
۸. بی‌ثباتی قوانین و مقررات در بخش تولید،
۹. معضلات فضای کسب و کار،

۱۰. محدودیت دسترسی به بازار به دلایل داخلی و خارجی،
۱۱. محدودیت عرضه ی محصولات جدید،
۱۲. فقدان تعامل مناسب با کشورهای دیگر،
۱۳. ضعف دانش در زمینه ضوابط مطلوبیت کالاها و خدمات در سطح جهان (شرط سبز بودن: نداشتن عوامل آلاینده، قراردادن در محدوده ی مطلوب مصرف انرژی،)،
۱۴. فقدان نگرش مثبت به تولیدکننده و سرمایه دار در جامعه،
۱۵. ضعف شبکه ی توزیع محصولات،
۱۶. رفتار تبعیض آمیز به نفع بنگاه های دولتی، در مقابل بنگاه های شبه دولتی و خصوصی،
۱۷. فقدان آمار و اطلاعات روزآمد و دقیق جهت تصمیم گیری و رصد وضعیت موجود،
۱۸. فقدان سیاست های انگیزشی برای ارزآوری و ورود به بازارهای جهانی، به ویژه به صورت باثبات یا درازمدت،
۱۹. بالا بودن نرخ ائتلاف منابع به دلیل ناپیوستگی ساختار بخش تولید.
۲۰. بی تفاوتی نسبت به قوانین و مقررات کشور،
۲۱. فقدان شفافیت در کلیه ی موارد اجرایی (نیازها و الزامات نانوشته است و هرکس به سلیقه ی خود برداشتی از آن دارد)،
۲۲. فقدان فرهنگ اسقاط سازی به موقع، و طولانی بودن مدت بهره برداری، بیش از حد بهینه ی بهره وری (به عنوان مثال کارخانه ای که بیش از ۳۰ سال است نوسازی نشده، همچنان مورد بهره برداری قرار می گیرد و ماشین آلات به قدری فرسوده اند که محصول تولیدی با کیفیتی بسیار نازل ارائه می شود، و هزینه ی تعمیر و نگهداری این ماشین آلات به مراتب بیش از حد معیارهای جهانی است. در بخش نساجی مشکل فرسودگی ماشین آلات به شدت مشهود است)،
۲۳. ناقص بودن زنجیره ی تولید،

۳-۲: معضلات بخش نیروی کار:

- ۲۴. پایین بودن بهره‌وری نیروی کار،
- ۲۵. نا آگاهی از دانش فنی نوین و فقدان آموزش‌های کافی برای هم‌ترازی عمومی نیروی کار ایرانی با نیروی کار خارجی،
- ۲۶. محدودبودن امکان فعالیت نیروی کار متخصص که می‌توانند در سطح فرابنگاهی بازدهی بیشتر داشته باشند،
- ۲۷. فقدان پیوستگی بین برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و نیازهای بازار کار،
- ۲۸. فقدان توجه نسبت به توانایی‌های فنی در نیروی کار،
- ۲۹. اعمال تبعیض‌های گسترده در انتخاب نیروی کار جهت فعالیت‌های اقتصادی

۳-۳: معضلات بخش سرمایه و تأمین مالی:

- ۳۰. فقدان نهادهای کارآمد در تجهیز منابع مالی، در بازار سرمایه‌ی کشور
- ۳۱. بالابودن ریسک سرمایه‌آوری
- ۳۲. پایین بودن نقدینگی سرمایه‌آوری
- ۳۳. محدودبودن زمینه‌های سرمایه‌آوری
- ۳۴. بهره‌وری پایین منابع سرمایه‌ای در کشور
- ۳۵. تأخیرهای گسترده در استفاده از سرمایه‌گذاری‌ها
- ۳۶. فقدان دسترسی به دانش فنی بالا در بخش سرمایه
- ۳۷. بالابودن هزینه‌ی تأمین منابع سرمایه‌ای از شبکه‌ی مالی کشور
- ۳۸. محدودبودن امکان دسترسی به منابع مالی خارجی
- ۳۹. بالابودن ریسک دریافت منابع مالی از خارج (به دلیل نوسان‌های شدید در نرخ ارز و افت مداوم ارزش پول ملی)
- ۴۰. دسترسی نابرابر و متکی به نفوذ و روابط به منابع سرمایه‌ای موجود
- ۴۱. فقدان تعهد بنگاه‌های مالی نسبت به اجرای تعهدات سرمایه‌ای برای کارآفرینان
- ۴۲. برقراری نوعی پیوند ناگفته در کم‌نمایی نیازها و اعلام اقساطی منابع مورد نیاز سرمایه‌گذار
- ۴۳. موانع قانونی و فرهنگی جهت تشکیل نهادهای مختلف جهت تجهیز منابع سرمایه‌ای (مانند شرکت‌های سهامی محدود یا سهامی عام)
- ۴۴. حاکمیت ساختار فرهنگی مصرف‌بنیان که داشتن اوراق بهادار را نسبت به داشتن طلا و دارایی‌های بدون بازده، از اهمیت کمتر برخوردار می‌سازد.

۴- روش شناسی تدوین پیش نویس سیاست های کلی نظام

یکی از متعارف ترین روش های آسیب شناسی، استفاده از نظرات دست اندرکاران امر، با بهره گیری از روش پرسش گری مستقیم است. این روش هزینه ی زیادی داشته و در مدت کوتاه قابل انجام نیست. با عنایت به محدود بودن نیروی انسانی دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، و با در نظر گرفتن عملکرد تخصصی این نیرو، روش آسیب شناسی مورد استفاده؛ بهره گیری از امکانات موجود و تحقیقات مختلف در زمینه های مورد نظر بوده است.

جهت شناسایی نارسایی های موجود در بخش های تولید، سرمایه و نیروی کار، کارشناسان کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، از روش های زیر استفاده نموده اند:

۴۵. مطالعه و بررسی محتوای سخنرانی های مقام معظم رهبری در زمان های مختلف و تفکیک موضوعی مطالب جهت شناسایی موارد مربوط به تولید، سرمایه و نیروی کار،

۴۶. استفاده از آرای نخبگان بخش های مربوطه، و دریافت نظرات آن ها با استفاده از روش طوفان مغزی در نشست های مختلف اقتصادی،

۴۷. بهره گیری از نظرات اعضای محترم کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام،

۴۸. استفاده از نظرات هیأت علمی کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، و گروه های علمی کمیسیون در موارد مختلف در سال های اخیر،

۴۹. استفاده از یافته های ارزیابی فضای کسب و کار که در سال های اخیر توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی تهیه می شود،

۵۰. بهره گیری از گزارش های مختلف تدوین شده توسط سازمان ها، نهادها و محققان مختلف در بخش های گوناگون.

۵- تدوین فهرست عناوین سیاست های کلی

جهت تدوین فهرست عناوین سیاست های کلی، مجموعه ای از معضلات، نکات مطرح شده در سخنان مقام معظم رهبری در سال های اخیر، اهداف سیاست های کلی اعلام شده که به نظر می رسد هنوز به تأکید نیاز داشته و یا موارد تکمیلی باید به آن ها افزوده شود، تحقیقات موجود در مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور، و گزارش تحقیقات انجام گردیده، مطرح نظر قرار گرفته است. این فهرست در نشست های مختلف با اعضای محترم کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و تدقیق شده است.

در نهایت فهرستی به شرح زیر گردآوری گردیده که مجموعه‌ای از سیاست‌های کلی برای جهت دادن به رشد تولید ملی و توسعه‌ی کار و سرمایه‌ی ایرانی را فراهم نموده است. این فهرست ابعاد مختلفی از تولید ملی و کار و سرمایه‌ی ایرانی را نشان می‌دهد؛ که در صورت التزام جدی به آن، می‌توان انتظار داشت که توسعه‌ی اقتصادی محقق گردیده، و نیروی کار و سرمایه‌ی ایرانی توانمندتر و با بهره‌وری بیشتر در اقتصاد جهانی فعال شود.

محورهای اصلی اثرگذار بر تولید ملی و کار و سرمایه‌ی ایرانی

۱. بهره‌وری
۲. پژوهش و گسترش
۳. ساختار تولید در کشور
۴. تراز پرداخت‌های خارجی کشور و تکمیل زنجیره‌ی تولید
۵. ارزآوری
۶. ارزش پول ملی و مدیریت ارزی
۷. فضای کسب و کار
۸. عملکرد دولت در مقایسه با سایر فعالان اقتصادی
۹. عملکرد نهادهای دولتی
۱۰. شفاف‌سازی و سلامت اقتصاد
۱۱. توانمندسازی نیروی کار
۱۲. قدرت تحرک نیروی کار
۱۳. وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی
۱۴. وضعیت ضایعات در کار و سرمایه در کشور
۱۵. تنوع و امکانات سرمایه‌گذاری
۱۶. وضعیت سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر
۱۷. وضعیت و جهت‌گیری مدیریت در صندوق توسعه‌ی ملی
۱۸. وضعیت قوانین و مقررات در کشور
۱۹. وضعیت نظام توزیع در کشور
۲۰. مدیریت منابع مالی

سیاست‌های کلی با هدف بهینه‌نمودن وضعیت این محورها در سطح حاکمیتی تدوین شده است، تا از این طریق زمینه‌ی لازم برای جهت‌دهی مطلوب به رشد تولید ملی و توسعه‌ی کار و سرمایه‌ی ایرانی فراهم شود. جهت‌گیری‌های اعلام شده در سیاست‌های کلی، به ابعاد مختلفی از وضعیت تولید ملی و کار و سرمایه‌ی ایرانی می‌پردازد که در صورت پایبندی به آن‌ها، می‌توان انتظار داشت که توسعه‌ی اقتصادی تحقق یابد، و نیروی کار و سرمایه‌ی ایرانی توانمندتر و با

بهره وری بیشتر در اقتصاد جهانی فعال شود، لازمه ی این امر آنست که نظارت بر حسن اجرای این سیاست ها به صورت جدی انجام پذیرد.

متن پیش نویس سیاستهای کلی

- ۱- ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید، و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.
- ۲- تقویت و بهره‌گیری از تحقیق، توسعه و نوآوری در بخش‌های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه ی کیفیت کالای ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش بنیان ارایه گردد.
- ۳- بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق‌های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.
- ۴- فاصله گرفتن از خام‌فروشی و تکمیل زنجیره ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه ی زمانی معین.
- ۵- حمایت از تولید محصولات ارزاور.
- ۶- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.
- ۷- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.
- ۸- ارتقا سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاستهای کلی اصل ۴۴.
- ۹- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
- ۱۰- شفاف سازی و روزآمد سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه گذاری و سرمایه گذاران در رشته‌های مختلف.
- ۱۱- توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.
- ۱۲- بسترسازی برای تحرک نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه ای.
- ۱۳- تقویت سرمایه ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه ی ایرانی از طریق فعال سازی مردم نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در تصمیمات اقتصادی.

- ۱۴ - جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه‌ی خدمات فنی و مشاوره‌ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصادی.
- ۱۵ - گسترش تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاست‌های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در بازار سرمایه.
- ۱۶ - تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوق‌های شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.
- ۱۷ - کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.
- ۱۸ - تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
- ۱۹ - کارآمدکردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیرضرور.
- ۲۰ - گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.

۶- ارتباط بین بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی و سیاست‌های کلی ابلاغی

یکی از مواردی که در طراحی سیاست‌های کلی نظام در زمینه تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی مد نظر بوده است، تأکید بر مواردی از سیاست‌های کلی ابلاغی است که به نظر می‌رسد اجرای جدی آن‌ها از اهمیت بسیار برخوردار است، و یا به افزودن سیاست‌های حامی و پشتیبان نیاز دارند. در زیر جدول مقایسه‌ای بین سیاست‌های کلی پیشنهادی و سیاست‌های کلی ابلاغی مشاهده می‌شود. همانطور که در جدول دیده می‌شود، فقط چندین بند از سیاست‌های کلی در حمایت و تأکید بر سیاست‌های کلی ابلاغی موجود آورده شده است، اما بندهای جدیدی هم در سیاست‌های کلی پیشنهادی وجود دارد. عنوان سیاست‌های ابلاغی که بندهای خاصی از آن مد نظر بوده‌اند، در جدول مشخص شده است.

الف-۱- متن پیش‌نویس سیاست کلی

ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.

الف-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاست های کلی برنامه ی پنجم:

۲-۲۱- ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک سوم در پایان برنامه.

سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف:

۳- توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخصهای کارآمدی، مسئولیت پذیری، انضباط و رضایت مندی.

سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری:

۴- ارتقاء بهره‌وری اقتصاد کشور با اصلاحات و اقدامات لازم به ویژه اصلاحات ساختاری و مدیریتی و کاهش هزینه‌های مبادله و رفع موانع.

ب-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تقویت و بهره‌گیری از تحقیق، توسعه و نوآوری در بخش های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه ی کیفیت کالای ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش بنیان ارایه گردد.

ب-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری

افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه های بین المللی از طریق لغو انحصارات غیر ضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساختهای ملی و حمایت از ارتقاء خلاقیت و نوآوری.

ج-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.

ج-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

پ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

فاصله گرفتن از خام فروشی و تکمیل زنجیره ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه ی زمانی معین.

پ-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاستهای کلی برنامه ی پنجم:

۳-۲۲- قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.

ت-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

حمایت از تولید محصولات ارزآور.

ت-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

ث-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.

ث-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

چ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.

چ-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاستهای کلی برنامه ی پنجم:

۳-۲۱- بهبود فضای کسب و کار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساختهای ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطر پذیریهای کلان اقتصادی، ارائه ی مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه.

سیاستهای کلی اشتغال:

۵- بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخصهای آن (محیط سیاسی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیات ها و زیر ساختها) و حمایت از بخشهای خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، مقررات و رویه های ذی ربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری

۵- افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه های بین المللی از طریق لغو انحصارات غیر ضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساختهای ملی و حمایت از ارتقاء خلاقیت و نوآوری.

ح-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

ارتقا سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاستهای کلی اصل ۴۴.

ح-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاستهای کلی برنامه ی پنجم:

۳-۲۲- قطع وابستگی هزینه های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.

۲-۲۵- ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی (سیاست گذاری، هدایت و نظارت).

۲۷- سرمایه گذاری در استحصال و استخراج گاز و نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

سیاست های کلی نظام در بخش مالی

۱- قطع اتکاء هزینه های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمد مالیاتی و سایر درآمدها حداکثر تا پایان برنامه ی پنجم.

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

کل مجموعه ی سند سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

خ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.

خ-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

د-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

شفاف سازی و روزآمد سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه گذاری، و سرمایه گذاران در رشته های مختلف.

د-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاست های کلی برنامه ی پنجم

۱-۲۵- حمایت از شکل گیری بازارهای رقابتی.

۴-۳۴- تأمین برخورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی.

سیاستهای کلی اشتغال:

۴- ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار.

د-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.

د-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاست های کلی برنامه ی پنجم

۷- تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش در موارد زیر:

۱-۷- افزایش بودجه ی تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه ی پنجم و افزایش ورود دانش آموختگان دوره ی کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد.

۲-۷- دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه ی پنجم.

۳-۷- ارتباط مؤثر بین دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخشهای مربوطه.

۴-۷- توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.

۵-۷- دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز.

۸- تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقاء کیفی آن بر اساس نیازها و اولویتهای کشور در سه حوزه ی دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش آموزان.

سیاستهای کلی اشتغال:

۲- آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی با مسؤولیت نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه ای و آموزش عالی) و توأم کردن آموزش و مهارت‌توجه مکارینگاهها یا اقتصاد ی جهت استفاده از ظرفیت آنها.

۳- ایجاد فرصتهای شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه ی فناوری و اقتصاد دانش بنیان و آینده نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی.

ر-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
بسترسازی برای تحرک نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه ای.
ر-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه
فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

ز-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
تقویت سرمایه ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه ی ایرانی از طریق
فعال سازی مردم نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در
تصمیمات اقتصادی.
ز-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه
فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

ژ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه ی
خدمات فنی و مشاوره ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف
اقتصادی.
ژ-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه
فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

س-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای
آن، و اعمال سیاستهای تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاری منطقه ای
در بازار سرمایه.
س-۲- موارد سیاستهای کلی ابلاغی مشابه

سیاست های کلی نظام در بخش مالی:

۴ - ساماندهی، گسترش و ارتقاء بازار مالی ایران (سرمایه، پول و بیمه) با
تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت، با بهره مندی از فناوری های نوین، همچنین
ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران و مؤسسات فعال در بازارهای مالی با حفظ
مسئولیت پذیری آنان، تشویق رقابت و ابتکارات، پیش گیری از وقوع بحرانها و
مقابله با تخلفهای حقوقی و کیفری مالی
ش-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
تشویق ورود سرمایه های ایرانی به حوزه ی سرمایه گذاریهای خطرپذیر
متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوقهای شراکت در سرمایه گذاری و
حمایتهای قانونی برای محققان و سرمایه گذاران این حوزه.

ش-۲- موارد سیاست‌های کلی ابلاغی مشابه

سیاست‌های کلی اشتغال:

۱۰- حمایت از تأسیس و توسعه‌ی صندوق‌های شراکت در سرمایه بر ای تجاری سازی ایده‌ها و پشتیبانی از شرکتهای نوپا، کوچک و نوآور.

ص-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.

ص-۲- موارد سیاست‌های کلی ابلاغی مشابه

فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

ض-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تفقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.

ض-۲- موارد سیاست‌های کلی ابلاغی مشابه

سیاست‌های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری

۱۰- ساماندهی رفتار تقنینی اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و

تخصصی کردن امور در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید.

ط-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

کارآمدکردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای

شفاف سازی و اطلاع رسانی و کاهش واسطه‌های غیر ضرور.

ط-۲- موارد سیاست‌های کلی ابلاغی مشابه

فاقد سیاست کلی ابلاغی مشابه.

ظ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید

ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز، به ویژه با ساماندهی، گسترش و

حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.

ظ-۲- موارد سیاست‌های کلی ابلاغی مشابه

سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی:

۴ - ساماندهی، گسترش و ارتقاء بازار مالی ایران (سرمایه، پول و بیمه) با

تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت، با بهره‌مندی از فناوری‌های نوین، همچنین

ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران و مؤسسات فعال در بازارهای مالی با حفظ

مسئولیت‌پذیری آنان، تشویق رقابت و ابتکارات، پیش‌گیری از وقوع بحرانها و

مقابله با تخلفهای حقوقی و کیفری مالی

۷-ارتباط بین بندهای پیش نویس سیاستهای کلی و سخنان مقام رهبری

تبیین مساله توسط مقام معظم رهبری با سخنانی از سوی ایشان در جمع گروه های مختلف صورت گرفته است و در سالهای گذشته هم ابعادی از موضوع توسط معظم له مطرح شده است. برای نمایش ارتباط بین بندهای پیش نویس سیاستهای کلی و خواسته های مقام رهبری، در جدول زیر برخی از مطالب مقام رهبری در مورد هر بند آورده شده است. ذکر این موارد برای نشان دادن ارتباط است و به هیچ عنوان این معنا را نمی رساند که سخنان مقام رهبری فقط به موارد ذکر شده محدود می شود.

ارائه ی مطالب مقام معظم رهبری در دو چارچوب انجام شده است. در چارچوب نخست که متن سخنان معظم له با ذکر زمان ایراد سخنرانی آورده شده است، استدلال این بوده است که کلام به اندازه ی کافی رسا و گویا و وافی به مقصود است که نیازی به تفسیر ندارد. در عین حال در هر قسمت مطالبی هم آورده شده است که در آن تفسیرهایی از سخنان مقام رهبری وجود دارد که این قسمت با سایه ی خاکستری روشن مشخص شده است. هر دو موضوع آورده شده است تا مبنای قضاوت مسئولان محترم قرار بگیرد. همانطور که در دیده می شود، کم و بیش برای تمام بندهای سیاستهای کلی پیشنهادی، توضیحاتی در سخنرانیهای مقام رهبری وجود دارد که نشان می دهد این موارد مد نظرشان بوده است.

الف-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.

الف-۱- خواسته های مقام رهبری

- ✓ توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱
- ✓ برجسته کردن تولید ملی با توجه به کیفیت: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱
- ✓ اهمیت قابل رقابت بودن قیمت تمام شده: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱
- ✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱-۰۱-۱۳۹۱
- ✓ لزوم مرغوب و بادوام کردن محصولات ملی: ۱-۰۱-۱۳۹۱
- ✓ نقش مهم کار و سرمایه ی ایرانی در رونق تولید ملی: ۲۰-۰۷-۱۳۹۰
- ✓ پیگیری تقویت تولید داخلی: ۲۰-۰۷-۱۳۹۰
- ✓ اهمیت مزیت تولیدی: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰
- ✓ توجه به پیوندهای تولید برای بالابردن بازده فعالیت: ۱۴-۰۴-۱۳۹۰
- ✓ اهمیت برتری کیفی محصولات ایرانی: ۰۷-۰۲-۱۳۹۰
- ✓ کاهش هزینه ها و مخاطرات تولید (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و دیدار روز کارگر سال ۱۳۹۰).

- ✓ ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی داخل (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱).
- ✓ افزایش توان رقابت محصولات داخلی در بازارهای جهانی (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱).
- ✓ سوق یافتن منابع مالی به سمت فعالیت های مولد و جلوگیری از انحراف آنها (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و دیدار جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹).

ب-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تقویت و بهره گیری از تحقیق، توسعه و نوآوری در بخش های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه ی کیفیت کالای ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش بنیان ارایه گردد.

ب-۲- خواسته های مقام رهبری

- ✓ استفاده از دستاوردهای تحقیق در کوتاهترین زمان: ۱۳۹۱-۰۴-۰۷
- ✓ توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰
- ✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱
- ✓ ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت حداکثری نوآوران در
- ✓ توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰
- ✓ نوآوری با حمایت می تواند بسیار فعال شود: ۱۳۹۰-۰۷-۱۴
- ✓ فاصله گرفتن از خام فروشی و تکمیل زنجیره ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی (حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱).
- ✓ توسعه ی کسب و کار دانش بنیان (دیدار جمعی از کارآفرینان سال ۱۳۸۹).

ج-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.

ج-۲- خواسته های مقام رهبری

- ✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱
- ✓ محدودبودن دوره ی اعطای کمک: ۱۳۹۰-۰۷-۱۳
- ✓ تأکید بر حمایت از بخش هایی از تولید که در معرض آسیب‌های بیرونی قرار

دارند:

- ✓ تسهیل فرآیندهای تولید در کلیه ی مراحل (دیدار جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹).

پ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

فاصله گرفتن از خام فروشی و تکمیل زنجیره ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه ی زمانی معین.

پ-۲- خواسته های مقام رهبری

- ✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱
- ✓ توجه به کیفیت در صادرات: ۱۳۹۰-۰۵-۲۶
- ✓ تسهیل صادرات و حضور در بازارهای جهانی

چ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.

چ-۲- خواسته های مقام رهبری

✓ لزوم برخورد قاطع با فساد برای ایجاد امکان کار برای تولیدکننده ی سالم:
۱۳۹۰-۰۵-۲۶

✓ سیاستگذاری برای واردات با عنایت به وضعیت تولید داخلی مشابه: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰

✓ ثبات اقتصاد کلان (دیدار اعضای هیأت دولت، سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۶ و دیدار کارآفرینان، سال ۱۳۹۰).

✓ کاهش هزینه ها و مخاطرات تولید (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و دیدار روز کارگر سال ۱۳۹۰).

✓ مدیریت صحیح بازار کالا و خدمات داخلی و واردکنندگان کالا و خدمات در راستای منافع ملی و حمایت از تولید داخل (دیدار با جمعی از کارآفرینان سال ۱۳۸۹).

ح-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

ارتقا سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاستهای کلی اصل ۴۴.

ح-۲- خواسته های مقام رهبری

✓ قطع وابستگی اقتصاد ملی به نفت: ۱۳۹۰-۰۵-۲۶

✓ استقلال بودجه ی دولت از درآمدهای نفتی (در حرم رضوی در آغاز سال

۱۳۹۱ و در سیاستهای کلی برنامه ی پنجم)،

✓ بهره برداری از منابع طبیعی به صورت اصولی و صیانتی (حرم رضوی، در آغاز

سال ۱۳۹۱ و سیاستهای کلی نظام در امنیت اقتصادی بخش نفت و گاز)

خ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.

خ-۲- خواسته های مقام رهبری

✓ اصلاح ساخت تولید کشور: ۱۳۹۱-۰۱-۰۱

د-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

شفاف سازی و روزآمد سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه گذاری، و سرمایه گذاران در رشته های مختلف.

د-۲- خواسته های مقام رهبری

✓ جلوگیری از کمک به بنگاههایی که منابع مالی شان را در راه اعلام شده

استفاده نکرده اند: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰

✓ جلوگیری از سوءاستفاده های ناشی از اطلاعات داخلی توجه به کیفیت در

صادرات: ۲۶-۰۵-۱۳۹۰

✓ تسهیل تأمین اطلاعات مورد نیاز کارآفرینان به منظور رونق تولید ملی (؟).

✓ مشخص شدن اولویتهای اقتصادی کشور (؟).

ذ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.

ذ-۲- خواسته های مقام رهبری

✓ مرتبط کردن تولید علم به رشد تولید ملی: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰

✓ توسعه ی فرصتهای شغلی و کاهش بی کاری (دیدار با جمعی از کارآفرینان

در سال ۱۳۸۹ و سیاستهای کلی اشتغال)

✓ ایجاد ساز و کار لازم برای ارتباط فعالیتهای تولیدی با مراکز دانشگاهی در

جهت تولید محصولات باکیفیت (دیدار با نخبگان سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۸۸).

✓ ارتقاء کیفی منابع انسانی به لحاظ مهارتی (در جمع کارگران کارخانجات

تولیدی سال ۱۳۹۱ و دیدار جمعی از کارآفرینان در سال ۱۳۸۹).

ر-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بسترسازی برای تحرک نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه ای.

ر-۲- خواسته های مقام رهبری

✓ اهمیت کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱

ز-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تقویت سرمایه ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه ی ایرانی از طریق فعال سازی مردم نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در تصمیمات اقتصادی.

ز-۲- خواسته های مقام رهبری

- ✓ نیاز به احترام گذاشتن به کار و سرمایه برای ایجاد تولید ملی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰
- ✓ ایجاد عزم در آحاد مردم برای اولویت دادن به مصرف محصول ملی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰

۱۳۹۱

- ✓ تجمیع تلاش مردم و مسئولان برای تشویق تولید ملی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰
- ✓ ایجاد جریان سالم برای تولید و سرمایه گذاری به تلاش همه ی مردم و مسئولان نیاز دارد: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰

- ✓ استفاده از رسانه های جمعی برای فرهنگ سازی در اهمیت دادن به تولید ملی: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰

- ✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰

- ✓ الزام دستگاههای دولتی به مصرف کالاهای داخلی در موارد رقابتی بودن این کالاهای: ۱۳۹۰-۰۷-۱۳

- ✓ ایجاد فرهنگ حسن عمل در مورد محصولات صادراتی کشور: ۱۳۹۰-۰۵-۲۶

۱۳۹۰

- ✓ توسعه ی فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی در میان مردم و مدیران دولتی (اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی در سال ۱۳۹۱ و حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱).

ژ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه ی خدمات فنی و مشاوره ای فرابنگاه و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصادی.

ژ-۲- خواسته های مقام رهبری

- ✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰
- ✓ جهت دادن به تولید برای جلوگیری از تحریمها: ۱۳۹۰-۰۷-۱۳

س-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاستهای تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاری منطقه ای در بازار سرمایه.

س-۲- خواسته های مقام رهبری

- ✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۳۹۱-۰۲-۱۰

ش-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوق‌های شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.

ش-۲- خواسته‌های مقام رهبری

✓ بالا بودن بازده سرمایه‌گذاری برای تولید علم و نوآوری علمی در ایران: ۱۳-

۱۳۹۰-۰۷

ص-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.

ص-۲- خواسته‌های مقام رهبری

✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱

✓ توجه به استفاده از منابع صندوق توسعه‌ی ملی برای تولید ملی: ۰۱-۰۱-

۱۳۹۱

ض-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.

ض-۲- خواسته‌های مقام رهبری

✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱

✓ مقابله با ورشکسته شدن سرمایه‌گذاران ایران به دلیل فقدان حمایت از تولید:

۱۳-۰۷-۱۳۹۰

✓ بدحسابی نکردن دستگاه‌های دولتی با تولیدکنندگان داخلی: ۱۳-۰۷-۱۳۹۰

ط-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

کارآمد کردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف سازی و اطلاع رسانی و کاهش واسطه‌های غیر ضرور.

ط-۲- خواسته‌های مقام رهبری

✓ سیاستگذاری تولیدمحور: ۱۰-۰۲-۱۳۹۱

✓ اصلاح نظام توزیع کالا و خدمات (?).

۸- ارتباط بین بندهای پیش نویس سیاست‌های کلی و معضلات**ردیابی شده**

تردیدی نیست که شناسایی موانع فقط برای اعلان آن‌ها نیست، و سیاست‌های کلی پیشنهادی باید به ترتیبی به رفع یا کاهش آن‌ها، از منظر حاکمیتی، بپردازد.

ارتباط بین بندهای مختلف سیاست های کلی پیشنهادی، و موانع موجود، در زیر ارائه شده است، که نشان می دهد هریک از بندهای سیاست های کلی پیشنهادی به کدام یک از ابعاد معضلات ارتباط می یابد. مشاهده می شود که هر یک از بندهای سیاست های کلی، حداقل به یکی از معضلات شناسایی شده، مرتبط می باشد. در تعداد زیادی از بندهای سیاست های کلی پیشنهادی، چندین مورد از معضلات مد نظر قرار گرفته است. در مجموع، کلیه معضلات ذکر شده در سیاست های کلی مشاهده می شود، هرچند که شدت تأکید بر تمام آنان یکسان نیست. این تفاوت تأکید معقول می باشد، چرا که در مواردی، با فراهم گردیدن زمینه ی فعالیت، فعالان بخش قادر خواهند بود گام های مؤثری به جلو بردارند.

الف-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.
الف-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۲، بند ۳، بند ۵، بند ۱۹، بند ۲۳، بند ۲۹، بند ۳۴، بند ۳۵ و بند ۴۱.

ب-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تقویت و بهره‌گیری از تحقیق، توسعه و نوآوری در بخش های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه ی کیفیت کالای ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش بنیان ارایه گردد.

ب-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۶، بند ۷، بند ۱۱، بند ۲۵، بند ۳۶ و بند ۴۱.

ج-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.

ج-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۱۲ و بند ۲۲.

پ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

فاصله گرفتن از خام فروشی و تکمیل زنجیره ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه ی زمانی معین.

پ-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۱۸ و بند ۲۳.

ت-۱- متن پیش نویس سیاست کلی حمایت از تولید محصولات ارزآور.
ت-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی بند ۳۸ و بند ۳۹.

ث-۱- متن پیش نویس سیاست کلی مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.
ث-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی بند ۳ و بند ۳۹.

ج-۱- متن پیش نویس سیاست کلی بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه‌های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.
ج-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی بند ۳، بند ۴، بند ۹ و بند ۱۰.

ح-۱- متن پیش نویس سیاست کلی ارتقا سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
ح-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی بند ۱۶.

خ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
خ-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی بند ۱۶.

د-۱- متن پیش نویس سیاست کلی شفاف‌سازی و روزآمدسازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، و سرمایه‌گذاران در رشته‌های مختلف.

د-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۱۳، بند ۱۷، بند ۲۱ و بند ۴۲.

ذ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره وری و خلاقیت نیروی کار و
ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار
کار.

ذ-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۲۵، بند ۲۷ و بند ۲۸.

ر-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
بسترسازی برای تحرک نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه ای.
ر-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۶.

ز-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
تقویت سرمایه ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه ی ایرانی از طریق
فعال سازی مردم نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در
تصمیمات اقتصادی.

ز-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۱۴، بند ۴۳ و بند ۴۴.

ژ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه ی
خدمات فنی و مشاوره ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف
اقتصادی.

ژ-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۲۵.

س-۱- متن پیش نویس سیاست کلی
گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای
آن، و اعمال سیاستهای تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاری منطقه ای
در بازار سرمایه.

س-۲- شماره ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۳۰، بند ۳۱، بند ۳۲، بند ۳۳، بند ۳۷، بند ۳۸، بند ۴۰ و بند ۴۴.

ش-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوقهای شراکت در سرمایه‌گذاری و حمایت‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران این حوزه.
ش-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۳۱.

ص-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه‌ی ملی در تولید.
ص-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۳۷ و بند ۳۸.

ض-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
ض-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۸، بند ۲۰ و بند ۴۳.

ط-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

کارآمدکردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کارهای شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی و کاهش واسطه‌های غیر ضرور.
ط-۲- شماره‌ی مشکلات مربوط به آسیب شناسی
بند ۱۰ و بند ۱۵.

۹- توجیه مفهومی بندهای پیش نویس سیاست‌های کلی

با عنایت به مستندات ارائه شده، چارچوب هر یک از بندهای پیشنهادی برای سیاست‌های کلی مشخص شده است. علی‌رغم این مساله، ضروریست منطق پیشنهاد هر یک از این بندها و مکانیزمی که با توسل به آن‌ها این بندها می‌توانند موانع و معضلات را مرتفع نمایند، نیز مطرح شود. این کار به شرح زیر انجام شده است. در هر مورد ابتدا متن سیاست‌های کلی پیشنهادی ارائه شده است، و در زیر این متن، منطق و مکانیزم عملکرد این سیاست‌ها ذکر گردیده است. دلایل توجیهی در هر مورد با رنگ آبی نشان داده شده است.

الف-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید با هدف بالابردن قدرت رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت تولید و عوامل تولید از طریق تدابیر تشویقی و تنبیهی.

الف-۲- توجیه بند

بالا بردن قدرت رقابت محصولات ساخت داخل عامل پایداری حضور فعالیت در اقتصاد جهانی است. برخورداری از قدرت رقابت پایدار (Sustainable Competitive Advantage) می تواند عاملی پایدار در تداوم توسعه ی ملی باشد. در ادبیات اقتصادی، بحث در مورد اهمیت قدرت رقابت پایدار به سال ۱۹۶۵ و تحقیق الدرسون (۱) برمی گردد. راز بقای بنگاه های اقتصادی، به مدیریت درست و بهینه ی موارد نه گانه مورد اشاره بستگی تام دارد: (۱) هزینه ی تولید، (۲) حجم تولید، (۳) تطابق کیفیت محصول تولیدی با ضوابط مورد قبول بازار، (۴) توانایی و توانمندی کیفی، (۵) مطمئن ماندن جریان تحویل از دیدگاه متقاضی، (۶) سرعت تحویل محصول، (۷) انعطاف پذیری بنگاه در عرضه ی محصول، (۸) انعطاف پذیری طراحی، و (۹) نوآوری (۲). با این اوصاف، لازم است سیاستهای کلی در جهتی باشد که پیوند بین قدرت رقابت و پایداری را در بخش تولید کشور تشویق نماید. کنترل هزینه های تولید یکی از کلیدی ترین عوامل در ایجاد قدرت رقابت است ولی این عامل باید با تداوم نوآوری و نهادینه کردن دانش در بخش تولید همراه شود (۳). برخورداری از قدرت رقابت پایدار یکی از محورهای اصلی رهبری در پایداری کسب و کار (Business Sustainability Leadership) محسوب می شود. این موضوع در حال حاضر یکی از مباحث کلیدی در محافل جهانی است (۴) که مراکز علمی، فناوری و تحقیقات جهان به آن می پردازند. موضوع گرانی قیمتها و زیادگویی قیمت (excessive prices) یکی از اساسی ترین مباحث ایجاد اختلال در قدرت رقابت است (۵) که توجه محافل جهانی را به خود معطوف داشته است. بنگاه ها در طول زمان باید بیاموزند که چگونه به قدرت رقابت پایدار دست یابند و لازم است در این راستا، سیاستهای موجود زمینه ی لازم را فراهم آورند (۶).

آمارهای مربوط به بهره وری در سال ۲۰۱۰ میلادی نمایانگر آنست که در کشورهای منطقه ی یورو، ارزش محصول ناخالص ملی تولیدشده به ازای هر ساعت کار معادل ۴۹/۷۰ دلار آمریکا بوده است. این رقم نشان دهنده ی ارزش تولیدشده در گروه کشورها به ازای هر ساعت کار نیروی کار است که بازدهی کلی اقتصادهای مورد بحث را نمایش می دهد. در مقایسه با ارزش تولید شده در هر ساعت کار در ایالات متحد آمریکا، نیروی کار شاغل در کشورهای منطقه ی یورو به طور متوسط ۱۵/۷۰ درصد کمتر از آمریکا، ارزش تولید ایجاد کرده است. مقایسه ی کشورهای مختلف با یکدیگر می تواند وضعیت نسبی را کشورهای مختلف را نشان بدهد.

به لحاظ شاخص رقابت پذیری، جایگاه ایران در دوره ی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، در رتبه ی ۶۲ در جهان بوده، در حالی که در دوره ی پیش از آن، رتبه ی ۶۹ بوده است. این نشان می دهد که مرتبه ی ایران از لحاظ شاخص رقابت پذیری بهبود یافته است، اما این بهبود بسیار کمتر از حدی است که بتواند ایران را در جایگاه

برتر در جهان قرار بدهد. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که بالا بردن قدرت رقابت‌پذیری در بخش تولید بسیار ضرورت دارد. جدول وضعیت رقابت‌پذیری کشورها نیز در این بخش آورده شده است (۷).

قابل توجه است که بالا بردن قدرت رقابت‌پذیری به عنوان یکی از اهداف اساسی در کشورهای پیشرفته‌ی جهان هم مطرح شده است؛ زیرا بدون برخورداری از رقابت‌پذیری پایدار، تداوم رشد اقتصادی و توسعه‌ی تولید ملی ناممکن دیده می‌شود. گزارش وضعیت قدرت رقابت اروپا در سال ۲۰۲۰ میلادی، یک نمونه از این وضعیت است (۸).

اگر سند چشم‌انداز مبنای مقایسه در مورد ایران باشد، ارزش تولیدشده به ازای هر ساعت کار در ایران باید با ارزش مشابه در کشورهای منطقه سنجیده شود. این مقایسه می‌تواند نشان دهد که ایران چگونه باید جهت‌گیری‌های خود را برای برآورده شدن خواسته‌های سیاست‌های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی مشخص نماید.

- 1- Alderson, Wroe. 1965. *Dynamic Marketing Behavior: A Functionalist Theory of Marketing*. Homewood, IL: Richard D. Irwin, Inc.
- 2- Shahbazpour, Mehdi and Rainer H. Seidel. (2006). Using Sustainability for Competitive Advantage. https://research-space.auckland.ac.nz/bitstream/handle/2292/16700/Shahbazpour_166.pdf?sequence=2
- 3- Neeraj J. Gupta. (2011). Sustainability and Competitive Advantage: An Empirical Study of Value Creation. *Competition Forum* Vol. 9. Issue 1. pp. 121-136. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2037493

۴- به عنوان مثال مراجعه شود به همایش رهبری در پایداری کسب و کار که در تاریخ ۱۲ تا ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی در سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا برگزار می‌شود و از جمله‌ی برگزارکنندگان آن دانشگاه وارتون و شرکت‌های آی‌جی‌ال (IGEL) فعال در بخش کسب و کار و محیط زیست و اس‌ای‌پی (SAP) از سرآمدان فناوری نرم‌افزاری در جهان هستند. برای بررسی بیشتر، مراجعه شود به:

<http://igel.upenn.edu/pdf/BSL%20Flyer%20Draft.pdf>

5- OECD. (2011). Policy Round Table: Excessive Prices. <http://www.oecd.org/data-oecd/5/3/49604207.pdf>

6- Njuguna, John I. (2009). *Strategic Positioning for Sustainable Competitive Advantage: An Organizational Learning*

Approach. KCA Journal of Business Management. Vol. 2. Issue 1. pp. 32-43.

http://www.google.com/#hl=en&gs_nf=1&cp=42&gs_id=4m&xhr=t&q=-index+of+sustainable+competitive+advantage&pf=p&sclient=psyab&oq=index+of+sustainable+competitive+advantage&aq=f&aqi=&aql=&gs_l=&pbx=1&bav=on.2,or.r_gc.r_pw.r_qf.,cf.osb&fp=76b71a3030273bc6&biw=1518&bih=724

7- World Economic Forum. (2012). The Global Competitiveness Index 2011-2012 rankings. <http://www.weforum.org/gcr>

8- World Economic Forum. (2012). The Europe 2020 Competitiveness Report: Building a More Competitive Europe. The Global Competitiveness Network. ISBN-13: 92-95044-43-6. ISBN-10: 978-92-95044-43-2 http://www3.weforum.org/docs/CSI/2012/-Europe2020_Competitiveness_Report_2012.pdf

بانک اطلاعاتی سطح بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد ملی در کشورهای مختلف

COUNTRY	GDPCPNM	PPPTGNC	GDPCP	AHWP	TE	HWTE	GHWCP	ghwu
Australia	1,357,192	1.51	898,883	1,687.00	11,388	19,212	46.8	79.4
Austria	286,197	0.85	335,652	1,599.00	4,232	6,769	49.6	84.1
Belgium	354,378	0.86	410,028	1,551.00	4,491	6,966	58.9	99.8
Canada	1,624,608	1.22	1,332,626	1,702.00	17,339	29,509	45.2	76.6
Chile	103,806,380	401.98	258,239	2,068.00	6,497	13,437	19.2	32.6
Czech	3,775,237	14.22	265,510	1,795.00	5,055	9,072	29.3	49.6
Denmark	1,742,708	7.88	221,266	1,537.00	2,807	4,315	51.3	87
Estonia	14,305	0.52	27,315	1,880.00	551	1,035	26.4	44.7
France	180,253	0.92	196,218	1,690.00	2,426	4,100	47.9	81.2
Germany	1,932,802	0.87	2,214,425	1,439.00	26,679	38,379	57.7	97.9
Greece	2,476,800	0.81	3,058,645	1,408.00	40,553	57,087	53.6	90.9
Hungary	227,318	0.71	321,469	2,017.00	4,743	9,567	33.6	57
Iceland	26,747,662	130.19	205,454	1,956.00	4,032	7,886	26.1	44.2
Ireland	1,537,106	135.62	11,334	1,697.00	167	283	40.1	68
Israel	155,992	0.86	181,078	1,540.00	1,848	2,846	63.6	107.9
Italy	813,021	3.73	217,954	1,929.00	3,214	6,200	35.2	59.6
Japan	1,548,816	0.81	1,923,726	1,778.00	24,658	43,842	43.9	74.4
Korea	479,179,200	111.45	4,299,316	1,733.00	63,013	109,196	39.4	66.8
Luxembourg	1,172,803,400	824.57	1,422,315	2,193.00	23,816	52,230	27.2	46.2
Mexico	40,267	0.92	43,665	1,616.00	359	579	75.3	127.8

Netherlands	13,076,023	7.92	1,650,207	1,866.00	44,670	83,342	19.8	33.6
New Zealand	588,414	0.84	700,605	1,377.00	8,644	11,906	58.8	99.8
Norway	197,208	1.51	130,953	1,758.00	2,190	3,850	34	57.7
Poland	2,496,178	9.02	276,802	1,413.00	2,600	3,675	75.3	127.8
Portugal	1,415,362	1.86	759,272	1,939.00	15,876	30,784	24.7	41.8
Slovak	172,799	0.64	270,727	1,714.00	4,937	8,462	32	54.3
Republic	65,887	0.52	126,534	1,749.00	2,154	3,767	33.6	57
Slovenia	35,416	0.64	55,170	1,676.00	959	1,607	34.3	58.2
Spain	1,062,591	0.72	1,484,885	1,674.00	18,790	31,459	47.2	80.1
Sweden	3,308,061	9.03	366,305	1,624.00	4,525	7,346	49.9	84.6
Switzerland	550,571	1.52	363,005	1,636.00	4,588	7,508	48.3	82
Turkey	1,103,750	0.97	1,141,250	1,877.00	23,073	43,316	26.3	44.7
United Kingdom	1,455,397	0.66	2,208,175	1,647.00	29,043	47,836	46.2	78.3
United States	14,447,100	1	14,447,100	1,695.00	144,581	245,047	59	100
Russian	44,939,153	15.94	2,819,599	1,973.00	69,362	136,862	20.6	34.9
G7 countries			29,619,448	1,651.00	345,803	570,895	51.6	87.6
Euro area			11,320,177	1,564.00	145,796	228,369	49.7	84.3
Oecd-30			41,339,559	1,712.00	542,990	930,134	44.4	75.3
Oecd-total			41,898,406	1,718.00	554,173	952,413	43.9	74.5

data extracted on 20 May 2012 20:29 UTC (GMT) from OECD.Stat
 GHWU= GDP per hour worked as % of USA (USA=100)
 GHWCP=- GDP per hour worked, current prices, USD
 HWTE= Hours worked for total employment
 TE=Total employment (umber of persons engaged)
 AHPW= Average hours worked per person
 GDPCP= Gross Domestic product, current prices, USD millions
 PPPTGNC= Purchasin Power Parities for total GDP, national currency
 per USD
 GDPCPNM= Gross Domestic Product, current prices, national cur-
 rency millions

شاخص رقابت پذیری کشورهای مختلف جهان بر اساس محاسبات مجمع جهانی اقتصاد

Country/Economy	GCI 2011-2012		GCI 2010-2011	
	Rank	Score	Rank	Change
Switzerland	1	5.74	1	0
Singapore	2	5.63	3	1
Sweden	3	5.61	2	-1
Finland	4	5.47	7	3
United States	5	5.43	4	-1
Germany	6	5.41	5	-1
Netherlands	7	5.41	8	1
Denmark	8	5.4	9	1
Japan	9	5.4	6	-3
United Kingdom	10	5.39	12	2
Hong Kong SAR	11	5.36	11	0
Canada	12	5.33	10	-2
Taiwan, China	13	5.26	13	0
Qatar	14	5.24	17	3
Belgium	15	5.2	19	4
Norway	16	5.18	14	-2

Saudi Arabia	17	5.17	21	4
France	18	5.14	15	-3
Austria	19	5.14	18	-1
Australia	20	5.11	16	-4
Malaysia	21	5.08	26	5
Israel	22	5.07	24	2
Luxembourg	23	5.03	20	-3
.Korea, Rep	24	5.02	22	-2
New Zealand	25	4.93	23	-2
China	26	4.9	27	1
United Arab Emir-ates	27	4.89	25	-2
Brunei Darussalam	28	4.78	28	0
Ireland	29	4.77	29	0
Iceland	30	4.75	31	1
Chile	31	4.7	30	-1
Oman	32	4.64	34	2
Estonia	33	4.62	33	0
Kuwait	34	4.62	35	1
Puerto Rico	35	4.58	41	6
Spain	36	4.54	42	6
Bahrain	37	4.54	37	0
Czech Republic	38	4.52	36	-2
Thailand	39	4.52	38	-1
Tunisia	40	4.47	32	-8
Poland	41	4.46	39	-2
Barbados	42	4.44	43	1
Italy	43	4.43	48	5
Lithuania	44	4.41	47	3
Portugal	45	4.4	46	1

Indonesia	46	4.38	44	-2
Cyprus	47	4.36	40	-7
Hungary	48	4.36	52	4
Panama	49	4.35	53	4
South Africa	50	4.34	54	4
Malta	51	4.33	50	-1
Sri Lanka	52	4.33	62	10
Brazil	53	4.32	58	5
Mauritius	54	4.31	55	1
Azerbaijan	55	4.31	57	2
India	56	4.3	51	-5
Slovenia	57	4.3	45	-12
Mexico	58	4.29	66	8
Turkey	59	4.28	61	2
Montenegro	60	4.27	49	-11
Costa Rica	61	4.27	56	-5
.Iran, Islamic Rep	62	4.26	69	7
Uruguay	63	4.25	64	1
Latvia	64	4.24	70	6
Vietnam	65	4.24	59	-6
Russian Federation	66	4.21	63	-3
Peru	67	4.21	73	6
Colombia	68	4.2	68	0
Slovak Republic	69	4.19	60	-9
Rwanda	70	4.19	80	10
Jordan	71	4.19	65	-6
Kazakhstan	72	4.18	72	0
Morocco	73	4.16	75	2
Bulgaria	74	4.16	71	-3
Philippines	75	4.08	85	10

Croatia	76	4.08	77	1
Romania	77	4.08	67	-10
Albania	78	4.06	88	10
Macedonia, FYR	79	4.05	79	0
Botswana	80	4.05	76	-4
Trinidad and Tobago	81	4	84	3
Ukraine	82	4	89	7
Namibia	83	4	74	-9
Guatemala	84	4	78	-6
Argentina	85	3.99	87	2
Honduras	86	3.98	91	5
Algeria	87	3.96	86	-1
Georgia	88	3.95	93	5
Lebanon	89	3.95	92	3
Greece	90	3.92	83	-7
El Salvador	91	3.89	82	-9
Armenia	92	3.89	98	6
Moldova	93	3.89	94	1
Egypt	94	3.88	81	-13
Serbia	95	3.88	96	1
Mongolia	96	3.86	99	3
Cambodia	97	3.85	109	12
Syria	98	3.85	97	-1
Gambia, The	99	3.84	90	-9
Bosnia	100	3.83	102	2
Ecuador	101	3.82	105	4
Kenya	102	3.82	106	4
Bolivia	103	3.82	108	5
Benin	104	3.78	103	-1

Tajikistan	105	3.77	116	11
Ethiopia	106	3.76	119	13
Jamaica	107	3.76	95	-12
Bangladesh	108	3.73	107	-1
Guyana	109	3.73	110	1
Dominican Republic	110	3.73	101	-9
Senegal	111	3.7	104	-7
Suriname	112	3.67	n/a	n/a
Zambia	113	3.67	115	2
Ghana	114	3.65	114	0
Nicaragua	115	3.61	112	-3
Cameroon	116	3.61	111	-5
Malawi	117	3.58	125	8
Pakistan	118	3.58	123	5
Cape Verde	119	3.58	117	-2
Tanzania	120	3.56	113	-7
Uganda	121	3.56	118	-3
Paraguay	122	3.53	120	-2
Belize	123	3.52	n/a	n/a
Venezuela	124	3.51	122	-2
Nepal	125	3.47	130	5
Kyrgyz Republic	126	3.45	121	-5
Nigeria	127	3.45	127	0
Mali	128	3.39	132	4
Côte d'Ivoire	129	3.37	129	0
Madagascar	130	3.36	124	-6
Timor-Leste	131	3.35	133	2
Zimbabwe	132	3.33	136	4
Mozambique	133	3.31	131	-2

Swaziland	134	3.3	126	-8
Lesotho	135	3.26	128	-7
Burkina Faso	136	3.25	134	-2
Mauritania	137	3.2	135	-2
Yemen	138	3.06	n/a	n/a
Angola	139	2.96	138	-1
Burundi	140	2.95	137	-3
Haiti	141	2.9	n/a	n/a
Chad	142	2.87	139	-3

ب-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تقویت و بهره گیری از تحقیق، توسعه و نوآوری در بخش های تولید، با هدف ارتقاء کیفی تولید کالا و خدمات، و بالابردن درجه ی کیفیت کالای ساخت داخل تا محصول نهایی با حفظ رقابت پذیری و حمایت از نوآوری و تولیدات دانش بنیان ارایه گردد.

ب-۲- توجیه بند

بر اساس بررسی های نظری و کاربردی، پژوهش و توسعه، همراه با مدیریت کلی کیفیت (Total Quality Management) می تواند به بهبود ملموس کیفیت محصول تولیدی بینجامد تا در نهایت جایگاه محصول را در بازار مستحکم سازد (۱). نوآوری هسته ی اصلی و هدفی اصولی برخاسته از تحقیق و توسعه است. به گفته ی سازمان همکاری اقتصادی، توسعه نوآوری عبارت است از به کارگیری محصول (شامل کالا و خدمات)، فرآیند، روش بازاریابی یا ساخت سازمانی جدید و متکی به اصلاحات قابل ملاحظه در کسب و کار، کارگاه یا روابط بیرونی بنگاه (۲). این تعریف به روشنی نشان می دهد که نوآوری مبحثی فراگیر است که ابعاد مختلف کسب و کار را پوشش می دهد، ولی حاصل آن افزایش ملموس قدرت رقابت بنگاه است. نوآوری می تواند در تمام زمینه ها و مراحل فعالیت اقتصادی انجام شود و حاصل آن بهبود قدرت رقابت بنگاه باشد.

هدف این بند از سیاست های کلی، آنست که تحقیق و توسعه باید به صورت جدی تقویت گردد، تا جهشی در این فعالیت در سطح ملی پدید آید. بدون این جهش، به نظر نمی رسد که فعالیت پژوهش و توسعه بتواند در سطحی قرار بگیرد که موتور حرکت تولید ملی و برآورده شدن خواسته های سند چشم انداز باشد. وجود

نیاز به جهش در پژوهش و گسترش به این معنا است که همه‌ی فعالان اقتصادی باید ملزم شوند که در فعالیت‌های خود در پی دستیابی به نوآوری باشند و روابط کاری خود را بهبود ببخشند.

جهت ایجاد جهش در پژوهش، و توسعه آن در کشور، بنیاد ملی پژوهش و توسعه بایستی تأسیس شود تا وظیفه‌ی هماهنگ‌سازی و شفاف‌سازی رفتار جهشی را برعهده بگیرد. این بنیاد وظیفه دارد که سیاست ملی نوآوری (National Innovation Foundation = NIF) را تدوین نموده، تبعیت اقتصاد ملی از این سیاست را ارزیابی نماید؛ و برای اجرای کامل و دقیق آن سیاست تلاش نماید. مهم‌ترین وظیفه‌ی این بنیاد عبارت است از:

اجرای نقش واسطه جهت گسترش مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با صنایع کشور در انجام تحقیقات با تکیه بر سیاست‌هایی مانند اعطای بودجه‌های ویژه‌ی تحقیقاتی به این نوع مشارکتهای،

گسترش نوآوری منطقه‌ای با تکیه بر سیاستهایی مانند اعطای بودجه‌ها و مشارکتهای حمایتی در فعالیتهای تجاری سازی نوآوریها،

تشویق استفاده از فناوری‌های نو در بنگاه‌های اقتصادی، به ویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط با تکیه بر حمایت برای اصلاح ساخت این بنگاه‌ها،

حمایت از هم‌نهادهای صنعتی منطقه‌ای (regional industry clusters) برای فراگیرکردن فعالیت تولیدی متکی به هم‌نهاد (cluster-based production activity)،

تأکید بر بهبود عملکرد و پاسخگویی با تکیه بر اندازه‌گیری نوآوری، تلاش برای دستیابی به نوآوری و بالابردن ارزش افزوده‌ی بنگاه‌ها،

اعطای پاداش برای رکوردگذاری در نوآوری در سطح ملی، استانی و بخشی، و

ارائه‌ی خدمات کارشناسی و تخصصی در مورد نوآوری و جهت‌گیریهای آن در کشور، به بنگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و نهادهای فعال در امر نوآوری در کشور.

تجربه‌ی کشورهای صنعتی نشان داده است که وجود بنیاد ملی نوآوری می‌تواند در تجهیز نیروهای ملی برای تمرکز بر پژوهش و توسعه، و تقویت نوآوری، اثرگذار باشد (۳). برخورداری از قدرت رقابت متکی به نوآوری (innovation-based competitiveness) الزامی است که می‌تواند تولید ملی را شکوفا کند و به

سرمایه گذاریهای ملی توان بقا در سطح جهان را ببخشد. برای ارزیابی مطلوبیت سیاست نوآوری از شاخص جهانی سیاست نوآوری (The Global Innovation Policy Index) استفاده می شود. این باور وجود دارد که کشورهایی که بهترین سیاست نوآوری را دارند، سیاست های خود را چنان هماهنگ می کنند که تخصص، تحقیقات علمی، فناوری های اطلاعات و ارتباطات، مالیات، تجارت، مالکیت معنوی، خریدهای دولت، استانداردها و مقررات همه چنان با یکدیگر تلفیق شود که به تقویت رشد اقتصادی متکی به نوآوری منجر شوند. این مجموعه نشان می دهد که برای آن که جهش نوآوری به افزایش رشد پایدار منجر شود، لازم است سیاست نوآوری سنجیده و برازنده عمل کند.

وظیفه ی کلی بنیاد ملی پژوهش و توسعه در سه حوزه ی اصلی یک (تلفیقی، دو) اجرایی (سه) زیرساخت تعریف شود (۴). در شاخه ی وظیفه ی تلفیقی بنیاد، اقداماتی مانند برنامه ریزی برای راهبرد پژوهش و گسترش در بنگاههای مختلف تعریف می شود. هم سو کردن این برنامه ها سبب می شود که کارآیی برنامه های راهبردی بنگاهها افزایش یابد و از این راه زمینه برای جهش در نوآوری آماده شود. در شاخه ی وظیفه ی اجرایی بنیاد مباحث مختلفی مطرح می شود که از آن جمله می توان به:

(۱) فروش و بازاریابی،

(۲) پژوهش و توسعه،

(۳) تولید

(۴) زنجیره ی تولید،

اشاره کرد. در هر زمینه اقداماتی باید انجام شود تا کل مجموعه ی اقتصاد کشور بتواند همسو و هماهنگ در جهت بالابردن جهشی توان فنی خود فعال شود. در شاخه ی وظیفه ی زیرساختی، لازم است بنیاد به عوامل تولید و توانمند کردن آنها به صورتی هماهنگ بپردازد. در این شاخه موارد زیر به عنوان عمده ترین موضوعها مطرح می شود:

(۱) مدیریت سرمایه ی انسانی در بنگاهها،

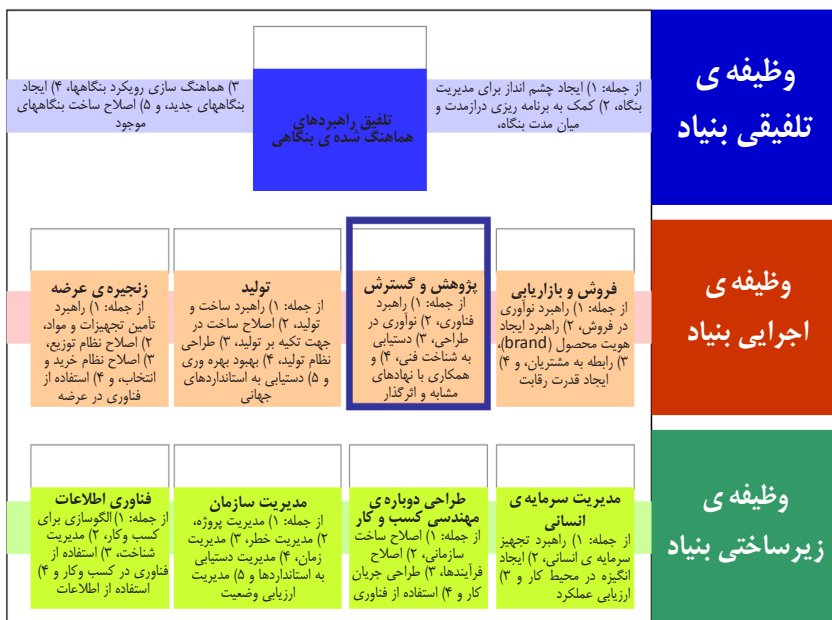
(۲) طراحی دوباره ی مهندسی کسب و کار (Business Process Re-engineering = BPR)،

(۳) مدیریت سازمان

۴) دامنه‌ی استفاده از فناوری اطلاعات در کسب و کار.

این مجموعه‌ی گسترده باید به صورتی فعال شود که در نهایت بنگاهها بتوانند به صورت بهینه، به خلاقیت و نوآوری بپردازند و کسب و کار کارآیی رونق مطلوب بیابد. در نهایت این مجموعه باید در چارچوب گزارشهای دوره‌ای مستمر انتشار داده شود تا ضمن افزایش شناخت در زمینه‌های مربوط به نوآوری، درجه‌ی پیشبرد علمی و فنی و کشور هم شناسایی شود(۵).

پوشش فعالیت بنیاد ملی پژوهش و توسعه



**وظیفه‌ی
تفلیقی بنیاد**

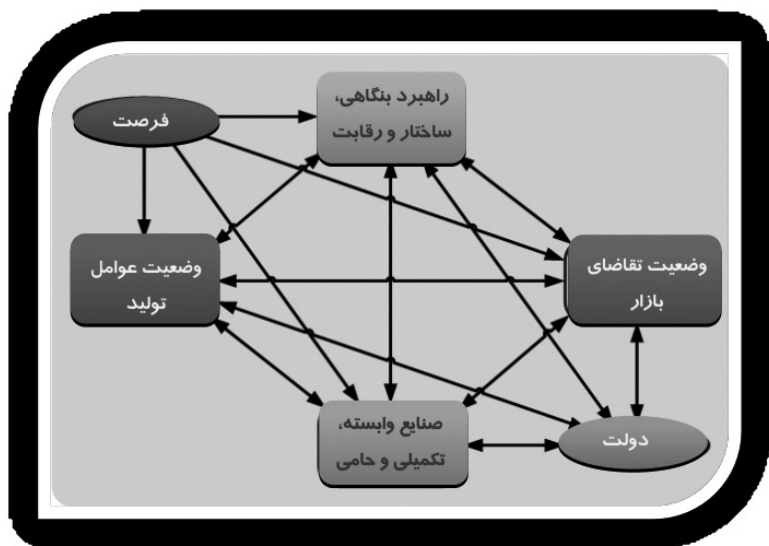
**وظیفه‌ی
اجرایی بنیاد**

**وظیفه‌ی
زیرساختی بنیاد**

در چارچوب نگرش این بند از سیاست کلی، هدف اصلی از انجام فعالیت پژوهش و توسعه متکی به نوآوری عبارت است از: ۱) بهبود کیفیت محصولات تولیدشده در کشور، ۲) بالابردن درجه‌ی ساخت بدون افت قدرت رقابت، ۳) برخوردار شدن از مزیت رقابتی در بازار، و ۴) روی آوری به دانش بنیانی با هدف جلب سرمایه‌ها. نگاه به تولید در این بند، نگاهی متکی به توسعه‌ی پایدار است. در مورد هر چهار خواسته می‌توان نشان داد که ادبیات اقتصادی نظری و کاربردی وجود دارد و در بیشتر موارد نگرش متکی به توسعه‌ی پایدار در پس این ادبیات دیده می‌شود.

در زمینه نوآوری های موثر در بهبود کیفیت، نظریه های اقتصادی نشان می دهند که پیشرفت های فنی در واقع موتور حرکت توسعه ی درازمدت اقتصاد است و این پیشرفتهای فقط با نوآوری حاصل می شود. چارچوب های فکری مدون توسط شومپتر (Schumpeter) در مورد الگوی رشد متکی به نوآوری های بهبود کیفیت، پایه ی نگرش بر نیاز به نوآوری موثر در بهبود کیفیت را تشکیل می دهد (۶) و (۷). چنین نگرشی قادر است جنبه های کلان الگوی رشد را با برخی از جنبه های خرد آن پیوند بدهد و تعامل بین بنگاههای اقتصادی و کل اقتصاد ملی را مشخص نماید. در این الگو، گروههایی که از نوآوری نفع می برند و آنها که زیان می بینند، با عنایت به سیاستهای درون بنگاهی مشخص می شوند. تداوم بهبود کیفیت با استفاده از نوآوریهای مداوم، عاملی است که رشد اقتصادی کشور را پایدار می سازد.

شرط برخورداری از مزیت رقابتی در واقع بر اساس الگوی بسیار معروف مایکل پورتر در کتاب معروف وی با عنوان مزیت‌های رقابتی ملت‌ها (The competitive advantage of nations) طراحی شده است. این الگو در زمان حاضر به عنوان یکی از محوری ترین الگوهای رفتاری در بخش کسب و کار کاربرد یافته است. در نمودار الماس مزیت‌های ملی پورتر (Porter's Diamond of National Advantage) نشان داده شده است (۸). کارکرد الگوی پورتر بر تحلیل هم نهادها (Clusters) استوار است. همانطور که در نمودار مشاهده می شود، چهار محور اصلی عبارتند از (۱) راهبرد بنگاهی، ساختار و رقابت. (۲) وضعیت تقاضای بازار. (۳) وضعیت عوامل تولید و (۴) صنایع وابسته، تکمیلی و حامی. دو عامل دیگر هم بر این مجموعه اثر می گذارند که عبارتند از: الف) فرصت‌های موجود و ب) وضعیت عملکرد دولت در اقتصاد ملی.



در زمینه نوآوری های متکی به تحول دانش بنیان، یک نمونه ی مشخص برنامه ی ده ساله ی آفریقای جنوبی است که دوره ی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ را پوشش می دهد. هدف از این برنامه ایجاد نوعی جهت گیری در نوآوری ها است که بتواند اقتصاد آفریقای جنوبی را اقتصادی دانش بنیان بنماید(۹). وجود این برنامه سبب می شود که تولید ملی به سمت تکیه بر دانش فنی و دانش بنیانی حرکت کند.

تحقیق انجام شده در سازمان توسعه ی صنعتی سازمان ملل متحد (United Nations Industrial Development Organization = UNIDO) نشان می دهد که داشتن یک راهبرد منطقه ای برای نوآوری می تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند(۱۰). این راهبرد می تواند در تعامل سازنده بین ایران و کشورهای منطقه، که یکی از خواسته های سند چشم انداز است، اثرگذار باشد. به این ترتیب به نظر می رسد که می توان یک الگوی ملی-منطقه ای برای تحولات متکی کردن فعالیت های اقتصادی به دانش بنیانی، طراحی کرد.

1. Prajogo, Daniel I. and Amrik S. Sohal. (2006). The integration of TQM and technology / R&D management in determining quality and innovation performance. Omega Vol. 34.pp. 296 – 312. <http://p30bazar.persianguig.com/pdf/65.pdf>
2. Rosanna Pittiglio; Edgardo Sica; and Stefania Villa. (2009). Innovation and Internationalization: The Case of Italy. Journal of Technology Transfer. Vol. 34.No. 6. pp. 588–602.

3. Atkinson, Robert and Howard Wial. (2008). Boosting Productivity, Innovation and Growth through a National Innovation Foundation. The Information, Technology and Innovation Foundation (ITIF). Metropolitan Policy Program at Brookings. Blueprint for American Prosperity. April. <http://www.itif.org/files/NIF.pdf>
4. Nomoto, Shinichiro. (2010). Latest Boosting R&D Management Process Techniques. Japan Management Association Consultants (JMAC) Inc. Research, Development and Engineering Management Innovation Department. 12th October. http://documents.eu-japan.eu/seminars/europe/wcm_rd/presentation_nomoto.pdf
5. National Science Board. (2012). Science and Engineering Indicators 2012. <http://www.nsf.gov/statistics/seind12/pdf/seind12.pdf>
6. Aghion, Philippe; and Peter. Howitt. (1998). Endogenous Growth Theory. MIT Press. Cambridge, MA.
7. ---. (2004). Growth with Quality-Improving Innovations: An Integrated Framework. 15th November. In: Handbook of Economic Growth. http://www.econ.brown.edu/-fac/peter_howitt/publication/ahhandbook.pdf
8. Porter, M.E. (1990). The competitive advantage of nations. New York: Free Press.
9. Department of Science and Technology. (2007). Innovation Towards a Knowledge-based Economy: Ten-Year Plan for South Africa. (2008 – 2018). http://www.innovationeasterncape.co.za/download/sa_ten_year_innovation_plan.pdf
10. Cook, Philip and Olga Memedovic (2003). Strategies for Regional Innovation Systems: Learning Transfer and Applications. UNIDO. Centre for Advanced Studies, Cardiff University and UNIDO, Strategic Research and Economics Branch. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/Pub_free/Strategies_for_regional_innovation_systems.pdf.

ج-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بازسازی ساختار تولید ملی با اعطای مشوق‌های لازم در جهت افزایش قدرت رقابتی کالاها و خدمات داخلی و گسترش محصولات با ماهیت راهبردی یا مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولیدی کشور.

ج-۲- توجیه بند

بازسازی ساخت تولید ملی به معنی تغییر ساماندهی فعالیتهای تولیدی است. همواره در جریان بازسازی بایستی جهت گیری مطلوب مورد نظر مشخص گردد. سمت و سوی برگزیده در این بند شامل، جهت گیری برای (۱) افزایش قدرت رقابت، (۲) تولید محصولات راهبردی با انگیزه‌ی کاهش وابستگی راهبردی به جهان، و (۳) تولید کالاهای مورد نیاز مصرف عامه به صورتی است که مصرف کنندگان از خرید محصولات ایرانی زیان نکنند (۱). بخش‌هایی از فعالیتهای ذکرشده برای نوآوری، و پژوهش و توسعه، نیز جهت گیری‌های بازسازی ساخت اقتصاد ملی را مشخص می‌سازد.

1. Ministry of Economic Affairs, Agriculture and Innovation. (2011). Manual on Strategic Goods for the Netherlands. August.

پ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

فاصله گرفتن از خام فروشی و تکمیل زنجیره‌ی تولید از مواد خام تا محصولات نهایی در بازه‌ی زمانی معین.

پ-۲- توجیه بند

بالا بردن درجه‌ی ساخت که در تفسیر کلی به معنی تکمیل زنجیره‌ی تولید با فعالیت‌های داخلی است، در سند حاضر با این شرط همراه گردیده که در جریان تکمیل زنجیره‌ی تولید، قدرت رقابت کاهش نیابد. به این ترتیب، عملکرد رقابتی محور این بند از سند سیاست‌های کلی است. مساله آن است که تکمیل زنجیره‌های تولید عامل بالا بردن ارزش افزوده در سطح ملی می‌گردد، اما این افزایش نباید با کاهش قدرت رقابت همراه شود. زیرا در صورت کاهش قدرت رقابت، بازارهای کشور کوچک می‌شوند و قدرت درآمدزایی کاهش می‌یابد. در اصطلاح کلی، اگرچه اجتناب از خام فروشی یک گام مثبت در جهت تکمیل زنجیره‌های تولید است، این امر نباید با کاهش قدرت رقابت در کل فعالیت همراه شود زیرا در حالت اخیر، کوچک شدن بازار سبب از دست دادن درآمد خواهد شد (۱) و (۲).

مطالعاتی که در مورد حمایت در کشورهای در حال توسعه انجام شده است، نشان می‌دهد که تخصیص نامطلوب منابع یکی از مهمترین علل ازدست دادن محصول واقعی (real output) بوده است. الگوهای معروف دو-شکاف (two-gap models) که توسط شنری (Chenory) و استروت (Strout) بیان شده است، می‌تواند وضعیت رفتاری کشورهای را نشان بدهد که سیاست‌های حمایتی را برمی‌گزینند. در این الگو موارد زیر پوشش داده شده است: (۱) حالتی که جایگزین کردن تولید ملی با واردات که با هدف صرفه جویی در مصرف ارز انجام می‌پذیرد، زیر پوشش سیاست حمایت از یک صنعت ناکارآمد، در توصیف کاهش در واردات زیاده روی می‌کند، و (۲) حالتی که حمایت فقط در مورد صنایع جایگزین واردات انجام شود و این امر به مقدار افزایش صادرات، یا مقدار افزایش در ارز دریافتی کشور، کمتر از مقدار واقعی دیده شود. مشکلات هر دو نگرش در الگوهای دو-شکاف به دقت دیده شده است (۳) و (۴). با عنایت به این الگوها و مسائلی که نگرش یک سو به افزایش ارزآوری ناخالص یا کاهش ناخالص مصرف ارز در چارچوب جایگزینی واردات وجود دارد، سیاست کلی حاضر به معیار خالص ارزآوری عنایت می‌نماید.

برای ارزیابی پروژه‌های تولیدی، لازم است ضوابط فراگیر ارزیابی مد نظر قرار بگیرد (۵) و در این چارچوب، معیار بسیار مهم، خالص ارزآوری پروژه‌ها باشد.

1. Bekefi, Tamara. (2006). Tanzania: Lessons in Building Linkages for Competitive and Responsible Entrepreneurship. The United Nations Industrial Development Organization (UNIDO) and Kennedy School of Government. Harvard University. ISBN 92-1-106434-1. http://www.unido.org/fileadmin/import/69451_CSRI_09.pdf
2. UNIDO. (2009). Developing a Value-Chain Diagnostic Tool for Common Practice at Unido: Expert Group Meeting Report. 23rd to 25th September. Vienna. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/Pub_free/Developing_a_value_chain_diagnostics_tool_for_common_practice_at_UNIDO.pdf
3. Chenery, Hollis B. and Alan M. Strout. (1965). Foreign Assistance and Economic Development. American Economic Review. Vol. 66. pp.679-733. Also: Department of State. Agency for International Development. Office of Program Coordination. Washington, D. C. Discussion Paper No. 7. (Revised). June. http://pdf.usaid.gov/pdf_docs/PNABQ351.pdf
4. Easterly, William. (1999). The Ghost of Financing Gap: Test-

ing the Growth Model Used in the International Financial Institutions. Journal of Development Economics. Vol. 60. Issue 2. pp. 423-438. December. http://www.cgdev.org/doc/ex-pert%20pages/easterly/easterly_ghost.pdf

5. Unido. (1968). Manual for Evaluation of Industrial Projects. Prepared jointly by the United Nations Industrial Development Organization and the Industrial Development Centre for Arab States. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/download/Manual_for_Evaluation_of_Industrial_Projects.pdf

ت-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

حمایت از تولید محصولات ارزآور.

ت-۲- توجیه بند

در این محور بحث حمایت از تولید محصولات ارزآور مطرح شده است. در حالت کلی، یکی از معیارهای برخورداری از قدرت خرید بین المللی، ایجاد وضعیتی است که در آن شرط خالص ارزآوری تولید کشور نسبت به صادرات (Net Foreign Exchange Earning as a Percentage of Export = NFEP) برقرار شود. این معیار نشان دهنده ی اهمیت تولید در دستیابی به منابع ارزی قدرتمند است. هر قدر خالص ارزآوری صادرات کشور بیشتر باشد، توانایی کشور در تدوین خواسته هایش در سطح جهانی بیشتر می شود. با عنایت به اهمیت خالص ارزآوری، در مقابل دو معیار متعارف (۱) استفاده از معیارهایی مانند درجه ی صرفه جویی در ارز در چارچوب سیاست جایگزینی واردات، یا (۲) استفاده از معیارهایی مانند ارزآوری ناخالص در چارچوب سیاست تشویق صادرات، بحث سیاست کلی در این بند آن است که باید به خالص ارزآوری عنایت شود و معیارهای انگیزشی بر اساس خالص ارزآوری تدوین گردد. این بدان معنی است که نگرش سیاستهای کلی بر جهت گیری یک سویه به جانب جایگزینی واردات یا تشویق صادرات تمرکز ندارد و معیار خالص ارزآوری را به عنوان یک معیار اثرگذار بر زندگی درازمدت اقتصاد ملی، به رسمیت می شناسد. این معیار در نفس خود، برخی از الزامات سیاستهای ذکر شده در سایر بندها را نیز لازم دارد. به عنوان مثال یک شرط لازم برای بالا رفتن خالص ارزآوری، کاهش هزینه های تولید است.

ث-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینان به ارز و ثبات ارزش پول ملی.

ث-۲- توجیه بند

اهداف کلی در مدیریت ارزی کشور عبارت است: (۱) حفظ ارزش پول ملی جهت قابل پیش بینی کردن وضعیت اقتصادی و جلب اعتماد کارآفرینان به پول ملی به عنوان یک واحد ارزش باهویت و (۲) تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به ارز. برای رسیدن به این دو هدف که به صورت توأم باید محقق شوند، محورهای سیاستی انگیزشی مطرح شده است.

یکی از ویژگیهای وضعیت کنونی مدیریت منابع ارزی کشور در زمان حاضر این است که حفظ ارزش پول ملی به کلی از فهرست اولویت های آن حذف شده است. حفظ ارزش پول ملی را نباید با تثبیت دستوری ارزش پول کشور اشتباه گرفت. برای حفظ ارزش پول ملی لازم است وضعیتی برقرار شود که ارزش پول در چارچوب مکانیزمهای اقتصادی حفظ شود. نهاد پولی کشور که بر اساس قانون پولی و بانکی مسئولیت حفظ ارزش پول ملی را برعهده دارد و موظف است با اجرای سیاست های درست پولی و ارزی، در راستای حفظ ارزش پول ملی تلاش نماید، در وضعیت کنونی، هیچ واکنشی حتی در برابر افت ضربتی حدود ۵۰ درصد از ارزش پول ملی در یک دوره ی بسیار کوتاه نشان نمی دهد. این دگرگونی ناخواسته سبب می شود که چشم انداز کلیه ی پروژه های تولیدی مخدوش شود، زیرا نرخ ارز در ارزیابی پروژه ها آن قدر تغییر کرده است که دیگر ارزیابی های موجود کاربرد ندارد. مخدوش شدن چشم انداز کلان اقتصاد عاملی است که به نقش بخش خصوصی را در توسعه ی اقتصاد ملی خدشه وارد می سازد (۱) و نوسانهای جدی در ارزش پول ملی یکی از بارزترین نمونه های عوامل ایجاد اختلال در چشم انداز کلان اقتصادی (۲) است.

بحث جلب اعتماد نسبت به پول ملی از این طریق مطرح می گردد که انگیزه های پس انداز و سرمایه گذاری به پول ملی تقویت شود. در این راستا خواسته های جامعه و بخش خصوصی هماهنگ می شود و انگیزه ی فرار سرمایه در کشور کاهش می یابد. نظریه های اقتصادی نشان می دهند که سرمایه همیشه در پی یافتن مکان امنی است تا ارزش خود را از دست ندهد و بازده مطلوبی داشته باشد (۳). علاوه بر این، وقتی فرار سرمایه وجود داشته باشد، سرمایه ی اجتماعی به شدت کاهش می یابد و احترام به سرمایه ی ملی زایل می شود زیرا سرمایه گذار می داند

که در طول زمان نمی‌تواند به پول ملی اعتماد کند. توجه به ریشه‌های فرار سرمایه دست کم به دلایل زیر بسیار اهمیت دارد: (۱) فرار سرمایه سبب می‌شود که منابع مورد نیاز برای توسعه‌ی اقتصاد ملی، از مرزهای کشور خارج شود و فرصتهای توسعه از دست برود. (۲) فرار سرمایه تأثیری منفی بر توزیع درآمد در جامعه دارد. (۳) گسترش خروج سرمایه سبب می‌شود که کشورهای مبتلا به این عارضه برای تأمین نیازهای اقتصاد ملی به وام‌گیری از خارج متوسل شوند که این وضع در نهایت حجم بدهیهای آنها را به شدت افزایش می‌دهد (۴).

مطالعه‌ای که در مورد ایران انجام شده است، نشان می‌دهد که چگونه عدم اطمینان در مورد نرخ واقعی ارز (قدرت خرید واقعی پول ملی) عاملی منفی در توسعه‌ی صادرات ایران بوده است (۵). مطالعات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اصلاح ساخت بخش واقعی اقتصاد کشورها با برابری سیاست پولی آنها، رابطه‌ی مستقیمی دارد (۶).

دستیابی به ثبات مالی (Financial Stability) یکی از معیارهایی است که امروز کشورهای جهان از آن به عنوان شرط لازم افزایش تولید ملی یاد می‌کنند (۷). بروز بحرانهای مالی و به ویژه بحران پولی، سبب ازدست دادن تولید می‌شود که زیان درازمدت آن کاهش نرخ رشد اقتصاد ملی است (۸). اهمیت ثبات مالی در حدی است که امروز بیشتر بانکهای مرکزی این خواسته را در کنار هدف حفظ ارزش پول ملی قرار می‌دهند و خود را نسبت به آن متعهد می‌سازند. سیاستگذاری برای دستیابی به ثبات مالی پیش شرط تداوم توسعه و تحولات فنی دگرگون‌کننده‌ی وضعیت تولید است.

در مورد تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به ارز، خواسته‌ی کلی کاهش زمان دسترسی به ارز و رسانیدن آن به جریان تولید است. بخشی از این تسریع، به فراهم آوردن امکانات انتقال ارز برمی‌گردد که در زمان حاضر یکی از عوامل مهم در تأخیر در تولید است. از دیدگاه نظری تأخیر در انتقال ارز می‌تواند عامل افت رفاه در جامعه شود. مطالعات مختلفی برای محاسبه‌ی میزان افت رفاه در کشورهای مختلف انجام شده است (۹) و (۱۰). نکته‌ی قابل تامل این است که با طولانی شدن زمان انتقال ارز و تسویه‌ی حساب‌های خارجی، میزان افت در رفاه جامعه نیز افزایش می‌یابد.

در مورد ایران هیچ مطالعه‌ای در مورد تأخیر در تسویه‌ی تعهدات ارزی مربوط به تجارت انجام نشده، اما قدر مسلم این است که تأخیر مورد بحث در اثر وضعیت حاضر روند صعودی داشته است و این امر به گران شدن هزینه‌ی واردات در کشور انجامیده است. تحریم‌های اعمال شده بر مؤسسات مالی ایران و تأخیر در یافتن راه‌های دور زدن این تحریم‌ها، سبب شده که متقاضیان کالاهای واسطه‌ای و

سرمایه ای خارجی در داخل کشور، با تأخیر زمانی نسبتاً طولانی به نیازهای خود دست یابند و فروشندگان هم با عنایت به این مشکلات، قیمت محصولات خود را برای مشتریان ایرانی افزایش دهند.

1- Unido. (2011). Africa Investor Report 2011: Towards Evidence-Based Investment Promotion Strategies. ID/443. UNIDO Publication. Sales No.: E.12.II.B42. ISBN: 978-92-1-106450-6. http://www.unido.org/fileadmin/user_media/Publications/Pub_free/AIS_Report_A4.pdf

2. خلعت بری، فیروزه. (۱۳۸۹). طرحی برای مدیریت و نظارت بر اجرای سیاست های کلی مربوط به نظام و درآمدهای ارزی. دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.

3. Epstein, Gerald. (2005). Capital Flight and Capital Controls in Developing Countries. Introduction: Capital Flight and Capital Controls in Developing Countries: an Introduction. http://www.peri.umass.edu/fileadmin/pdf/chapter_1.pdf

4. Ndikumana, Léonce and James K. Boyce. (2008). New Estimates of Capital Flight from Sub-Saharan African Countries: Linkages with External Borrowing and Policy Options. Department of Economics and Political Economy Research Institute. University of Massachusetts, Amherst. Working Paper No. 166. April. http://www.peri.umass.edu/fileadmin/pdf/working_papers/working_papers_151-200/WP166.pdf

5. Jafari Samimi, Ahmad; Negin Heydarizadeh and Maryam Madadi. (2012). Exchange Rate Uncertainty and Non-Oil Exports: The Case of Iran. Middle-East Journal of Scientific Research. Vol. 11. Issue 2. pp. 162-166. ISSN 1990-9233. IDOSI Publications. [http://idosi.org/mejsr/mejsr11\(2\)12/5.pdf](http://idosi.org/mejsr/mejsr11(2)12/5.pdf)

6. Nenova, Mariella. (2004). The Relationship between Real Convergence and the Real Exchange Rate: the Case of Bulgaria. Bulgarian National Bank. Discussion Paper No. DP/41/2004. July. ISBN 954-9791-78-5. http://www.bnb.bg/bnbweb/groups-public/documents/bnb_publication/discussion_2004_41_en.pdf

7. Ingves, Stefan. (2012). Financial stability is important for us all. Speech by Mr Stefan Ingves, Governor of the Sveriges Riksbank, to the Riksdag Committee on Finance. Stockholm. 15th March. <http://www.bis.org/review/r120316f.pdf?frames=0>

8. White, William R. (1998). Promoting International Financial-Stability: The Role of the BIS. Regulatory and Supervisory Challenges in a New Era of Global Finance. The Hague. <http://fondad.org/uploaded/Regulatory%20and%20Supervisory%20Challenges/Regulatory-White.pdf>
9. Cudmore, E. and J. Whalley. (2005). Border Delays and Trade Liberalization. In: T. Ito and A. K. Rose (eds.). International Trade in East Asia. NBER-EastAsia Seminar on Economics. Volume 14. Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
10. Nguyen, Tien T. and Randall M. Wigg. (2009). Welfare Costs of Border Delays: Numerical Calculations from a Canadian Regional Trade Model. Canadian Journal of Regional Science/ Revue canadienne des sciences regionales. Vol. XXXII. Issue 2. Summer/Été. pp. 203-222. ISSN: 0705-4580. <http://www.cjrs-rcsr.org/archives/32-2/NGUYEN-final.pdf>.

چ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی با اصلاح زمینه های قانونی، اجرایی، اداری و فرهنگی.

چ-۲- توجیه بند

بهبود فضای کسب و کار همراه با بهبود زمینه ها و چارچوب های قانونی و اداری مرتبط، جهت افزایش تولید ملی، می تواند به بهبود چشم انداز کارآفرینان در برنامه ریزی برای تولید منجر شود. سه محور اصلی پیشنهادی در این بند عبارتند از: (۱) شفاف سازی وضعیت فضای کسب و کار، (۲) تشکیل مدیریت ویژه برای پیشنهاد راههای بهبود وضعیت و (۳) کوتاه کردن زمان دریافت مجوزها.

مطالعات مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در زمینه فضای کسب و کار در کشور نشان داده است که در سال ۱۳۹۰، فضای کسب و کار با نوسان محدود، روند رو به بهبود داشته است، اما همچنان نمی توان وضعیت فضای کسب و کار را مطلوب دانست. متوسط رقم مؤلفه های فضای کسب و کار در زمستان سال ۱۳۹۰ معادل ۵/۴۹ بوده است که نسبت به رقم ۵/۸۷ بهار سال ۱۳۹۰ بهبود داشته است، اما همچنان وضعیت کسب و کار را نامساعد نشان می دهد (۱).

نخستین گام در راه بهبود فضای کسب و کار، کاهش محدودیت های دولتی و قانونی در سطح ملی است. علی رغم این امر، بررسی های جدیدتر نشان داده است که نگرش منطقه ای و استانی، با هدف اصلاح وضعیت موجود، با همکاری بخش خصوصی و بخش دولتی، می تواند اثر بهتری داشته باشد (۲). در این چارچوب سرمایه ی اجتماعی افزایش می یابد و احترام به کسب و کار تعمیق می گردد.

جهت بهبود وضعیت حوزه کسب و کار، سلامت این فضا بسیار مهم است (۳). شفاف سازی عامل مهمی است که می تواند دستیابی به سلامت محیط کسب و کار را تأمین کند. هدف از شفاف سازی ایجاد جو اعتماد در مورد سلامت وضعیت کسب و کار است.

در جریان اصلاح فضای کسب و کار، همه ی گروهها باید در شمار ذینفعان قرار گیرند، و مشارکت همه ی ذینفعان و فعالان بایستی تضمین شود. بر این اساس است که تشکیل مدیریت ویژه برای پیشنهاد راهکارهای بهبود وضعیت می تواند بسیار اثرگذار باشد. این مدیریت در مورد زمینه های اصلاح و نحوه ی مشارکت همه ی دست اندرکاران تصمیم می گیرد.

۱- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۱). گزارش ارزیابی تشکلهای اقتصادی کشور از مؤلفه های ملی محیط کسب و کار ایران. گزارش زمستان ۱۳۹۰. اردیبهشت.

2- Hindson, Doug and Jörg Meyer-Stamer. (2007). The Local Business Environment and Local Economic Development: Comparing Approaches. Mesopartner Working Paper No. 11 / 2007. ISSN 1613-298X3- Donor Committee for Enterprise Development (DCED). (2008). Supporting Business Environment Reforms: Practical Guidance for Development Agencies. August. <http://rru.worldbank.org/documents/DonorGuidance.pdf>

ح-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

ارتقا سهم مردم در تولید ملی از طریق افزایش انگیزه و عزم ملی، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت، رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش های غیردولتی و خصوصی در دسترسی به اطلاعات و سایر موارد، حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط و تسریع در تحقق کامل سیاستهای کلی اصل ۴۴.

ح-۲- توجیه بند

حضور دولت وابسته به درآمدهای نفتی که پاسخگویی دولت را نسبت به جامعه محدود می‌سازد، سبب شده است که دستگاه اداری دولت بسیار حجیم تر و گسترده تر از حد مطلوب و موردنیاز جامعه شود. که این امر به اتلاف منابع می‌انجامد.

کارآمدسازی دولت یکی از محورهای رسیدن به وضعیت مطلوب در تولید ملی است. در حالت کلی دولت در حوزه اقتصاد کشور به سه شکل حضور و مداخله دارد: (۱) در چارچوب نماینده‌ی حاکمیت و مجری دستور حکومت، (۲) در چارچوب یک هویت جمعی نماینده‌ی اکثریت رأی دهندگان به دولت، و (۳) در چارچوب یک هویت فردی که در این حالت به صورت کارفرما در اقتصاد حضور دارد. بهترین وضعیت این است که دولت شکل سوم حضور خود را در اقتصاد کشور به حداقل برساند.

حضور دولت در شکل نماینده‌ی حاکمیت به دولت امکان می‌دهد که ثروت‌های طبیعی کشور را که منافع آن باید به همه‌ی نسل‌ها برسد، در چارچوب قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام مورد بهره‌برداری قرار دهد. بهره‌برداری صیانتی از منابع نفتی و سایر منابع پایان پذیر کشور در این چارچوب باید انجام شود. بهینه‌سازی و کارآمدسازی این وظیفه در چارچوب مدیریت شفاف و بهینه از منابع طبیعی کشور و توزیع بهینه‌ی عواید حاصل از بهره‌برداری بین نسل‌های مختلف باید انجام شود. از دیدگاه نظری مسائل مختلفی در این چارچوب مطرح می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از (یک) بهره‌برداری بهینه از منابع پایان پذیر، (دو) مدیریت بهینه‌ی ثروت‌های حاکمیتی، و (سه) برنامه ریزی برای استفاده‌ی بهینه از سهم نسل و توزیع برآورده‌ی آن بین گروه‌های مختلف هر نسل.

در چارچوب بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی پایان پذیر و تجدیدپذیر، الگوهای نظری مستدل ارائه شده است (۱). بهره‌برداری بهینه به ساخت موجودی مخزن منابع پایان پذیر، ماهیت مقام بهره‌بردار، وضعیت بازار از نظر حضور محصول جایگزین، سرمایه‌گذاری برای گسترش موجودی مخازن (۲)، ماهیت تقاضا برای منابع پایان پذیر و هزینه‌های بهره‌برداری (۳) ارتباط می‌یابد. یکی از باورهای قابل تامل در مورد برخورداری از ثروت‌های نفتی و بهره‌برداری منابع پایان پذیر، این است که وجود این منابع عامل عقب ماندگی کشور می‌شود. افزونه جویی (Rent Seeking) اقتصاد عامل بروز عارضه‌ی هلندی (Dutch Disease) و اختلالات مختلف در اقتصاد ملی می‌شود. از دیدگاه نظری این رویکرد مورد تردید است، زیرا اگر دانش فنی بهره‌برداری از منابع پایان پذیر بتواند این بهره‌برداری را ارتقاء داده و بهینه نماید و منابع حاصل از آن در چارچوب حفظ منافع تمام نسل‌ها مورد استفاده قرار گیرد، هیچ دلیلی وجود ندارد که کشور دارای منابع پایان پذیر، دچار فقر و نابسامانی شود (۴).

این بحث بسیار مهم نشان می دهد که اگر به محدوده ی حضور دولت و حاکمیت خدشه وارد نگردد، وجود انبوهی از سرمایه ی طبیعی در واقع یک نعمت است و هیچ بحرانی را به صورت ذاتی موجب نخواهد شد. در واقع امکان دارد که الگوی بهره برداری بهینه از منابع پایان پذیر در الگوهای مختلف اقتصادی و بینشهای متفاوت ادغام شود و هیچ عارضه ی ناخوشایندی را به دنبال نداشته باشد(۵). قدر مسلم این است که حتی با عنایت به عامل آلاینده گی موجود در منابع فسیلی، این امکان وجود دارد که بتوان الگوی بهره برداری بهینه ی قابل دفاع در چارچوب بینش توسعه ی پایدار را تدوین کرد(۶) و (۷).

حضور دولت در مقام نماینده ی اکثریت جامعه برای دوره ای که اداره ی کشور به دولت برگزیده سپرده شده است، ایجاب می کند که دولت در حدی در جامعه حضور داشته باشد، که بر اساس وعده های انتخاباتی و الزامات سیاسی به انجام آن متعهد شده است. این بخش باید در چارچوب نظارت مجلس انجام شود، اما نکته ی مهم این است که برای انجام خدمات تعهدشده نیازی نیست که دستگاه های دولتی بزرگ و حجیم شوند. اندازه ی بهینه ی دولت در این چارچوب باید مد نظر قرار بگیرد. از دیدگاه نظری اندازه ی بهینه ی دولت قابل اندازه گیری است و دولت های حجیم و بزرگتر از حد بهینه، در واقع عامل اتلاف منابع می شوند. رابرت سولو اقتصاددان بزرگ برنده ی جایزه ی نوبل، در سال ۱۹۵۶ پایه های تفکر در مورد اندازه ی دولت را در یک الگوی نظری مطرح کرد(۸).

جهت شناخت اندازه ی بهینه ی دولت می توان از معیارهای مختلف استفاده کرد و با استفاده از الگوهای نظری اندازه ی بهینه را محاسبه نمود. یک رویکرد موثر جهت این امر، شناخت ارتباط بین ماهیت حضور دولت و رشد اقتصادی کشور است. با این رویکرد می توان اندازه ی بهینه ی دولت را در کشورهای مختلف محاسبه نمود. به عنوان مثال این اندازه در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در حدی کمتر از ۲۵ درصد قرار دارد(۹) و (۱۰). معیار دیگری که جهت شناخت بهینه بودن اندازه ی دولت می تواند مورد استفاده قرار بگیرد، معیار کارایی هزینه ای بودجه است(۱۱) و (۱۲). معیار سوم، اندازه گیری مصارف دولت است. مطالعه ی کاربردی در این چارچوب نشان داده است که برای سیزده کشور از اعضای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اندازه ی بهینه ی دولت در حد ۱۳ درصد اقتصاد محدود می شود(۱۳).

انتخاب معیار اندازه گیری ابعاد حضور دولت در اقتصاد باید با عنایت به محدوده ی حضور دولت در بخش هویت جمعی نماینده ی اکثریت، یعنی فقط بخش دولت در مقام دولت، انجام شود و دو وظیفه ی دیگر نباید در محاسبات منظور شود. در

مورد ایران فقط یک مطالعه در مورد اندازه‌ی دولت انجام شده است (۱۴) اما این مطالعه باید روزآمد شود، زیرا ساخت دولت در این دوره به شدت تغییر کرده است. در مورد کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس هم مطالعه‌ی وجود دارد که نشان می‌دهد اندازه‌ی دولت بر اساس نسبت مصرف واقعی دولت به مصرف واقعی در محصول ناخالص داخلی کشور در محدوده‌ی ۱۷٪ تا ۲۹٪ قرار دارد (۱۵). در مورد کشورهای آمریکای لاتین، یک مطالعه‌ی کاربردی نشان داده است که اگر در فاصله‌ی سالهای ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۳ میلادی، دولتهای کشورهای این منطقه کوچکتر بودند، رشد اقتصادی در این کشورها بیشتر می‌شده است (۱۶).

حضور دولت در اقتصاد در مقام کارفرما همیشه عامل اختلال در روال کشورداری است. هر قدر وظایف تصدی‌گری دولتها کوچکتر باشد، کارایی آنها به صورت بالقوه می‌تواند بیشتر شود زیرا دولتها در این وضعیت انگیزه‌ی کمتری برای صدور دستورهای استثنایی خواهند داشت. کوچک کردن بخش کارفرمایی دولت با روشهای مختلف انجام می‌شود که در کلی‌ترین حالت با عنوان واگذاری فعالیتهای اقتصادی به بخش خصوصی (Privatization) در ادبیات اقتصادی شناخته شده است. انواع روشهای واگذاری برای کشورهای مختلف ارائه شده است.

در مورد ایران هم روشهای متفاوتی برای واگذاری تدوین گردیده است. یک روش که مالکیت فراگیر نام گرفته است، واگذاری را با عواملی مانند افزایش کارایی در بخش تولید، برخورداری از توان رقابت در سطح بین‌المللی، گسترش بازار سرمایه‌ی کشور، توانمندسازی نیروی کار در جامعه و ایجاد قدرت خرید در خانوار پیوند می‌دهد (۱۷). سیاست‌های کلی اصل ۴۴ خواستار نوعی از گسترش حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور شده است که واگذاری با اصلاح ساخت اقتصاد ملی و افزایش کارایی همراه شود. ساخت برگزیده برای واگذاری در کشور که در چارچوب سازمان خصوصی‌سازی تعریف شده است، نتوانسته است ابعاد مطرح شده در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را پوشش بدهد.

4- Khalatbari, Firouzeh. (1976). Planning, Uncertainty and Exhaustible Resources. PhD Thesis. London School of Economics and Political Science. January.

5- Ghoddusin, Hamed. (2010). Dynamic Investment in Extraction Capacity of Exhaustible Resources. Scottish Journal of Political Economy. Vol. 57. No. 3. July. <http://www.gerad.ca/fichiers/activites/act0662/Hamed28012011.pdf>

6- Solow, Robert M. and Frederic Y. Wan. (1976). Extraction costs in the theory of exhaustible resources. The Bell Journal of

Economics. Vol. 7. Issue 2. Autumn. pp. 359-70. <http://www.sam.sdu.dk/norfame/menu/pdfid/solow76.pdf>. Also: http://www.math.uci.edu/~fwan/pdf/42_extractioncosts.pdf

7- Khalatbari, Firouzeh. (1976). Planning, Uncertainty and Exhaustible Resources. PhD Thesis. London School of Economics and Political Science. January.

8- Ghoddusin, Hamed. (2010). Dynamic Investment in Extraction Capacity of Exhaustible Resources. Scottish Journal of Political Economy. Vol. 57. No. 3. July. <http://www.gerad.ca/fichiers/activites/act0662/Hamed28012011.pdf>

9- Solow, Robert M. and Frederic Y. Wan. (1976). Extraction costs in the theory of exhaustible resources. The Bell Journal of Economics. Vol. 7. Issue 2. Autumn. pp. 359-70. <http://www.sam.sdu.dk/norfame/menu/pdfid/solow76.pdf>. Also: http://www.math.uci.edu/~fwan/pdf/42_extractioncosts.pdf

10- Le Van, Cuong, Katheline Schubert + and Tu Anh Nguyen. (2007). With Exhaustible Resources, Can A Developing Country Escape From The Poverty Trap? 2nd July. http://ces.univ-paris1.fr/membre/schubert/ExhaustibleResource_July2nd07.pdf

11- Erreygers, Guido. (2009). Hotelling, Rawls, Solow: How Exhaustible Resources Came to Be Integrated into the Neoclassical Growth Model. History of Political Economy. Volume 41. Number Supplement 1. pp.263-281. doi: 10.1215/00182702-2009-027. http://hope.dukejournals.org/content/41/Suppl_1/263.full.pdf+html

12- Henriët, Fanny. (2011). Optimal extraction of a polluting non-renewable resource with R&D toward a clean backstop technology. 14th July. http://www2.toulouse.inra.fr/lerna/seminaires/backstop_henriet.pdf

13- Grimaud, André and Luc Rougé. (2003). Polluting Non-Renewable Resources, Innovation and Growth: Welfare and Environmental Policy. August. http://idei.fr/doc/wp/2003/polluting_nonrenewable.pdf

14- Solow, Robert M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. Quarterly Journal of Economics. Vol. 70. Issue 1. pp. 65-94. February. http://faculty.lebow.drexel.edu/LainczC/cal38/Growth/Solow_1956.pdf

- 15- Chobanov, Dimitar and Adriana Mladenova. (2009). What is the Optimum Size of Government? Institute for Market Economics. Bulgaria. August. http://ime.bg/uploads/335309_OptimalSizeOfGovernment.pdf
- 16- Kahn, James A. (2011). Can We Determine the Optimal Size of Government? Cato Institute. Center for Global Liberty and Prosperity. Development Policy Briefing Paper. No. 7. 14th September. <http://www.cato.org/pubs/dbp/dbp7.pdf>
- 17- Rahmayanti, Yogi and Theara Horn. (2010). Expenditure Efficiency and the Optimal Size of Government in Developing Countries. Graduate School of Economics and Osaka School of International Public Policy (OSIPP). Osaka University. Toyonaka. Discussion Paper No. 10-20. July. <http://www2.econ.osaka-u.ac.jp/library-/global/dp/1020.pdf>
- 18- Folster, Stefan and Henrekson, Magnus. (2001). Growth effects of government expenditure and taxation in rich countries. European Economic Review. Elsevier. Vol. 45. Issue 8. pp. 1501-1520. August.
- 19- Josheski, Dushko; Lazarov, Darko and Koteski, Cane. (2011). Analysis of the Optimal Size of the Government Consumption. MPRA Paper No. 32983. http://mpra.ub.uni-muenchen.de/32983/1/MPRA_paper_32983.pdf. 25th August. Also: 7th July. <http://ssrn.com/abstract=1880905> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1880905>
- 20- خلعت بری، فیروزه. (۱۳۶۴). اندازه‌ی بهینه‌ی دولت در اقتصاد. اقتصاد و - مدیریت.
- 21- Aly, Hassan and Mark Strazicich. (). Is Government Size Optimal in the Gulf Countries of the Middle East? An Answer. <http://www.luc.edu/orgs/-mee/volume1/aly.pdf>
- 22- Lizardo, Radhames and André V. Mollick. (2009). Can Latin America Prosper by Reducing the Size of Government? Cato Journal. Vol. 29. No. 2. Spring/Summer. <http://www.cato.org/pubs/journal/cj29n2/cj29n2-3.pdf>

۳۳- خلعت بری، فیروزه. (۱۳۷۶). طرح مالکیت فراگیر. مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی و صنایع ایران.

خ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.

خ-۲- توجیه بند

نهادهای عمومی غیردولتی در واقع هویت هایی جداشده از دولت یا سازمان یافته با دیدگاه دولتی هستند، که به دلیل ارتباطات ویژه ای که با مسئولان دولتی دارند، همیشه قادرند با دریافت امتیاز، ناکارایی های خود را پوشش بدهند. در موارد متعدد این نهادها از امتیازات ویژه ی مالیاتی، دسترسی به منابع ارزی و ریالی و مداخله در مسیرهای قانونی برخوردارند. چنین فعالیت هایی سبب می شود که محیط اقتصادی کشور مخدوش شود و بخش خصوصی واقعی نتواند به درستی فعالیت کند.

از دیدگاه نظری، نقش نهادهای عمومی غیردولتی در توسعه ی اقتصادی باید شناسایی شود، تا مشخص گردد که حضور آن ها چه جایگاهی در توسعه ی ملی بازی می کند. در این ارزیابی ها لازم است موارد دریافت امتیاز توسط بخش دولتی مشخص شود تا تأثیر آنها از محاسبات حذف گردد. با عنایت به این واقعیت که نقش بخش عمومی در کشورهای مختلف متفاوت است، برای شناخت اثر حضور هر گروه از شرکتهای عمومی، لازم است در همان چارچوبی که حضور دولت ارزیابی می شود، حضور بخش عمومی هم ارزیابی شود(۱).

در مواردی که حضور بخش عمومی غیردولتی برای کسب افزونه و پنهان کردن فعالیت های بخش دولت باشد، لزوم شفاف سازی و حذف فعالیت های پنهان بسیار ملموس می شود. در هر صورت، فعالیت های مداخله گر بنگاه های عمومی غیردولتی در اقتصاد کشور، همیشه عامل بروز اختلال است.

در مورد ایران هیچ مطالعه ای در مورد نقش بنگاه های عمومی غیردولتی در توسعه ی اقتصادی کشور، وجود ندارد و بنابراین نمی توان به دقت آثار حضور این بنگاهها را ارزیابی کرد ولی با مراجعه به امتیازاتی که بیشتر این بنگاهها از آن برخوردارند، می توان گفت که بنگاه های مورد بحث عامل اختلال در توزیع بهینه ی منابع در کشور محسوب می شوند.

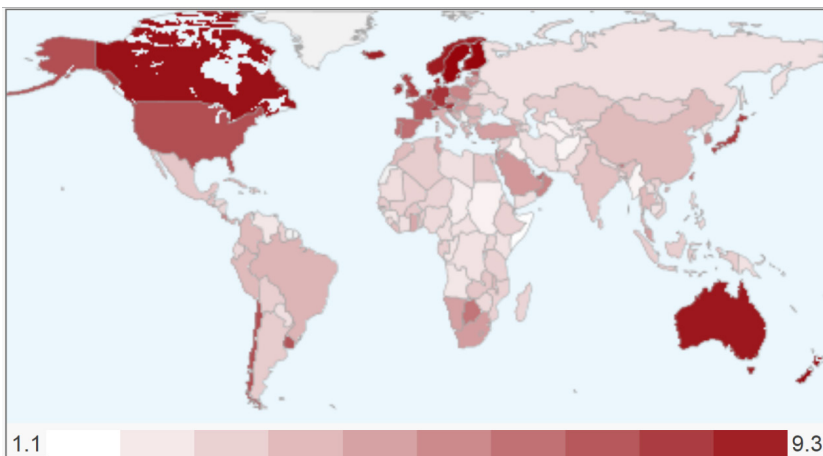
24- Curristine, Teresa; Zsuzsanna Lonti and Isabelle Joumard. (2007). Improving Public Sector Efficiency: Challenges and Opportunities. OECD Journal on Budgeting. Volume 7. No. 1. ISSN 1608-7143. <http://www.oecd.org/data-oecd/41/20/43412680.pdf>.

د-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

شفاف سازی و روزآمد سازی اطلاعات و دسترسی آسان فعالان اقتصادی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصتهای سرمایه گذاری، و سرمایه گذاران در رشته های مختلف.

د-۲- توجیه بند

بر اساس شاخص برداشت ذهنی نسبت به فساد (Corruption Perceptions Index) ایران در سطح جهان در سال ۲۰۱۰ میلادی در ردیف ۱۴۶ قرار گرفته است. این شاخص نشان می دهد که انتظار بروز فساد در کشور به نسبت بالا است. شفاف سازی یکی از شناخته شده ترین و یقینی ترین روش ها برای کاهش فساد محسوب می شود و هر قدر شدت شفاف سازی بیشتر باشد، و اطلاع رسانی گسترده تر انجام بگیرد، برداشت ذهنی مردم نسبت به وجود فساد در اقتصاد بهتر می شود. در نمودار زیر وضعیت رتبه ی ایران در کنار سایر کشورهای جهان در سال ۲۰۱۰ از منظر برداشت ذهنی نسبت به فساد نشان داده شده است. همان طور که در نمودار دیده می شود، ایران در مقایسه با جهان از مرتبه ی پایینی برخوردار است که انتظار بروز فساد در این کشور بیش از بسیاری دیگر از نقاط جهان است. در مقایسه با کشورهای همسایه ی ایران هم رتبه ی کشور به نسبت پایین است.



شاخص شفافیت اقتصادی در واقع روی دیگر شاخص برداشت ذهنی نسبت به فساد است. در محورهای مختلف هم شاخصهای ویژه ی شفاف سازی تدوین شده است. به عنوان مثال در مورد ثروتهای حاکمیتی (که ایران در حال حاضر دو مورد، صندوق توسعه ی ملی و حساب ذخیره ی ارزی را در این زمینه دارد)، شاخص شفافیت لینابرگ-مادوئل (Linaburg-Maduell Transparency Index)، جایگاه

ایران را در فصل نخست سال ۲۰۱۱ میلادی در رده ی چهار کشور پایین جدول (به ترتیب از پایین به بالا: لیبی، الجزایر، بروئی و ایران) قرار داده است. فقدان شفافیت در کلیه ی فعالیتهای اقتصادی کشور مشهود است.

از دیدگاه نظری ارتباط مشهودی بین شفاف سازی و پاسخگویی، و توسعه ی اقتصادی وجود دارد(۱). مطالعه در مورد کشورهایی که درآمد اصلی آنها از منابع طبیعی حاصل می شود، نشان داده است که شفاف سازی بودجه ی دولت اثری بسیار مثبت بر توسعه ی ملی باقی می گذارد(۲). تحقیقات دیگری هم وجود دارد که نشان می دهد همراه با افزایش درجه ی شفاف سازی، احساس احترام و افتخار نسبت به وضعیت افزایش می یابد(۳). بنابراین اگر یکی از هدفهای سیاستهای کلی این باشد که ایرانیان نسبت به محصولات ساخت کشور ایران حس حمایت و احترام داشته باشند، لازم است درجه ی شفاف سازی در عملیات اقتصادی افزایش داده شود.

یکی دیگر از زمینه های شفاف سازی، اطلاع رسانی به هنگام درزمینه وضعیت های اقتصادی و چشم انداز آنها است. وقتی سرمایه گذاران به روشنی بدانند که تعداد رقبای احتمالی آنها چند نفر است و بازار در آینده در چه وضعیتی قرار می گیرد، احتمال شکست در سرمایه گذاری بسیار کاهش می یابد. این وضعیت سبب ایجاد نوعی اعتبار برای مسئولان می شود که در نهایت به بالا رفتن رضایتمندی نسبت به عملکرد دستگاههای عمومی می انجامد.

- 1- McGee, Rosmarie and John Gaventa. (2011). Shifting Power? Assessing the Impact of Transparency and Accountability Initiatives. IDS Working Paper. Volume 2011. No 383. <http://www.ids.ac.uk/files/dmfile/Wp383.pdf>
- 2- Renzio, Paolo de, Pamela Gomez and James Sheppard. (2009). Budget transparency and development in resource-dependent countries. UNESCO. http://www.viet-studies.info/kinhte/Budget_transparen-cy_resource_dependence.pdf
- 3- McTigue, QSO; Hon. Maurice P. (Vice President and Distinguished Visiting Scholar). (2008). The Effects of Transparency on Ethics, Honor and Results in Government. Mercatus Center. George Mason University. 8th February. The World Trade Center of New Orleans. http://mer-catus.org/sites/default/files/publication/SpeechPDF_20080213_McTigue_WTC_Speech_Feb08.pdf.

Country	Rank 2010	Score	Country	2010 Rank	Score
Denmark	1	9.3	Bosnia	91	3.2
New Zealand	1	9.3	Djibouti	91	3.2
Singapore	1	9.3	Gambia	91	3.2
Finland	4	9.2	Guatemala	91	3.2
Sweden	4	9.2	Kiribati	91	3.2
Canada	6	8.9	Sri Lanka	91	3.2
Netherlands	7	8.8	Swaziland	91	3.2
Australia	8	8.7	Burkina Faso	98	3.1
Switzerland	8	8.7	Egypt	98	3.1
Norway	10	8.6	Mexico	98	3.1
Iceland	11	8.5	Dominican	101	3
Luxembourg	11	8.5	Sao Tome	101	3
Hong Kong	13	8.4	Tonga	101	3
Ireland	14	8	Zambia	101	3
Austria	15	7.9	Algeria	105	2.9
Germany	15	7.9	Argentina	105	2.9
Barbados	17	7.8	Kazakhstan	105	2.9
Japan	17	7.8	Moldova	105	2.9
Qatar	19	7.7	Senegal	105	2.9
UK	20	7.6	Benin	110	2.8
Chile	21	7.2	Bolivia	110	2.8
Belgium	22	7.1	Gabon	110	2.8
United States	22	7.1	Indonesia	110	2.8
Uruguay	24	6.9	Kosovo	110	2.8

France	25	6.8	Solomon Islands	110	2.8
Estonia	26	6.5	Ethiopia	116	2.7
Slovenia	27	6.4	Guyana	116	2.7
Cyprus	28	6.3	Mali	116	2.7
Emirates	28	6.3	Mongolia	116	2.7
Israel	30	6.1	Mozambique	116	2.7
Spain	30	6.1	Tanzania	116	2.7
Portugal	32	6	Vietnam	116	2.7
Botswana	33	5.8	Armenia	123	2.6
Puerto Rico	33	5.8	Eritrea	123	2.6
Taiwan	33	5.8	Madagascar	123	2.6
Bhutan	36	5.7	Niger	123	2.6
Malta	37	5.6	Belarus	127	2.5
Brunei	38	5.5	Ecuador	127	2.5
Korea	39	5.4	Lebanon	127	2.5
Mauritius	39	5.4	Nicaragua	127	2.5
Costa Rica	41	5.3	Syria	127	2.5
Oman	41	5.3	East Timor	127	2.5
Poland	41	5.3	Uganda	127	2.5
Dominica	44	5.2	Azerbaijan	134	2.4
Cape Verde	45	5.1	Bangladesh	134	2.4
Lithuania	46	5	Honduras	134	2.4
Macau	46	5	Nigeria	134	2.4
Bahrain	48	4.9	Philippines	134	2.4
Seychelles	49	4.8	Sierra Leone	134	2.4
Hungary	50	4.7	Togo	134	2.4

Jordan	50	4.7	Ukraine	134	2.4
Saudi Arabia	50	4.7	Zimbabwe	134	2.4
Czech	53	4.6	Maldives	143	2.3
Kuwait	54	4.5	Mauritania	143	2.3
South Africa	54	4.5	Pakistan	143	2.3
Malaysia	56	4.4	Cameroon	146	2.2
Namibia	56	4.4	Haiti	146	2.2
Turkey	56	4.4	Iran	146	2.2
Latvia	59	4.3	Ivory Coast	146	2.2
Slovakia	59	4.3	Libya	146	2.2
Tunisia	59	4.3	Nepal	146	2.2
Croatia	62	4.1	Paraguay	146	2.2
Ghana	62	4.1	Yemen	146	2.2
Samoa	62	4.1	Cambodia	154	2.1
Rwanda	66	4	Central African	154	2.1
Italy	67	3.9	Comoros	154	2.1
Georgia	68	3.8	Congo	154	2.1
Brazil	69	3.7	Guinea Bissau	154	2.1
Cuba	69	3.7	Kenya	154	2.1
Montenegro	69	3.7	Laos	154	2.1
Romania	69	3.7	New Guinea	154	2.1
Bulgaria	73	3.6	Russia	154	2.1
El Salvador	73	3.6	Tajikistan	154	2.1
Panama	73	3.6	Congo	164	2
Tobago	73	3.6	Guinea	164	2
Vanuatu	73	3.6	Kyrgyzstan	164	2

China	78	3.5	Venezuela	164	2
Colombia	78	3.5	Angola	168	1.9
Greece	78	3.5	Equatorial Guinea	168	1.9
Lesotho	78	3.5	Burundi	170	1.8
Peru	78	3.5	Chad	171	1.7
Serbia	78	3.5	Sudan	172	1.6
Thailand	78	3.5	Turkmenistan	172	1.6
Malawi	85	3.4	Uzbekistan	172	1.6
Morocco	85	3.4	Iraq	175	1.5
Albania	87	3.3	Afghanistan	176	1.4
India	87	3.3	Myanmar	176	1.4
Jamaica	87	3.3	Somalia	178	1.1
Liberia	87	3.3			

http://www.economywatch.com/economic-statistics/economic-indicators/Corruption_Perceptions_Index

ذ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

توانمندسازی نیروی کار با افزایش انگیزه، بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار و ایجاد تناسب بین آموزش و پژوهش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی با نیازهای بازار کار.

ذ-۲- توجیه بند

بحث در مورد توانمندسازی نیروی کار یک بحث جدی و روز در سطح جهان است. چنانچه توسعه‌ی پایدار مد نظر قرار بگیرد، نیروی کار باید کمترین مقدار خروج از بازار کار را داشته باشد. حمایت‌های فعال از نیروی کار (Active Labour Market Support) یکی از برجسته‌ترین اقدامات در چارچوب توانمندسازی نیروی کار است (۱). در دو دهه‌ی اخیر این سیاستها در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بسیار گسترش یافته است هرچند که کشورهای عضو سازمان به فراخور وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود، روشهای مختلف حمایت فعال را برگزیده‌اند. اقداماتی که در این بند از سیاست‌های کلی ذکر شده است، همه در شمار حمایت‌های فعال از بازار کار قرار دارد. تکیه بر نوآوری به عنوان محور

فعال سازی و توانمندسازی نیروی انسانی در واقع عاملی است که خلاقیت نیروی کار را افزایش می دهد و در نهایت به بالارفتن بازده نیروی انسانی در جریان فعالیت اقتصادی می انجامد.

یکی از ویژگی های حمایت‌های فعال این است که دو مبحث رفاه و اشتغال به صورت همراه و توأم با یکدیگر مطرح می شوند(۲). به این ترتیب در چارچوب حمایت فعال، احترام به کار و نیروی کار عاملی است که سبب می شود، کارکردن با افت رفاه یکسان تلقی نشود(۳).

از دیدگاه نظری، بخش مهمی از حمایت فعال در قالب آموزش، به ویژه آموزش‌های کاربردی، تجسم می یابد. دستاورد این آموزش‌ها باید بالابردن بهره‌وری و خلاقیت نیروی کار باشد(۴). تحقیقات مختلف در سال‌های اخیر نشان داده است که به صورت ویژه دو حمایت فعال از نوع ۱) آموزش با هدف بالابردن مهارت و ۲) استفاده از رویکرد فردیابی (Head Hunting) به جای شغل یابی در چارچوب بنگاه‌های کاریابی (Employment Agency) توانسته است در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه، در کاهش بی کاری، در سال‌های بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۷ میلادی، اثر مثبت داشته باشد(۵).

حمایت‌های فعال از بازار کار سبب بالارفتن انعطاف پذیری در جامعه هم می شود(۶) و (۷). این انعطاف پذیری می تواند عاملی در جهت تداوم تولید در جامعه باشد.

۱- بانک جهانی در اوایل هزاره ی حاضر پروژه ای در مورد انواع حمایت‌های فعال در بازار کار ایران تعریف کرد که بخش بزرگی از آن انجام شد، اما دولت جدیدی که به روی کار آمد، به عنوان یکی از نخستین اقدامات خود، به سازمان مدیریت و برنامه ریزی دستور داد که این پروژه متوقف شود. بقایای این تحقیق در مؤسسه ی دین و اقتصاد وجود دارد که نشان می دهد در ایران انواع حمایت‌های فعال کدام بوده است و در کدام موارد دستاورد این حمایت‌ها مثبت بوده است. مجری این پروژه فیروزه خلعت بری بوده است.

۲- این برداشت در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد.

3- Bonoli, Giuliano. (2010). The political economy of active labour market policy. Reconciling Work and Welfare in Europe. A Network of Excellence of the European Commission's Sixth Framework Programme. REC-WP 01/2010.

4- Meager, Nigel. (2008). The Role of Training and Skills Development in Active Labour Market Policies. April. IES Working Paper: WP15. <http://www.employment-studies.co.uk/pdflibrary/wp15.pdf>

5- Nie, Jun and Ethan Struby. (2011). Would Active Labor Market Policies Help Combat High U.S. Unemployment? Federal Reserve Bank of Kansas City. <http://www.kansascityfed.org/publicat/econrev/pdf/11q3Nie-Struby.pdf>

6- Plougmann, Peter and Per Kongshøj Madsen. (2002). Flexibility, Employment Development and Active Labour Market Policy in Denmark and Sweden in the 1990s. CEPA Working Paper No. 2002-04. January. Center for Economic Policy Analysis. New School University. <http://politiquessociales.net/IMG/pdf/cepa200204.pdf>

7- Horn, Michael. (2010). The role of active labour market programs within a flexibility framework: A discussion paper for the Brotherhood of St Laurence Roundtable on Flexicurity. 24th June. Research and Policy Centre.

ر-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

بسترسازی برای تحرک نیروی کار ایرانی در سطح ملی و منطقه ای.

ر-۲- توجیه بند

یکی از روش های آموزش فراگیر، حضور در بازاری است که می تواند به نیروی کار امکان آموختن را بدهد. فعال شدن نیروی کار در سطح منطقه ای می تواند نوعی همترازی بین توانایی نیروی کار ایرانی و نیروی کار خارجی فراهم آورد. این کار می تواند به دلیل تجربه ای که به نیروی کار ایرانی می دهد، بر توانمندی نیروی کار بیافزاید. از دیدگاه نظری، حرکت نیروی کار می تواند عامل افزایش بازدهی باشد.

از دیدگاه نظری، ارتباط مثبت بین امکان حرکت نیروی کار و رشد اقتصادی توسط بومول مطرح شد و این نوشته به عنوان یکی از مراجع شناخت اهمیت توانمندی نیروی کار در حرکت از یک فعالیت به فعالیت دیگر قرار گرفت (۱). مبحث فراگیری از راه انجام کار (Learning by Doing) مبنای نظری مطلوبیت حمایت از نیروی کار ایرانی برای حرکت در سطح منطقه است. کنت ارو در سال

۱۹۶۲ میلادی نظریه‌ی فراگیری از راه انجام کار را بیان کرد (۲). این نظریه در ابعاد مختلف گسترش یافته است (۳)، (۴) و (۵) و مباحثی مانند فراگیری دانش فنی و فراگیری صادرات و فراگیری حضور در فعالیتهای مقیاس بزرگ را دربر گرفته است.

موضوع دیگری که می‌تواند مطلوبیت حمایت از بالابردن امکان حرکت نیروی کار ایرانی را نشان دهد، این نکته است که با این رویکرد، نرخ بیکاری در داخل کشور کاهش می‌یابد. در این حالت احساب بی‌نواهی (Misery) محدود می‌شود و رضایت عمومی در چارچوب گسترش سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد.

1- Baumol, W. J. (1967). Macroeconomics of unbalanced growth: The anatomy of urban crisis. The American Economic Review. Vol. 57. Issue 3. pp. 415-426. <http://piketty.pse.ens.fr/files/Baumol1967.pdf>

2- Arrow, Kenneth J. (1962). The Economic Implications of Learning by Doing. The Review of Economic Studies. Vol. 29. Issue 3. pp. 155-173. <http://ssrn.com/abstract=1506343>.

3- Parente, Stephen L. (1994). Technology Adoption, Learning-by-Doing, and Economic Growth. Journal of Economic Theory. Vol. 63. Issue 2. August. pp. 346-369. Available online 26th April 2002.

4- Chang, Yongsung; Joao F. Gomes; and Frank Schorheide. (2002). Learning-by-Doing as a Propagation Mechanism. March.

5- <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&frm=1&source=web&cd=2&ved=0CE8QFjAB&url=http%3A%2F%2Ffciteseerx.ist.psu.edu%2Fviewdoc%2Fdownload%3Fdoi%3D10.1.1.142.7793%26rep%3Drep1%26type%3Dpdf&ei=uCXBT7vpFNLegge45ejPCQ&usg=AFQjCNERN2OcmD2GNvFcmIfgmLpGKXkyvQ&sig2=VS6vnZ56-vEuQrHZOVRz-A>

6- Fernandes, Ana M. and Alberto E. Isgut. (). Learning-by-Doing, Learning-by-Exporting, and Productivity: Evidence from Colombia. The World Bank. <http://elibrary.worldbank.org/docserver/download/3544.pdf?expires=1338060025&id=id&accname=guest&checksum=596D4C54E289035EC4E5B04C27D67C0B>

ز-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای حامی کار و سرمایه‌ی ایرانی از طریق فعال‌سازی مردم نهادها و با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران در تصمیمات اقتصادی.

ز-۲- توجیه

توسعه‌ی پایدار در چارچوب تعامل چهار نوع سرمایه انجام می‌شود. این سرمایه‌ها عبارتند از: (۱) سرمایه‌ی انسانی، (۲) سرمایه‌ی مادی، (۳) سرمایه‌ی طبیعی و (۴) سرمایه‌ی اجتماعی. هر یک از این چهار سرمایه قادرند در مسیر توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی کشور، نقشی اثرگذار داشته باشند (۱). سرمایه‌ی اجتماعی در واقع یکی از سرمایه‌هایی است که به تدریج از اهمیت بیشتری در توسعه‌ی پایدار برخوردار شده است. حضور فعال جامعه در تصمیم‌گیریها و الگوسازیهای کشور در چارچوب مردم نهادها انجام می‌شود و در میان مدت بر اعتماد عمومی می‌افزاید.

از دیدگاه نظری، هیچ تعریف فراگیر و شناخته شده‌ای برای شناخت ابعاد سرمایه‌ی وجود ندارد و محققان و نهادهای مختلف تعریفهای گوناگونی از این سرمایه را ارائه کرده‌اند. با وجود این، با قاطعیت می‌توان گفت که سرمایه‌ی اجتماعی از پنداره‌ی روابط اجتماعی و اهمیت آن در زندگی جمعی ناشی می‌شود (۲). اقتصاددانان بر این باورند که توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند با برقراری اعتماد و رونق اقتصادی همراه شود (۳) و (۴). مطالعات متنوعی که در مورد منطق نیاز به سرمایه‌ی اجتماعی صورت گرفته است، حضور این سرمایه را با عقلانیت سازگار شمرده است (۵). برخی بر این باورند که سرمایه‌ی فرهنگی را می‌توان به عنوان یک ستون توسعه‌ی پایدار محسوب کرد (۶) که در هر صورت این سرمایه یکی از اصلی‌ترین اجزای سرمایه‌ی اجتماعی است.

یکی از ویژگی‌های حضور سرمایه‌ی اجتماعی، ایجاد زمینه برای فرهنگ‌سازی است. اعتمادی که از گسترش سرمایه‌ی اجتماعی حاصل می‌شود، زمینه را برای باور گفته‌های جمعی فراهم می‌سازد. در این چارچوب می‌توان از مسائلی مانند احترام به تولید ملی نام برد. وقتی سرمایه‌ی اجتماعی توسعه یابد، تولیدکننده‌ی محصولات ایرانی هم وظیفه‌ی اجتماعی خود می‌داند که محصولی در خورد شأن مردم جامعه تولید کند و از تقلب و کج‌نمایی بپرهیزد.

ایجاد فرهنگ مصرف محصولات ملی، در واقع ایجاد نوعی غرور ملی است که به برنامه‌ریزی ویژه نیاز دارد. در این چارچوب الگوی ژاپن می‌تواند مفید باشد (۷)

هرچند که الگوپردازی از کشورهای مختلف می‌تواند باید با دقت انجام شود. قدر مسلم، نباید تصور کرد که فقط با یک تبلیغ یا چند شعار و اعلامیه می‌توان وضعیت فرهنگی را تغییر داد.

در بین کشورهای مختلف جهان هم مواردی وجود دارد که برنامه‌های تشویق جامعه به مصرف محصولات ساخت داخل تدوین شده است (۸). برنامه‌های مختلفی وجود دارد که جامعه را به احترام به محصولات ساخت داخل و هویت برمی‌انگیزد (۹). همه‌ی این برنامه‌ها بر پایه‌ی گسترش سرمایه‌ی اجتماعی به شکلهای مختلف، طراحی می‌شود.

1- طباطبایی، رویا و همکاران. (۱۳۹۰). ساخت شاخص ترکیبی توسعه از منظر سند چشم‌انداز و ارزیابی چهار سال اول اجرای سند چشم‌انداز. پیمانکار: مرکز تحقیقات استراتژیک. کارفرما: کمیسیون نظارت دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. پاییز.

2- Dasgupta, Partha and Ismail Serageldin. (1999). Social Capital: A Multifaceted Perspective. World Bank. Publication No. 17972. ISBN 0-8213-4562-September. http://www.exclusion.net/images/pdf/778_pucaf_cover_index.pdf

3- Dasgupta, Partha. (2002). Social Capital and Economic Performance Analytics. January. http://www.eui.eu/Personal/Guiso/Courses/Lecture%206/Dasgupta_social_capital.pdf

4- Fu, Qianhong. (2004). Trust, Social Capital, and Organizational Effectiveness. Major paper submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Public and International Affairs.

<http://www.ipg.vt.edu/papers/qhfumajorpaper.pdf>.

5- Dasgupta, Partha and Ismail Serageldin. (1999). Social Capital: A Multifaceted Perspective. World Bank. Publication No. 17972. ISBN 0-8213-4562-September. http://www.exclusion.net/images/pdf/778_pucaf_cover_index.pdf

6- Dasgupta, Partha. (2002). Social Capital and Economic Performance Analytics. January. http://www.eui.eu/Personal/Guiso/Courses/Lecture%206/Dasgupta_social_capital.pdf

7- Fu, Qianhong. (2004). Trust, Social Capital, and Organizational Effectiveness. Major paper submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Public and International Affairs. <http://www.ipg.vt.edu/papers/qhfumajorpaper.pdf>

8- Ciaccio, Simona Di. (2005). Social Capital: Social Relations and Economic Rationality. Crossroads. Vol. 5. No. 1. pp. 43-77. ISSN 1825-7208. http://www.webasa.org/Pubblicazioni/Di_Ciaccio_2005_1.pdf

9- Nurse, Keith. (2006). Culture as the Fourth Pillar of Sustainable Development. Commonwealth Secretariat. Malborough House. June. <http://www.fao.org/-SARD/common/ecg/2785/en/Cultureas4thPillarSD.pdf>

10- Takeuchi, Mito. The Reinforcement of Cultural Nationalism in Japan: An investigation of Japaneseness and “the Notebook for the Heart”. http://www.tru.ca/-jsac2006/pdf/jsac2006_proceedings_mito_takeuchi_manuscript.Pdf

11-Ciorasteanu, Gianina and Gica Culita. (). A Program that Support the Romanian Products an Important Factor to Stimulate Consumption of National Products. <http://fse.tibiscus.ro/anale/Lucrari/095.pdf>

12- Kasperczyk, Dipl.-Biol. Nadja; Dr.-Ing. Ulrich Gehrein; Dipl.-Geogr. Marco Neef. (2009). Comparative study of Models and approaches of “Eco-provinces and Eco-cities” Frankfurt/Main. October. Institut für Ländliche Strukturforshung. an der Johann Wolfgang Goethe-Universität. Frankfurt am Main.

http://www.bfn.de/fileadmin-/MDB/images/themen/internationalnatschutz/6_Comparative_Study__Europe.pdf

ژ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

جلوگیری از اتلاف منابع کار و سرمایه ی ایرانی از طریق اقداماتی مانند ارائه ی خدمات فنی و مشاوره ای فرابنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصادی.

ژ-۲- توجیه بند

در ایران و بیشتر کشورهای در حال توسعه، نیروی کار متخصص به نسبت محدود است و زمانی که این نیرو در استخدام یک بنگاه یا نهاد خاص قرار می‌گیرد، آن بنگاه توانایی استفاده‌ی کامل از توانمندی آن نیروی کار را ندارد. برای جلوگیری از اتلاف توانایی نیروهای متخصص و در عین حال بالابردن بازدهی آنها در جامعه، می‌توان با توافق بنگاههای استخدام‌کننده، مردم نهادهای تخصصی متشکل از این نیروها به وجود آید که آنها بتوانند خدمات خود را فرابنگاهی ارائه بدهند و در مقام مردم نهادهای تخصصی به کل کشور خدمت برسانند. این کار سبب می‌شود که بازدهی نیروی کار افزایش یابد.

وضعیت مشابهی در مورد ماشین‌آلات تخصصی و امکانات تخصصی موجود در کشور وجود دارد. به عنوان مثال ظرفیت سالن رنگ در تعدادی از خودروسازیهای کشور بیش از ظرفیت تولید آنها است و این بنگاهها قادرند ظرفیت اضافی خود را در اختیار سایر خودروسازان بگذارند تا آنها نیازی به سرمایه‌گذاری اضافی نداشته باشند. این رفتار تا حدودی در بخش خودروی کشور مشاهده می‌شود ولی روش مورد بحث به سایر صنایع گسترش نیافته است.

از دیدگاه نظری، افزایش بازدهی با ادغام بازار روشی است که نیاز به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و از این راه می‌تواند بازدهی سرمایه‌های موجود در اقتصاد را افزایش بدهد. استفاده از شیوه‌هایی مانند تشکیل تعاونی ماشین‌آلات (Machinery Cooperative) می‌تواند بازدهی ماشین‌آلات را به بالاترین حد برساند و در عین حال دوره‌ی زمانی مورد نیاز برای نوسازی تجهیزات را کاهش بدهد (۱). مطالعات کاربردی مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد تشکیل شبکه‌های تعاونی برای ماشین‌آلاتی که بتوانند چندمنظوره مورد استفاده قرار بگیرند، از منظر اقتصادی سودآور است (۲). روشهایی مانند تقسیم زمان بهره‌برداری از ماشین‌آلات هم می‌تواند در این راستا مطرح بشود (۳).

الگوی مشابهی را می‌توان در مورد نیروی کار متخصص مورد استفاده قرار داد و پرداخت دستمزد به این نیرو بر اساس زمان استفاده یا زمان قرارداد انجام می‌شود. در این صورت دامنه‌ی استفاده از متخصصان در بخشهای مختلف گسترش می‌یابد. با این کار از یک سو اقتصاد از خدمات تخصصی بهره‌مند می‌شود و از سوی دیگر دستمزد پرداختی به نیروی متخصص در حدی افزایش می‌یابد که رضایت این نیرو را تأمین می‌کند و انگیزه‌ی مهاجرت متخصصان را کاهش می‌دهد.

13- Using the Machinery Cooperative Template to Investigate the Feasibility of a Machinery Cooperative. <http://agecon.okstate.edu/coops/files/Guide%20to%20Using%20the%20Machinery%20Cooperative%20Feasibility%20Template.pdf>

14- Long, Garret and Phil Kenkel. (2007). Feasibility of Machinery Cooperatives in the Southern Plains Region. Department of Agricultural Economics. Oklahoma State University. Annual Meeting of Southern Agricultural Economics Association. Mobile. Alabama. 4th to 7th February. <http://ageconsearch.umn.edu/bit-stream/34832/1/sp07lo02.pdf>

15- Jeong, In-Jae and V. Jorge Leon. (2004). A Single-Machine Distributed-Scheduling Methodology Using Cooperative-Interaction Via Coupling-Agents. 21st March. http://etidweb.tamu.edu/leon/papers/CICA_IP_Single.pdf

س-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن، و اعمال سیاستهای تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاری منطقه ای در بازار سرمایه.

س-۲- توجیه بند

بازار سرمایه در تمام جهان یکی از بزرگترین و مفیدترین ساختارهای تأمین منابع برای فعالیتهای اقتصادی است. هر قدر تنوع ابزار و امکانات این بازار گسترده تر باشد، کارایی آن در تجهیز منابع برای نیازهای بخش تولید بیشتر می شود. مطالعه ای گسترده ای در مورد وضعیت بازار سرمایه ی ایران، شامل ابعاد نظری و الزامات، هم در چارچوب فعالیت در بازار سرمایه ی اسلامی و هم در قالب فعالیت به شکل بازار سرمایه ی متعارف، صورت گرفته است که موارد مختلف را به دقت بررسی کرده است (۱).

۱- خلعت بری، فیروزه. (۱۳۹۱). نقدی بر دستاوردهای همایش بازار سرمایه در ایران سال ۱۴۰۴ و ادامه ی راه. دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.

ش-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تشویق ورود سرمایه های ایرانی به حوزه ی سرمایه گذاریهای خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه، از طریق تأسیس صندوقهای شراکت در سرمایه گذاری و حمایتهای قانونی برای محققان و سرمایه گذاران این حوزه.

ش ۲- توجیه بند

اگر قرار باشد نوآوری مبنای توسعه‌ی ملی شود، لازم است سرمایه‌ها به حوزه‌هایی که خطرپذیری بیشتری دارند نیز راه یابند. مطالعات کاربردی نشان می‌دهد که هر قدر سرمایه‌های خطرپذیر بیشتری برای نوآوری حضور بیابند، سرعت نوآوری با شدت بیشتر افزایش می‌یابد (۱) و (۲).

در مورد سرمایه‌های خطرپذیر، قاعده‌های کلی سرمایه‌گذاریهای متعارف چندان کاربرد ندارد و در بیشتر موارد، سرمایه‌گذاران عادی رغبتی به حضور در بازارهای خطرپذیر ندارند. با وجود این اگر ساماندهی بازار سرمایه‌های خطرپذیر به شکلی شفاف باشد و پوشش‌های قانونی برای محققان و سرمایه‌گذاران فراهم شود، این بخش هم می‌تواند فعالیت داشته باشد (۳). با ساماندهی بازار سرمایه‌های خطرپذیر، شدت نوآوری می‌تواند افزایش یابد که این امر خود به تشدید توسعه‌ی ملی و بالا رفتن تولید ملی کمک می‌نماید.

سرمایه‌گذاران فعال در بازارهای خطرپذیر قادرند راهبرد نوآوری را متحول نمایند و بر مسیر تحولات نوآوری تأثیر بگذارند (۴). از این منظر، سرمایه‌گذارانی که در این بازار حضور دارند، باید از گروهی باشند که از کم و کیف فعالیت‌های تحقیقاتی در بخش سرمایه‌گذاری خود مطلع باشند. شاید این ویژگی عاملی باشد که سبب محدود شدن ورود سرمایه به بازارهای خطرپذیر شده باشد. با وجود این، در سال‌های اخیر نهادهای سرمایه‌گذار در بازارهای خطرپذیر توانسته‌اند با گسترش طیف سرمایه‌گذاری خود، منابع قابل ملاحظه‌ای از بازارهای مالی را به دست آورند.

16- Kortum, Samuel and Josh Lerner. (2000). Assessing the contribution of venture capital to innovation. RAND Journal of Economics. Vol. 31. No. 4. Winter. pp. 674-692. http://www2.sa.unibo.it/summer/testi/6_calderini-kortum.pdf

17- Bertoni, Fabio; Massimo G. Colombo; Diego D'Adda; Samuele Murtinu and Politecnico di Milano. (2010). Venture capital financing and innovation in European New Technology-Based Firms: alongitudinal analysis on the role of the type of investor. 2nd Conference on corporate R&D (CONCORD). http://iri.jrc.ec.europa.eu/concord-2010/papers/bertoni_colombo.pdf

18- Metrick, Andrew. (2007). Venture Capital and Finance of Innovations. ISBN-13: 978-0-470-07428-2 (cloth). ISBN-

10: 0-470-07428-0 (cloth). <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/APCITY/UNPAN027464.pdf>

19- Da Rin, Marco and María Fabiana Penas. (2007). The Effect of Venture Capital on innovation Strategies. National Bureau of Economic Research. Working Paper No. 13636. November. <http://www.nber.org/papers/w13636>
Also: <http://www.nber.org/papers/w13636.pdf>

ص-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

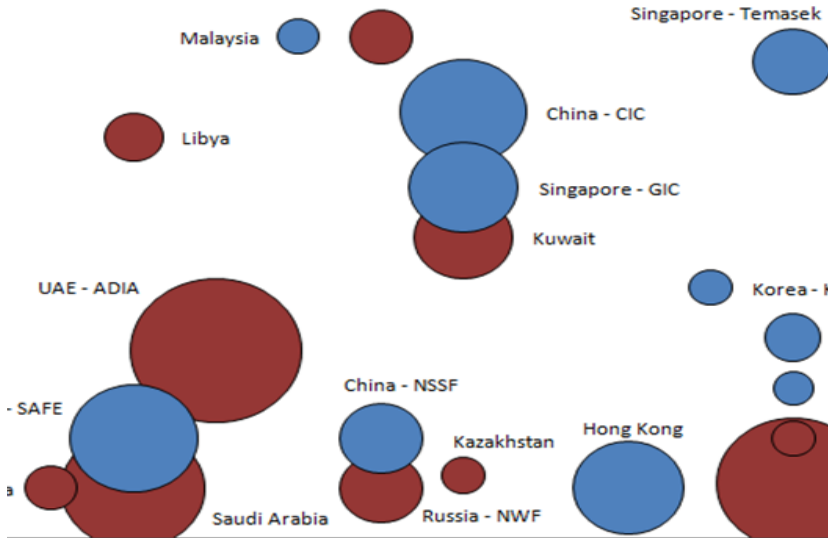
کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در تولید.

ص-۲- توجیه بند

مدیریت صندوق های ثروت حاکمیتی که در واقع سهم نسلهای آینده را از ثروتهای موجود کشور، به شکل شفاف و بهینه محفوظ می نماید، موضوعی است که در کشورهای مالک منابع طبیعی پایان پذیر از اهمیت خاصی برخوردار است (۱). بخش بزرگی از صندوقهای ثروت حاکمیتی، در چارچوب بهره برداری صیانتی از منابع طبیعی ایجاد شده اند ولی تعداد زیادی از این صندوقها هم فقط با هدف ایجاد پایگاه های ثروت برای نسلهای آینده به وجود آمده اند، و منابع آنها با ثروت های طبیعی ارتباطی ندارد. این امر نشان می دهد که با بالا رفتن آگاهی و شناخت نسبت به توسعه ی پایدار، حاکمیت ها کوشیده اند تا نگرشی پایدار و درازمدت، و فراتر از آن چه دولتها در دوره ی تصدی خود می توانند مطرح کنند، به وضعیت نسلهای آینده داشته باشند.

در نمودار زیر تصویر تعدادی از صندوقهای ثروت حاکمیتی در ژانویه ی سال ۲۰۱۱ میلادی، به تفکیک منبع درآمدی صندوق (کالا و غیرکالا)، راهبرد سرمایه گذاری (راهبردی تا انفعالی) و ماهیت عملیات صندوق (شفاف تا غیرشفاف) نشان داده شده است. اگرچه حجم ثروتهای حاکمیتی حاصل از منابع طبیعی به مراتب بیش از سایر انواع ثروتهای حاکمیتی است، وجود ثروتهای حاکمیتی غیر وابسته به منابع فسیلی را نیز نمی توان دست کم گرفت. در مواردی هم کشورها صندوقهای حاکمیتی متکی به ثروتهای پایان پذیر و حاصل از داراییهای تولیدشدنی را در کنار هم ایجاد کرده اند. این امر نشان می دهد که به تدریج جایگاه صندوقهای ثروتهای حاکمیتی، خارج از چارچوب منابع طبیعی پایان پذیر، شکل پذیرفته است.

توزیع صندوقهای ثروت حاکمیتی به تفکیک منبع ثروت و راهبرد سرمایه‌گذاری



صندوقهای ثروت حاکمیتی قادرند در فعالیتهای مختلف سرمایه‌گذاری نمایند و هیچ محدودیتی جهت سرمایه‌گذاری در داخل کشور ندارند. اولویت این صندوقها دستیابی به بیشترین بازده برای نسلهای آینده است. از این لحاظ، اداره‌ی صندوقها به دست دولتها سپرده نمی‌شود. در جدول زیر وضعیت صندوقهای ثروت حاکمیتی و مشخصات کلی آنها آورده شده است. همانطور که در جدول دیده می‌شود، کشورها می‌توانند چندین صندوق داشته باشند که هر یک به فعالیتی خاص خود بپردازد.

مشخصات صندوقهای ثروت حاکمیتی و زمینه ی تأمین منابع در آنها

country	Abbreviation	Fund	Asset \$Billion	Inception	Origin
Emirates	ADIA	Abu Dhabi Investment Authority	627	1976	Oil
Norway	GPF	Government Pension Fund - Global	611	1990	Oil
China	SAFE	SAFE Investment Company	567.9	1997	Non-commodity
Saudi Arabia	SAMA	SAMA Foreign Holdings	532.8	n/a	Oil
China	CIC	China Investment Corporation	409.6	2007	Non-commodity
Korea	NPS	National Pension Service of Korea	300	1988	Non-commodity
Kuwait	KIA	Kuwait Investment Authority	296	1953	Oil
Hong Kong	HKMA	Hong Kong Monetary Authority Investment Portfolio	293.3	1993	Non-commodity
Singapore	GIC	Government of Singapore Investment Corporation	250	1981	Non-commodity
Singapore	TH	Temasek Holdings	157.2	1974	Non-commodity
Russia	RNWF	National Welfare Fund	149.7	2008	Oil
China	NSSF	National Social Security Fund	146.5	2000	Non-commodity
Qatar	QIA	Qatar Investment Authority	100	2003	Oil
Australia	AFF	Future Fund	80	2004	Non-commodity
Emirates	ICD	Investment Corporation of Dubai	70	2006	Oil
Libya	LIA	Libyan Investment Authority	65	2006	Oil
Emirates	IPIC	International Petroleum Investment Company	58	1984	Oil
Algeria	RRF	Revenue Regulation Fund	56.7	2000	Oil

Emirates	MDC	Mubadala Development Company	48.2	2002	Oil
South Korea	KIC	Korea Investment Corporation	43	2005	Non-commodity
Kazakhstan	KNF	Kazakhstan National Fund	38.6	2000	Oil
Malaysia	KN	Khazanah Nasional		1993	Non-commodity
Azerbaijan	SOFAZ	State Oil Fund of the Republic of Azerbaijan	30.2	1999	Oil
Ireland	NPRF	National Pensions Reserve Fund	30	2001	Non-commodity
Brunei	BIA	Brunei Investment Agency	30	1983	Oil
France	SIF	Strategic Investment Fund	28	2008	Non-commodity
America	PSF	Permanent School Fund	24.4	1854	Public Lands
Iran	NDF	National Development Fund	23	1999	Oil
Chile	SESF	Social and Economic Stabilization Fund	21.8	1985	Copper
New Zealand	NZSF	New Zealand Superannuation Fund	15.9	2003	Non-commodity
Canada	AHSTF	Alberta's Heritage Savings Trust Fund ^[14]	15.4	1976	Oil
America	PUF	Permanent University Fund	12.8	1876	Public Lands
Brazil	SFB	Sovereign Fund of Brazil	11.3	2009	Non-commodity
Timor Leste	TLPF	Timor-Leste Petroleum Fund	9.9	2005	Oil & Gas
Bahrain	MHC	Mumtalakat Holding Company	9.1	2006	Oil
Oman	SGRF	State General Reserve Fund	8.2	1980	Oil & Gas
Saudi Arabia	PIF	Public Investment Fund	5.3	2008	Oil
China	CADF	China-Africa Development Fund	5	2007	Non-commodity

America	PWMTF	Permanent Wyoming Mineral Trust Fund	4.7	1974	Minerals
Tobago	HSF	Heritage and Stabilization Fund	2.9	2000	Oil
America	ATF	Alabama Trust Fund	2.5	1985	Oil & Gas
Italy	ISF	Italian Strategic Fund	1.4	2011	Non-commodity
Nigeria	NSIA	Nigerian Sovereign Investment Authority	1	2011	Oil
Venezuela	FEM	FEM	0.8	1998	Oil
Vietnam	SCIC	State Capital Investment Corporation	0.5	2006	Non-commodity
Kiribati	RERF	Revenue Equalization Reserve Fund	0.4	1956	Phosphates
Gabon	GSWF	Sovereign Fund of the Gabonese Republic	0.4	1998	Oil
Indonesia	GIU	Government Investment Unit	0.3	2006	Non-commodity
Mauritania	NFHR	National Fund for Hydrocarbon Reserves	0.3	2006	Oil & Gas

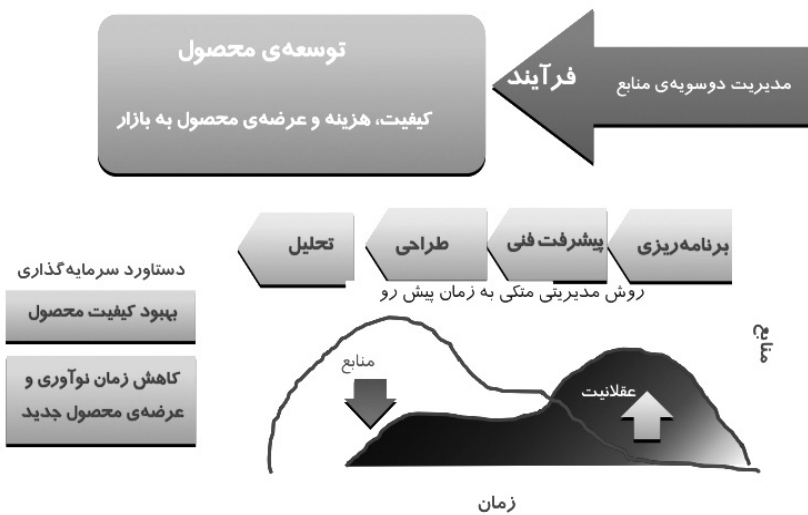
در ایران صندوق توسعه ملی یک نمونه از صندوق ثروت حاکمیتی است. این صندوق می تواند جهت توسعه ملی به کار گرفته شود و در وضعیت بازده مساوی، منابع خود را به بخش های تولیدی ملی تخصیص دهد. برنامه ریزی برای حمایت از فعالیتهای برتر تولیدی می تواند در چارچوب صندوق توسعه ملی انجام شود. در این چارچوب، منابع سرمایه گذاری باید برگشت داده شود و بنابراین صندوق می تواند در فعالیتهایی مشارکت کند که بازده کافی داشته باشند.

جهت بهبود سرمایه گذاری در صندوقهای ثروت حاکمیتی ضروریست این صندوقها چنان تجهیز شوند که منابع خود را صرف فعالیتهایی کنند که عامل نوآوری، افزایش بهره وری و بالا رفتن قدرت رقابت می شوند و در چارچوبهای ذکر شده می توانند رشد متکی به توانایی رقابت را تشویق نمایند. در این راستا لازم است سیاستگذاران و برنامه ریزان مسئول سرمایه گذاری در صندوقهای ثروت حاکمیتی به این نکته عنایت کنند که بین سرمایه گذاری مولد (productive) (investment) و هزینه کردن مصرفی (consumptive spending) تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. در جریان سرمایه گذاریهای مولد، هزینه کردن در جهتی انجام می شود که در نهایت به بالا رفتن ظرفیت تولیدی جامعه می انجامد

و امکان رشد اقتصادی را زیاد می‌کند. حاصل این وضعیت افزایش درآمدهای آتی در کشور است. در مورد هزینه کردن مصرفی، هزینه‌های دولت برای برآوردن نیازهای جاری صورت می‌گیرد و کالا و خدمات خریداری شده در بودجه، صرف برآورده شدن نیازهای مصرفی جامعه می‌شود.

با عنایت به این که صندوقه‌ای ثروت حاکمیتی معطوف به آیندگان هستند، سرمایه‌گذاریهایی آنها باید از نوع سرمایه‌گذاریهایی مولد باشد، و پرهیز از هزینه کردن مصرفی باید به طور جدی پیگیری گردد. نمودار مربوطه نشان می‌دهد که چنانچه صندوقه‌های ثروت حاکمیتی بخواهند در چارچوب بالا بردن بازدهی اقتصاد ملی فعال شوند، لازم است در تمام زمینه‌های مربوط به ایجاد نوآوری فعال شوند تا دستاورد سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، بهبود کیفیت محصول باشد.

رویکردی که در آن کل زنجیره‌ی فعالیت در سرمایه‌گذاری مد نظر قرار می‌گیرد تا دستاوردهای متکی به نوآوری در کوتاهترین زمان ممکن حاصل شود، مدیریت متکی به زمان پیش رو (Frontloading Management) نامیده می‌شود. این رویکرد را ژاپنی‌ها برای توسعه‌ی نوآوری مورد استفاده قرار دادند و از آن نتیجه‌ی مثبتی به دست آوردند. اگر صندوق توسعه‌ی ملی در سرمایه‌گذاریهایی مربوط به آینده‌ی کشور از این رویکرد تبعیت کند، ظرف مدت کوتاهی خواهد توانست دستاورد سرمایه‌گذاریهایی انجام شده را دریافت کند. قابل توجه است که مدیریت متکی به زمان پیش رو، مدیریتی بر پایه‌ی محصول است و این نگرش به انواع سرمایه‌گذاری می‌تواند عامل توسعه‌ی محصولات جدید در بنگاه‌های اقتصادی کشور باشد (۳) و (۴).



۱- خلعت بری، فیروزه. (۱۳۸۹). طرحی برای مدیریت و نظارت بر اجرای سیاست های کلی مربوط به نظام و درآمد های ارزی. دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.

2- Atkinson, Robert; Matt Hourihan; Val Giddings; Jesse Jenkins; Matthew Stepp; Devon Swezey. (2011). Taking on the Three Deficits: An Investment Guide to American Renewal. The Information Technology and innovation Foundation (ITIF) and The Breakthrough Institute. November. <http://www.itif.org/files/2011-taking-three-deficits.pdf>

3- Uehara, Osamu (Sam). (2005). New Product Development: Frontloading Management. Presented at the 91st Annual International Supply Management Conference. May.

4- <http://www.ism.ws/files/Pubs/Proceedings/GIUehara.pdf>.

5- European Economic and Social Committee. (2010). World-Class R&D. EU-Japan Center for Industrial Cooperation. Seminar Report. October. http://documents.eu-japan.eu/seminars/europe/wcm_rd/report.pdf.

ض-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش های تولیدی در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.

ض-۲- توجیه

ماهیت نظام توزیع و کارآمد کردن آن، به ساخت ارتباط بین واسطه ها و ماهیت و سهولت دسترسی تولید به بازار اشاره دارد. بهینه نمودن ساخت شبکه ی توزیع به بررسی و الگوسازی نیاز دارد (۱) و (۲). ایجاد شبکه های کارآمد برای عرضه ی کالا و خدمات به بازارها می تواند موجب توزیع دقیق و بهینه سود شود، و در عین حال متقاضیان را نیز اقناع و راضی می نماید. تعدد واسطه ها همیشه عامل کندی گردش مالی است و در نهایت انگیزه ی سوددهی را کاهش می دهد.

مطالعه ی کاربردی در مورد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می دهد که شبکه ی توزیع سهمی در حد ۱۰ درصد محصول ناخالص داخلی این کشورها را به خود اختصاص داده است. این سهم عاملی است که به اصلاح ساخت این بخش توجه شود (۳).

1- Procter & Gamble Eurocor. (2010). Tomorrow's Supply Networks: Sustainability and Growth without Trade off. March. <http://www.mst.dk/NR/rdonlyres/801DB06A-7EBE-48BD-9AB7-4F6FBE7-C94E2/0/SummaryPGSupplyNetworkForumFeb2010.pdf>

2- Martel, Alain and Uday Vankatadri. (1999). Optimizing Supply Network Structures Under Economies of Scale. CENTOR Research Center. January. http://www.fsa.ulaval.ca/personnel/martela/Papers/iepm99_paper.pdf

3- Boylaud, Olivier and Giuseppe Nicoletti. (2001). Regulatory Reform in Retail Distribution. OECD Economic Studies No. 32, 2001/I. OECD. <http://www.oecd.org/dataoecd/30/52/2732142.pdf>.

ظ-۱- متن پیش نویس سیاست کلی

گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه های تأمین مالی مورد نیاز، به ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه ای و بیمه ای.

ظ-۲- توجهیه

بهبودسازی روند تخصیص منابع مالی در جهت افزایش تولید ملی و نهادهای پشتیبان آن.

۱۰- اجرایی کردن بندهای پیش نویس سیاستهای کلی

جهت اجرایی کردن بندهای پیش نویس ضروریست اقدامات مورد نیاز در هر بند با دقت مشخص شود. این اقدامات می تواند توسط دولت برنامه ریزی شود و در چارچوب برنامه های اقتصادی و بودجه های سالانه به آنها پرداخته شود. علی رغم این امر، به نظر می رسد که ایجاد نوعی الزام و تعهد قانونی به اجرای این سیاستها ضرورت داشته باشد. نکته ی حایز اهمیت آن است که منابع دولت به چه میزانی بایستی صرف اهداف حاکمیتی شود، و چه میزان از منابع دولت می تواند به اهداف مربوط به قوه ی مجریه اختصاص داده شود.

جهت نظارت بر حسن اجرای این سیاستها و حصول اطمینان از عملکرد حوزه اقتصاد در چارچوب موردنظر، ضروریست یک پایگاه نظارتی جهت نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی ساماندهی گردد. این پایگاه باید از مسوولین برگزیده در سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت

نظام تشکیل شود و دبیرخانه ی آن نیز در کمیسیون نظارت دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام مستقر گردد. کلیه ی نهادهایی که به نوعی برای تنظیم جریان اجرایی شدن بندهای مختلف این سیاستها مشارکت دارند، باید فعالیتهای خود را با این پایگاه نظارتی هماهنگ نمایند.

توجیه وجود این پایگاه آن است که اجرای دقیق سیاست های کلی به نظارت نیاز دارد. نظارت بر اجرای سیاست های کلی در شمار و ظایف تفویضی به مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بنابراین مقام رهبری می تواند در موارد ویژه امر نظارت را به گروههای دیگر بسپارد. کمیسیون نظارت در نمودار سازمانی دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، عهده دار وظیفه ی نظارت شده است. این بند خواهان برخورد تخصصی به نظارت بر سیاست های کلی نظام در مورد تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی شده است تا فعالیت نظارت به صورت سازمان یافته انجام شود. با عنایت به ماهیت به نسبت درازمدت این سیاست ها هم، وجود یک مجموعه ی تخصصی در دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام می تواند کارایی اجرایی سیاست ها را افزایش بدهد. به همین دلیل هم دبیرخانه ی پایگاه در کمیسیون نظارت پیش بینی شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی
- اسناد برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
- رضایی میرفغاند، محسن و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۵)، ایران در افق چشم انداز، انتشارات اندیکا، تهران.
- سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

ارزیابی پیش نویس سیاست های "تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی"

تدوین: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

چکیده

مقاله پیش رو به بررسی متن پیشنهادی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، در خصوص سیاست های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی اختصاص دارد. در این نوشتار ابتدا لزوم آسیب شناسی وضعیت موجود تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی تشریح گردیده، و سپس سیاست های کلی و ویژگی های مربوط به آن تعریف شده است؛ و در انتها موارد پیشنهادی در سیاست های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، با سایر سیاست های کلی نظام مقایسه گردیده است.

واژگان کلیدی:

تولید ملی، نیروی کار، سرمایه، عوامل تولید، سیاست های کلی نظام، قانون برنامه چهارم توسعه، قانون برنامه پنجم توسعه، اصل چهل و چهارم، سند چشم انداز.

مقدمه

بررسی‌ها نشان می‌دهد هم‌اکنون اسناد و قوانین متعددی جهت حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی وجود دارد.^۱ لیکن به رغم وجود چنین قوانینی،

برخی از اسناد مرتبط با تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- ۱- سند چشم‌انداز ۱۴۰۴
- ۲- سیاست‌های کلی نظام برای برنامه چهارم و پنجم توسعه
- ۳- سیاست‌های کلی اشتغال
- ۴- سیاست‌های کلی در امور اقتصادی با هشت بخش عدالت اجتماعی، اقتصاد و پایداری، اقتصاد و زندگی، اقتصاد و امور مالی و پولی، اقتصاد و ساختارها، صادرات، اقتصاد و روابط کار، اقتصاد و محیط زیست
- ۵- سیاست‌های کلی نظام اداری
- ۶- سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (ج) قانون اساسی
- ۷- سیاست‌های کلی بند «ج» اصل چهل و چهارم (ج) قانون اساسی
- ۸- سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی
- ۹- سیاست‌های کلی نظام در تشویق سرمایه‌گذاری
- ۱۰- سیاست‌های کلی نظام در اصلاح الگوی مصرف
- ۱۱- قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی
- ۱۲- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا
- ۱۳- قانون کار
- ۱۴- قانون بیمه
- ۱۵- قانون تأمین اجتماعی
- ۱۶- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست
- ۱۷- قانون سازمان استاندارد ملی ایران (در حال تصویب)
- ۱۸- قانون حمایت از ساخت داخلی
- ۱۹- قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور
- ۲۰- قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۲۱- قوانین برنامه توسعه
- ۲۲- قوانین بودجه سالانه کل کشور
- ۲۳- قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحات بعدی
- ۲۴- قانون بهبود مستمر محیط و کسب و کار
- ۲۵- قانون ارتقاء کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی

نه تنها نتایج ملموسی در بهبود وضعیت تولید مشاهده نمی شود؛ بلکه شرایط به گونه ای است که مقام معظم رهبری با توجه به وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور، سال ۱۳۹۱ را سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری کرده اند. با توجه به این شرایط، همه نهادهای مسئول و تولید کنندگان می بایست در جهت ارتقاء تولید ملی از نظر کمی و کیفی اهتمام نمایند. اما سوالی که در این میان مطرح می شود، این است که برای تحقق اهداف مورد نظر شعار امسال، چه اقداماتی بایستی انجام پذیرد؟

اولین گام در این زمینه مشخص نمودن نواقص و خلأهای قانونی، از طریق بررسی و تحلیل قوانین موجود است. در این راستا، پاسخ به این پرسش ها ضروریست: قوانین مصوب تا چه اندازه توسط دستگاه های مربوطه اجرا شده است؟ آیا قوانین موجود، خود، مانعی بر سر راه تولید نیستند؟ موانع قانونی تولید را چگونه می توان مرتفع ساخت؟

پس از تحلیل وضعیت موجود، بایستی به این سؤال پاسخ داد که آیا با توجه به اسناد بالادستی و قوانین موجود، می توان یه راهکارهای عملی برای دستیابی به وضعیت مطلوب، تحقق عینی بخشید؛ و در صورت منفی بودن پاسخ، به دنبال راه حل مناسب بود.

نوشتار پیش رو به بررسی چارچوب پیشنهادی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی پرداخته است. در این نوشتار ابتدا لزوم آسیب شناسی وضعیت موجود تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی تشریح گردیده و سپس سیاست های کلی و ویژگی های مربوط به آن تعریف شده است. در انتها موارد پیشنهادی در سیاست های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، با سایر سیاست های کلی نظام مقایسه شده و سپس جمع بندی و نتیجه گیری ارائه گردیده است.

۲۶- قانون تشکیل دو وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صنعت، معدن و تجارت

۲۷- قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه گذاری صنایع کوچک، مصوبات مربوط به حساب ذخیره ارزی، صندوق توسعه ملی و ...

لزوم آسیب شناسی وضعیت موجود تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی

پیش از هر اقدامی جهت تحقق شعار سال ۱۳۹۱ تحت عنوان تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، می بایست مشکلات و موانع بر سر راه تولید ملی شناسایی شوند. یک دسته بندی از موانع موجود برسر راه اقتصاد ملی کشور را می توان اینگونه برشمرد:

۱. موانع مربوط به سیاست های تجاری (گمرک، واردات، صادرات، قاچاق، دامپینگ و ...)
۲. فقدان سیاست های پولی مناسب (بهره، حجم پولی و ...)
۳. موانع مربوط به سیاست های مالی، نرخ ارز (نرخ منطقی ارز و لزوم پیوستگی آن با سایر سیاست ها)
۴. موانع مربوط به رقابت پذیری و مزیت رقابتی (گذار از مزیت های نسبی به مزیت های رقابتی)
۵. عدم توجه به آمایش سرزمین
۶. مالکیت، مدیریت و انحصارات دولتی و شبه دولتی (مدیریت غیر تخصصی، فامیلی، گروهی، جزئی) و تغییرات شدید و سریع مدیریت ها
۷. موانع فضای کسب و کار (قانون کار، قانون بیمه، نیروی انسانی و ...)
۸. بهره وری پایین بخش های تولیدی و خدماتی (صنعت، معدن، صنایع معدنی، کشاورزی، دامداری، حمل و نقل و ...)
۹. آسیب های تحمیلی در بخش های مختلف (مطالبات از بخش دولتی، بدهی ها به بانک ها و ...، تقاضای کم برای محصول داخلی، کمبود نقدینگی و ...)
۱۰. بالا بودن هزینه های سرمایه گذاری (عدم جذب سرمایه گذاری خارجی، فرار سرمایه های داخلی و ..)
۱۱. فقدان استراتژی و سیاست راهبردی مصوب برای بخش های مختلف (صنعت، معدن، صنایع معدنی، کشاورزی، دامداری، شیلات، پرورش طیور، انرژی و ...)
۱۲. تحریم ها، آثار و تبعات آن ها
۱۳. اثرات بحران های مالی و اقتصادی سایر کشورها بر ایران

۱۴. تکنولوژی قدیمی و فرسوده ی بخش تولید و خدمات، و وابستگی کشور به تکنولوژی وارداتی، مواد اولیه، مواد جانبی و ...،
 ۱۵. موانع موجود در سیستم بانکی کشور،
 ۱۶. بورکراسی پیچیده و ناکارآمد کشور در بخش تولید و خدمات،
 ۱۷. وجود یارانه های غیر منطقی در بخش های مختلف و عدم اجرای تکالیف قانون هدمند کردن یارانه ها،
 ۱۸. عدم امکان دسترسی به اطلاعات دقیق از قابلیت ها، نیازها و ... (وجود رانت اطلاعاتی برای برخی افراد) و مخفی کاری های غیر منطقی در ارائه اطلاعات،
 ۱۹. توزیع ناعادلانه قدرت تصمیم گیری و عدم وجود اراده برای اعمال ساختارهای قانونی در روابط قوا با یکدیگر و سایر بخش ها،
 ۲۰. فقدان فرهنگ مناسب در عرصه اقتصاد و بخش های مرتبط با آن،
 ۲۱. عدم توجه به مالکیت معنوی،
 ۲۲. سهم بالای هزینه حمل و نقل در هزینه تولید،
 ۲۳. وجود سیستم حاکم و محکوم (ارباب و رعیتی) در ساختار تصمیم گیری و اجرایی، و بخش خصوصی،
 ۲۴. عدم توجه به آسایش و رفاه نیروی انسانی و عزت و کرامت آن
 ۲۵. حذف نیروی انسانی متخصص و باتجربه قبل از موعد طبیعی به بهانه ایجاد فرصت اشتغال برای نیروهای جوان و جویای کار،
- عوامل یاد شده، به عنوان موانع عمده تولید ملی مطرح هستند. از سوی دیگر، حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی بدون بهره گیری مناسب از عوامل مؤثر و محرک تولید، و رفع معضلاتی که به عنوان نقاط آسیب اقتصاد ملی مطرح هستند، ممکن نیست. مضافاً اینکه هم اکنون اساسی ترین چالش بخش های تولیدی کشور نداشتن استراتژی مشخص است.

سیاست های کلی؛ ویژگی ها و سوابق تصویب و ابلاغ آن ها

سیاست های کلی برای تحقق آرمان ها و اهداف، پس از مجموعه آرمان ها قرار می گیرند، و حاوی اصولی هستند که آرمان را به مفاهیم اجرایی نزدیک می کنند؛ و شامل سیاست های کلی بخشی و فرابخشی می شوند. سیاست های کلی فرابخشی، مواردی هستند که آرمان یا هدفی در چند بخش را در بر می گیرد، که برای حصول به آن هدف یا اهداف نیازمند تدوین سیاست های کلی هستند. سیاست های اجرایی و برنامه بخش های مختلف باید در قالب این سیاست ها تدوین شود. آینده نگری، واقع بینی و جامعیت از مهم ترین ویژگی های سیاست های کلی هستند.

مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین «سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از وظایف مقام رهبری است. از سال ۱۳۷۷ تاکنون ۳۸ سیاست کلی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب گردیده، که تعدادی از آنها توسط مقام معظم رهبری ابلاغ، و تعدادی نیز جهت تصویب نهایی به ایشان تقدیم شده است.

بررسی چارچوب پیشنهادی و مقایسه آن با سایر سیاست ها

چارچوب پیشنهادی مجمع مطابق با عنوان شعار سال ۱۳۹۱، «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» به دو بخش «الف» و «ب» تقسیم بندی شده است.

بخش اول

این چارچوب پیشنهادی با عنوان «تولید ملی» شامل ۸ مورد پیشنهادی است، که ۶ عنوان از این موارد، در سیاست های کلی مصوب قبلی ذکر شده است. (بندهای (۴)، (۵)، (۱۰) و (۱۱) سیاست های کلی تشویق سرمایه گذاری، بند (۷) سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف، و بند «ج» سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی). دو بند، شامل اولویت دادن به «تولید ارز آور» و «مدیریت منابع ارزی برای تسهیل دسترسی تولید ملی به ارز همراه با حفظ ارزش پول ملی» که

به صورت غیر مستقیم در برخی از سیاست‌ها مستتر است، می‌تواند به عنوان یک راهبرد بلند مدت از طرف دولت اتخاذ شود. نکته حایز اهمیت دیگر آنکه تولید ارز آور، خود، معلول یک فرایند است. در صورتی که زمینه تولید محصولات مبتنی بر مزیت رقابتی فراهم گردد، محصولاتی که تولید می‌گردد، صادرات محور و در نتیجه ارز آور خواهد بود.

بخش دوم

چارچوب پیشنهادی با عنوان «حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، شامل ۶ مورد است که ۵ عنوان آن در سیاست‌های کلی مصوب قبلی ذکر شده است. بند (۴) سیاست‌های کلی بخش مالی، بند (۲) سیاست‌های کلی اشتغال، و بخش تعاونی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. منحصرأ بند «تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر و حامی تحقیق و توسعه» می‌تواند در قالب یک راهبرد مشخص تعیین شود؛ اما همانگونه که اشاره شد سایر موارد به صورت کامل‌تر در سایر سیاست‌های کلی مندرج است.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مباحث ذکر شده، به نظر می‌رسد:

۱. تحلیلی از آسیب‌شناسی وضع موجود و عملکرد قوانین مرتبط با مباحث چندوجهی تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی وجود ندارد.
۲. موارد موجود در چارچوب پیشنهادی مجمع، در سایر سیاست‌های بالادستی به صورت کاملتر و منسجم‌تر وجود دارد.
۳. موارد پیشنهادی مجمع، که در سایر سیاست‌ها وجود ندارد، می‌تواند به عنوان راهبردهای بلند مدت مطرح شوند.
۴. بخش تولیدی کشور نیازمند تصویب، تدوین و اجرای استراتژی (راهبرد) است.

پیشنهاد می‌شود به جای پرداختن به ترکیبی جدید از سیاست‌های کلی

قبله، با آسیب شناسی نحوه اجرای سیاست های گذشته، راهکارهای مناسب و با ضمانت اجرایی قوی، پیگیری شوند تا عملیاتی شدن شعار امسال را محقق نمایند.

منابع و مأخذ:

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سندچشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ابلاغیه مقام معظم رهبری.
 - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
 - ایران نژاد پاریزی، مهدی(۱۳۸۲)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، نشر مدیران، تهران.
 - سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 - سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی.
 - اسناد برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی.
-
- www.ipo.ir
 - www.icm.ir
 - www.irandoc.ac.ir
 - [www.asl ۴۴ news.ir](http://www.asl۴۴news.ir)
 - www.maslahat.ir
 - www.tabnak.ir

سیاست‌های کلی پیشنهادی حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی؛ و اقتصاد مقاومتی

تدوین: کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی^۱

چکیده

یکی از موضوعات اساسی مرتبط با اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی؛ رویکردها، الگوها، راهبردها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متناظر با آن؛ به عنوان الزامات تحقق اهداف مورد نظر است. طبق سند چشم‌انداز، اقتصاد ایران مبتنی بر تولید و تجارت منطقه‌ای، بایستی در منطقه، حائز مقام اول گردد. در راستای این اهداف و همچنین مقابله با شرایط ناشی از تحریم‌های تحمیلی، محورهای و الزامات "سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، و اقتصاد مقاومتی" در این نوشتار ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

تولید ملی، سیاست‌های کلی، اصل ۴۴ قانون اساسی، سند چشم‌انداز، تولید دانش بنیان، کار آفرینی.

۱ - - کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (تلفن: ۲۲۲۵۸۸۹۰)

مقدمه:

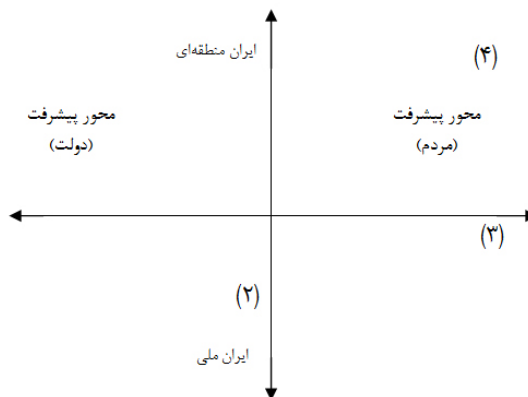
روند پیشرفت اقتصادی جوامع، تابعی از چگونگی مدیریت چرخه دارایی‌های محیطی جامعه می‌باشد. مدیریتی که حاصل آن، باید مزیت رقابتی باشد. مزیت رقابتی حاصل فرایندی چند مرحله ای است که به صورت پیوستاری و مرتبط به هم عمل می‌نماید:

۱- مرحله تبدیل منابع به قابلیت: طی این مرحله منابع ملموس (فیزیکی، ثروت‌های طبیعی، تأسیسات و تجهیزات زیربنایی و مصنوعات دست‌ساخته بشر و ...) و منابع غیرملموس (دانش، تجربه، علم، فناوری، نرم‌افزارها، سبک‌های مدیریت و رهبری، مغزافزارها، انسان‌افزارها و سازمان‌افزارها و ...) تبدیل به قابلیت می‌شوند.

۲- تبدیل قابلیت به شایستگی: در این مرحله قابلیت‌های ایجاد شده، به شایستگی‌ها؛ و شایستگی‌ها به شایستگی‌های کلیدی، منحصر بفرد و متمایز مبدل می‌شوند.

۳- تجاری شدن شایستگی‌ها: در این مرحله شایستگی‌های محوری تجاری می‌شوند و ارزش بازاری می‌یابند؛ و در پرتو این ارزش بازاری و اقبال مصرف‌کننده، مزیت رقابتی ایجاد می‌نمایند. چنین چرخه ای را بهره‌وری راهبردی می‌نامند.

چرخه بهره‌وری راهبردی منابع ملموس و غیرملموس در نمودار ذیل نشان داده شده است:



نکته حایز اهمیت دیگر در مباحث مربوط به تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ رویکردها، الگوها، راهبردها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متناظر با آن اهداف، در راستای تحقق چشم‌انداز مورد نظر است. نمودار ذیل محور مختصاتی است که وضعیت ایران را در راستای تحقق مراحل سند چشم‌انداز و الزامات آن نشان می‌دهد.



۱- ایران باید ظرفیت‌های موجود، و نقش آفرینی خود را از سطح ملی به سطح منطقه‌ای گسترش دهد؛ یعنی ظرفیت پاسخگویی خود را از بازار داخلی ۷۰ میلیون نفری، به بازار ۵۰۰ میلیون نفری منطقه ارتقاء دهد.

۲- بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان دولت باید سبک، چابک و کارآمد بوده؛ و کارکرد منطقه‌ای - ملی جایگزین کارکرد ملی - محلی، گردد.

معنی این الزامات آنست که برنامه ریزی‌ها و اقدامات بگونه‌ای باشد که در نتیجه آن کشور بتواند از ربع دوم محور مختصات فوق، به ربع چهارم تغییر موضع و موقعیت دهد. حال پرسش اساسی این است که چارچوب تعیین‌کننده این حرکت چگونه باید شکل گیرد؟

چاره اندیشی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام، یکی از ابزارها و فرصت‌های مهم برای نیل به این هدف است. بر این مبنا تلاش شده است تا بر محور موضوعات

چهارگانه ذیل پیشنهاداتی در خصوص سیاست‌های کلی "حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی، و اقتصاد مقاومتی" تهیه، تدوین و ارائه گردد:

۱- تلاش در جهت دانش‌پایگی اقتصاد کشور: ضمن بهره‌گیری از توانمندی کارآفرینان و بنگاه‌های ایرانی در مقیاس اقتصاد منطقه‌ای؛ ضروری است تا بنگاه‌ها و کارآفرینان فراملی موتور توسعه این حرکت گردند. چنین رویکردی پیش‌دستانه و تحریم‌شکن خواهد بود و با اهداف سند چشم‌انداز که دسترسی به مزیت‌های بازار ۵۰۰ میلیون نفری است سازگاری دارد.

۲- تلاش جهت سازماندهی بخش خصوصی کارآمد با ترکیب اجزای:

- مدیران حرفه‌ای باتجربه، و جوانان متخصص و هوشمند (مدیران بنگاه‌ها).

- سرمایه‌های عمومی خرد و کلان ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی (به عنوان سهامداران و مالکان بنگاه‌ها).

- شرکت‌های خصوصی حسابرسی، ناظر و کنترل‌کننده (به عنوان ناظر امین و علیم).

بسترسازی و حمایت از شرکت‌های سهامی خاص، سهامی عام، تعاونی و خانوادگی (مانند تجربه ژاپن، کره جنوبی و حتی بسیاری از بنگاه‌های موفق اروپایی (بنز) و مبتکران آمریکایی (فورد، بیل گیس، استیو جابز) توسط بخش دولتی. بدین ترتیب، وظیفه دولت بسترسازی، حمایت و نظارت بر شکل‌دهی تولید کالا و خدمات در صنایع، و سایر حوزه‌هاست.

۳- ارتقاء توانمندی تولید ملی همراه با نوآوری، بکارگیری فناوری نوین، و کاهش ضایعات. بازچرخانی مواد و ضایعات در تولید، متناسب با نیازهای بازار و مصرف‌کننده، و در حقیقت ساختن برای بازار، و نه ساختن برای انبار کردن و بعد فروختن ۲ است. تفاوت میان این دو رویکرد نزدیک به ۴۰٪ هزینه‌های تولید

1-make to order

1-make to stock

است. در این راستا ضروریست قبل از ساخت محصول، بازار، و نیاز مصرف‌کننده و سلائق آن (تحقیقات بازار) شناسایی گردیده؛ و موقعیت و امکانات رقبا در بازار ارزیابی گردد؛ و محصولی متمایز و با کیفیت بالا، نسبت به محصولات رقیب، تولید شود. همچنین بایستی تلاش گردد با پیش‌فروش محصول، نقدینگی لازم جهت تولید تأمین شود، و کالا در شبکه توزیع با کمترین وقفه، جریان یابد؛ در این صورت انتظار می‌رود از یک سوی قریب به ۲۰٪ هزینه‌ها، کاهش یافته، و از سوی دیگر، با توجه به اینکه حدود ۲۰٪ دیگر هزینه‌های تولید مربوط به انبارداری، حمل و نقل مجدد، تخلیه و بارگیری و ضایعات این فرآیند است؛ این هزینه به سمت صفر میل کند و در نتیجه حدود ۴۰٪ هزینه‌های تولید کاهش یابد.

بنابراین ارتقاء توان رقابت‌پذیری از طریق افزایش نوآوری، و بهره‌گیری از فرآیندها و فناوری‌های نوین و ابتکارات داخلی، توأم با کاهش هزینه‌های تولید، می‌تواند موجبات رشد اقتصادی، گسترش بازارها، تحقق اهداف و رونق کارآفرینی و اشتغال ملی را فراهم آورد.

بدیهی است پس از این مرحله، که باید در طی یک دهه به سرانجام رسیده، و اقتصاد ایران مبتنی بر تولید و تجارت منطقه‌ای، از کشورهای همسایه متمایز گردد؛ مراحل جهانی‌شدن محقق شود. بر اساس چشم‌انداز مورد نظر؛ اهداف، سیاست‌ها و الزامات مربوط به آن که تحت عنوان "سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، و اقتصاد مقاومتی" تهیه و تنظیم شده است، در ادامه ارائه می‌گردد.

الف - اهداف کلان:

۱. تقویت تولید ملی و رشد کارآفرینی .
۲. دستیابی به رشد شتابان اقتصادی که در سند "چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴" تعیین شده است.
۳. تبدیل اقتصاد و تولید منابع پایه، به اقتصاد و تولید دانش‌بنیان، با افزایش سهم منابع انسانی در ترکیب عوامل شکل‌دهنده تولید ملی، از طریق همکاری شبکه

نوآوری ملی در داخل و خارج از کشور.

۴. تبدیل ثروت‌های طبیعی، و منابع و ذخایر نفت و گاز و مواد معدنی، به سرمایه‌های زاینده اقتصادی با ارزش افزوده بالا، و ظرفیت‌سازی اشتغال ملی و حفظ ثروت‌های بین نسلی.

۵. کارآمدی، رقابت‌پذیری و کاهش هزینه‌های تولید با نوآوری در بنگاه‌های اقتصادی، واحدهای تولیدی و خدماتی در سطح استانداردهای جهانی (نیروی انسانی، مواد اولیه، انرژی و ...).

۶. بهره‌گیری از فرصت‌های انتقال فناوری‌های پیشرفته، به منظور ارتقاء توانمندی تولیدکنندگان ایرانی.

۷. ارتقای بهره‌وری، در بخش‌های تولید و مصرف جامعه، و تکیه بر تولید داخلی در بازارهای جهانی‌شده، با بهره‌گیری از مدیریت حرفه‌ای، کارآفرین و نوآور.

ب - سیاست‌های کلی:

۱- افزایش توان رقابتی تولید و اقتصاد ملی در بازارهای داخلی و بین‌المللی از طریق:

۱-۱- تقویت ساختارها، فرآیندها و سازوکارهای رقابت‌پذیری در تولید کالا و خدمات.

۱-۲- حمایت از کارآفرینی، و ارتقاء خلاقیت و نوآوری.

۱-۳- توسعه بنگاه‌های دانش‌بنیان و ارزش‌آفرین.

۱-۴- خوشه‌سازی فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ.

۱-۵- تشکیل بنگاه‌های بزرگ فراملی جهت حضور در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و بهره‌گیری از فرصت‌های بازارهای منطقه.

۱-۶- ترویج و تقویت فرهنگ کار و نوآوری، و گسترش آموزش‌های لازم با تکیه بر کارآفرینان دانش‌بنیان.

۲- تقویت مدیریت تولید، با جذب فناوری، سرمایه، منابع مالی، مبادله نیروی کار و دسترسی به بازارهای خارجی کالا و خدمات از طریق:

۲-۱- تعامل هوشمندانه و سازنده با بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها، صاحبان فناوری‌های نوین

- در داخل و خارج کشور، که کارآیی و اثربخشی تولید را ارتقاء می‌دهند.
- ۲-۲- حمایت از تأسیس و توسعه صندوق‌های خطرپذیر مالی (شراکت در سرمایه) جهت تجاری‌سازی ایده‌ها و پشتیبانی از انتقال فناوری‌ها و شرکت‌های نوپا، کوچک و نوآور ملی.
- ۲-۳- تقویت و ساماندهی همکاری میان دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و فرهنگستان‌ها با بخش‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی.
- ۲-۴- حضور نیروهای علمی و دانشگاهی در واحدهای تولیدی و بنگاه‌ها و سازمان‌های خدماتی، مالی، پولی، بیمه‌ای؛ و ترکیب تفکر، عمل و آموزش؛ همراه با اصلاح قوانین مربوطه.
- ۲-۵- اصلاح و تکمیل سازوکارها و مقررات؛ به ویژه در بخش بازرگانی، گمرکی، پولی و مالی با هدف تغییر روند ورود کالا و خدمات از خارج؛ به فرآیند انتقال فناوری، کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات قابل صدور به بازارهای جهانی.
- ۲-۶- تأکید بر انتقال دانش و فناوری، و تناسب بین مؤلفه‌های انسان‌افزار، سازمان‌افزار، سخت‌افزار و نرم‌افزار در مدیریت فناوری، و اداره بنگاه‌ها و صنعت.
- ۲-۷- تأکید بر تبدیل مقالات علمی و دانشگاهی به پشتوانه‌های صنعتی و تولیدی، و حمایت از مالکیت معنوی در داخل کشور.
- ۲-۸- حمایت از صدور محصولات مبتنی بر فناوری‌های نوین، بجای محصولات سنتی و بومی، و توسعه شهرک‌های صنعتی و ایجاد دفاتر نمایندگی شرکت‌های ایرانی در کشورهای پیشرفته و دانشگاه‌های ممتاز جهان، در جهت شناسایی و انتقال فناوری.
- ۳- سازماندهی مدیریت شرکت‌های خصوصی و غیردولتی با کوچک‌سازی سازمان‌های دولتی متولی تولید و خدمات، و بازنگری در وظایف آنان در راستای سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر صنعت و فعالیت‌های اقتصادی، از طریق:
- ۳-۱- سازماندهی نیروهای تحصیل‌کرده، باتجربه، کارآفرین، خلاق و متخصص در قالب شرکت‌های غیردولتی که دارای توانایی مدیریت حرفه‌ای در بخش‌های تولیدی، خدماتی و فنی می‌باشند.

- ۲-۳- تلاش در جهت تجمیع سپرده‌های مردم، منابع بانکی و منابع خارجی، به‌عنوان سرمایه شرکت‌های سهامی عام و خاص، و تعاونی‌های فراگیر خصوصی و غیردولتی.
- ۳-۳- فراهم آوردن زمینه تشکیل شرکت‌های حسابرسی، نظارتی و ارزشیابی بخش خصوصی از افراد حرفه‌ای، امین و دانا در زمینه‌های مربوطه.
- ۴-۳- آموزش کارآفرینی در همه رشته‌های تحصیلی و دانشگاهی، و تأکید بر نوآوری اجتماعی در جامعه.
- ۵-۳- مشارکت بنگاه‌های ملی با بنگاه‌های پیشتاز جهانی دارای فناوری‌های پیشرفته جهت تولید محصول در بازارهای خارجی.
- ۶-۳- فراهم آوردن زمینه مشارکت در تولید، برای شرکت‌های ایرانی، در منابع و مخازن نفت و گاز مشترک با کشورهای همسایه.
- ۴- ضرورت اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت از تولیدکنندگان کالا و خدمات، در داخل و خارج از کشور با رعایت:
- ۱-۴- توسعه و گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی برای حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، و تقویت تولید دانش بنیان.
- ۲-۴- اختصاص درصد معینی از خزانه عمومی، و معادل آن از فروش شرکت‌های دانش‌بنیان، جهت تأمین منابع صندوق‌های خطرپذیر مالی حامی نوآوری، کارآفرینی جوانان، مدیران باتجربه، و متخصصان و خبرگان صنعتی.
- ۳-۴- بازنگری در ساختارهای مدیریتی و مالکیتی واحدهای تولیدی کالا و خدمات در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و بازرگانی.
- ۴-۴- ساماندهی بازارهای پولی، مالی، بیمه‌ای، سرمایه، بورس و صندوق‌های ضمانت، به‌منظور تقویت توان رقابت تولیدکنندگان کالا و خدمات، در بازارهای داخلی و خارجی.

۴-۵- تامین منابع بانکی واحدهای تولیدی کالا و خدمات، و بازرگاری در رویه‌های اعتباری، پولی، ارزی و بانکی، مبنی بر عقود اسلامی و مشارکت واقعی.

۵- بهبود فضای کسب و کار با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان و کنترل تورم از طریق:

۵-۱- ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و شفافیت اطلاعات اقتصادی برای همگان.

۵-۲- کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی و تسهیل دسترسی کارآفرینان و مدیران حرفه‌ای به منابع مالی مورد نیاز، در جهت توسعه ظرفیت‌های تولیدی و خدماتی در کشور.

۵-۳- کاهش ریسک ملی در بازارهای جهانی، و حمایت از ورود تولیدکنندگان در بازارهای منطقه‌ای و جهانی.

۵-۴- تنظیم روابط اقتصادی ایران با کشورهای همسایه جهت تاسیس نهادهای مالی و بنگاه‌های اقتصادی، فنی و تجاری خصوصی پیشتاز، به عنوان نیروی محرکه اقتصاد فراملی نو.

۵-۵- تمهید تسهیلات مالیاتی، گمرکی و بازرگانی میان کشورهای همسایه، در راستای خنثی‌سازی پیامدهای سیاست‌های نامطلوب جهانی، و توسعه همکاری‌های اقتصادی و گسترش بازار محصولات ملی در کشورهای منطقه.

۵-۶- حمایت از افزایش اختیارات بخش خصوصی و فعالان اقتصادی کشور، از جمله مؤسسات تولیدی، خدماتی، پولی، مالی، بیمه‌ای و بانکی جهت ظرفیت‌سازی طرح‌های تولیدی، تجاری، خدماتی و اقتصادی دانش‌بنیان.

۶- تخصیص بهینه و رقابتی درآمدهای نفتی و تبدیل ثروت‌های طبیعی به سرمایه‌های زاینده اقتصادی به‌عنوان ثروت‌های بین‌نسلی از طریق:

۶-۱- تفکیک درآمدهای دولت از درآمدهای نفتی، و تلاش دولت در جهت رشد شتابان اقتصاد ملی، و کسب در آمد و توزیع مناسب آن، بجای توزیع ثروت‌های طبیعی برای کسب رضایتمندی اجتماعی.

۲-۶ تبدیل منابع نفت و گاز به محصولات با ارزش افزوده بالا و صنایع با فناوری برتر، جهت دستیابی به تنوع صادرات، کسب درآمدهای ملی، ظرفیت‌سازی کارآفرینی و اشتغال.

۳-۶ اختصاص درصدی از درآمدهای حاصل از کاهش و صرفه جویی در مصرف انرژی در بخش‌های تولیدی و خدماتی، جهت انتقال فناوری در همان بخش‌ها.

۴-۶ اختصاص یارانه‌ها به تقویت تولید ملی (و نه مصرف و توزیع)؛ و تهیه کالاهای ضروری، حیاتی کشور، و همچنین پژوهش‌های کاربردی جهت افزایش توان رقابت ملی.

۵-۶ حمایت از واردات مواد پیشرفته و فناوری‌های نوین تقویت‌کننده توان تولید ملی در جهت رقابت در بازارهای جهانی.

۷- ارج نهادن به کارآفرینی، سازندگی و سرمایه‌گذاری، و حفظ حرمت دارایی‌های ناشی از کسب و کارهای قانونی و مشروع از طریق:

۱-۷ تقویت و ترویج فرهنگ کار، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، قناعت، تولید، ایجاد ارزش افزوده حاصل از کار، تلاش، نوآوری و ابتکار در جامعه، و معرفی کارآفرینان برتر.

۲-۷ آموزش و بازآموزی نیروی انسانی در سطوح گوناگون، جهت تامین نیروی بنگاه‌های اقتصادی، واحدهای تولیدی و خدماتی

۳-۷ شفافیت بازارهای سرمایه و بورس و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای بخش‌های خصوصی، تعاونی و دولتی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کشور.

۴-۷ تنظیم قوانین و مقررات مربوط به اهمیت سرمایه‌گذاری، سرمایه، مالکیت و دارائی‌ها.

۷-۵. لغو انحصارات غیرضروری از طریق تمرکززدایی دولت از فعالیت در بازارهای منابع نفت و گاز و محصولات جانبی آن، و حمایت از فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی در بازارهای داخلی و خارجی.

۸- تقویت نوآوری اجتماعی در بخش‌های تولید خدمات و کالا (کارآفرینی ملی و نوآوری ملی) از طریق:

۸-۱. افزایش بهره‌وری عوامل تولید در واحدهای تولیدی با بکارگیری مدیریت حرفه‌ای و سازمان‌دهی نوین به ویژه ارتقاء ضریب بهره‌وری از آب در تولید محصولات کشاورزی به ازای هر واحد آب، تا ۲ برابر شاخص کنونی.

۸-۲. نوسازی صنعتی و رعایت مقیاس اقتصادی تولید، و افزایش کارایی واحدها با بهینه‌سازی مصرف انرژی تا یک سوم وضعیت کنونی، تا ۱۰ سال آینده.

۸-۳. ارتقاء ارزش افزوده واحدهای تولیدی با مدیریت بهینه منابع و انتخاب فرآیندهای صنعتی دانش‌محور.

۸-۴. آموزش حرفه‌ای و مهارت‌آموزی نیروی کار، متنوع‌سازی آموزش‌ها و غنی‌سازی شغل کارکنان.

۸-۵. تسهیل دسترسی به فناوری‌های مورد نیاز تولید کالا و خدمات.

۸-۶. کاهش هزینه‌های تولید از طریق بازنگری در فرآیندها و فعالیت‌های تولیدی در بخش‌های مختلف با بهره‌گیری از تجارب جهانی؛ و مشارکت با پیشتازان صنعت جهان، در انتقال فناوری و فروش محصول به بازارهای خارجی.

ج - الزامات تحقق اهداف و سیاست‌ها

در راستای تحقق سیاست‌های مذکور، اتخاذ تمهیدات ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. توسعه همکاری‌های اقتصادی بین تولیدکنندگان ایرانی و کشورهای منطقه و جهان.

۲. نهادسازی مالی، پولی و بیمه‌ای، و تضمین‌کننده فعالیت بنگاه‌های تولیدی در کشورهای همسایه به عنوان بستر فعالیت اقتصادی و با هدف کاهش آثار تحریم‌های اقتصادی.
۳. بازنگری در قوانین و مقررات مالی، پولی، سرمایه‌گذاری، کار، بیمه و تولید کشور، و کاستن از مقررات زاید در فضای کسب‌وکار.
۴. ارتقاء کارآمدی نظام اداری کشور با اصلاحات ساختاری، فرآیندی و کارکردی، و واگذاری اختیارات مدیریتی، مالکیتی و سرمایه‌گذاری به بنگاه‌های تولیدی کالا و خدمات در بخش‌های مختلف.
۵. گشودن فضای اقتصاد کلان و فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، با حمایت‌های سیاسی و قضایی از حقوق مالکیت.
۶. تقویت فضای رقابتی و انحصارزدایی از اقتصاد و تسهیل شرایط ورود به بازار و خروج از آن.
۷. استقرار نظام نوآوری و تولید علم و فناوری ملی و منطقه‌ای، و ایجاد شبکه‌های فنی، اجتماعی، اقتصادی و علمی در کشور به عنوان پشتوانه‌ی تولید دانش‌بنیان کالا و خدمات.
۸. تربیت افراد خلاق، نوآور، کارآفرین و توانمند، متناسب با نیازهای توسعه ملی و بازار کار، و هماهنگی بین تولید دانش‌بنیان و رشته‌های تحصیلی دانشگاهی و ایجاد فن‌بازارها برای تبادل و تعامل بین عرضه و تقاضای علم و فناوری.
۹. تقویت و توسعه فراگیر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، و بهبود شاخص‌های الکترونیکی کشور و ارتقاء شاخص امنیت شبکه‌های ارتباطی و اطلاعات کشور، و فضاهای مجازی، جهت ایجاد و گسترش شبکه‌های تجاری.
۱۰. بسترسازی مناسب در روابط خارجی جهت تعامل سازنده و مؤثر در مناسبات اقتصادی، علمی، فناوری، تجاری و بازرگانی، و افزایش همکاری‌های مشترک علمی و اقتصادی با کشورهای دوست و غیرمتخاصم.
۱۱. حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و برنامه‌ریزی جهت استفاده از

ظرفیت‌های علمی، فنی و تولیدی آن‌ها، در راستای افزایش سهم ایران از بازار کالاها و خدمات در خارج از کشور.

۱۲. تقویت انجمن‌های علمی، فنی، بازرگانی، تجاری و نهادهای بخش غیردولتی در راستای دستیابی به فناوری برتر و تحرک نیروی کار در بنگاه‌های تولیدی و خدماتی، و دانشگاه و صنعت در داخل و خارج از کشور.

منابع و مأخذ:

مشروح مذاکرات و جلسات کمیته‌های تخصصی کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی

جهاد اقتصادی در بخش‌های امور زیربنایی و تولیدی

تدوین: کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی^۱

چکیده

طرح مسأله جهاد اقتصادی بیانگر نیاز کشور به یک حرکت جهادی، جهت فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی موجود، از جمله تحمل ریاضت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، و نیز جهش در جهت پیشرفت است. در همین راستا کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی اقدام به تهیه این گزارش نموده است. در این نوشتار ابتدا مفاهیم مرتبط با جهاد اقتصادی تبیین شده و در ادامه وضعیت اقتصادی کشور تشریح، و با وضعیت برخی کشورهای منطقه و جهان مورد مقایسه قرار گرفته است؛ و در نهایت راهکارهایی در جهت حل معضلات مطرح شده، ارایه گردیده است.

واژگان کلیدی:

فرهنگ جهادی، جهاد اقتصادی، تولید، تولید ملی، امور زیربنایی.

۱ - کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (تلفن: ۲۲۲۵۸۸۹۹)

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

من این سال (سال ۱۳۹۰) را سال جهاد اقتصادی نامگذاری می‌کنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند. مجاهدت کنند، حرکت طبیعی کافی نیست، باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم

مقدمه:

در پیش بودن اجرای دومین برنامه از سند چشم‌انداز و پنجمین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (که مقام معظم رهبری اجرای آن را به انقلاب اقتصادی تعبیر نموده‌اند) و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های گوناگون، همچنین اقدامات اولیه برای تدوین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، بی‌گمان شرایطی استثنایی را برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی به ویژه در حوزه اقتصادی فراهم ساخته است، که نیازمند حرکتی جهادگونه به ویژه در جهت تحقق اهدافی همچون: رشد مستمر و پرشتاب به میزان ۸٪ نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی، توسعه سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب و کار، حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی و تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات است.

طرح مسأله جهاد اقتصادی بیانگر نیاز کشور به یک حرکت جهادگونه در جهت فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی موجود، از جمله تحمل ریاضت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، و نیز جهش در جهت حرکت به سمت پیشرفت کشور می‌باشد. با توجه به طرح این شعار بایسته است که موضوع اقتصاد به اولویت و مسأله اول کشور تبدیل گردیده و عزم جدی مردم و مسئولین نظام بدین سمت و سو معطوف گردد.

نکته حائز توجه در تعبیر حکیمانه مقام معظم رهبری، تلفیق دو مفهوم (جهاد) و (اقتصاد) است، که بیانگر پیوستگی توأم ارزش‌های مادی و معنوی، و نگاه جامع و چند وجهی آموزه‌های اسلام به دنیا و آخرت، در تعامل با یکدیگر است. (جهاد) واژه‌ای مقدس و حاکی از تلاش مجدانه و بکارگیری تمام قوا در

راه خدا و در تقابل با دشمنان دین است. در بیانات مقام معظم رهبری در خصوص تفسیر عبارت جهاد اقتصادی آمده است: "جهاد اقتصادی صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمن در مقابل او نیست، اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید که به خصوص دشمن سینه به سینه شما ایستاده است، این می‌شود جهاد. جهاد اقتصادی یعنی مبارزه اقتصادی."

آیات و روایات دینی نیز تلاش و کوشش در راه خدا، و در جهت نیل به اهداف مقدس را تحت عنوان جهاد نام نهاده اند، که این فعالیت جهادی؛ ایثار، فداکاری و کوشش مستمر در نیل به هدف را در بر می‌گیرد.

۱- تعریف مفاهیم:

۱-۱- فرهنگ جهادی

مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، باورها و رفتارهای جهادی که برگرفته از مکتب اسلام ناب محمدی (ص) است؛ و صفاتی نظیر تقوی، ولایت مداری، تواضع، جوشش با مردم، مشورت، صداقت، امانتداری، عدالت‌خواهی، ساده زیستی، ایثار، خودباوری، نوآوری، مبارزه با فقر و ظلم، پرهیز از گروه‌گرایی و تلقی کار به عنوان عبادت، در آن برجستگی خاص دارد، فرهنگ جهادی نامیده می‌شود.

۱-۲- مدیریت جهادی

مجموعه‌ای از عوامل مؤثر (برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و نظارت) در اداره یک واحد سازمانی یا پروژه عمرانی، فرهنگی، اجتماعی مبتنی بر اعتقاد، امید، خلاقیت، نوآوری، ارزش آفرینی، مشارکت مردمی، صرفه جویی و آینده‌نگری که در چارچوب فرهنگ و روحیه جهادی شکل می‌گیرد، مدیریت جهادی نامیده می‌شود.

به عنوان مثال برخی از خصوصیات فرهنگ و مدیریت جهادی، که در نهاد جهاد سازندگی کشور موجد اقداماتی ارزشمند و گام‌های بلندی در جهت محرومیت زدایی، و توسعه روستاها و بخش کشاورزی گردیده، به قرار زیر است:

- وجود ساختارهای منعطف و تعدیل در ضوابط متصلب سازمانی،
- اعتماد به افراد و استفاده از مکانیزم‌های خودکنترلی و کنترل جمعی،
به جای استفاده از فرایند کنترل از بالا،
- توجه خاص سازمان به پرورش نیروی انسانی کمال‌جو به عنوان اصلی‌ترین منبع پیشرفت و سازندگی،
- قربات اهداف فردی و سازمانی، و احساس همدلی با اهداف سازمان،
- توجه و تأکید تام به اثر بخشی موثر و مثبت به جای کارایی صرف،
- فضای منعطف سازمانی در جهت نوآوری و خلاقیت کارکنان،
- تعهد و اخلاص نسبت به اسلام و انقلاب،
- روحیه ساده‌زیستی و قناعت ،
- احساس امنیت و آرامش،
- نگرش عبادی به کار در سازمان،
- سیستم ارزشیابی دوره‌ای (مشابه با سیستم مدیریت بر مبنای هدف و نتیجه)،
- شبکه اطلاعات و ارتباطات گسترده سازمانی؛ و حداقل حجم ارتباطات رسمی، کنترل شده و محرمانه،
- اعتماد به اهداف و نیات سازمانی از سوی نیروهای انسانی،
- آمادگی برای قبول مسئولیت و تلاش مجدانه در رده‌های مختلف سازمان،
- پویایی نهادی، مردمی بودن و عدم تمرکزگرایی شدید در انجام امور،
- بهره‌گیری از سیستم‌های بازخور، و فرآیند رفت و برگشت در تصمیم‌گیری،
- نگرش به بوروکراسی و مقررات اداری به‌عنوان وسیله تحقق اهداف،
- وجود تنوع در شیوه‌های اجرایی،
- قدرت عمل و مانور مدیران واحدها و مناطق،
- شیوه‌های هدایت و مدیریت همدلانه و نزدیکی بین مدیران و کارکنان،

- تصور مشترک اعضاء از سازمان و اهداف آن،
- تلاش برای حفظ و گسترش اعتبار و منزلت سازمانی جهاد،
- وجود فضای رقابت سالم و سازنده بین مناطق و واحدهای استانی.

۳-۱- فرهنگ جهادی از منظر امام خمینی (ره)

- توجه به خدا در همه امور،
- خودسازی را از خود شروع کنیم و سپس به ساختن دیگران بپردازیم.
- زنده نگه داشتن روحیه خدمتگزاری و عشق به مردم،
- جلوگیری از فساد و انحراف در انجام وظایف،
- عدم انجام کارهای خلاف قانون و مقررات، و خلاف مصلحت نظام اسلامی،
- عدم دخالت در امور دیگران،
- زنده نگه داشتن روحیه ایثار و شهادت،
- توجه بیشتر به روستا و روستائیان،
- توجه به رسالت اصلی و تاریخی جهاد،
- عزت و اقتدار بخشیدن به انقلاب اسلامی با اقدامات جهادی،
- توجه به محرومیت‌زدایی و فقرزدایی،
- توجه به اصل وحدت، همدلی و همکاری،
- استقرار اسلام انقلابی و استواری اسلام ناب محمدی (ص) در جهان.

۴-۱- فرهنگ جهادی از منظر مقام معظم رهبری

- اهتمام به حفظ ارزش‌های جهادی،
- حفظ هویت انقلابی و ارزشی جهاد،
- احساس مسئولیت و مدیریت مسئولانه و منسجم، با پایبندی به ارزش‌های الهی و اسلامی،
- حفظ روحیه جهادی و حزب الهی،
- الگو بودن در همه کارها خصوصاً در نظام اداری اسلامی،
- جلوگیری از تجزیه یا محو جهاد،

- انسان پروری،
- تمسک به ایمان انقلابی و جهادی،
- خستگی ناپذیری، نوآوری و خلاقیت،
- رعایت معیارهای دینی، انقلابی و جهادی.

۲- شاخص‌های جهاد اقتصادی:

رهبر معظم انقلاب طی بیانات خود در جمع زائران حرم رضوی در ارتباط با تعیین شاخص‌های جهاد اقتصادی فرمودند: "آنچه در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده در برنامه پنجم است، که اعلام شده است. یعنی حداقل رشد هشت درصدی. در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره‌وری است؛ یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم. من دو سال قبل در زمینه مسئله صرفه جویی و مشکلاتی که در باب بهره‌وری وجود دارد، در همین سخنرانی اول سال مطالبی عرض کردم. مردم باید این‌ها را بدانند. من به مسئولان کشور توصیه می‌کنم که در زمینه اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور، و همچنین کاهش فاصله درآمدی دهک‌های بالا و پائین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخش‌های مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکاف‌ها مطلوب ما نیست. اسلام نمی‌پسندد. تا حدی که در برنامه پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد. کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال در کشور، از جمله مسائل بسیار اساسی و مهم است. همچنین مسئله افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از جمله مسائل مهم و اساسی است، که یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونی‌ها است، که بوسیله تعاونی‌ها سرمایه‌های بزرگ تشکیل بشود، و بتواند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کنند، و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد. بایستی زیر ساخت‌های حقوقی و قانونی‌اش آماده شود. این، یعنی حمایت از شکوفائی کار.

صرفه جویی در مواد اساسی، از جمله صرفه جویی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف می‌کنیم در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه‌های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه بخش‌های دیگر، بخش خانگی، بخش صنعتی و بخش‌هایی که احتیاج به آب دارند، ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده می‌کنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی ده درصد صرفه جویی کنیم، ببینید چه اتفاقی می‌افتد. در واقع امکانات بهره‌برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر می‌شود که این بسیار چیز مهم و با ارزشی است."

شاخص‌های کلان مطرح شده در این بیانات را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

- رشد پرشتاب کشور
- افزایش بهره‌وری
- کاهش فاصله درآمدی دهک‌های بالا و پائین جامعه
- کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال
- افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
- توسعه بخش تعاون
- صرفه‌جویی و اصلاح الگوی مصرف

۳- راهکارهای جهاد اقتصادی در زیربخش‌های مختلف امور زیربنایی و تولیدی

محورها، اولویت‌ها و راهبردهای جهاد اقتصادی در زیربخش‌های مختلف

امور زیربنایی و تولیدی شامل موارد ذیل می‌گردد:

- کشاورزی، آب و منابع طبیعی،
- انرژی،
- فناوری اطلاعات و ارتباطات،
- مسکن و شهرسازی،
- حمل و نقل،
- صنعت و معدن، و خدمات.

۱-۳- اولویت جهاد اقتصادی در بخش کشاورزی، آب و منابع طبیعی

در بخش کشاورزی، می‌توان "افزایش ضریب بهره‌وری آب و ضریب تبدیل آن به ماده خشک، از وضع موجود، به متوسط جهانی" و "تحقق تامین ۹۰ درصد نیاز مواد غذایی جامعه با تولیدات داخلی" را مهم‌ترین محورهای جهاد اقتصادی قلمداد نمود.

در حال حاضر ضریب بهره‌وری آب در بخش کشاورزی در کل کشور ۴۱ درصد است، درحالی‌که متوسط جهانی ۶۵ درصد می‌باشد. بهره‌وری پایین باعث بروز بحران آب شده، این در حالی است که بیش از مساله کمبود آب، کشور از مشکل عدم مدیریت بهینه منابع آب موجود رنج می‌برد.

از سوی دیگر ضریب تبدیل آب به محصولات کشاورزی (زرعی و باغی) در کشور ۹۰۰ گرم است، که با متوسط جهانی این ضریب تبدیل، فاصله زیادی دارد. در بسته پیشنهادی کمیته کشاورزی، منابع طبیعی و امنیت غذایی؛ برای برنامه پنجم کشور، پیش‌بینی شده است که این رقم به ۱۴۰۰ گرم برسد.

راهبردها و سیاست‌های ذیل جهت تحقق جهاد اقتصادی در بخش کشاورزی توصیه می‌گردد:

۱-۱-۳- اقدامات اصلاحی در بخش کشاورزی

اجرای دقیق قوانین مصوب (قانونمداری)

همان دلایلی که تا کنون موجب عدم اجرای قانون بوده‌اند؛ همچنان وجود دارند، و سیاست تنظیم بازار از طریق واردات که نتیجه آن، آسیب به تولید و تولیدکنندگان بخش کشاورزی است، تداوم داشته است؛ این در حالی است که مقام معظم رهبری در حمایت از تولید داخلی در مقابل واردات بی‌رویه تأکید فرمودند "فراوانی و ارزانی خوب است، اما از آن مهم‌تر رشد صنعت داخل است، و نباید به استناد دلایل واهی دروازه را به روی واردات باز کرد".

در این راستا ضروریست با اجرای صحیح و دقیق قوانین حمایت از تولید کنندگان داخلی، زمینه شکوفایی بخش کشاورزی مهیا گردد.

راهبردهای توسعه کشاورزی

توسعه متوازن بخش‌های اقتصادی با اولویت تخصیص منابع به بخش کشاورزی، به عنوان راهبرد مطلوب، مورد تأکید است. این امر نیازمند تمهیداتی همچون اقتصادی کردن تولید و افزایش درآمد روستائیان، تکمیل زنجیره‌ی ارزش و تقویت رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی، توسعه بازار و اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی، شکوفاسازی بخش غیر دولتی و واگذاری تصدی‌گری، توسعه دانایی، برون‌سپاری خدمات فنی - تخصصی و ارتقای بهره‌وری، گسترش کشاورزی صنعتی و خدمات نوین، اعمال مقررات تولید، ارتقای کیفیت و سلامت محصولات تولیدی می‌باشد.

توجه به مزیت رقابتی

با عنایت به اینکه جهت‌گیری کشورها از مزیت نسبی به سوی مزیت رقابتی است، این امر بایستی در کانون توجه قرار گیرد. یکی از راه‌های مهم ایجاد و ارتقاء توان رقابتی تولیدات بخش کشاورزی، ایجاد پیوندهای عمودی و افقی، یا مدیریت صحیح زنجیره عرضه است. بنابراین چنانچه پیوندهای بین کشاورزان و عوامل مختلف در بخش کشاورزی، به شیوه مناسبی برقرار گردد، زمینه ارتقاء توان رقابتی محصولات کشاورزی در عرصه جهانی فراهم خواهد گردید.

تقدم حمایت از تولید

تجارب گذشته نشان می‌دهد با حفظ رابطه مبادله، در گام نخست، تولید کنندگان کشاورزی حمایت و حفاظت می‌شوند. حمایت از تولیدکننده موجب تحرک در ظرفیت‌های راکد، رشد سریع تولید، رشد بهره‌وری، کاهش قیمت تمام شده، و افزایش رفاه مصرف‌کنندگان می‌گردد؛ و تولید بیشتر داخلی، از تأثیر منفی فزونی عرضه، کاسته، و درآمد تولیدکننده را حفظ، و موجب ارتقاء توان و رفاه آنان می‌شود.

انعطاف‌پذیری در سیاست ارزی

استمرار حیات بازار ارز کشور همگام با دیگر بازارهای بین‌المللی، متضمن رعایت قاعده کلی «وجود یک قیمت» است. تغییر سطح عمومی قیمت‌ها (تورم)

در کشور و در سطح بین‌المللی، موجب تغییر در نرخ ارز شده، تا مانع انحراف در تخصیص منابع بین کالاها و خدمات داخلی و خارجی شود و قابلیت تولیدات داخلی در سطح بین‌المللی حفظ گردد.

حمایت تعرفه‌ای از تولید متناسب با نرخ ارز

نظام فعلی تعرفه‌ها امکان حمایت از تولیدات کشاورزی کشور را فراهم نمی‌آورد؛ و نیازمند اصلاح است. نرخ تعرفه ارتباط مستقیم با نرخ ارز دارد. در شرایط تثبیت نرخ ارز، افزایش نرخ اسمی تعرفه اجتناب‌ناپذیر است. تعرفه کالاهای حساس و مهم اهمیت بیشتری نسبت به میانگین تعرفه بخش دارند. مجوز جهاد کشاورزی برای تغییر سطح میانگین تعرفه‌ها در این بخش، نحوه تخصیص، و اختیار تعیین ابزار تعرفه‌ای مناسب محصولات کشاورزی ضروری است.

ایجاد مدیریت زنجیره تولید

هدف از ایجاد یا توسعه زنجیره تولید، حذف واسطه‌ها نیست؛ بلکه رقابت با واسطه برای رساندن بخشی از سود حاشیه بازار به تولیدکننده است. با کاهش سود حاشیه بازار، بدون اینکه هزینه مصرف‌کننده افزایش یابد، درآمد تولیدکننده افزایش می‌یابد. البته این راه‌حل به تنهایی کافی نبوده و جایگزین افزایش درآمد تولیدکنندگان از طریق ایجاد زیربناها و کاهش هزینه‌ها، و همچنین حمایت‌های داخلی به‌عنوان عوامل اساسی افزایش توان رقابت بخش کشاورزی نیست.

حمایت جامع از بخش کشاورزی

سبد حمایتی متناسب با ساختار تولید و ساختار بازار هر محصول، و کاربست ترکیبی و همزمان ابزارهای سیاستی، امری ضروریست. این حمایت در بستر نهادی موجود، امکانپذیر نمی‌باشد و نیازمند طراحی نظام حمایتی جدید، و نهاد کارآمد و متناسب با آن است. دو رویکرد اساسی موثر، کاهش قیمت تمام‌شده و سهیم شدن کشاورز در سود حاشیه بازار است؛ که موجب افزایش درآمد کشاورزان می‌شود.

۲-۱-۳- سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری

• ارتقای شاخص‌های سلامت هوا، امنیت غذا، محیط و بهداشت جسمی و روحی،

• ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به (یک سوم) در پایان برنامه،

• توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی آب، در راستای

تسریع در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن، و مهار آب‌هایی که

از کشور خارج می‌شود، با اولویت استفاده از منابع آبی مشترک،

• هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن یارانه‌های

غیر آشکار،

• اجرای طرح‌های توسعه روستایی، گسترش کشاورزی صنعتی، صنایع روستایی

و ارتقای سطح درآمد و زندگی روستائیان، ارایه خدمات نوین و اصلاح نظام

قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی.

• گسترش کمی و کیفی بیمه درمانی فراگیر و نظام تأمین اجتماعی،

• توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد جامعه

به نحوی که تا پایان برنامه پنجم توسعه سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد.

• ارتقای بهره‌وری منابع، عوامل و فعالیت‌ها در بخش کشاورزی،

• ارتقای شاخص ضریب امنیت غذایی در محصولات اساسی و افزایش تولید و

فرآوری محصولات کشاورزی،

• حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و منابع پایه،

• توسعه بازار، و صادرات محصولات و فرآورده‌های کشاورزی،

• ارتقای سطح امنیت سرمایه‌گذاری و تولید در بخش کشاورزی، و بهبود سطح

درآمد و زندگی کشاورزان، روستائیان و عشایر.

۳-۱-۳- اقدامات پیشنهادی در بخش‌های کشاورزی و آب

• تلاش جهادی در جهت تحقق اهداف برنامه‌های بخش آب و کشاورزی، به

ویژه رسیدن به رشد ۸ درصدی در سال،

• مدیریت بهره‌وری و تعیین شاخص‌های بهره‌وری،

- کاهش تصدی گری دولت و تدوین ضوابط مشارکت بخش غیردولتی،
- تشویق تشکل‌های صنفی و تخصصی در بخش کشاورزی و افزایش مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی و اجرا،
- افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش با اتکا به منابع عمومی و غیردولتی،
- تنوع بخشی به سیاست‌های حمایتی در راستای روش‌های کارآمدتر،
- تحول در مدیریت اطلاعات و اطلاع رسانی،
- ارتقاء سلامت محصولات کشاورزی و مواد غذایی،
- ممانعت از واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی،
- ارتقای بهره‌وری عوامل تولید، به ویژه آب،
- هماهنگی و اصلاح ساختار مدیریت آب،
- توسعه و بهره‌برداری از منابع آب در راستای تحقق توسعه پایدار،
- تعادل بین منابع تامین و مصارف آب، و جبران بیلان منفی آب‌های زیرزمینی،

۲-۳- فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)

در راستای طرح جهاد اقتصادی، مهم‌ترین محورهای فعالیت در این زیربخش را بایستی "تلاش در جهت کاهش شکاف دیجیتالی (اطلاعاتی و ارتباطی) کشور با کشورهای منطقه و جهان" و "بهبود شاخص آمادگی الکترونیکی کشور با توجه به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله" در نظر گرفت. فاوا در حوزه‌های گوناگون نقش بی‌بدیلی دارد. در ادامه به نقش و ابعاد گوناگون آن در اجرای فرمان رهبر معظم انقلاب در رابطه با جهاد اقتصادی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳- فاوا و اقتصاد دانش بنیان

فاوا نقشی بنیادین در حرکت جهادی به سوی اقتصاد دانش بنیان^۱ دارد. رشد و توسعه فناوری اطلاعات، ضرورت مبنایی استقرار اقتصاد دانش بنیان است. گزارش منتشره آنکتاد در سال ۲۰۰۷ بیانگر آنست که یک درصد افزایش در شاخص (Infodensity) که عبارت از مهارت‌های فاوا، همراه با زیرساخت‌های فاوا^۲ می‌باشد؛ موجب ۰/۳ درصد افزایش در GDP سرانه خواهد شد.

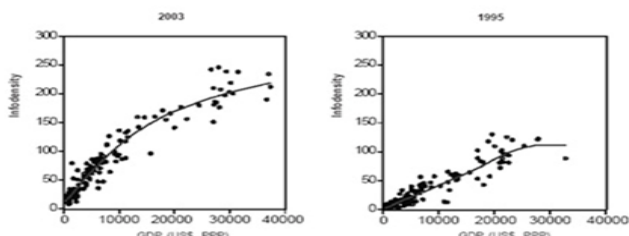
1 - Knowledge Base Economy

2 - ICT skills + ICT Infrastructure

تأثیرات فاوا در اقتصاد کلان

همبستگی مثبت بین GDP و شاخص *Infodensity*

Infodensity در اختصار عبارتست از وظیفمندی بهره‌ورانه فاوا در اقتصاد



۲-۲-۳- نقش فاوا در افزایش ثروت کشور

افزایش ثروت منوط به تولید بیشتر کالا و خدمات است، و این افزایش سطح، خود، تحت تأثیر دو مؤلفه مهم خواهد بود: (۱) افزایش سرمایه‌گذاری‌های جدید (۲) افزایش بهره‌وری.

(۱) افزایش سرمایه‌گذاری‌های جدید: بنا بر اعلام OECD توجه جدی به فاوا در موارد زیر تأثیر جدی در رشد اقتصاد کلان و تولید ثروت داشته است:

• نقش اثرگذار فاوا به عنوان بخش کامل‌کننده و پیشران^۱ در حوزه تولیدات کالا و خدمات،

• تأثیر فاوا در راستای نوآوری در دسترسی به سهم بیشتر از بازار،

• کمک فاوا در افزایش مهارت کارکنان و سازماندهی مناسب،

• فراهم آوردن امکان عدم تمرکز، و حرکت به سوی دورکاری در جهت کاهش هزینه‌ها، (۲) افزایش بهره‌وری: دومین موضوع مهم در تولید ثروت که نیازمند حرکتی جدی و جهادی می‌باشد، افزایش بهره‌وریست. این شاخص در میان دوازده کشور توسعه‌یافته حدود چهل‌ونه درصد، و در میان بیست کشور در حال توسعه سی‌ویک درصد می‌باشد. مطابق مطالعات انجام شده در زمینه بهره‌وری، فاوا در ارتباط با نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز، اثرگذار است. اتوماسیون موجب افزایش تولید و کیفیت و کاهش هزینه‌ها و در نهایت موجب افزایش بهره‌وری می‌گردد.

1 - Enabler

رشد تولید و بهره‌وری در برنامه چهارم

سایر خدمات	خدمات عمومی	بازرگانی	ارتباطات	حمل و نقل	رشد تولید و بهره‌وری
۰/۹	۴/۳	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۱۱	میانگین رشد تولید
۶/۱	۲/۰	۶/۱	۸/۶	۶/۴	رشد بهره‌وری سرمایه
۵/۶	۳/۲	۷/۵	۰/۹	۰/۴	رشد بهره‌وری نیروی کار
۰/۲	۱/۱	۳/۴	۹/۷	۳/۴	رشد بهره‌وری کل عوامل تولید
۹/۲۱	۶/۳۳	۳/۳۰	۷/۴۳	۰/۳۹	سهام رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد بخش‌های اقتصادی

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق - دفتر اقتصاد کلان

۳-۲-۳- نقش فاوا بعنوان یک مولفه در توسعه کسب و کار

امروزه کسب و کار در حوزه‌های زیر بیشترین سطح اشتغال و درآمدزایی را به همراه دارد:

- سخت‌افزارها، اعم از رایانه‌های شخصی تا ابررایانه‌ها، و تجهیزات جانبی اعم از سرمایه‌ای یا مصرفی، طیف وسیعی از تولیدات را در بر می‌گیرد، و امروزه بازار بسیار گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است.
- نرم‌افزارها، اعم از نرم‌افزارهای سیستمی، نرم‌افزارهای کاربردی و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها، که دارای بیشترین نرخ بازده سرمایه و سود در دنیای امروز می‌باشند.
- میزبانی اطلاعات، و کسب و کار در حوزه اینترنت،
- مخابرات اعم از شبکه‌های سیمی و بدون سیم، موبایل و ... به گونه‌ای حیرت‌انگیز در رشد و توسعه اقتصاد ملی نقش آفرینی می‌نماید. کشورهای آسیای شرقی نظیر کره جنوبی و مالزی نمونه‌هایی هستند که با سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها، جهشی خیره‌کننده داشته‌اند،
- آموزش و خدمات پشتیبانی در حوزه‌های سخت/نرم‌افزار و مخابرات، قابلیت فراوانی در ایجاد اشتغال مولد دارد،

توسعه کسب و کار الکترونیک



راهبردهای توانمندساز

ایجاد توانایی و مهارت در

سطح بنگاه و سازمان

ایجاد توانایی و مهارت در

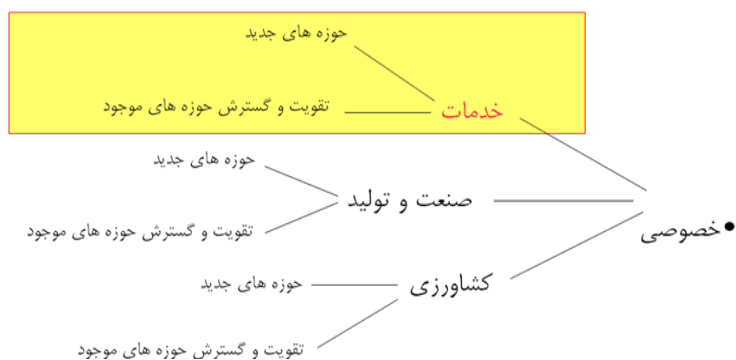
سطح فرد و خانواده

نقش فاوا در توسعه کسب و کارها

- کمک به راه اندازی کسب و کارهای متوسط و کوچک (MSE)،
- کمک به ایجاد چرخه تولید ثروت،
- توسعه شبکه های اجتماعی و دانشی،
- توسعه ارتباطات،
- کمک به کنترل و مانیتور نمودن محیط،
- کاهش هزینه ها: هزینه تأمین پهنای باند اینترنت پرسرعت، کمتر از یک درصد توسعه شبکه راه های فیزیکی می باشد.

فضای اشتغال کشور

• دولتی : اشباع شده است.



از سوی دیگر فاوا به عنوان ابزار مناسب مبارزه با فساد اداری، تمهیدی ضروری در راستای تامین شفافیت عملکرد دستگاه‌های دولتی و خدمات عمومی، و اعمال نظارت مؤثر، و ارزیابی دقیق بهره‌وری و بازدهی دستگاه‌های مربوطه می‌باشد. اتوماسیون کامل فرآیند خریدهای دولتی که در سال‌های اخیر در دستور کار دولت نیز بوده است، به عنوان یکی از تمهیدات اساسی در زمینه کاهش هزینه، افزایش بهره‌وری و کاهش فساد معرفی گردیده است.

ایجاد فرایند الکترونیکی خریدهای دولتی، به معنی فراهم ساختن زمینه و فرصت برابر رقابت در مناقصات برای عرضه‌کنندگان، و کاهش یا حذف تعاملات مستقیم فروشندگان با کارگزاران خرید دستگاه‌ها می‌باشد.

۴-۲-۳- نقش فاوا در استقرار دولت الکترونیک

توسعه شبکه بانکداری، بیمه، اخذ مالیات، شبکه فراگیر بهداشت و درمان، تامین بهینه امنیت، آموزش، تجارت و... در قالب الکترونیک، و بطور خلاصه ایجاد دولت الکترونیک، که متضمن افزایش سرانه خدمات الکترونیک است، می‌بایست در جهاد اقتصادی به صورت محوری مورد توجه قرار گیرد.

۵-۲-۳- شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران

بر اساس ارزیابی‌های انجام شده توسط سازمان ملل، رتبه ایران در شاخص دولت الکترونیک، در میان ۱۶۸ کشور جهان، رتبه ۱۰۲، و همچنین در بین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا رتبه ۱۵ می‌باشد، که جایگاه مطلوب و مناسبی نیست.

رتبه در منطقه	کشور	جایگاه شاخص دولت الکترونیکی در جهان	امتیاز
۱	بحرین	۱۳	۰.۷۳۶۳
۲	قزاقستان	۴۶	۰.۵۵۷۸
۳	امارات متحده عربی	۴۹	۰.۵۳۴۹
۴	کویت	۵۰	۰.۵۲۹۰
۵	اردن	۵۱	۰.۵۲۷۸
۶	عربستان سعودی	۵۸	۰.۵۱۴۲
۷	قطر	۶۲	۰.۴۹۲۸
۸	ترکیه	۶۹	۰.۴۷۸۰
۹	عمان	۸۲	۰.۴۵۷۶
۱۰	آذربایجان	۸۳	۰.۴۵۷۱
۱۱	ازبکستان	۸۷	۰.۴۴۹۸
۱۲	قرقیزستان	۹۱	۰.۴۴۱۷
۱۳	لبنان	۹۳	۰.۴۳۸۸
۱۴	گرجستان	۱۰۰	۰.۴۲۴۸
۱۵	ایران	۱۰۲	۰.۴۲۳۴

در زمینه وضعیت آمادگی الکترونیکی، رتبه ایران در بین ۷۰ کشور جهان در رده ۶۹ قرار داشته، و در میان کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا در جایگاه نهم قرار دارد.

کشور	جایگاه شاخص آمادگی الکترونیکی	امتیاز از ۱۰
امارات متحده عربی	۳۲	۶,۲۵
ترکیه	۴۳	۵,۲۴
اردن	۵۱	۴,۷۶
عربستان	۵۲	۴,۷۵
مصر	۵۷	۴,۲۱
پاکستان	۶۶	۳,۵۵
قزاقستان	۶۷	۳,۴۴
الجزایر	۶۸	۳,۳۱
ایران	۶۹	۳,۲۴

از دیگر شاخص‌های قابل ملاحظه در خصوص وضعیت این زیربخش، می‌توان از شاخص توسعه فاوا، شاخص هزینه سید فاوا^۱، شاخص دانش اقتصادی^۲ و شاخص آمادگی شبکه‌ای^۳ نام برد. در خصوص شاخص توسعه فاوا، مطابق آخرین آمار (سال ۲۰۰۸) ارائه شده، ایران در بین ۱۵۹ کشور جهان رتبه ۸۴ را داشته، و از طرفی در بین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا در جایگاه ۱۳ قرار دارد.

رتبه در منطقه	کشور	جایگاه شاخص توسعه فاوا درجهان	امتیاز
۱	امارت متحده عربی	۲۹	۶,۱۱
۲	بحرین	۳۳	۵,۶۷
۳	قطر	۴۵	۴,۶۷
۴	عربستان سعودی	۵۲	۴,۴۴
۵	ترکیه	۵۷	۳,۹۰
۶	کویت	۶۵	۳,۶۴
۷	قزاقستان	۶۹	۳,۲۷
۸	عمان	۷۱	۳,۴۵
۹	اردن	۷۴	۳,۳۳
۱۰	گرجستان	۸۰	۳,۲۲
۱۱	آذربایجان	۸۱	۳,۱۸
۱۲	لبنان	۸۲	۳,۱۷
۱۳	ایران	۸۴	۳,۰۸

- 1 - ICT Price Basket
- 2 - Knowledge Economic Index
- 3- Network Readiness Index

درزمینه شاخص هزینه سبد فاوا، طبق آخرین آمار ارائه شده، (سال ۲۰۰۹)، ایران در بین ۱۵۹ کشور جهان، رتبه ۸۳ را داشته، و نیز در بین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا در جایگاه ۱۱ قرار دارد. در شاخص دانش اقتصادی، ایران در بین ۱۴۰ کشور جهان، رتبه ۹۲ را دارا بوده، و در میان کشورهای منطقه جایگاه ۱۴ را دارد. در شاخص آمادگی شبکه‌ای نیز بین ۱۴۰ کشور جهان، کشور ما قرار ندارد؛ و در بین کشورهای منطقه، ۱۵ کشور در این رتبه بندی قرار دارند. (امکان دارد ما در رتبه ۱۶ قرار داشته باشیم).

۵-۲-۳- اقدامات پیشنهادی در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات:

با عنایت به جایگاه خاص فناوری اطلاعات و ارتباطات، هم به عنوان یک بخش مستقل در اقتصاد ملی، و هم به عنوان یک زیرساخت توانمندساز، اقدامات اساسی زیر می‌بایست با روشی جهادی مد نظر قرار گیرند:

- تدوین برنامه جامع توسعه زیرساخت‌های فاوا به ویژه در زمینه گسترش شبکه باند پهن امن و پایدار، با امکان دسترسی عمومی و با قیمت‌های متناسب با نرخ‌های جهانی
- اعمال تدابیر لازم جهت ارتقاء شاخص‌های حوزه فاوا، به منظور دسترسی به بالاترین شاخص سرانه خدمات الکترونیک، در راستای کسب رتبه اول منطقه ای برابر سند چشم انداز
- اصلاح ساختارها با رویکرد رقابت‌محوری
- ایجاد و تقویت شهرک‌ها و پارک‌های علمی و مراکز رشد در حوزه فاوا، و حمایت از تجاری‌سازی نتایج تحقیقات
- توسعه فضا و امکانات آموزشی به منظور تأمین و ارتقاء نیروی انسانی مورد نیاز در حوزه فاوا و تشویق متخصصان برای کشف حوزه‌های جدید کسب و کار،
- ایجاد بنگاه‌های کوچک دانش‌محور
- یکپارچه‌سازی و استانداردسازی پایگاه‌های داده‌ای جهت بکارگیری بهینه منابع اطلاعاتی، در راستای ارائه خدمات مطمئن، سریع و ارزان در تولید، تجارت و شناساندن تولیدات و خدمات ملی، در عرصه داخلی و خارجی

- توسعه صنایع طراحی، ساخت و خدمات در حوزه فاوا
- توسعه کسب و کار و عرضه محصولات سخت / نرم افزاری و مخابراتی در سطح ملی و بین‌المللی
- ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه کارآفرینی در حوزه کسب و کار، و تولید ثروت
- بکارگیری مؤثر فاوا در افزایش بهره‌وری
- تشکیل بازارهای ترکیبی (بنگاه به بنگاه) و بنگاه به مشتری در فضای سایبر
- اقدامات فوق بایستی به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا گردد که اولاً عقب‌ماندگی‌های موجود در شاخص‌های مربوطه از جمله:
 - شاخص اقتصاد دانایی محور^۱
 - شاخص فرصت‌های دیجیتالی^۲
 - شاخص توسعه فاوا^۳
 - شاخص آمادگی الکترونیک^۴
 - شاخص آمادگی شبکه ترکیبی^۵
 - شاخص دولت الکترونیک^۶
 - شاخص ترکیبی هزینه سبد فاوا
 - شاخص ترکیبی سرانه خدمات الکترونیکی
 - شاخص‌های مخابراتی به ویژه اینترنت پرسرعت و پهنای باند
- جبران گردیده، ثانیاً رتبه دوم در منطقه برابر برنامه پنج‌ساله پنجم، و رتبه اول برای سال ۱۴۰۴ بر اساس سند چشم‌انداز تحقق یابد، و این امر، عملی نخواهد گردید مگر با برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت جهادی.

-
- 1 - Knowledge Based Economy Index
 - 2 - Digital Opportunity Index (DOI)
 - 3 - ICT Development Index (IDI)
 - 4 - Electronic Readiness (ER)
 - 5 - Network Readiness Index (NRI)
 - 6 - Electronic Government (EGOV)

۳-۳- بخش مسکن:

بی شک بخش مسکن از اقتصاد کلان منفک نمی باشد. مطابق آمارها و واقعیات موجود، بخش مسکن در کشور بازده مطلوب را ندارد. بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در بخش مسکن از بین رفته‌اند. به جهت ارتباط تنگاتنگی که بخش مسکن با اقتصاد کلان داشته و همچنین در راستای حرکت جهادی در این بخش و نیز در جهت جبران عقب‌ماندگی‌ها و عدم تکرار اشتباهات گذشته (از جمله طرح نواب، که اقدام غیر موثری بوده و از تعبیر مقام معظم رهبری که فرمودند (برای مردم مسکن باشکوه بسازید) - فاصله بسیار زیادی دارد ضروری ست که به این بخش به شکل ویژه‌ای عنایت شود.

مهم‌ترین محور حرکت جهادی در این بخش را می‌توان "آزادسازی انرژی و منابع مالی بخش خصوصی برای رونق بخشیدن به بخش مسکن با توجه به اصول: صنعتی‌سازی، انبوه‌سازی، کوچک‌سازی و سبک‌سازی، برای دهک‌های مختلف جمعیتی در محیط‌های شهری و روستایی" برشمرد. به جهت ارائه سیاست‌های جهادی در بخش مسکن، در گام نخست ضروریست این بخش به زیربخش‌های مربوطه تقسیم گردد؛ که عبارتند از:

- مسکن و ساختمان،

- مسکن و بافت فرسوده،

- مسکن مهر،

در ادامه سیاست‌هایی برای جهاد اقتصادی در هر کدام از زیربخش‌های فوق‌الذکر پیشنهاد گردیده است:

۳-۳-۱- مسکن و ساختمان:

مسکن جزئی از بخش ساختمان است. ساختمان بخش مهمی است که به اقتصاد حرکت می‌بخشد؛ بنابراین بایستی به آن توجه جدی داشت.

- مشکلات بخش مسکن و ساختمان:

• تولید مسکن در کشور ما بصورت تولید انبوه است، و بخش تعاونی یک شبکه حساب شده که ورود و خروج به آن تعریف دارد، نیست؛ به بیان دیگر تولید مسکن

به شکل تعاونی با استانداردهای بین‌المللی مطابقت ندارد،
 • تمرکز بر محور حمایتی و گروه‌های کم‌درآمد (باید همه گروه‌های مردم در نظر گرفته شوند و به ایشان اجازه فعالیت داده شود).

۲-۳-۳- مسکن و بافت فرسوده:

ورود به این بافت‌ها امری حساس است. مردمی که در بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند، می‌خواهند که دارای خانه‌های خوبی باشند، این امر تاکنون محقق نگردیده است، چرا که مردم مورد توجه نبوده‌اند. پول‌های مردم در بخش بافت فرسوده از بین رفته و سودی عاید آنان نگردیده است، در حالی که مردم باید منتفع باشند و سیاست برد-برد بین مردم و دولت برقرار شود. به عنوان یک تجربه موفق می‌توان به انگلستان اشاره کرد. در این کشور هم دولت و هم بخش خصوصی، در کنار یکدیگر بخش عمومی قوی‌ای را تشکیل داده‌اند و مردم با حضور فعال خود، زمین‌ها را خریداری نموده و سال به سال بافت‌های فرسوده را نوسازی می‌نمایند. در ایران چنین شرکت‌هایی وجود ندارند.

- مشکلات مسکن و بافت فرسوده:

• عدم منتفع شدن مردم و عدم برقراری سیاست برد-برد،
 • مسائل حقوقی بافت فرسوده، به عنوان مانعی در جهت رونق ساخت و سازها در این بخش،

۳-۳-۳- مسکن مهر:

طرح مسکن مهر، نوعی حرکتی جهادی در بخش مسکن است که از دو سال پیش آغاز گردیده است. اما در این زمینه سوالاتی مطرح است از جمله اینکه: آیا این طرح موثر بوده است؟ آیا هرگونه حرکت جهادی دارای بازده مطلوب و مفید است؟ پاسخ این سوالات منفی است. حرکت جهاد گونه بدون داشتن هدف و برنامه مناسب، مثمر ثمر نبوده و منجر به اتلاف منابع خواهد شد. علی‌رغم آنچه که بیان گردید، باید اذعان داشت که شرکت سرمایه‌گذاری مسکن مهر دارای آثار مطلوبی نیز بوده است؛ چرا که اگر مسکن مهر نبود، بیکاری در سطح بسیار بالاتری قرار

داشت. اما از سوی دیگر، طرح مسکن مهر به بخش خصوصی لطمات فراوانی وارد آورده است. به نظر می‌رسد اگر همانند طرح بهسازی روستاها عمل می‌شد، نتایج مطلوب تری حاصل می‌گردید.

- اهم مشکلات طرح مسکن مهر را می‌توان اینگونه برشمرد:

- فقدان هدف گذاری،
- وارد آوردن لطمات فراوان به بخش خصوصی،
- مشخص نبودن دهک‌های منتفع از طرح مسکن مهر،

۴-۳-۳- سیاست‌ها و اقدامات پیشنهادی در بخش مسکن:

با عنایت به این امر که مسکن کالایی مهم در زندگی مردم بوده و سهم آن در بودجه، سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده بسیار زیاد است (ارزش افزوده بخش مسکن تقریباً ۵٪ ارزش افزوده کل کشور می‌باشد)، معضلات این بخش نیز فراوان است. در این راستا توانمندسازی خانوارها در خرید مسکن در حل معضلات این بخش مؤثر خواهد بود. بنابراین شیوه‌های جدید تامین منابع مالی باید عملیاتی شود. ابزارهای مالی که بازار مسکن را به بازار سرمایه کشور وصل می‌کند، در قانون ساماندهی ماده ۱۴ طراحی شده است. مهم‌ترین اقدام دولت باید حل مشکل مالی باشد، بگونه‌ای که توان مردم و سرمایه‌گذاران در عرصه خرید و ساخت مسکن ارتقاء یابد.

سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی نیز باید به بخش تولید مسکن ورود پیدا کند. تمهیداتی پیش بینی شده است که از طریق آن‌ها، این مشکل حل گردد؛ از جمله طراحی پروژه‌های تجاری/مسکونی ترکیبی بدون حمایت دولت. این پروژه‌ها سودآور بوده، می‌تواند سطح تولید مسکن را افزایش دهد. این امر رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

نکته حایز توجه دیگر در بخش مسکن آنست که سالانه تقریباً ۱۳٪ رشد اشتغال کشور، در این بخش می‌باشد. با عنایت به موارد فوق، قطعاً امسال برنامه‌ها نباید فقط محور حمایتی داشته باشند، بلکه باید بگونه‌ای باشند که کلیه گروه‌ها را، چه از منظر متقاضیان و چه از منظر سرمایه‌گذاران بخش مسکن در بر گرفته، و به آنها اجازه فعالیت دهد. اگر این اقدامات و تمهیدات صورت اجرایی گیرند، قطعاً آن حرکت جهاد گونه تحقق خواهد یافت.

– سیاست‌های پیشنهادی در بخش مسکن و ساختمان:

- برنامه مسکن جوانان،
- ایجاد بخش های تعاونی،
- حمایت از بنگاه های کوچک،
- حمایت از تولید مسکن کوچک،
- حمایت از پیمانکاران، مشاوران و...
- تهیه بسته سیاستی مخصوص بانک ها،
- ارائه وام مناسب در شهرهای کوچک،
- تجدید نظر در ارایه تسهیلات توسط دولت،
- سامان دهی مسکن در حاشیه ی شهرها، توام با اشتغال
- حمایت دولت از فناوری های نوین از طریق سیاست گذاری
- حمایت از سیاست پاک (پس انداز، انبوه سازی، کوچک سازی)
- توجه به اصل ۴۴ (واگذاری کار ساخت و ساز به بخش خصوصی و رفع موانع موجود)

• ایجاد چتر حمایتی با نام شورای عالی مسکن، جهت جلوگیری از موازی کاری

- طراحی و اجرای برنامه های جدی و موثر برای قشر متوسط و آسیب پذیر،
- تشکیل صندوق زمین و ساختمان (یکی از سهامداران صاحب ملک باشد، که البته این امر به فرهنگ سازی نیازمند است)
- حل مسائل تامین منابع مالی (تغییر روش تامین منابع مالی و ...)، تا همه اقشار در فرایند ساخت و خرید مسکن توانمند گردند.

– سیاست‌های پیشنهادی در بخش مسکن و بافت فرسوده:

- تشکیل شرکتهایی با حضور موثر دولت، بخش خصوصی و مردم،
- حمایت خاص دولت از بازسازی بافت فرسوده (در صورتی که به جای گسترش شهر، از تولید مسکن در بافت فرسوده حمایت شود، از بسیاری جهات

صرفه‌جویی می‌شود؛ زیرا این مناطق به لحاظ اجتماعی و اقتصادی کم‌بازده هستند و تمایل برای سرمایه‌گذاری در آن‌ها پایین است.)

- سیاست‌های پیشنهادی در بخش مسکن مهر:

- جذاب کردن طرح مسکن مهر
- مشخص سازی دقیق دهک های طرح
- ورود موثرتر بخش خصوصی
- بهره‌گیری از تجربه طرح بهسازی روستاها در مسکن مهر

۴-۳- بخش انرژی:

مهم‌ترین محورهای بخش انرژی برای حرکت جهادی را می‌توان "کاهش مصرف انرژی به میزان ۶۶٪ تا افق چشم‌انداز"، "تأمین انرژی مورد نیاز برای رشد ۸/۶ درصدی اقتصاد ملی"، "تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری"، "اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در بخش انرژی، به ویژه صنعت نفت و گاز" و "تشکیل بنگاه‌های فراگیر ملی با بهره‌گیری از تجارب سه دهه انقلاب اسلامی جهت حضور در بخش بالادستی نفت و گاز منطقه، به عنوان محرک‌ها و پیشران‌های جهاد اقتصادی در تجارت خارجی" برشمرد. با توجه به مطالب ارائه‌شده، اقدامات پیشنهادی در این بخش عبارتند از:

۱-۳-۴- بهره‌گیری از منابع مردمی (نیروی انسانی و سرمایه مالی) از طریق مشارکت موثر آن‌ها، و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی کارآمد، در حداقل زمان ممکن با نظارت مؤثر دولت،

۲-۳-۴- بکارگیری پتانسیل سرمایه‌ای منابع مالی کشور از جمله:

۱-۲-۳-۴- بکارگیری بیست میلیارد دلار سپرده بانک مرکزی در بانک‌های چین، که با هدف اخذ فاینانس صورت پذیرفته، اما تاکنون عملی نشده است. لذا پیشنهاد می‌شود این رقم به شرط عدم تبدیل به ریال، به بانک‌های داخلی منتقل گردیده و با موظف کردن آن‌ها به پرداخت سهم از سوی خود، جهت پروژه‌ها و طرح‌های فاینانس، به آنان اعطا گردد.

۲-۲-۳- استفاده از ارز سپرده بانک مرکزی، که طبق برآوردهای به عمل آمده یکصد میلیارد دلار می باشد. این مبلغ بایستی در اختیار بانک‌های داخلی قرار گرفته و با شرط عدم تبدیل به ریال به عنوان منابع مالی برای سرمایه‌گذاری طرح‌های بخش انرژی مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۲-۳- نحوه استفاده از منابع محدود موجود، نیازمند اولویت بندی است، لذا بایستی صرفاً فازهای ناقص و نزدیک به بهره‌برداری پارس جنوبی تکمیل گردد.

۳-۳-۳- ایجاد تعادل اقتصادی در بخش تولید انرژی برق: قیمت واقعی خدمات انرژی (مانند برق) باید پرداخت گردد، تا بنگاه‌های اقتصادی تولیدکننده انرژی بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. هم‌اکنون شرکت‌های تولید کننده برق تنها بخشی از پول حاصل از فروش برق را دریافت می‌کنند؛ که با اقتضانات کار اقتصادی منافات دارد. همچنین شرکت‌ها بدلیل عدم وجود فاینانس خارجی قادر به اجرای طرح‌های نگهداری و توسعه خود نیستند. شرکت توانیر بیش از هفت هزار میلیارد تومان بدهی به پیمانکاران دارد، که از عهده پرداخت آن بر نمی‌آید. ضمن آنکه بوروکراسی حاکم مانعی در جهت سرمایه‌گذاری مردم در بخش نیروگاه‌هاست. در این راستا، بایستی در هنگام اعلام جهاد اقتصادی، زمینه مناسب جهت حرکت جهادی نیز فراهم گردد.

۴-۳-۴- جلب مشارکت سرمایه‌های مردم مستلزم تعریف بسته‌های اقتصادی و پروژه‌ای با دوره بازگشت سرمایه کوتاه و جذاب است، که به نظر می‌رسد در حوزه انرژی این بسته‌های سرمایه‌گذاری قابل تعریف هستند. بگونه‌ای که می‌توانند با بازارهای دیگر جذب‌کننده نقدینگی، رقابت نمایند.

۱-۳-۴- سازوکار بهینه‌سازی مصرف انرژی در سمت مصرف‌کننده نهایی، فعالیت است که در چرخه کلان اقتصادی کشور دوره بازگشت سرمایه آن کوتاه است، از جمله کمک به مردم جهت عایق‌کاری ساختمان. این موضوع به صرفه‌جویی در مصرف منجر می‌گردد. از سویی اشتغال در حوزه مدیریت مصرف به عنوان یک محور جهاد اقتصادی نیز می‌تواند به حل مشکل اشتغال یاری نماید و نیز بهره‌وری این بخش، و درآمد دولت را افزایش دهد (با کاهش مصرف حامل‌های انرژی، مازاد آن صادر و تبدیل به ارز نقد می‌شود.) ساده‌ترین این اقدامات عایق‌کاری در ساختمان

ها و طرح اصلاح تجهیزات مصرفی مردم مثل بخاری و کولر می باشد، که همین امر موجب ایجاد اشتغال گردیده و حتی از طرح‌های سرمایه‌گذاری بزرگ نیز سریعتر به گردش در می‌آید، و شاخص‌های مربوط به اشتغال را بهبود می‌بخشد. جنس مساله نیز با جنس یک حرکت مردمی و جهادی در مقیاس گسترده هماهنگی دارد. ظرفیت‌های مطلوبی در بخش خصوصی با اتکای بانک‌ها وجود دارد، که می‌تواند از این حرکت‌ها پشتیبانی کند. در این قالب شرکت‌های خدمات انرژی می‌توانند ابزار مناسبی باشد، تا سهم مردم در حرکت جهادی، که مدیریت مصرف بهینه انرژی است، تحقق یابد.

۲-۴-۳- دولت از چرخه مالی تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی خارج شود. بدین صورت که طرف خریدار برق و طرف تأمین‌کننده، به صورت مستقیم در تعامل مالی باشند. بدین ترتیب که توزیع‌کننده و تولیدکننده برق همگی خصوصی باشند. سهم جهادی بخش دولتی در حوزه حامل‌های انرژی این است که از چرخه مالی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده خارج شده و نقش حاکمیتی و نظارتی خود را ایفا نماید. به نظر می‌رسد بحث هدفمند کردن یارانه‌ها درگیر مناقشات سیاسی گردیده، و دولت نتوانسته است بطور شایسته آن را اجرایی کند. در این راستا می‌بایست مبادلات در بخش خصوصی صورت گیرد، و دولت فقط در تزریق یارانه‌ها دخالت داشته باشد، نه در حوزه فروش برق و حامل‌های انرژی. اینکه شرکت‌توانیر از مردم ۴۵ تومان به ازای هر کیلووات ساعت، پول دریافت نماید و سپس به خزانه دولت واریز کرده و تنها ۲۷ تومان آن به تولیدکننده‌ی برق یعنی شرکت‌توانیر بازگشت داده شود، نقض غرض بوده، و بنگاه اقتصادی را از کار خواهد انداخت.

۳-۴-۳- دیگر حرکت جهادی دولت این است که از منابعی که در طرح‌های عمرانی استفاده می‌شود، صرف نظر نموده و حتی الامکان، به بخش خصوصی اجازه دهد از این پول استفاده نماید (حداقل در حوزه انرژی)

۴-۴-۳- دولت باید هزینه‌ها را کم، و فعالیت‌ها را افزایش دهد. اکنون در سال جهاد اقتصادی ساعت کار به ۳۲ ساعت در هفته تقلیل یافته، که مغایر حرکت جهادگونه است. این تصمیم کار و اشتغال را دچار رکود می‌نماید. انضباط مالی دولت در حوزه

اجرائی مستلزم آنست که هزینه ها را کاهش داده و با حداکثر بهره وری از نیروی انسانی استفاده شود.

۳-۴-۵- تسهیل بهینه معاملات بخش دولتی مانند مناقصات.

۳-۴-۶- تمرکز بر بهره‌برداری از مخازن مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه، و معین نمودن تکلیف آن‌ها در بازه زمانی مشخص (نوار مرزی غرب و خلیج فارس) با استفاده از مدیریت و سرمایه مردمی به صورت فروش سهام، و نه تنها اوراق مشارکت.

۳-۴-۷- کاستن از مقررات زاید، شرط لازم جهاد اقتصادی است. هم‌اکنون در برخی موارد تدوین قانون معاملات که از وظایف مجمع هر بنگاه اقتصادی است، توسط مجلس انجام می‌گیرد، که این امر موجب محافظه کاری مجری می‌گردد.

۳-۴-۸- در واگذاری‌ها علاوه بر سرمایه بخش خصوصی، توانایی و کارآمدی در اداره واحدها نیز، در نظر گرفته شود، تا اعمال مدیریت بصورت موثر انجام پذیرد. در واگذاری پتروشیمی و پالایشگاه‌ها به سهام عدالت، عملاً بخش خصوصی کارآمد مدیریت این واحدها را در راستای هدف مورد نظر، یعنی افزایش بهره وری به دست نگرفت، و اهداف مورد نظر محقق نگردد.

۳-۴-۹- جلوگیری از تلفات بیش از ۱۷۰ میلیون بشکه گازهای همراه نفت (معادل نفت خام)، و فراوری و انتقال گاز به ارزش تقریبی ۱۷ میلیارد دلار، با واگذاری بهره‌برداری آن‌ها به مردم یا شرکت‌های خدمات انرژی و سرمایه‌گذاران، به صورت مشارکتی.

۳-۴-۱۰- مشارکت بخش خصوصی در توسعه بیش از یکصد لایه مخزنی کشف شده و آماده توسعه، و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در سطح کشور، که هم می‌تواند به شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی با منابع انسانی بزرگ در بخش انرژی منجر شود، و نیز از سویی به اشتغال و افزایش تولید نفت، یاری نماید. قالب قراردادهای می‌تواند به شکل مشارکت یا سهمی از تولید صیانتی نفت تعیین گردد، تا توسعه‌دهندگان در ازای برداشت صیانتی و بهینه، بر اساس منحنی دیپلیشن از بهره‌مندی بیشتری نیز برخوردار گردند. (بند ۲ و ۳ سیاست‌های کلی، ماده ۱۲۹ برنامه پنجم، قانون وزارت نفت).

۳-۵- بخش حمل و نقل

در این بخش مهم‌ترین محور شعار جهاد اقتصادی، تحقق "مدیریت ترکیبی بخش‌های مختلف حمل و نقل، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حمل و نقل دریایی، زمینی، ریلی و هوایی کشور، و کاهش میزان مرگ و میر در حوادث، و بهبود راندمان انرژی در کشور" می‌باشد.

۳-۵-۱- ابعاد اقتصادی بخش حمل و نقل

بخش حمل و نقل به عنوان اصلی‌ترین شاخص سنجش رشد اقتصادی، نقش مهمی در تحقق جهش اقتصادی دارد. حمل و نقل از سه جنبه در تحقق رشد اقتصادی موثر است:

الف) حمل و نقل به عنوان یکی از نیازهای اولیه کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی، با جابجایی مواد خام از مبادی اولیه به محل تولید، و نیز رساندن محصولات تولیدی به بازارهای میانی و نهایی، به تحقق بهینه امر تولید در کشور یاری می‌رساند. بهره‌وری بالا و پویایی این بخش موجب بهبود فضای تولید، و کسب و کار گردیده و زمینه رشد تولیدات داخلی را فراهم می‌سازد.

ب) حمل و نقل به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های خدمات، حدود ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد، و از این رو خود، صنعتی مولد و حیاتی در اقتصاد محسوب می‌شود.

ج) حمل و نقل همچنین به عنوان یکی از زیرساخت‌های حیاتی صنعت گردشگری به شمار می‌آید. ایجاد زیرساخت‌ها و سامانه‌های حمل و نقل مناسب، یکی از پیش‌نیازهای اساسی رشد گردشگری محسوب می‌گردد، که به عنوان صنعتی مادر و درآمدزا، قادر است نقشی اساسی در رشد اقتصادی ایفا نماید.

۳-۵-۲- اقدامات پیشنهادی در بخش حمل و نقل:

برخی از مصادیق جهاد اقتصادی برای هر یک از زیر بخش‌های حمل و نقل اعم از:

- حمل و نقل هوایی،
- حمل و نقل دریایی،
- حمل و نقل ریلی،

- حمل و نقل جاده ای،
- حمل و نقل شهری،
- شامل موارد زیر است:

۱-۲-۵-۳- اقدامات پیشنهادی در زیربخش حمل و نقل هوایی:

- استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی حمل‌ونقل هوایی بازرگانی کشور،
- افزایش حمل‌ونقل مسافران داخلی و خارجی،
- جذب مسافر و بار ترانزیت منطقه خلیج فارس،
- افزایش بازار پروازهای عبوری،
- توسعه پروازها به مناطق غیربرخوردار،
- ارتقاء بهره‌وری فرودگاه‌های زیان ده و غیرتجاری کشور،
- ارتقاء توان مهندسی تعمیرات و نگهداری هواپیما،
- توسعه صنعت گردشگری و توریسم،
- توسعه فرصت‌های شغلی حمل‌ونقل هوایی،

۲-۲-۵-۳- اقدامات پیشنهادی در زیربخش حمل و نقل ریلی:

- توسعه، تکمیل و نوسازی شبکه خطوط راه آهن کشور،
- افزایش و بهبود خدمات، و ارتقا سطح بهره‌وری،
- افزایش حمل‌ونقل مسافر و تناژ بار ریلی داخلی و بین‌المللی،
- افزایش سهم راه آهن از حمل و نقل بارهای بنادر،
- توسعه و نوسازی ناوگان ریلی،
- حمایت از شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی و اقتصادی شدن سرمایه‌گذاری در ناوگان و زیرساخت‌های راه آهن،
- واگذاری تصدی‌های غیر ضرور و استفاده حداکثری از مشارکت بخش غیردولتی در توسعه حمل و نقل ریلی،

۳-۲-۵-۳- اقدامات پیشنهادی در زیربخش حمل و نقل دریایی:

- استفاده بهینه از فرصت‌های تجاری حمل و نقل دریایی کشور
- افزایش عملکرد ناوگان ملی و ملکی ایرانی در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی حمل و نقل دریایی کالاهای تجاری و مواد هیدروکربنی
- افزایش ترانزیت غیر لوله‌ای
- جذب سهم ترانشیپ دریایی کالا در منطقه
- توسعه حمل و نقل دریایی مسافر
- افزایش سهم شرکت‌های خدمات دریایی ایرانی در بازار خدمات ساحلی و فراساحلی
- افزایش ظرفیت ناوگان تجاری و نفتی
- حمایت از بخش غیر دولتی و افزایش انگیزه خرید شناورها
- اقتصادی شدن سرمایه‌گذاری در ناوگان دریایی کشور و حمایت از مالکان کشتی‌های ایرانی

۴-۲-۵-۳- اقدامات پیشنهادی در زیربخش حمل و نقل شهری:

- جلوگیری از گسترش بیرویه شهرها
- حمایت از توسعه شهرک‌های اقماری
- ارتقاء ایمنی و کاهش میزان تصادفات
- کاهش آلودگی هوا و آلاینده‌های شنیداری
- برنامه ریزی و آینده‌نگری جهت توسعه ناوگان حمل و نقل همگانی
- صرفه‌جویی در مصرف سوخت
- تحقق اهداف مندرج در قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، از جمله سهم ۱۰ درصدی حمل و نقل ریلی از حمل و نقل عمومی، در شهرهای بزرگ، و تحقق سهم ۳۰ درصدی حمل و نقل ریلی از حمل و نقل عمومی در شهر تهران
- ساماندهی و یکپارچه‌سازی سیستم‌های حمل و نقل مسافر، و بار، با تاکید بر استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی
- توسعه وسایل نقلیه سبز (هماهنگ با محیط زیست) و محدود نمودن وسایل نقلیه آلاینده

۵-۲-۳- اقدامات پیشنهادی در زیربخش حمل و نقل جاده‌ای:

- استفاده بهینه از موقعیت جغرافیایی استراتژیک کشور در کریدورهای ترانزیتی و افزایش سهم ناوگان حمل و نقل بین‌المللی
- نوسازی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای کشور
- تقویت و توسعه زیر ساخت‌های کشور در بخش حمل و نقل، و توسعه آزاد راه‌ها و بزرگ راه‌ها، با اولویت شبکه ملی و ترانزیتی، و نگهداری از این زیر ساخت‌ها مطابق با استانداردهای جهانی
- بستر سازی جهت رقابت پذیر کردن فعالیت‌های حمل و نقل، با توجه به مزیت‌های نسبی در زنجیره‌ی ارزش و خدمات لجستیک حمل و نقل
- افزایش ایمنی سفر و کاهش تصادفات جاده‌ای و همچنین ارتقای سلامت و بهبود کیفیت مسافرت‌ها
- روان سازی ترافیک جاده‌ها، صرفه جویی در میزان مصرف سوخت، افزایش کیفیت و ایمنی شبکه راه‌های کشور و کاهش تعداد کشته‌ها
- افزایش حجم ترانزیت کالا از قلمرو کشور

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

- روش‌ها و تمهیداتی که تاکنون برای حل مشکلات اقتصادی کشور اندیشیده شده‌اند؛ به شکلی بنیادین چاره‌گر دردهای اقتصاد ایران نبوده‌اند. اهم دلایل عدم پیشرفت اقتصادی کشور را می‌توان در موارد زیر جست و جو نمود:
- ۱- اشکالات ساختاری در نظام اداره کشور، حجیم بودن اندازه دولت و دخالت متصدیان فراوان در امور مختلف
 - ۲- عدم تطابق و همسویی سیاست‌های بازرگانی کشور با سیاست‌های تولید
 - ۳- نقش اندک بخش خصوصی در اقتصاد
 - ۴- دستوری اداره کردن ساختار پولی کشور، به‌جای بهره‌گیری از ساز و کارهای اقتصادی
 - ۵- فقدان برنامه‌ریزی مناسب، به‌دلیل عدم ارائه آمار و اطلاعات دقیق از میزان نرخ

رشد اقتصادی، نرخ تورم و میزان بیکاری

با توجه به آنچه آمد می‌توان گفت جهت تحقق طرح جهاد اقتصادی در سال ۱۳۹۰ و تداوم آن طی سال‌های آینده، بایستی به ارزش‌ها و الزامات حاکم بر این مفهوم عنایت داشت، که می‌توان با توجه به شرایط فعلی کشور به مولفه‌های زیر اشاره نمود:

- افزایش ضریب خود اتمکایی در جامعه
 - مدیریت زمان و سرعت بخشیدن به کارها
 - اصلاح الگوی مصرف
 - تقدس بخشیدن به کار و تولید ثروت
 - بهبود شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی و ...)
 - کارآمد کردن دولت (قوای سه‌گانه)
 - برنامه ریزی صحیح و نظارت بر اجرای برنامه‌ها
 - عمومی سازی اقتصاد (مردمی سازی اقتصاد)،
 - تخصیص بهینه منابع
 - انسجام و وحدت ملی (عزم و اراده ملی)
 - فرهنگ سازی در جهت خدا باوری، و اعتماد و خوش بینی نسبت به یکدیگر
 - سرعت بخشیدن به حرکت کشور در راستای کسب جایگاه مطلوب بین کشورهای منطقه
 - ترجیح منافع ملی به منافع فردی و جناحی
- در این راستا بایستی ساختار اقتصادی متناسب با شرایط کشور بازتعریف شود، و ثبات اجرای سیاست‌ها در دولت‌های مختلف تداوم یافته و نهایتاً اهداف زیر به‌عنوان اهداف جهاد اقتصادی محقق گردد:
- ۱- ایجاد رشد اقتصادی پایدار در کشور
 - ۲- تحقق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه
 - ۳- جبران عقب‌ماندگی‌ها نسبت به سند چشم‌انداز
 - ۴- توجه به اولویت‌های اساسی اقتصادی ملی

- ۵- افزایش تولید و کاهش مصارف غیر ضرور
- ۶- مدیریت بهینه منابع
- ۷- رعایت مولفه های هزینه - فایده در تمام فعالیت های اقتصادی (خرد و کلان)
- ۸- آزادسازی اقتصادی و برقراری نظام عرضه و تقاضا، ضمن ایجاد نظام اقتصاد رقابتی
- ۹- بسیج پتانسیل های مردم در فعالیت های اقتصادی
- ۱۰- اتخاذ سیاست های پولی و مالی مناسب
- ۱۱- اخذ فناوری های پیشرفته و بومی کردن تولید
- ۱۲- رفع نقایص نظام بانکی و کاهش نرخ سود با سازوکارهای اقتصادی، به منظور توسعه و ارتقا ظرفیت کارآفرینی کشور
- ۱۳- بکارگیری سیاست های مالیاتی متناسب با وضع فعلی اقتصاد کشور
- ۱۴- تثبیت هدفمندی یارانه ها همراه با رضایتمندی اجتماعی
- ۱۵- اتخاذ سیاست های توسعه متوازن در تمامی بخش ها
- ۱۶- مبارزه با دشمن در حوزه اقتصادی در راستای شکستن تحریم ها
- ۱۷- تقویت روحیه ایثار، اخوت و برادری در پیشبرد امور

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم،
- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی
- اسناد برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی
- ترازنامه هیدروکربوری کشور سال ۱۳۸۷، وزارت نفت
- ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۷، وزارت نیرو
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
- آمار و اطلاعات دفتر اقتصاد کلان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری
- مشروح مذاکرات و جلسات کمیته های تخصصی کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی

معرفی و ارزیابی کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی

دکتر وحید شقاقی شهری^۱

چکیده

کتاب **رویارویی سوم و جهاد اقتصادی**، با محوریت مسائل اخیر کشور به نگارش در آمده است، و سیر رویارویی و هجمه‌ها علیه جمهوری اسلامی را با گذار از دوران انقلاب، و سپس جنگ تحمیلی، در جبهه رویارویی اقتصادی رصد نموده، و در صدد تبیین این رویارویی و ضرورت جهاد اقتصادی جهت مقابله با توطئه‌ها و تحریم‌های دشمن در این جبهه است. بخش اول کتاب تحت عنوان چرایی جهاد اقتصادی؛ در قالب چهار فصل که به ترتیب عبارتند از: بیداری ایرانیان و انقلاب اسلامی، بیداری دوم و انقلاب دفاعی، اصلاحات اقتصادی و انقلاب اقتصادی تنظیم شده است. بخش دوم کتاب در سه فصل، به سابقه رویارویی غرب با انقلاب اسلامی، رویارویی سوم و تشکیل مجدد جبهه انقلاب اسلامی در مواجهه با غرب، پرداخته است. در بخش سوم مولف به برنامه‌های توسعه در دولت‌های پس از انقلاب اشاره نموده؛ و اهداف و موانع پیشرفت اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و به الزامات تحقق جهاد اقتصادی اشاره نموده است. از مهم‌ترین نقد‌های وارد بر کتاب عدم بررسی مبانی حاکم بر برنامه‌های توسعه در دولت‌های پس از انقلاب و نیز ارائه برخی راهکارهای شعارگونه است

واژگان کلیدی:

جهاد اقتصادی، بیداری سوم، تحریم‌های اقتصادی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

۱ - استادیار دانشکده علوم اقتصادی تهران

مقدمه

با عنایت به گسترش ابعاد هجمه‌ها و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری جهت مقابله با تهدیدات صورت گرفته، طی سالهای اخیر نامگذاری سال‌ها را با محوریت اقتصاد انتخاب نموده‌اند؛ به گونه‌ای که از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ به ترتیب سال‌ها تحت عناوین نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نامگذاری شده‌اند. این عناوین نشانگر محوریت مباحث اقتصادی بوده است؛ چرا که معظم‌له پیش‌بینی نموده‌اند که فشارهای بین‌المللی عمدتاً بر حوزه اقتصاد متمرکز خواهد بود. شواهد و قراین حاکی است این پیش‌بینی‌ها مسجل گردیده، و تحریم‌های اقتصادی در ابعاد مختلف، بر کشور تحمیل شده و در حال گسترش است.

در برهه کنونی کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی، با محوریت مسائل اخیر کشور به نگارش در آمده است، و سیر رویارویی و هجمه‌ها علیه جمهوری اسلامی را با گذار از دوران انقلاب، و سپس جنگ تحمیلی، در جبهه رویارویی اقتصادی رصد نموده، و در صدد تبیین این رویارویی و ضرورت جهاد اقتصادی جهت مقابله با توطئه‌ها و تحریم‌های دشمن در این جبهه است. کتاب در قالب پنج بخش و شانزده فصل، به انضمام معرفی و تشریح مبانی الگوی جامع توسعه اقتصادی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) تنظیم گردیده است.

هدف مقاله حاضر معرفی اجمالی و ارزیابی مطالب مندرج در کتاب است. بدین منظور ابتدا فصول شانزده‌گانه، معرفی، و سپس از زاویه نگاه ناظر، نقد می‌شود. در پایان جمع‌بندی از مجموع مباحث کتاب، به همراه پیشنهادات برای ویرایش‌های بعدی ارائه گردیده است.

معرفی و ارزیابی مباحث کتاب

معرفی بخش اول:

این بخش تحت عنوان چرایی جهاد اقتصادی؛ در قالب چهار فصل که به ترتیب عبارتند از: بیداری ایرانیان و انقلاب اسلامی، بیداری دوم و انقلاب دفاعی، اصلاحات اقتصادی و انقلاب اقتصادی تنظیم شده است.

در این بخش ضرورت‌های تحول اقتصادی و فرهنگی کشور، و نیز ضرورت جهاد اقتصادی تبیین گردیده است. در ادامه به سه دوره بیداری ملت ایران اشاره شده است؛ بدین ترتیب که از بیداری اول با عنوان بیداری ملت ایران برای سرنگونی نظام شاهنشاهی، از بیداری دوم با عنوان بیداری ملت برای رویارویی با جنگ تحمیلی، و از بیداری سوم که بایستی با هدف تحقق ظرفیت های ملت در راستای پیشرفت و رفاه جامعه محقق گردد؛ با عنوان بیداری اقتصادی، یا به عبارت دیگر جهاد اقتصادی نام برده شده است.

فصل سوم که در راستای تحقق بیداری سوم تدوین گردیده، در باب اصلاحات اقتصادی است. با گذار از بیداری ملت ایران برای سرنگونی نظام شاهنشاهی، و مقابله با جنگ تحمیلی، بیداری سوم برای پیشرفت و رونق اقتصادی آغاز گردیده؛ که ضروریست این حرکت، با اتخاذ اصلاحات اقتصادی بایسته، به صورت جدی پیگیری و محقق شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ایران دو دوره تحولات اقتصادی را پشت سر نهاده است. در دهه اول انقلاب، جهت گیری ساختار اقتصاد کشور، به سوی اقتصاد دولتی بوده و مسئله خودکفایی تبلیغ و تشویق شده است. مشخصه های بارز این دهه، غلبه اقتصاد دولتی و زندگی کوپنی است. پس از پایان جنگ تحمیلی، ضرورت بازسازی ویرانی های جنگ، به اولویت اول کشور مبدل شد، لذا برنامه اول تا سوم توسعه، با هدف اصلاحات اقتصادی، در دوره دوم طراحی و اجرا گردید. در این دوره دولتهای وقت، اقتصاد کشور را به سوی اقتصاد آزاد سوق داده اند. دولت نهم و دهم نیز پیگیر نوعی اصلاحات اقتصادی از نوع دولتی با محوریت عدالت، بوده است.

مولف، الگوهای اقتصادی کشور در دولت های پس از انقلاب را، تحت عنوان اقدامات (زیگزاگی) معرفی نموده است؛ چرا که از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و سرمایه داری، تغییر فاز داده و سپس به اقتصاد دولتی بازگشته اند. به همین دلیل نیز رهبر انقلاب بر تدوین یک الگوی اقتصادی جامع تاکید نموده اند. مولف در ادامه، تجدیدنظر در گفتمان و ارزشهای انقلاب و روشهای جهادی، و نیز محدود

و کوچک شدن خیمه انقلاب را از انحرافات دولت آقای هاشمی ذکر نموده‌اند. همچنین مماشات و تساهل نسبت به غرب، از اصول حاکم بر دولت‌های آقای هاشمی و خاتمی عنوان شده است. نکته قابل تامل آنست که این تساهل و مماشات، سودی عاید جمهوری اسلامی نکرد؛ بطوریکه عدم الحاق به سازمان تجارت جهانی و تزییقات در مساله هسته ای و سایر تحریم‌ها را در پی داشته است.

فصل چهارم تحت عنوان انقلاب اقتصادی تدوین شده است. ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴، آغاز تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اجرای هدفمندی یارانه‌ها، و سیاست‌های سرمایه‌گذاری و آمایش سرزمین، از اهم محورهای این انقلاب برشمرده شده‌اند. تحقق توأمان پیشرفت اقتصادی و عدالت در بعد داخلی، و گسترش نفوذ و ارتباطات ایران با کشورهای منطقه در بعد خارجی، به عنوان هدف سیاستگذاری‌های کشور در آستانه انقلاب جدید معرفی شده است.

نقد و ارزیابی بخش اول:

در فصل سوم این بخش از کتاب که در باب اصلاحات اقتصادی است، به مبانی و الگوی مفهومی اصلاحات اقتصادی دولت آقای هاشمی اشاره نشده است. به نظر می‌رسد مناسب است که اصول حاکم بر ساختار اقتصاد کشور، در طی برنامه اول و دوم توسعه تشریح گردد. استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی این دو برنامه تبیین، و نقاط ضعف و قوت آنها بصورت علمی مورد نقد قرار گیرد. در این راستا شایسته است که مبانی اصلاحات اقتصادی برنامه‌های اول و دوم توسعه، علل اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی، نحوه و دلایل جهت‌گیری به سمت اقتصاد آزاد و خصوصی؛ مولفه‌ها و نتایج مثبت و منفی تصمیمات اقتصادی، و دلایل موفقیت و شکست این سیاست‌های اقتصادی تبیین گردد؛ تا امکان جمع‌بندی از نتایج و تبعات اصلاحات اقتصادی این دو برنامه توسعه فراهم آید. به نظر می‌رسد چنانچه ارزیابی اصلاحات اقتصادی این دو برنامه، باتبیین مبانی، چرایی و تشریح سیاست‌های اقتصادی حاکم بر آنها، همراه گردد، خواننده را در درک صحیح مسایل این دوران یاری خواهد نمود.

در زمینه برنامه‌های دوم و سوم نیز به مبانی، تفکرات و الگوهای اقتصادی حاکم بر آنها اشاره نشده است. و این سوال مطرح می‌گردد که آیا اصول حاکم بر برنامه‌های اول تا چهارم توسعه یکسان بوده است؛ یا تفاوت‌های ماهوی میان این برنامه‌ها وجود داشته است؟ درضمن به اصلاحات اقتصادی که در دولت آقای خاتمی انجام شده، اشاره ای نگردیده، و صرفاً به ذکر اصلاحات فرهنگی بسنده شده است.

مناسب است مرتبط با هر یک از برنامه های توسعه، مبانی و تفکرات حاکم بر آن تبیین گردد. همچنین، هیچگونه اشاره ای به اصلاحات اقتصادی دولت نهم و دهم نشده است. شایسته بود برخی از مهمترین اصلاحات و سیاست های اقتصادی برجسته و مهم هر دولت معرفی، و اساس تفکرات اقتصادی دولت ها تحلیل می شد. به عنوان مثال سیاست های تعدیل اقتصادی، سیاست های خصوصی سازی، هدفمندی یارانه ها، بنگاه های زودبازده و سایر طرح های اقتصادی مهم، فارغ از نتایج مثبت و منفی هر برنامه، تحلیل می گردید.

معرفی بخش دوم:

بخش دوم کتاب در سه فصل، به سابقه رویارویی غرب با انقلاب اسلامی، رویارویی سوم و تشکیل مجدد جبهه انقلاب اسلامی در مواجهه با غرب، پرداخته است. در فصل پنجم این بخش، سابقه تاریخی اقدامات متقابل ایران و آمریکا مورد اشاره قرار گرفته است. حمایت از شورش های داخلی، کودتا و ترورهای گروهک های مخالف، از جمله اقداماتی است که دشمن از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، با هدف اخلال در روند تثبیت انقلاب انجام داده است. همچنین ممانعت از نفوذ ایران در منطقه، حمایت از عراق در جنگ علیه ایران، طراحی و اجرای برنامه تحریم های شورای امنیت، تهدیدات نظامی برای جلوگیری از پیشرفت ایران در دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴، و حمایت از حوادث سال ۸۸، از مهمترین محورهای این تقابل تاریخی ذکر شده اند. مولف، تهدیدات موج اول را با هدف ممانعت از استقرار و تثبیت جمهوری اسلامی، موج دوم را تهدید استقلال ایران، و موج سوم را در تقابل با پیشرفت و توسعه همه جانبه ملت ایران معرفی نموده است.

مباحث فصل ششم، عمدتاً حول محور رویارویی سوم و پیش زمینه های این رویارویی جدید است. مولف رویارویی با پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، و به عبارت دیگر، مقابله با حرکت جامعه تمدن ساز را، سومین موج تقابل غرب با ایران اسلامی عنوان می نماید. بدین ترتیب زیر سؤال بردن نهاد ولایت فقیه و ارزش های بنیادین انقلاب، امنیتی کردن فضای سیاسی ایران، خدشه دار ساختن مردمسالاری و آزادی های کشور، و تشجیع افکار عمومی بین المللی علیه ایران در مساله حقوق بشر، را از اقدامات ثانویه غرب در راستای تحقق اهداف اصلی خود، معرفی می نماید. مولف تحریم های اقتصادی جدید علیه ایران را کانون تهدیدات قلمداد نموده؛ و هدف غرب را از این تحریم ها؛ افزایش هزینه مبادلات خارجی ایران، و متعاقب آن افزایش قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی، کاهش حجم واردات به ایران، کاهش تولید داخلی و افزایش بیکاری، و زمینه سازی برای

تحریم‌های بیشتر میداند. براین اساس اهداف غرب را در دو فاز اهداف کوتاه مدت؛ نظیر کمبود کالا، افزایش تورم و بیکاری، و اهداف بلندمدت؛ یعنی ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت اقتصادی کشور و ممانعت از مبدل شدن اقتصاد ایران به اقتصاد برتر منطقه معرفی می نماید.

در فصل هفتم به تشکیل مجدد جبهه انقلاب اسلامی پرداخته شده است. مولف در این فصل ضمن مرور سابقه جبهه انقلاب اسلامی؛ علاوه بر جبهه انقلاب اسلامی در سرنگونی رژیم شاه، جبهه دوم انقلاب اسلامی را که تداوم جبهه اول بوده، و نیروهای انقلابی را در جنگ تحمیلی استواری بخشید، معرفی و تبیین می نماید. نگارنده، علت پیروزی انقلاب اسلامی و عدم شکست در جنگ تحمیلی را تشکیل جبهه های انقلابی دانسته؛ و تعمیم و تسری این جبهه را به حوزه سیاست و اقتصاد ضروری می داند. در واقع نظر مولف بر تشکیل جبهه سوم انقلاب در جهت تحقق اهدافی نظیر مقابله با تحریمهای اقتصادی، گسترش نفوذ فرهنگی، علمی و اقتصادی در منطقه؛ بازآفرینی ارزش های انقلابی و اسلامی در میان نسلهای جدید و حمایت از نهضت های اسلامی است. لذا جهت تکوین جبهه سوم انقلاب؛ تشکیل نهادها و سازمان های انقلابی جدید و تلفیق نیروهای انقلابی نسل اول و دوم، با نسل های سوم و چهارم را توصیه می نماید.

نقد و ارزیابی بخش دوم:

علی رغم تایید مطالب این بخش، به نظر می رسد مبانی نظری، راهکارها و الگوی مفهومی جبهه انقلابی سوم، همچنان جای بحث و مذاقه دارد، که نگارنده به تشریح و تبیین آن پرداخته، یا به سرعت از آن ها عبور کرده است. لذا پردازش و تبیین ابعاد، مبانی تئوریک و چگونگی تکوین این جبهه انقلابی که از آن به احیای انقلابی سوم یاد کرده است؛ و نیز پاسخ به این سوال که آیا تشکیل دولت انقلابی می تواند موجبات احیای مجدد جبهه انقلابی سوم را پدیدار سازد، و جایگاه این جبهه در ارکان نظام جمهوری اسلامی چیست؛ ضروریست.

ابهامات فراروی این بحث نیازمند فحص و غور بیشتری است، تا بتوان از مرحله شعار، در راستای عملیاتی کردن مفاهیم، گذار نمود. مطالب این بخش، بیش از آنکه متکفل تبیین مبانی نظری و تئوریک، و الگوی مفهومی، باشد، شعارگونه به نظر می رسد. به همین دلیل در تکمیل این بحث، ضروریست ضمن ارائه تعریف دقیقی از مفهوم جبهه انقلاب سوم، مبانی، اصول، خطوط کلی و نیز جایگاه و الگوی مفهومی جبهه انقلابی تشریح گردد.

معرفی بخش سوم:

در فصل هشتم به تمهیدات راهبردی پیشرفت ملی پرداخته شده است. بدین منظور نگارنده ابتدایه راهکارها و برنامه های اقتصادی در دولت های مختلف اشاره نموده است. راهکار تحولی در دوران آقای موسوی، تحول در مالکیت ذکر گردیده، که در آن اقتصاد دولتی بر خصوصی ترجیح داده شد. مهمترین دستاورد این دوران جلوگیری از تاثیرات جنگ در اقتصاد معیشتی مردم عنوان شده است.

برنامه دولت آقای هاشمی، تحول در زیربنای اقتصادی ذکر گردیده؛ که در قالب ساخت سدها، جاده ها و بزرگراه ها، توسعه کمی دانشگاه ها و سرمایه گذاری در بهره برداری از تولید گاز تبلور یافت. با این حال افزایش تورم و مغفول ماندن مولفه عدالت، و فشار بر معیشت مردم از جمله ایرادات این دوران مطرح شده است.

برنامه دولت آقای خاتمی از نگاه مولف کتاب، تحول سیاسی ذکر گردیده؛ البته جهت گیری اقتصادی دولت آقای هاشمی در این دوران نیز تداوم یافته است. تشکیل حساب ذخیره ارزی، سیاست تعدیل در بازارهای مالی و سرمایه، مالیات ها و مخارج دولت از دیگر راهکارهای اقتصادی دولت عنوان شده است.

برنامه تحولی دولت نهم و دهم، عدالت محور بوده است. مولف، قوت گرفتن اقتصاد دولتی و تلاش برای شکل گیری اقتصاد مردمی و نیز اجرای طرح هدفمندی یارانه ها را از دیگر رهیافت های اقتصادی این دولت عنوان نموده؛ و نیز عدم بهره گیری از درآمدهای سرشار نفتی و تنزل رشد اقتصادی کشور به زیر سه درصد، از نکات منفی در کارنامه اقتصادی دولت وقت، معرفی شده است.

در ادامه مولف کتاب راهکارهای باقی مانده را راهکارهای زیرساختی یا نهادی مبتنی بر ایجاد و توسعه نهادهای علمی، پولی و سرمایه ای، قوانین و مقررات، و مالکیت های فکری و مادی؛ راهکار الگوی پیشرفت و زندگی برپایه کسب و کارها و اقتصاد دانایی محور؛ و راهکار راهبرد بومی پیشرفت ذکر نموده است.

فصل نهم به اهداف و موانع پیشرفت اقتصادی می پردازد. مولف، رفع فقر، بیکاری و عقب ماندگی ها را منوط به ارتقاء سطح رشد اقتصادی به بیش از هشت درصد و توانمندسازی مردم در اداره زندگی میداند. در این راستا تصویب سند چشم انداز، سیاست های کلی اصل ۴۴، طرح هدفمندی یارانه ها و سیاست های آمایش سرزمین در جهت حرکت نرم افزاری، و بسترسازی نظری و قانونی، در راستای تحول اقتصادی در کشور معرفی شده اند. از نظر نگارنده ی کتاب، تحقق سند چشم انداز، نیازمند جهش اقتصادی است، که این امر مستلزم رشد اقتصادی هشت درصدی،

رشد بهره‌وری، اشتغال کامل و مولد، برقراری عدالت، توانمندسازی مردم در سرمایه‌گذاری و تولید، و تشکیل یک واحد اقتصادی قدرتمند در منطقه است. همچنین موانع جهش اقتصادی را در سه بخش موانع داخلی، نظیر عقب ماندگی دویست ساله ایران در دوران قاجار و پهلوی، مزمّن بودن تورم و بیکاری طی پنجاه سال اخیر و وابستگی به اقتصاد نفتی و فروش ثروت ملی؛ و موانع خارجی، نظیر تحریم‌های اقتصادی غرب و عدم عضویت در سازمان جهانی تجارت؛ و موانع فرهنگی، مانند روحیه مصرفی، نگاه منفی به ثروت و سرمایه، تبیین نموده است.

فصل دهم کتاب اوضاع اقتصادی کشور را در دو قسمت (۱) تحولات اقتصادی اخیر کشور، همچون هدفمندی یارانه‌ها، تحریم‌های اقتصادی، رکود اقتصادی، خشکسالی و واردات؛ (۲) برنامه اقتصادی، بصورت خلاصه به تصویر کشیده؛ و در پایان نیز به شکلی اجمالی به حوادث جهان نظیر تحولات خاورمیانه می‌پردازد.

جهاد اقتصادی و ارائه تعاریف مختلف از این مفهوم، به همراه نحوه‌ی حرکت به سوی جهاد اقتصادی و روش‌های مختلف تحقق این امر نیز اهم مطالب فصل یازدهم را شامل می‌شوند.

نقد و ارزیابی بخش سوم:

ضعیفترین قسمت این بخش، فصل دهم آن، یعنی ارائه تصویری از اوضاع اقتصادی کشور است. به نظر می‌رسد ضروریست نگارنده اوضاع اقتصادی کشور را با ارائه اعداد و ارقام برای شاخص‌های کلیدی اقتصادی، به تصویر کشد، و نقاط ضعف و قوت را مورد تحلیل کمی، کیفی و تعلیلی قرار دهد. تبیین اجمالی اهداف و نتایج برنامه‌های توسعه در کشور و تحلیلی همه جانبه از برنامه‌ها، ارزشمند و راه‌گشا است.

تبیین حوادث و رخداد‌های مهم اقتصادی جهان نیز نیازمند تکمیل است. مروری بر تحولات اقتصادی درجهان نظیر تحولات شگرف کشورهای آسیای جنوب شرقی، و نیز هند و چین، بحران‌های اقتصادی، افول و ظهور برخی قدرتهای اقتصادی، تجربیات کشورهای موفق، مفید خواهد بود. همچنین نگاهی به چشم انداز تحولات آینده اقتصادی، همچون اقتصاد دانش بنیان و گذر از عصر صنعت به عصر دانش، و رشد شتابان اقتصاد زیست پایه و فناوری‌های زیستی و تغییرات شگرف در مقوله‌های اقتصادی می‌تواند بر غنای این بخش بیافزاید.

معرفی بخش چهارم:

در این بخش راهکارهای اجرایی کردن طرح جهاد اقتصادی، در قالب دو فصل با عناوین اهداف عملیاتی جهاد اقتصادی، و کسب و کارهای انقلابی آورده شده است. فصل دوازدهم کتاب ضمن مروری بر اهداف عملیاتی جهاد اقتصادی نظیر شتاب دادن به پیشرفت کشور و بهبود آشکار زندگی مردم، بازتولید ارزشهای انقلاب، گسترش ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و علمی با ملت های منطقه و جهان اسلام، به ارائه راهکارها می پردازد. مولف ضرورت تغییر در روش اداره کشور و لزوم واسپاری اداره زندگی به مردم، و نیز ضرورت دخالت رهبری در امور کشور با هدف تغییر ساختار مدیریتی و حکومتی، در جهت بسیج حداکثری نخبگان و مردم برای اداره کشور را از جمله راهکارهای جهاد اقتصادی می داند.

در فصل سیزدهم کتاب، به تبیین کسب و کارهای انقلابی پرداخته شده است. بدین منظور جوانان به عنوان پیشگامان کسب و کار انقلابی معرفی شده و دو نوع برنامه اقتصادی و فرهنگی برای تحقق کسب و کار انقلابی پیشنهاد شده است. مولف برنامه اقتصادی پیشگامی را شامل نوآوری و خلاقیت، افزایش استانداردهای محیط کار، ایجاد نظام یادگیری از همدیگر و انجام کار گروهی معرفی می نماید. همچنین در بعد فرهنگی، اهتمام جدی به مساله جهاد اقتصادی، الگو قراردادن زندگی بر پایه آموزه های اسلامی، و کشف و اجرای الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را پیشنهاد نموده، و نیز طرحی را با عنوان طرح ایثار، برای تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری تشریح می نماید.

نقد و ارزیابی بخش چهارم:

به نظر می رسد جهت تحقق جهاد اقتصادی، علاوه بر راهکارهای مورد اشاره مولف، راهکارهای عملیاتی بهینه تری نیز قابل طرح است. لزوم تدوین برنامه برای حرکت به سوی اقتصاد مردمی، نهاد سازی و ایجاد تشکل های لازم، و طرحی برای بهبود نظام بهره وری کشور از جمله این اقدامات هستند. از دیگر راهکارها، می توان به ساماندهی و برنامه ریزی جهت بهره گیری اثربخش و کارآمد از تحصیل کردگان و نوآوران، توسعه و تقویت کسب و کارهای کوچک و متوسط و برنامه ریزی برای هدایت نقدینگی موجود به سمت اقتصاد مولد اشاره نمود.

فصل سیزدهم کتاب با عنوان کسب و کارهای انقلابی نیازمند بازنگری اساسی است. اصولاً برنامه های اقتصادی و فرهنگی به عنوان پیش زمینه های تحقق کسب و کارهای انقلابی؛ به شکل اتوپیایی، شعارگونه و گاهی غیر قابل اجرا مطرح شده اند. همچنین به نظر می رسد طرح ایثار نیز طرحی آرمانی است، و احتمال عملیاتی شدن آن چندان روشن و شفاف نیست.

تقویت و توسعه بازارهای مالی و سرمایه ای، راهکاری عملیاتی است که چنانچه طرح توسعه این بازارها بصورت دقیق اجرایی شود، می تواند نقدینگی مردم را بصورت موثر در جهت اقتصاد مولد سوق داده و نقش سوداگری را در اقتصاد کاهش دهد. تجربه تقویت نهادهای و بازارهای مالی، پولی و سرمایه ای، تجربه ای موفق جهت هدایت نقدینگی موجود مردم است، که آرمانی و شعاری نیز نمی باشد.

معرفی بخش پنجم:

این بخش در سه فصل، به ترتیب به تبیین رابطه اقتصاد و فرهنگ، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، و مبانی نظری و تجربی سیاستهای اصل ۴۴ اشاره نموده است. مولف در فصل چهاردهم به توصیف رابطه اقتصاد و فرهنگ پرداخته است، و بر این امر تاکید نموده که همچنانکه ماکس وبر اخلاق پروتستانی را در ظهور نظام سرمایه داری موثر می داند، نظام مقدس اسلام که در آموزه های غنی آن به بحث اهمیت و تقدس کار، کسب رزق حلال، قناعت و دیگر مفاهیم مرتبط با اقتصاد و معیشت، فراوان اشاره شده، عامل بسیار موثری جهت پیشرفت اقتصاد است. از دیدگاه ایشان در راستای تحقق جهاد اقتصادی ضروریست با فرهنگسازی مناسب و بهره گیری از آموزه های غنی اسلام در حوزه اقتصاد، پیشرفت شتابان محقق گردد.

فصل پانزدهم به تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر مبنای جلسه ای که در سال ۸۹ در محضر رهبر انقلاب و با حضور نخبگان کشور برگزار شد، پرداخته است. در فصل شانزدهم به تشریح مبانی نظری و تجربی سیاست های اصل ۴۴، به عنوان یکی از سیاست های محوری تحقق اهداف سند چشم انداز پرداخته؛ و بدین منظور ابتدا مبانی نظری اصل ۴۴ مبتنی بر نظریه اقتصاد سیاسی - اجتماعی تشریح شده و سپس مطالعات تجربی برخی کشورها، که تجربه خصوصی سازی دارند، ذکر شده است.

نقد و ارزیابی بخش پنجم:

مطالب این بخش از انسجام و هماهنگی برخوردار است. تنها انتقاد وارده، عدم بررسی جامع مطالعات موجود در زمینه تجربیات کشورهای موفق و یا ناموفق در امر خصوصی سازی می باشد. لذا مناسب است در ویرایش های بعدی، تجربه کشورها در دو گروه کشورهای موفق و ناموفق در امر خصوصی سازی، بصورت اجمالی تشریح، و موارد قوت و ضعف آنها مطالعه و با اقتصاد کشور بومی سازی شود، تا در نهایت امکان پیشنهاد کاربردی برای حسن اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، به عنوان مبنای اساسی و کلیدی جهاد اقتصادی و چشم انداز بیست ساله نظام فراهم آید.

جمع بندی

مقارن با رهنمودات مقام معظم رهبری در راستای تحقق جهاد اقتصادی، کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی، که حاصل تجربیات علمی و اجرایی مولف است؛ تهیه گردیده که مطالب ارزشمندی را به خوانندگان اثر منعکس میسازد. طبیعتاً هر اثری از زوایای مختلف قابل نقد و بررسی است. هدف مقاله حاضر معرفی و ارزیابی انتقادی این اثر ارزشمند است؛ همچنین سعی گردید نظرات و پیشنهادهای برای افزایش غنای مطالب ارائه شود.

به نظر می رسد برخی از فصول کتاب قابلیت جابجایی، یا تکمیل و تصحیح دارند. اصولاً تبیین سیاست ها و اصلاحات اقتصادی دولت های پس از انقلاب و اقدامات آنان، فارغ از درک شرایط و موقعیت خاص هر یک از آن ها، ممکن نیست. شرایط و بازه ی زمانی هر دولت برای انجام اصلاحات اقتصادی متفاوت است. شرایط دوران جنگ تحمیلی با دوران پس از جنگ، قابل مقایسه نیست.

طی سال های اخیر شاهد نوسانات شدید، و افت و خیز قیمت های بین المللی نفت بوده ایم، به گونه ای که قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۳۷۷ به شدت کاهش یافت؛ که بازتاب آن کاهش شدید درآمدهای نفتی دولت و منابع ارزی کشور بوده است. در مقابل، طی سال های برنامه چهارم توسعه، درآمدهای ارزی نفت رشد قابل توجهی داشته است. بدیهی است که ساختار اقتصاد و تامین بودجه کشور که عمدتاً وابسته به منابع ارزی حاصل از صدور نفت بوده، بر سیاست ها و اصلاحات اقتصادی تاثیرگذار می باشد. در مجموع تحلیل عملکرد اقتصادی برنامه های توسعه و دولت ها، فارغ از رخدادها و شرایط کشور قابل مقایسه نیست؛ و نمی توان بدون در نظر داشتن این مولفه ها، دو برنامه توسعه را از حیث عملکرد و اصلاحات اقتصادی بایکدیگر مقایسه نمود.

از سوی دیگر جهت افزایش غنای تحلیل ها، می توان از طرح ها و برنامه های کلان و تاثیرگذار اقتصادی که در هر دولت صورت اجرایی یافته، نمایی کلی بدست داد. مولف برای برخی دولت ها به اصلاحات، سیاستها و طرح های کلان اقتصادی اشاره نموده، اما این رویه را برای همه دولت های پس از انقلاب دنبال نکرده است، که این امر را به ذهن خواننده متبادر می نماید که دولتی خاص اصلاحات اقتصادی نداشته است، امری که شاید مقرون به صحت نباشد.

مولفه دیگری که توجه به آن غنای بیشتر بحث را موجب خواهد شد، بدست دادن تحلیل جامعی از اوضاع اقتصادی کشور براساس آمارها و اطلاعات کمی و نیز ارائه تحلیل های کیفی و تحلیلی است. چرا که جهت تحقق جهاد اقتصادی، تبیین شاخص ها و حوزه های کلیدی اقتصاد، و تشریح دقیق و شفاف نقاط ضعف و قوت ضروریست.

همچنین ارائه تحلیلی اجمالی از اوضاع اقتصاد بین الملل و منطقه، و رویدادهای مهم اقتصادی و جهت گیری آینده اقتصاد جهان، بر ارزش و غنای اثر خواهد افزود. چشم انداز آینده تحولات اقتصادی جهان شاهد دگرگونی عمیقی از منظر ظهور قدرت های اقتصادی جدید مانند هند و چین، و نیز از منظر مقولات و تحولات نوین نظیر اقتصاد زیست پایه، فناوری های زیستی و اقتصاد دانش بنیان است. به نظر می رسد نگرشی تحلیلی بر آینده تحولات اقتصاد جهان، بتواند مسیر و جهت گیری اقتصادی کشور را نیز تحت الشعاع قرار دهد.

نقد دیگر وارد بر این اثر، ارائه برخی دیدگاه ها و طرح های جهاد اقتصادی است که به نظر می رسد قابلیت اجرا و عملیاتی شدن ندارند. بدین ترتیب برخی از دیدگاه های ارائه شده جنبه اتوپیایی و شعارگونه دارند. در مقابل این طرح ها، تجربه کشورهای موفق، به عنوان جایگزین های مناسب باید مد نظر قرار گیرند، از جمله تقویت بازار سرمایه، به عنوان جایگزین طرح ایثار و نظایر آن. به نظر می رسد سیاست های کلی اصل ۴۴ مهمترین سیاست کلی برای تحقق اهداف سند چشم انداز و اقتصاد مردم پایه است، که چنانچه دقیق و درست اجرا گردند، راهکاری مفید و تاثیرگذار می باشد؛ اما انحرافات در اجرای این سیاست ها قابل مشاهده است. نکته حایز توجه آنست که تحلیل عملکرد دولت ها و بررسی رخدادهای اقتصادی همواره قابل مناقشه بوده است؛ و مسایل پشت پرده، مانع بیان کامل واقعیت ها می گردد. در مجموع این اثر ارزشمند قابلیت افزایش غنای محتوایی را در ویرایش های بعدی دارد.